



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

فرمانگاه فرهنگی و هنری



فرمانگاه فرهنگی



جلد دوم

د-ی

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات زبانهای حوزه علمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید احمد سجادی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جلد ۲
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۵۳۹	د
۶۶۸	ذ
۶۷۲	ر
۸۴۰	ز
۸۹۵	س
۱۰۱۱	ش
۱۱۱۰	ص
۱۱۲۹	ض
۱۱۳۳	ط
۱۱۴۳	ظ
۱۱۴۶	ع
۱۲۰۵	غ
۱۲۲۱	ف
۱۳۵۲	ق
۱۳۸۳	ک
۱۴۷۸	گ
۱۵۷۶	درباره مرکز

سرشناسه : سجادی، سیداحمد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه / سیداحمد سجادی، با همکاری جمعی از محققان ؛ پژوهش مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

شابک : ۶۰۰۰۰۰ ریال: دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۷-۹ ؛ ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۴-۸ ؛ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۵-۵ ؛ ج. ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۶-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س)، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : فروست پشت جلد: مجموعه منشورات؛ ۱۲،۱۱

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج. ۱. آ-خ. ج. ۲. د-گ.

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه -- فهرست مطالب

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : ۱/۲۶۷/۱BP/ع ۸ص ۳۰۷۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۳۰۹۲۸

ص: ۱

اشاره

داد عدل

داد و ستد تجارت

دارایی ثروت

سرمایه بخشیدن، به بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَعْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ

سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند و به نعمت خویش، سرمایه مان داد. ۲۰/۱

خدا، دارنده هر مُلک و پادشاهی

أَنْتَ... مَالِكُ الْمُلْكِ

همانا تو صاحب هر ملکی. ۲۱/۶

افزون گرداندن دارایی بنده، با برکت

وَفَزَّ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَهَةِ فِيهِ

دارایی ام را با برکت، افزون ساز. ۲۳/۲۰

عدم گنجایش دارایی بنده، جهت انجام امور واجب

وَ أَقْضِ عَنِّي كَمَلًا مِمَّا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وَجْهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِيَخْلُقَ مِنْ خَلْقِكَ وَ إِن... لَمْ يَسِرْهُ مَالِي وَ لَا ذَاتُ يَدِي

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد. ۶/۲۲

اندیشه دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَن قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن. ۴/۲۷

بسیار نمودن دارایی مسلمانان

اللَّهُمَّ... تَمَرِّ بِهِ أَمْوَالَهُمْ

خداوندا به وسیله آن، ثروت هایشان را بیفزا.

۷/۲۷

کمک به جنگجو یا مرزدار، با دارایی خود

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفِهِ مِنْ مَالِهِ... فَأَجْرٌ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ، وَ عَوَّضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را به پاره ای از دارایی خود یاری داد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش

ص : ۵۳۳

طلب دور شدن دارایی ای با ویژگی های خاص، از بنده

وَ اَزُو عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحَدِّثُ لِي مَخِيلَةً اَوْ تَادِيًا اِلَىٰ بَغْيٍ اَوْ مَا اَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُعْيَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز. ۳/۳۰

دارایی دنیا، وسیله رسیدن به جوار خدا

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً اِلَىٰ جِوَارِكَ، وَ وُضِّلَهُ اِلَىٰ قُرْبِكَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده. ۶/۳۰

خدا، مالک امور بندگان

مَلَكْتَ - يَا اِلٰهِي - اَمْرُهُمْ قَبْلَ اَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند. ۷/۳۷

خالص گرداندن دارایی ها، از مظالم

وَ وَقَفْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُخْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم. ۱۰/۴۴

انفاق کنندگان دارایی، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

خدا، دارنده دارندگان

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... رَبِّ الْأَرْبَابِ

خداوندا سپاس برای توست، دارنده دارندگان. ۲/۴۷

دام

حفظ بندگان، از بدی دام های شیطان

اَكْفِنَا... شَرَّ مَصَايِدِ الشَّيْطَانِ

ما را از شرّ دام های شیطان نگهدار. ۱۰/۵

دام های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

ص : ۵۳۴

خداوندا ما از فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

دام های قصدبدکننده، درباره بنده

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءِّمَنِي مِنْ... مَصَائِدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از دام هایش ایمن

سازی. ۷/۲۳

برپایی دام شکار (بنده)، توسط ستمگر

كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَائِدِهِ

چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و دام های خود را برایم گسترده. ۷/۴۹

درآمدن ستمگر در بند دام خود

وَرَدَدْتُهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبْقِ حَبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن

بیند، درآمد. ۸/۴۹

دانش علم

دانه

داستان دانه ای رویاننده هفت خوشه

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویاننده، که در هر خوشه

صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

۱۳/۴۵

دائمی همیشگی

دخول ورود

درهای علم به ربوبیت خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود. ۱۰/۱

بستن در حاجت، جز به سوی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ

سپاس خدایی را که درِ نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. ۱۹/۱

گشودن در آسایش، به روی بنده

وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ

و ای پروردگار من، به فضل خود در آسایش را به رویم بگشای. ۸/۷

(پناه نداشتن بنده)، جز به درگاه خدا

فَالِي مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبِنَا عَنْكَ؟ وَ إِلَى أَيْنَ مَذْهَبِنَا عَنْ بَابِكَ؟

پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از در خانه تو به کجا رویم؟ ۴/۱۰

ایستادن به در عزت خداوند

وَ اقِفْ بِبَابِ عِزِّكَ وَ قُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ

به درگاه عزت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. ۴/۱۲

گشوده بودن در توبه

سُبْحَانَكَ، لَأَ أَيُّسُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ

پاک و منزهی تو، از تو که در توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم. ۷/۱۲

مرگ، دری از درهای آمرزش الهی

اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ

آن را دری از درهای آمرزش قرار ده. ۴/۴۰

دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای. ۱۰/۴۵

گشودن در و به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟! ۱۱/۴۵

گشایش در (رحمت) الهی، به روی طالبان

بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ

در تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

درهای برای آمدن به سوی خداوند

إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام. ۷۲/۴۷

گشودن درهای توبه، رحمت و روزی بر بنده

اَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ

ص : ۵۳۶

درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای. ۱۳۲/۴۷

دراز طولانی

درب در

درجه مرتبه

درخت

رویاندن درخت ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ

خداوندا ما را با بارانی که درخت ها را به وسیله آن برویانی، سیراب نما. ۵/۱۹

درخت هایی خم شده به انواع میوه ها، در بهشت

و لَوْحٌ مِنْهَا لِلْبَصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان

نمایان ساز. ۴/۲۷

درخشش

درخشش شعله های برق ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحِ الْبَاطِنِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمِعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها

شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد. ۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

اقتداکنندگان به درخشش روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَقْتَدِي بِتَلْجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند. ۷/۴۲

وسيله رستن از آتش دردناك خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناك خداوند آزاد شویم. ۱۵/۱ و ۱۰/۱

دچار ساختن دشمن، به بیماری دردناك

أَصَابُهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السُّقْمِ الْأَلِيمِ

آنان را دچار گرسنگی دائم و بیماری دردناك گردان. ۲۷/۱۲

ترس ستمگران، از قهرهای دردناک خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد. ۲۲/۳۱

آتشی با آسایشی دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... هَيَّئْهَا أَلِيمٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که آسایشش دردناک است. ۲۹/۳۲

کیفر دردناک آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می شود. ۲۹/۳۲ و ۳۰

درد آور بودن فقدان رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ... أَفْجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا

دروید بر تو همنشینی که چون از دست رفت، فقدانش درد آور بود. ۲۶/۴۵

در دل گذراندن

در دل داشتن دوستی محمد صلی الله علیه و آله

مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ

آنها که محبت او را در دل پرورانده اند.

۵/۴

در دل گذراندن اندیشه های بد

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ... خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از اندیشه های بد، قرار ده.

۱۰/۴۲

قرآن، بازدارنده خطور اندیشه های بد

وَ اَحْجُبْ بِهٖ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار. ۱۱/۴۲

توبه کردن از اندیشه بد

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... مِنْ كُلِّ... خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ

خداوندا ما از هر اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

در دل نگذراندن رجوع به گناه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَهُ مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه

ص : ۵۳۸

کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد. ۵۲/۴۵

در دل گذراندن شرّسانی به بنده، توسط دشمن

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ

پس چه بسیار دشمنی که در دل قصدِ آسیب رساندن به من داشت. ۴/۴۹

درگاه

رسوایی در درگاه خدا، به واسطه گناهان

فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبُّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ بِفَنَائِكَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسوایی ماندگار نموده. ۲۳/۳۱

درگاه انتقام الهی

... وَأُخْرِجَنِي إِلَىٰ فَنَاءِ نِقْمَتِكَ طَرِيدًا

... و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت درآورد. ۱۳/۳۲

درمان مداوا

درماندگی بیچارگی و نیز ناتوانی

درمانده نگشتن حاملان عرش، از پرستش خدا

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ... لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ

خداوندان و حاملان عرش که از پرستش درمانده نمی گردند... ۱/۳

قرار دادن قوی ترین توانایی در بنده، هنگام درماندگی او

اجْعَلْ... أَقْوَىٰ قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ

قوی ترین توانایی ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده. ۱۱/۲۰

سبب درمانده گشتن بنده، از بزرگ داشت خدا

وَفَهَّيْنِي الْإِمْسَاكَ عَنْ تَمَجُّدِكَ، وَقُصَارَايَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَةَ - يَا إِلَهِي - بَلْ عَجْزًا

و خودداری (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده، و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. نه از روی بی رغبتی - ای خدای من - بلکه از روی ناتوانی است. ۲۴/۴۶

درنده

در کمین نشستن ستمگر همچون درنده

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَىٰ إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَةِ لِفَرِيَسَتِهِ

ص : ۵۳۹

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی
برای شکار، در کمین من نشست. ۷/۴۹

درنگ مهلت

درود

درود خدا بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ

درود خدا بر او و خاندانش باد.

۱/۲، ۲/۴

اللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ

خداوندا پس بر محمد درود فرست. ۳/۲

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آٰلِهِ

بر محمد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۸، ۱/۱۱، ۱/۵-۶

فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آٰلِهِ

پس بر محمد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵ و ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۱۸/۱۶ و ۲۹، ۱۱/۱۴ و ۱۱/۱۴، ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴، ۳/۳۸، ۱۶/۳۷،
۵/۳۵، ۱/۳۳، ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰ و ۹ و ۴/۳۹ و ۲۷-۱۷/۴۸

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آٰلِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸، ۱۷-۱۳/۶ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۰ و ۹/۵ و ۱۳ و ۸/۱۴ و ۲۱/۱۳، ۱۵/۱۲، ۱/۹، ۱۱-۸ و ۳ و ۱/۲۰، ۱۰ و ۹ و ۵ و ۴/۱۷، ۳۳/۱۶، ۱۰-
۸/۲۱، ۳۰ و ۲۹ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۴-۲۱ و ۱۸ و ۱۴/۲۰ و ۷ و ۲ و ۱/۲۳، ۱۳ و ۱۲ و ۹ و ۸ و ۶ و ۵/۲۲، ۱۳/۲۱، ۳ و ۱/۳۰، ۴-۱/۲۷، ۱/۲۶ و ۴،

۱۴ و ۴ و ۲۴ و ۳ و ۲/۳۶، ۳ و ۲/۳۵، ۳۴ و ۳۲/۳۲، ۳۰ و ۳۱/۲۴ و ۴۳/۶، ۱۴-۹ و ۱/۴۰، ۱/۴۱، ۷/۴۲، ۱/۳۹، ۵۱ و ۴۵/۴۸، ۱۹ و ۱۶-۱۳ و ۸ و ۴۴/۶

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

خداوند! پس بر محمد و خاندانش درود فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۲۳/۶

فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

پس بر محمد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست. ۲۴/۶

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوند! پس بر محمد و خاندانش درود فرست. ۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵، ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ص : ۵۴۰

بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۱۶/۱۲

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَلَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي

بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدتش به پایان نرسد و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده. ۲۴/۱۳

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ...

پس از تو می خواهم به حق خودت و به حق محمد و خاندانش - که دروهای تو بر ایشان باد - ... ۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خدای من بر محمد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست. ۱۹/۴۲، ۲۲/۱۱، ۷/۲۰، ۱۹/۷

۱۶/۴۸، ۴/۵۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۳۰/۲۰

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ

درودهایت بر او و رحمتت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد. ۴/۲۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. ۴/۲۴

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أُوجِبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمد و خاندان او و نسل او درود فرست. ۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا، وَ لَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا كَأَنَّكُمْ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیات ها. درودی که مدتش پایان نپذیرد و شماره اش قطع نگردد.

ص : ۵۴۱

مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیای فرستاده شده. ۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی.

۳۰/۳۱

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَقَدْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی و بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که

روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. ۳۰/۳۱

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا، وَ لَا يُحْصَى عَدَدُهَا، صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَ تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ

السَّمَاءَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. درودی که پشتوانه اش قطع نشود و تعدادش به شمار

درنیاید. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

۳۴/۳۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست هنگامی که نیکوکاران یاد شوند. ۳۴/۳۲

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

بَعْدَ الرِّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حد و نهایی برایش

نیست. ۳۵/۳۲

صَلِّوا تُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

درودهای تو بر او و خاندانش باد. ۲/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجَمَّلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی. ۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَي آلِهِ الْخُرَّانِ لَهُ

پس بر محمد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست. ۶/۴۲

صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَي آلِهِ

درودهای تو بر او و بر خاندانش باد.

۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد،

برسانی. ۲۱/۴۲

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَي آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر

ص : ۵۴۲

او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستد. ۴/۴۳

صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

خدا بر محمد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد. ۷/۴۳

صَلَّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

درودهایت بر او و خاندانش باد. ۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده

ای. ۱۹/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَفْضَلْ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، صِيْلَاهُ تَبْلُغُنَا بِرَكَّتِهَا، وَيُنَالُنَا نَفْعُهَا، وَيُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقرب درود

فرستادی. و بر او و بر خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد و دعای ما به سبب آن مستجاب گردد. ۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُضْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَّوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندان محمد که برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرب داشته شده اند، برترین درودهایت را

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلِّ لِمَا زَاكِيَهُ لَا تُكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيَّ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تُكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيَّ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تُكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درود پیراسته ای که درودی پیراسته تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد. و بر او درود فرست، درود خوشنودکننده ای که درودی بالاتر از آن نباشد. ۵۱/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلِّ لِمَا تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَيَّ رِضَاءَهُ، وَ صَلِّ عَلَيَّ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَيَّ رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيَّ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی و جز او را سزاوار آن نبینی. ۵۲/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالَهَا بِبَقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد و اتصالش به بقای تو پیوند خورد و فانی نشود، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود. ۵۳/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِلَاةً تَنْتَظِمُ صِلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَيَّ صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که دروهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و دروهای بندگانت از جن و انس و اجابت کنندگان دعوت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

۵۴/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صِلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صِلَاةٍ سَالَفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَيَّ كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يُعَدُّهَا غَيْرُكَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد. و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد و با آن دروهای دیگر پدید آوری، که دروهای گذشته را با آن چندین برابر کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند. ۵۵/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی. ۵۷/۴۷

صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد.

۶۳ و ۶۲/۴۷

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خداوند بر محمد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد. ۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ص : ۵۴۴

پس از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد و بر خاندان محمد که نیکوکاران پاکان برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد. ۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست. ۶/۴۸

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۸/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَيَّ أَصْفِيَاثِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیت هایی که بر برگزیدگان: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۱۳/۴۸

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

بر محمد و خاندانش درود فرست و همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما.

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ، وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمد و خاندانش هزار بار درود فرست. ۲۸/۴۸

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۱/۵۴

صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ عَلَيَّ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

درود خدا بر سرور ما، محمد، فرستاده خدا که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد. ۹/۵۴

درود خدا، بر فرشتگان گوناگون

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِكَ... وَ إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش و اسرافیل، صاحب صور، پس بر آنها درود فرست. ۱/۳ و ۲ و ۶

ص : ۵۴۵

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ... وَ مِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش و میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست.

۱/۳ و ۳ و ۶

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ... وَ جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَيَّ وَحَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش و جبرئیل که امین وحی توست، پس بر آنها درود فرست.

۱/۳ و ۴ و ۶

اللَّهُمَّ... وَ الرُّوحَ الَّذِي هُوَ عَلَيَّ مَلَائِكَةُ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحَ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَيَّ رِسَالَاتِكَ

خداوندا و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند.

۱/۳ و ۵ و ۶

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش، پس بر آنها درود فرست. ۱/۳ و ۶

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةَ... الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَ لَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا

تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ، وَ لَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگی زیاد، وامانده و سست نمی گردند، و خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشی غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی

سازد. ۶/۳ و ۷

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةَ... الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسِيَّ تَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَائِكَ، وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيَاءَتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که به آنچه در نزد توست مشتاق بودنشان بسیار است و به ذکر نعمت های تو حریص می باشند، و در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند.

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ يَا عَيْدُنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۶/۳ و ۹

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الزُّلْفَةِ عِنْدَكَ، وَ حَمَالِ الْعَيْبِ إِلَىٰ رُسُلِكَ، وَ الْمُؤْمِنِينَ

عَلَىٰ وَحْيِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و آنها که نزدت مقرّبند، و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند و بر وحی تو امانت دارند. ۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ، وَ أَسَكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای و آنان را به ذکر تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای، و در دل طبقه های آسمان هایت، سکونتشان داده ای.

۱۰/۳ و ۱۱

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایت، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۲

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ... خُزَانَ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از

فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمِعُ زَجْلَ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۴

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ... مُشِيعِي الثَّلْجِ وَ الْبَرْدِ، وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ الْقَوَامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ، وَ الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که همراهی کنندگان برف و تگرگ، و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده باران، و زمامداران بر گنجینه بادها، و گمارده شدگان به کوه ها تا فرونپاشد، می

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مَتَاعِيلَ الْمِيَاهِ، وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجِ الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجِهَا

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از

ص : ۵۴۷

فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده
ای. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۶

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يُنَزَّلُ مِنَ
الْبَلَاءِ وَمَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، که بلائی
ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۷

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَرَةَ، وَالْحَفَظَةَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَمَلَكَ
الْمُوتِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَرُومَانَ فَتَانَ الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكٍ، وَالْخَزَنَةَ، وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجَنَانِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوار نیکوکار و حافظان
گرامی نویسنده (اعمال)، و فرشته مرگ و یارانش و بر منکر و نکیر و رومان آزمایش کننده (مردگان) قبرها و طواف
کنندگان بیت المعمور و مالک و خزانه دار دوزخ و رضوان و کلیددار بهشت ها.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۸

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده،
سریچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۹

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر
شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۰

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالزَّبَانِيَةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَعُلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ.
ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَلَمْ يُنْظَرُوهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود:
او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند. ۲۱ و ۱۱ و ۱۰/۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ... سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ،

ص : ۵۴۸

وَ مَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که ساکنان هوا و زمین و آب اند و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند. ۲۳ و ۲۰ و ۱۱ و ۳/۱۰

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَ بَأَى أَمْرٍ وَ كَلْتَهُ...
...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم. ۲۲ و ۱۱ و ۳/۱۰

درود خدا بر فرشتگان، در روزی که با هر کس گواهیست

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

درود خدا بر فرشتگان و ویژگی این درود

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر

کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید. ۲۵/۳

درود بندگان، به فرشتگان و فرستادگان خدا

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

درود خدا، بر پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و بر همسران و فرزندانشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى أَرْوَاجِهِمْ، وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود

ویژگی های درود خدا، بر تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صِيْلَمَاءَ تَعْصَمَهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُواكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ

ص : ۵۴۹

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری و در باغ های بهشت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حيله شيطان بازداري، و بر خواسته های نيك آنان كمك رساني. ۱۳/۴ و ۱۴

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صِلْمَاهُ... تَبَعْتُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّحَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَزَكِ التُّهْمَةِ فِيمَا تَحْوِيهِ
أَيْدِي الْعِبَادِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی. ۱۳/۴ و ۱۴ و ۱۵

فرستادن درود و رحمت خدا، بر والدین

وَ اخْصِصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامت نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده. ۲/۲۴

درود فرستادن خدا، بر پیامبران و بندگان شایسته اش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان

شایسته ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

درود فرشتگان، انبیا، رسولان، اهل طاعت و همه آفریدگان، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِلْمَاهُ تَنْتِظُمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را فراگیرد و درودهای بندگان از جن و انس و اجابت کنندگان دعوت را شامل شود و درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگان را دربرگیرد. ۵۴/۴۷

درود خدا، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّائِحَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

دروغ

دشمنان و تکذیب پیامبران

ص : ۵۵۰

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند... ۱/۴

اطمینان نمودن به دروغ های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ... مِنَ التَّقَهُ بِأَمَانِيهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

تکذیب دشنام دهنده

هَبْ لِي... تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي

مرا تکذیبی بر آنکه دشنامم داد، ببخش.

۸/۲۰

دروغ گفتن شیطان، در وعده هایش

إِنْ وَعَدْنَا كَذَبْنَا، وَإِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا

اگر ما را وعده دهد، به ما دروغ گوید. و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند. ۷/۲۵

نسبت دادن دروغگویی، به پیامبران

لَا يُنْقِصُ سُلْطَانَكَ مَنْ... كَذَّبَ رُسُلَكَ

کسی که پیامبران را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد. ۳/۵۲

درون

جای دادن فرشتگان، در اندرون طبقات آسمان

وَ أَشَكَّتْهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای. ۱۱/۳

آشکار بودن باطن اخبار، بر خداوند

يَا مَنْ تَطَهَّرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است.

۶/۵

جنین در اندرون مادر

...الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا

...همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی. ۲۴/۳۲

مانعی برای سلامتی ضمیر بندگان

وَ اخْجُبْ بِهٖ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحِّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار. ۱۱/۴۲

درّه

افکندن خود، در درّه های نابودی

ص : ۵۵۱

تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَائِكِ، وَ حَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ

در وادی های هلاکت رفتم و به درّه های نابودی وارد شدم. ۲/۴۹

عذاب الهی، در درّه های هلاکت

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم. ۲/۴۹

درهم پیچیدگی

عامل گشاینده آنچه غفلت آن را درهم پیچیده

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَّتِ الْعُقْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصْفُحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا

قرآن را برای اندیشه در پند گرفتن که فراموشی ما آن را درهم پیچیده، گشاینده گردان.

۱۰/۴۲

دریافت

اوقات فراغت و یافت شدن بنده، در گناه

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهُ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای،

پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. ۲/۱۱

دریافت خوشنودی خدا از بنده، در حال تندرستی

خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ

رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما. ۱/۲۲

دریافتن لذت بهشت و اندوه دوزخ

وَ ارْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى أَجِدَ لَدَّهَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ، وَ كَأَبَهُ مَا أَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ

و ترسِ اندوهِ وعده‌ها (ای عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده‌ها (ای بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذت آنچه را که تو را برای آن می‌خوانم و اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می‌آورم، دریابم.

۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ، وَ شَوْقَ ثَوَابِ الْمُوعُودِ، حَتَّى نَجِدَ لَدَّهَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ، وَ كَأَبَهُ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده و شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می‌خواهیم و اندوه آنچه از آن به تو پناه می‌بریم، دریابیم. ۵۳/۴۵

دریافت آرامش دل

ص : ۵۵۲

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيْرِ يَرِي فِي الشُّكْرِ لِمَكَ... حَتَّى اَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طَمَ اَيْنَهَ النَّفْسِ مِنْي بِمَا يَجِبُ لِمَكَ فِيمَا
يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْاَمْنِ

و هنگامی که در شکر کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به
آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم. ۱۱/۲۲

ادراک حق پدر و مادر

لَا اُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا

آنچه برای ایشان بر من واجب است را در نمی یابم. ۱۱/۲۴

عدم ادراک آنچه خدا از بندگان پوشانده

اَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ... عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ اَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانیدی، دیدگانشان آن را در نمی یافت. ۱۴/۴۵

دریافتن خیر و نیکی خواسته شده

فَأَجْرُنَا عَلَيَّ مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل

درخواست شده را دریابیم. ۴۵/۴۵

دیده ها و درک نکردن جای خداوند

اَنْتَ الَّذِي... لَمْ تُدْرِكِ الْاَبْصَارُ مَوْضِعَ اَيْتِكَ

تویی آنکه دیده ها جا و مکان تو را در نیافتند.

۱۸/۴۷

طلبیدن خدا و دریافتن او

فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ اَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد. ۲۵/۴۷

ادراک امور، به مدد الهی

وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را در نمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند،
باز مانم. ۱۰۸/۴۷

خدا، دریابنده بنده گریز پای

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... مُدْرِكِي إِنْ أَنَا فَرَرْتُ

خداوندا، همانا تو یابنده منی، اگر فرار کنم.

۴/۵۰

دژ قلعه

دست

تابعین، و ترک تهمت بر آنچه در دست

ص : ۵۵۳

بندگان است

صَلَاةٌ... تَبَعْتُهُمْ بِهَا عَلَيَّ... تَزَكُّ التُّهْمَةَ فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

درودی که به سبب آن ایشان را بر ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

۱۴/۴ و ۱۵

برتری دست خدا، در بخشش ها

أَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ

همانا دست عطاى تو از هر دستى بالاتر است.

۱۹/۱۳

روان ساختن نیکی به دست بنده، برای مردم

أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ

نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز.

۳/۲۰

قرار دادن دستی برای بنده، در مقابل ستمگر

اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي

برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی قرار ده.

۸/۲۰

به دست خدا بودن همه امور

بِيَدِكَ، يَا إِلَهِي جَمِيعَ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَإِلَيْكَ الْمَقَرُّ وَ

الْمَهْرَبُ

ای خدای من، همه این سبب ها به دست توست و مقر و گریز به سوی توست. ۴/۲۱

به دست خدا بودن موی پیشانی بنده

نَاصِيَتِي يَدِكَ

موی پیشانی (و اختیار)م به دست توست.

۵/۲۱

نگذاشتن دستی (نعمت و احسانی) برای گنهکار و کافر

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْهُ، وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

برای بدکار و کافر، بر من منت و برای او نزد من دستی (نعمتی)، قرار نده. ۱۲/۲۱

گشودن دست بنده، به توانگری خدا

بِسَعَتِكَ، فَأَبْسُطْ يَدِي

به توانگری ات گشاده دستم گردان. ۴/۲۲

فراوانی روزی فرزندان، به دست والدین

أَذِرْ لِي وَ عَلَيَّ يَدِي أَرْزَاقَهُمْ

برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

بازداشتن دستان دشمن، از گشوده شدن

وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار. ۵/۲۷

ص : ۵۵۴

دست های گناهان

هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده. ۶/۳۱

دست مهالک و تباهی ها

لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوِهِ عِضْمَتِهِ

هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد. ۳/۴۲

دراز نکردن دست ها، به سوی حرام

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيكَ... حَتَّى لَا نَبْطُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا دست هایمان را به سوی هیچ ممنوعی دراز نکنیم. ۶/۴۴ و ۷

گشوده بودن دست خدا، به نیکی ها

بَسَطَتْ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ

دست را به نیکی ها گشوده ای. ۲۵/۴۷

گشودن دست ولی خدا، بر دشمنان

ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

دستش را بر دشمنانت بگستر. ۶۳/۴۷

گرفتن دست بنده

وَ لَا تَزِمْ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم

ده). ۱۰۴/۴۷

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

املاً مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي

دستم را از سودهای خود پر نما. ۱۲۸/۴۷

واقع شدن اموری، به دست گروهی از بندگان

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي... مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ

خداوندا و مرا از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد، قرار ده. ۱۲/۴۸

دست بنده و موی جلوی سر او

هَذِهِ يَدِي وَ نَاصِيَّتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِي

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم. ۴/۵۳

دستاویز سبب

آویختن یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ، به دستاویز او (دین)

ص : ۵۵۵

الَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند. ۶/۴

آویختن به دستاویز عصمت قرآن

جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى... لَا تَنَالُ أَيْدِيَ الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ

آن را نور هدایتی قرار دادی که هر کس به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد. ۳/۴۲

نزدیک ساختن دستاویز پیامبر صلی الله علیه و آله ، به خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ قَرَّبْ وَسِيلَتَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دستاویزش را نزدیک نما. ۱۹/۴۲

امامان علیهم السلام ، دستاویز چنگ زندگان

فَهُوَ... عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ

پس او دستاویز چنگ زندگان است. ۶۰/۴۷

چنگ زدن دوستان ائمه علیهم السلام ، به دستاویز ایشان (دین)

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که چنگ زندگان به دستاویز ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

دستور احکام، اذن و نیز فرمان

دسته گروه

دست یابی رسیدن

دشمنی ستیزه جویی

کشتگان شمشیرهای دشمنان خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۲۷/۱۳۰

عَلَّتْ دَشْمَنِي بِمِمْبِرِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِأَنْزِدِيكَ تَرِينِ (اشخاص)

عَادِي فِيكَ الْأَقْرَبِينَ

به خاطر تو با نزدیک ترین (اشخاص)، دشمنی نمود. ۱۲/۲

دشمنان خدا

...اَسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي اَعْدَائِكَ

آنچه (محمد) درباره دشمنانت می خواست، برایش به دست آمد. ۱۷/۲

شماتت دشمنان

نُعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ

پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان. ۸/۸

ص : ۵۵۶

أَعِدُنِي مِنْ شَمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ

مرا از سرزنش دشمنان پناه ده. ۱۱۹/۴۷

پرسش بنده از همراهی دشمنی خدا با او، در هنگام دعا کردنش

...أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَايَ مَقْتُكَ؟

...آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟ ۶/۱۲

ناتوان گرداندن دشمن بنده

اجْعَلْ لَهُ... عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ

او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز. ۶/۱۴

آنچه بنده درباره دشمن خود، از خدا می خواهد

خُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَ أَفْلُلْ حِدَّةَ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ... وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي، وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ

ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود بزندگی اش را از من بردار. و او را به آنچه درخورش است مشغول دار. و او را در برابر آنکه با او دشمنی می کند ناتوان ساز. و ستم کردن او را بر من آسان نگردان و مرا در مخالفت با او به خوبی

یاری فرما و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده. ۶/۱۴ و ۷

اللَّهُمَّ... أَعِدُنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً

خداوندا مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودن آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد و کینه ام را بر او کامل نماید. ۸/۱۴

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوَكَ، وَ أَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِرَحْمَتِكَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش و به جای بدرفتاری اش، رحمت را به من عطا کن. ۹/۱۴

روز رستاخیز و جای گرد آمدن دشمنان

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي... تَزْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَجْمَعِ الْخِصْمِ... أَيِّدْنِي مِنْكَ بِبَيْتِهِ صَادِقِهِ وَ

صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس مرا به
نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده. ۱۴/۱۴

کیفری آماده شده، برای دشمن

وَ صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا... أَعَدَدْتَ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ

و نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم

ص : ۵۵۷

آماده کردی، در دلم بگذار. ۱۵/۱۴

مشغول ساختن شیطان به دشمنان خدا

وَ اشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ اَعْدَائِكَ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما. ۴/۱۷

کمک خواستن از خدا، بر دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اَعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ ... اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّائِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضد او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمنی نمودن با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ اَعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ ... عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به سبب حقیقت بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما. ۱۱/۱۷

امر کردن پیروان، به دشمنی با شیطان

نَأْمُرُ بِمَنَاوَاتِهِ، مَنْ اطَاعَ اَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم. ۱۴/۱۷

بندگان، در زمره دشمنان شیطان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ اَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

مبدل نمودن دشمنی دشمنان و نزدیکان، به دوستی

أَبْدَلْنِي مِنْ بَغْضِهِ أَهْلَ الشَّانِ الْمَحَبَّةِ... وَ مِنْ عَدَاوِهِ الْأَذْنِينَ الْوَلَايَةَ

درباره من کینه توزی دشمنان را به محبت، و دشمنی نزدیکان را به دوستی مبدل فرما. ۷/۲۰

عاقبت اندیشی نسبت به دشمن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... تَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، تدبیر علیه دشمنت را قرار ده.

۱۳/۲۰

برگزیدن رضای خدا در حق دشمنان، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْعُصْبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و

ص : ۵۵۸

آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعت باشم. درباره
دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم. ۱۳/۲۲

سبب آسودگی دشمن، از ستم بنده

وَ ارْزُقْنِي التَّحْفَظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِخْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى اَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا
بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْاَوْلِيَاءِ وَ الْاَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ جَوْرِي

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از
آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعت باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی
تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد. ۱۳/۲۲

ایمن فرمودن بنده، از دشمن

وَ مَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوْءَمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ وَ غَمِّهِ وَ هَمِّهِ وَ لَمَزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ
عَدَاوَتِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من

منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و طعنه و بدگویی و عیب جویی و حسد و دشمنی اش
ایمن سازی. ۷/۲۳

ستیزه جویی فرزندان بنده، با دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِيعِ اَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ

و آنان (فرزندنام) را ستیزه جو و کینه توز همه دشمنانت قرار ده. ۳/۲۵

شیطان، دشمنی مکرکننده برای بندگان

جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَلَطْتَهُ مِنَّا عَلَيَّ مَا لَمْ تَسَلْطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، اَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا، وَ اَجْرِيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا

برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. او را بر ما تسلط دادی، و ما را بر او تسلطی نیست. او را در سینه های ما جا
دادی و در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

إِلَّا تَصْرِفَ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلُّنَا، وَ إِلَّا تَقِنَّا حَبَالَهُ يَسْتَرِلْنَا

اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد. ۷/۲۵

درخواست بندگان از خدا، درباره دشمن خود (شیطان)

ص : ۵۵۹

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَتْرِهِ الدُّعَاءِ لَكَ فَتُصِحَّ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ

خداوندا با سلطه خود، تسلط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازداری. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) در آییم. ۸/۲۵

مخالفت با دشمنان ائمه علیهم السلام

تَوَلَّيْنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِدِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَ لَائِتِكَ

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حق ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما. ۱/۲۶

درخواست بنده، در هنگام روبرو شدن مرزداران با دشمن

أَنْسِيَهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْغُرُورِ...

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زنده را از خاطرشان ببر. ۴/۲۷

درخواست بنده، برای دشمنان مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ أَفْلُلْ بِذَلِكَ عِدُوَّهُمْ، وَ أَقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَ فَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَسْيَلِحَتِهِمْ، وَ اخْلَعْ وَ ثَانِقْ أَفْتِدَتِهِمْ، وَ بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَرْوَدَتِهِمْ، وَ حَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَ ضَلِّلْهُمْ

عَنْ وَجْهِهِمْ، وَ أَقْطِعْ عَنْهُمْ الْمِدَدَ، وَ انْقُصْ مِنْهُمْ الْعِيدَ، وَ اَمْلَأْ أَفْتِدَتَهُمُ الرُّغْبَ، وَ أَقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَ اخْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النَّطْقِ، وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَنَ خَلْفَهُمْ وَ نَكَلْ بِهِمْ مَنَ وَرَاءَهُمْ، وَ أَقْطِعْ بِحَزْبِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ. اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَ يَبْسِ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ، وَ أَقْطِعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ، لَّا تَأْذَنَ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ، وَ لَّا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتِ

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز و رگ های دلشان را بکن و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز و در راه هایشان سرگردانشان ساز و از هدفشان گمراهشان نما و کمک رسانی را از ایشان قطع کن و از تعدادشان بکاه و دل هایشان را از ترس پر ساز و دست هایشان را از گشودن بازدار و زبان هایشان را از گفتن ببند و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان و با خواری آنان طمع آیندگانشان را قطع نما. خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک نما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن و آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در رویدن، اذن نده. ۵/۲۷و۶

درخواست (کشته و اسیر گشتن) دشمنان خدا

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند. ۹/۲۷

اندک نمودن دشمن، پیش چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلَّلَهُمْ فِي عَيْنِهِ

پس هر گاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما. ۱۵/۲۷

غلبه دشمن خدا (شیطان)، بر بنده

قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ...

دشمن تو، بر من چیره شده است. ۱۲/۳۲

مهلت خواستن دشمن خدا، از خدا

وَ قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِعَوَائِي فَأَنْظَرْتَهُ، وَ اسْتَمَهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمَهَلْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی، بر من چیره شده است.

۱۲/۳۲

چگونگی برخورد دشمن خدا (شیطان)، با بنده

فَتَلَّ عَنِّي عِدَارَ غَدْرِهِ، وَ تَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرِهِ

پس عنان حيله اش را از من برگرداند و با گفتار کفرش با من روبرو شد. ۱۳/۳۲

آشتی بنده، با دشمنی کننده با او

وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُسَّالِمَ مَنْ عَادَانَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. ۱۰/۴۴

علت آشتی نکردن با دشمن

وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُدِيَ فِيكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم. ۱۰/۴۴

شیطان، دشمن خدا

جَبْتِنَا... الْإِنِّخْدَاعِ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان. ۱۳/۴۴

بردباری خدا، در مقابل دشمنش

حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است. ۱۶/۴۶

گشودن دست ولی خدا، بر دشمنان

ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ

دستش را بر دشمنانت بگستر.

۶۳/۴۷

ص : ۵۶۱

دشمنی با دشمنان خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمَوَالِهِ أَوْلِيَاءِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت راهنمایی اش نمودی. ۶۷/۴۷

یاری شدن به ارتکاب نهی الهی، از جانب دشمن خدا

أَعَانَهُ عَلَىٰ ذَلِكِ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ

دشمن تو و دشمن او (شیطان)، او را بر آن یاری کرد. ۶۸/۴۷

نافرمانی بنده، و دشمنی نداشتن با خدا

نَهَيْتَهُ عَنِ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ نَهْيِكَ، لَا مُعَادَةَ لَكَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو. ۶۸/۴۷

آنکه خدا دشمنی اش را با دشمنی خویش مرتبط نموده

بِحَقِّ... مَنْ نُطِتَ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَّعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُنْتَصِلًا

به حق کسی که دشمنی اش را به دشمنی خویش مرتبط نموده ای، در این روز، مرا بپوشان،

با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

طلبیدن دشمنی خدا

وَلَا تُهْلِكُنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان. ۹۶/۴۷

دشمن گمراه سازنده

حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّ يَضِلُّنِي

میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، جدایی انداز. ۹۹/۴۷

لعنت خدا بر دشمنان ائمه عليهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن. ۱۰/۴۸.

شاد نکردن دشمن و مسلط نساختنش، بر بنده

لَا تُشِمِّتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ

دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من توانا نساز و او را بر من مسلط نگردان. ۱۴/۴۸.

ص : ۵۶۲

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي ظَبْهَ مُدْيَتِهِ، وَ اَرْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِيهِ، وَ سَدَّدَ نَحْوِي صَوَابَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنْمِ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَ اَضْمَرَ اَنْ يَسُوْمِنِي الْمَكْرُوهُ، وَ يُجَرِّعَنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید، و لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت و تیرهای هدف گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانی اش از من نخفت و در دل قصد آسیب رساندن به من داشت و آب بسیار تلخ زهر آگین را جرعه جرعه به من نوشاند. ۴/۴۹

خدا، بینا به بسیاری دشمنان

فَنظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... وَ خَدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدٍ مِنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی. ۵/۴۹

ظفر یافتن بر دشمن، به مدد الهی

فَابْتَدَأْتَنِي بِنَصْرِكَ... ثُمَّ فَلَلْتَ لِي حَدَّهُ، وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعِ عَدِيدٍ وَحَدَّهُ، وَ أَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ

پس به یاری کردنم آغاز نمودی. سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی و پس از آنکه در

گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی و مرا بر او پیروز نمودی. ۶/۴۹

بازستاندن چیزهای گرفته شده از بنده، توسط دشمن

أَنْتَ الَّذِي... أَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي

تویی که داد مرا از دشمنانم گرفتی. ۴/۵۱

آنچه خدا دشمنانش را به آن بیم داده

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنْ... الْمِ-جَائِبِهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءُكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

تکذیب دشنام دهنده

هَبْ لِي... تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي

مرا تکذیبی بر آنکه دشنامم داد، ببخش.

۸/۲۰

تبدیل دشنامگویی بنده، به حمد الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَمٍّ عَرِضٍ... وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانه جاری ساخته از سخن زشت یا دشنام یا

ص : ۵۶۳

دشواری سختی

دعا اجابت و نیز مناجات

خواندن خدا، در دشواری ها

أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها. ۴/۷

مهربانی خدا، با هر که بخواندش

إِنَّكَ رَجِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ

به درستی که تو به هر که تو را خواند، مهربانی. ۵/۱۱

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُبَلِّغُ فِي الدُّعَاءِ

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

بنده معترف به گناه و دعای او

هَلْ يُنَجِّنِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقِيحِ مَا اذْتَكَبْتُ؟... أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَايَ مَقْتُكَ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه (گناهی که) مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ یا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟ ۶/۱۲

خواندن خدا، با اسمایش

يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ...

تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان...

به رنج نیفتادن خدا، از دعای دعاکنندگان

يَا مَنْ لَا يُعَيِّهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ

ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند. ۱۰/۱۳

درخواست اجابت دعا، از خدا

كُنْ لِذُعَائِي مُجِيبًا

درخواستم را اجابت کن. ۲۱/۱۳

اسْتَجِبْ دُعَائِي

دعایم را مستجاب کن. ۲۵/۴۶

بازنگرداندن دعای بنده، از درگاه خدا

لَا تَبْتَسِبْ سَبِيَّ مِنْكَ

رشته ارتباط مرا از خود قطع نگردان.

۲۲/۱۳

لَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا

دعایم را به خودم بازنگردان. ۲۲/۲۰

لَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای. ۹/۲۵

پیوند دادن دعای بنده، به اجابت

ص : ۵۶۴

صَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ

درخواست مرا به روا شدن متصل گردان.

۱۱/۱۴

فرمان خدا، به دعا

أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِاللُّدْعَاءِ

من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. ۱۳/۱۶

لَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای. ۹/۲۵

اللَّهُمَّ فَهِيَ أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعِيدَكَ فِيمَا وَعَيْدْتَنِي بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: اذْعُونِي
أَسْتَجِبْ لَكُمْ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام و وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.»

۱۱/۳۱

اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. ۱۵/۴۵

وَدَعَوَكَ بِأَمْرِكَ

و به فرمانت، تو را خواندند. ۱۶/۴۵

نخواندن ماندی با خدا

لَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا

با تو همانندی را نمی خوانم. ۲۲/۲۰

دریافت لذت آنچه بنده، خدا را برای آن می خواند

وَازْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى أَجِدَ لَدَّهَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ

و ترسِ اندوهِ وعده‌ها (ی عذاب) و اشتیاقِ پاداشِ وعده‌ها (ی بهشتی) را روزی ام فرما. تا لذت آنچه را که تو را برای آن می‌خوانم، دریابم.

۹/۲۲

خواندن خدا، با اخلاص

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءِ الْأُمِّ خَلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می‌خوانند. خواندن خالصانه بیچاره، در نیایش برای تو. ۱۴/۲۲

دعا در حق والدین

وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، ببامرز.

۱۴/۲۴

دعا، سبب بازداشتن شیطان از بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا

ص : ۵۶۵

خداوندا با سلطه خود، تسلط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازدارد.

۸/۲۵

دعا به جنگجو یا مزدار مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ أَتْبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً... فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْرِنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با دعا در جهتی که به آن رو آورد همراهی نمود، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. ۱۶/۲۷

اختصاص داشتن خدا، به دعای بنده

أَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِي

تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم. ۹/۲۸

برابر نبودن کسی در دعای بنده، با خدا

لَا يَنْفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي

در دعایم، کسی با تو برابر نیست. ۹/۲۸

خواندن خدا و اجابت گشتن

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.

۱۱/۳۱، ۱۵/۴۵

نزدیک تر بودن اجابت دعای غیر، در حق بنده

فَيَأْتِي مِنِّي بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است. ۲۷/۳۱

دعای بنده و رحمت الهی

عَوْضِنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوِكَ، وَ مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتِكَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. ۳/۳۹

عبادت نامیده شدن دعا

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً

پس دعا کردن را عبادت نامیدی. ۱۵/۴۵

سبب اجابت دعای بندگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ... صَلَاةً... يُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. درودی که دعای ما به سبب آن مستجاب گردد. ۵۶/۴۵

شریک گرداندن بنده، در دعای بندگان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا

ص : ۵۶۶

الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می‌خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

آگاه ساختن بنده، از روا کردن دعایش

لَا تُهْلِكُنِي يَا إِلَهِي عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابت کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

۱۴/۴۸

دعای بنده و هزار درود، بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ، وَ تُصَلِّي عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ

سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمد و خاندانش هزار بار درود فرست.

۲۸/۴۸

پذیرفتن دعای بنده، هنگام اضطرار

أَنْتَ الَّذِي أَحْبَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی. ۴/۵۱

خدا، شنونده دعای بنده

إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلْتُكَ... بَلْ وَجَدْتُكَ لِذُعَائِي سَامِعًا

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم. بلکه تو را برای نیایشم، شنونده یافتم. ۵/۵۱

خواندن خدا و ناامید بازنگشتن از درگاه او

مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که (تو را) خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان. ۸/۵۱

حالِ خواننده خدا

دَعْوَتُكَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجِلًّا، فَقِيرًا، مُضْطَّرًّا إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا، فروتن، حذرکننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم. ۹/۵۱

خدا را خواندن و اجابت شدن

أَدْعُوكَ فَتَجِيبُنِي

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی.

۱۱/۵۱

خوانده شدن بنده و کند بودنش

ص : ۵۶۷

إِنْ كُنْتَ بَطِيئًا حِينَ تَدْعُونِي

اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کند هستم.

۱۱/۵۱

فقط خدا را خواندن

لَكَ أَذْعُو

تنها تو را می خوانم. ۱۱/۵۲

دعوت

دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به سوی خدا

كَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ

در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت. ۶/۲

رنج پیامبر صلی الله علیه و آله ، در دعوت به دین الهی

أَتَعَبَهَا بِالْدُّعَاءِ إِلَىٰ مِلَّتِكَ

با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

نصیحت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به پذیرندگان دعوت از جانب خداوند

شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ

خود را به نصیحت کردن به پذیرندگان دعوت مشغول ساخت. ۱۵/۲

پیشی گرفتن یاران محمد صلی الله علیه و آله ، به دعوت او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ... سَابَقُوا إِلَيَّ دَعْوَتِهِ...

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنان که به سوی دعوتش پیشی گرفتند... ۳/۴

دعوت یاران محمّد صلی الله علیه و آله ، به سوی خدا

وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ

و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند. ۷/۴

داعیان خدا و دعوت کردن به سوی او

وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ

و ما را از داعیان دعوت کننده به سوی خود قرار ده. ۱۵/۵

ایستادن بنده بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى الشُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمِّي مِنِّي فِي مَعْرِفِهِ بِهِ

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم؟ ۲۳/۱۶

سرانجام دعوت خدا، بهشت

أَنَا حِينِيذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُتْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ

من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت

ص : ۵۶۸

توبه سوی بهشت است. ۲۴/۱۶

سرانجام دعوت شیطان، آتش جهنم

وَ أَنَا حِينِيذٍ مُّوقِنٌ بِأَنَّ... مُتْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است. ۲۴/۱۶

دعوت خدا، از روی گرداننده اش

يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ

ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گرداند. ۹/۴۶

دعوت هوای نفس، به نواهی

...بَلْ دَعَا هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلَتْهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرَتْهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش. ۶۸/۴۷

دقیق

دَقَّتْ نَظْرَ عَطَا نَمُودِن، به مرزداران اسلام

وَ الطُّفِّ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ

و در مکر، دَقَّتْ نَظْرَ به ایشان عطا فرما.

۲/۲۷

سرگردانی اندیشه های دقیق، در بزرگی خداوند

حَارَتْ فِي كِبْرِيَاكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته. ۷/۳۲

دقیق بودن کار خداوند، درباره ماه

مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ! وَ الطُّفِّ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ!

چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! و چقدر دقیق است، آن صنعتی که درباره کار تو انجام داد! ۳/۴۳

دل

سلامتی دل ها، در یاد بزرگی خدا

اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده. ۱۴/۵

پوشاندن جامه تقوا، بر دل بنده

أَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود ببوشان.

۹/۲۱

خالی نمودن دل بنده، برای دوستی خدا

فَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

ص : ۵۶۹

وحشت دل بنده، از بدکاران خلق

أَلَيْسَ قَلْبِي الْوَحْشَهُ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ

دلم را به وحشت از بدکاران خلقت ببوشان.

۱۱/۲۱

آرامش دل بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلْ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَ اُنْسَ نَفْسِي وَ اسْتِغْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

از روی دل شناختنِ درستی عمل خویش

وَ اِرْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى اَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. ۸/۲۲

منت گذاشتن بر بنده، با بینا ساختن دلش

وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالصَّحْهِ... وَ الْبَصِيْرَةَ فِي قَلْبِي

و با تندرستی و بینایی در دلم بر من منت گذار. ۳/۲۳

گشایش دل بنده، برای مقاصد دین الهی

وَ اَشْرَحْ لِمَرَاثِدِ دِيْنِكَ قَلْبِي

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

قفل نهادن بر دل قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُقْفِلَ دُوْنَ اِخْطَارِيْ قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل زنی. ۷/۲۳ و ۸/۲۳

مهربان ساختن دل فرزند، به والدین

وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي

و دلم را بر آن دو مهربان گردان. ۶/۲۴

دل های مرزداران اسلام و اندیشه دارایی گمراه کننده

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفِتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن. ۴/۲۷

پر نمودن دل دشمنان، از ترس

وَ اخْلَعْ وَ نَائِقَ افْتِدَتِهِمْ... وَ امْلَأْ افْتِدَتَهُمُ الرُّعْبَ

و رگ های دلشان را بکن و دل هایشان را از ترس پر ساز. ۵/۲۷

تهی ساختن دل های دشمنان، از آرامش

ص : ۵۷۰

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

بی خبری قلب دشمن، از چاره جویی

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِخْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

کوچکی مقام دشمن، در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ

پس هر گاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک

گردان. ۱۵/۲۷

دردل گذراندن اندیشه های دور از دوستی خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا... زَالَ عَنِ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَ لَحَظَاتِ عَيْنِي

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاہت توبه می کنم. ۲۲/۳۱

طپش دل بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَ جِيبْ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترست، رحم فرما. ۲۳/۳۱

پاره پاره گشتن دل های ساکنان جهنم، از آشامیدنی دوزخ

وَ أَعْوَدُ بِكَ مِنْ... سَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْنِدَةَ سُكَّانِهَا، وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

قلوب بندگان، نگهدارنده قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. ۶/۴۲

قلوب بندگان و فهم شگفتی های قرآن

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَيْنَا قُلُوبَنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن را به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

شستن چرکی قلوب بندگان، با قرآن

ص : ۵۷۱

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرْنَ قُلُوبِنَا

و به وسیله آن چرکی دل هایمان را بشوی.

۱۱/۴۲

ترسان بودن دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ... يُوءْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

پشیمانی حقیقی دل ها

وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

متوجه ساختن دل، به آنچه نیایشگران به آن گمارده شده اند

خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَائِتِينَ

دلم را به سوی آنچه نیایشگران را به آن گماشته ای، متوجه ساز. ۹۲/۴۷

پوشاندن دل بنده، به خودداری از بدی

وَ أَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ فَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ

فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

و دلم را به خودداری از بدی های زشت و نافرمانی های رسواکننده بیوشان. ۱۰۷/۴۷

کندن دوستی دنیای پست، از دل بنده

انزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِّيهِ، تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بر کن. ۱۰۹/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان. ۱۲۷/۴۷

سیراب شدن دل، با طاعت الهی

أَشْرَبَ قَلْبِي عِنْدَ ذُحُولِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ

دلم را هنگام غفلت عقل ها، به طاعت خود سیراب کن. ۱۳۰/۴۷

شیفتگی دل، به سبب بسیاری نعمت خدا

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءًا مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده. ۸/۵۲

دلالت راهنمایی

ص : ۵۷۲

دل‌باختگی

فرشتگان؛ دل‌باختگان ذکر نعمت های خدا

الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلَائِكَ

(آنان) به ذکر نعمت های تو حریص می باشند.

۸/۳

دل‌بستگی علاقه

دلجویی

دلجویی از همسایگان، با عطا و احسان

وَفُقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. ۱۰/۴۴

دلدادگی علاقه

دلسوزی رحمت

دل شکستگی

خدا، گشاینده اندوه دل شکسته

يَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَيْبٍ

ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

دلهره تپش

دلیری

دلیر نگرداندن بنده، بر نافرمانی ها

وَلَا تُجْرِّئُنِي عَلَى الْمَعَاصِي

و بر نافرمانی‌ها جرأت‌م مده. ۵/۲۲

عاملِ دلیر کردنِ بندگان، بر فحشا

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشِهِ شَجَعْنَا عَلَيْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداند. ۷/۲۵

ترساندن دشمن، از جنگ با دلیران اسلام

جَبْنَهُمْ عَنْ مُقَارَعَةِ الْأَبْطَالِ

ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان.

۱۱/۲۷

جرأت افکندن در دل مجاهد

وَأَلْهَمُهُ الْجُرْأَةَ

و دلیری در دلش انداز. ۱۴/۲۷

گستاخانه، در برابر خدا جرأت یافتن

أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِّئًا

منم آنکه گستاخانه بر تو جرأت نمودم.

۷۷/۴۷

واداشتن نفس، در جایگاه بدبختان متجری بر خدا

ص : ۵۷۳

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي... مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمَتَجَرِّينَ عَلَيْكَ

خود را در جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام. ۲/۵۳

جرأت نمودن بنده، بر خدا

أَيَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ

به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟

۳/۵۳

دلیل حجت

دمیدن

دمیدن اسرافیل (در صور)

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ... فَيَنْبُتُهُ بِالنَّفْحِ صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدنی مردگانِ گرو گورها را بیدار کند. ۲/۳

دنیا

وسیله کامل گرداندن نیکی دنیا و آخرت

تَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَ اسْتَعْمَلَنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ... أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار.

و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما. ۲۹/۲۰

عطای حسنه به بنده، در دنیا و آخرت

آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن. ۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

دانایی خدا، به اصلاح کار دنیا و آخرت بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. ۱۰/۲۲

درخواست نعمتی از نعمت های خدا، در دین یا دنیا

وَ ارْزُقْنِي سَلَامَةً الصَّادِرِ مِنَ الْحَسِيدِ... حَتَّى لَمَّا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي
أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای،
نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

پاسداری از لغزش ها، روزی بنده در دنیا و آخرت

ص : ۵۷۴

وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. ۱۳/۲۲

عدم جدایی میان بنده و تندرستی اش، در دنیا و آخرت

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز. ۱/۲۳

تندرستی دنیا و آخرت

عَافِنِي... عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

به من عافیت ده. عافیت دنیا و آخرت.

۲/۲۳

اصلاح حال بنده، در دنیا و آخرت

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰى كُلِّ مَا يُصَلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار. ۹/۲۵

عطای همه درخواست های بنده به او، در دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ اَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَ رَحْمَتِكَ... وَ اَعْطِ جَمِيعَ... الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ

خداوندا به توفیق و رحمت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما و به همه مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و

فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش. ۱۲/۲۵

کالای دنیا؛ وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً اِلَى جِوَارِكَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار

ده. ۶/۳۰

قرآن؛ بازدارنده بندگان در دنیا، از خشم خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدَّى حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.

۱۲/۴۲

بهترین منزل ها، پس از جدایی از دنیا

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده. ۱۴/۴۲

ص : ۵۷۵

طلبیدن و دریافتن خدا، برای دین یا دنیا

فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد. ۲۵/۴۷

به پا نداشتن بنده، در جایگاه رسوایی در دنیا

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار. ۱۲۰/۴۷

عطای خیر دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَيْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هر گاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

ناامیدی از غیر خدا، برای امور دنیا و آخرت

فَإِنِّي... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیا به احدی جز تو امید ندارم. ۴/۴۸

محروم نکردن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى لِقَلِّهِ شُكْرِي

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان. ۱۳/۵۱

نپسندیدن دیدار خدا، و طول عمر نیافتن در دنیا

لَا يُعَمَّرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد. ۳/۵۲

تسلط یافتن دنیا، بر بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءًا مِّنْ قَدِّ... اسْتَمَكَّتْ مِنْهُ الدُّنْيَا

پس -ای مولای من- از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دنیا بر او تسلط یافته است.

۸/۵۲۹

ترس از خدا، عامل دوری از دنیا

إِلٰهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا با ترس از

ص : ۵۷۶

خود، در دوری از دنیا، تسلی بخشی. ۱۰/۵۲

بریده شدن اثر و نشان بنده، از دنیا

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن. ۵/۵۳

مهربانی خدا، در دنیا و آخرت

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. ۱/۵۴

ویژگی های دنیا:

أ. فریب دهنده

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْحَدَّاعَةَ الْعُرُورِ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زنده را از خاطرشان ببر.

۴/۲۷

ب. فنا و نیستی

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِيهِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ

آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

ج. پستی

انزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَيْتِي، تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بر کن.

۱۰۹/۴۷

دوام همیشگی

دودلی شک

دوراندیشی

سالم ماندن دوراندیش

فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. ۷/۲۸

سبب موفقیت دوراندیش

...وَفَقَّهُ اعْتِبَارُهُ

...پند گرفتنش سبب توفیق او شد. ۷/۲۸

سبب رهنمونی دوراندیش، به راه راست

فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَّهُ اعْتِبَارُهُ، وَارْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اخْتِبَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را

راهنمایی کرد. ۷/۲۸

ص : ۵۷۷

دورنگی نفاق

دورویی نفاق

دوری

دور ساختن بنده، از شک در امر الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَبَبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت. ۱۰/۱

دوری پیامبر صلی الله علیه و آله از خویشانش، جهت احیای دین الهی

قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش دوری نمود. ۸/۲

سبب دور گرداندن نزدیکان، به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله

أَفْصَى الْأَذْنَيْنِ عَلَى جُحُودِهِمْ

نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود. ۹/۲

سبب نزدیک نمودن افراد دور، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

قَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ

دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود. ۱۰/۲

دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دورترین (مردم)

وَالَى فِيكَ الْأَبْعَدِينَ

به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به محلی دور از خویشانش

هَيَّا جَرَّ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبِ، وَ مَحِلَّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَ مَسَدِ قَطْرِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِزَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ

از جایگاه اقامتش و قدمگاهش و زادگاهش و جای انس گرفتنش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزت دهد و بر (ضد) کافران به تو یاری طلبد. ۱۶/۲

دوری نمودن اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، از زنان و فرزندان خویش

فَارْقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ

در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند. ۴/۴

دور نساختن بندگان، از خدا

وَ لَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ

و ما را از خود دور نکن. ۹/۵

دور نشدن سختی ها، از بنده

ص : ۵۷۸

لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعَتْ

از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد.

۴/۷

دور ساختن آنچه بنده در آن افتاده

أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى... دَفْعِ مَا وَقَعَتْ فِيهِ

تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. ۱۰/۷

دور ساختن گرفتاری از بنده، علی رغم عدم شایستگی اش

وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى... دَفْعِ مَا وَقَعَتْ فِيهِ، فَأَفْعَلُ بِكَ ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ

و تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم. ۱۰/۷

دوری گزیدن بنده از شیطان، برای خدا

وَ لَا تُشْمِتُهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِلَيْهِ لَكَ

و پس از آنکه به خاطر تو از او (شیطان) دوری کردیم، اندوهی به ما نرسان که او را شاد گرداند. ۶/۱۰

دوری ورزیدن از اصرار (بر گناه)

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ... جَانِبَ الْإِضْرَارِ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است

که پافشاری (بر گناه) را ترک کند. ۱۳/۱۲

دور بودن مدد خدا، از ستمگران

يَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ

ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

۴/۱۴

دور بودن بنده، از اصلاح نفسش

وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد؟ ۲۳/۱۶

دور کردن شیطان از بندگان، با عبادت

اللَّهُمَّ احْسَاهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ

خداوندا او را از ما - به سبب عبادت و بندگی ات - دور کن. ۳/۱۷

دور ساختن آفت و بدی از بنده

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی و بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس.

۱/۱۸

دوری گزیننده از خدا

وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ... وَ لَا مُفَارَقِهِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ

ص : ۵۷۹

و مرا به سستی در عبادت و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز. ۱۱/۲۰

توانایی خدا، بر دور کردن ستم از بنده

وَلَا أُظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي

و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی. ۱۴/۲۰

دوری از معصیت، منت الهی بر بنده

وَأَمُننَّ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ... وَالْإِجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و با تندرستی و دوری جستن از نافرمانی ات - که مرا از آن بازداشته ای - بر من منت گذار.

۳/۲۳

پناه بردن به خدا، از شرّ هر نزدیک و دور

أَعِدْنِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ

مرا از شرّ هر نزدیک و دوری پناه ده. ۶/۲۳

دوری انداختن بین دشمنان و آذوقه شان

بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَرْوَاحِهِمْ

میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز.

۵/۲۷

آذوقه های دشمنان، در دورترین (نقاط) زمین

وَاجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصَ أَرْضِكَ وَابْعِدْهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده. ۱۲/۲۷

دور بودن نیرو و قدرت، از بنده

لَوْ... تَضَطَّرُّنِي إِلَى قُوَّتِي... لَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بِعِيدَةً

اگر مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا نیرو از من دور می شد. ۲۵/۳۲

نزدیک بودن دور آتش دوزخ

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... بَعِيدَهَا قَرِيبٌ

همانا به تو پناه می آورم از آتشی که دورش نزدیک است. ۲۹/۳۲

راه جویی از خدا، برای آنچه از آتش دوزخ دور سازد

وَ أَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد. ۳۱/۳۲

دوری از حسن عاقبت

لَا تَسْمُنَا عَجْرَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَغَمِطَ قَدْرَكَ... وَ نَجِّنَا إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

ص : ۵۸۰

دور گرداندن حرص بنده، از گناه

وَ اَزُو حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَا تُنْمِ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن. ۱/۳۹

دور بودن ایجاد گشایشی در پایان (امور) مغرور به کرم الهی

مَا أَبْعَدَ عَائِيْتَهُ مِنَ الْفَرْجِ

چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود! ۲۰/۴۶

ناتوانی بر دور ساختن خدا

سُبْحَانَكَ... لَا تُمَاطُ وَلَا تُنَازِعُ

پاک و منزهی! نه با مقاومت برکنار می روی و نه قابل نزاع هستی. ۲۷/۴۷

دور گرداننده بنده، از خدا

أَعْدُنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ

از چیزی که از تو دورم می کند، مرا نگهدار.

۹۳/۴۷

دور نینداختن بنده، مانند دور افتاده از چشم نگهداری خدا

لَا تَرْمِ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ

مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. ۱۰۴/۴۷

ناظران دور افتادن کتاب خدا

...حَتَّىٰ عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرَوْنَ... كِتَابَكَ مَبْثُودًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند که کتاب تو دور افتاده است.

ناتوانی نفس، در دوری از محذورات

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ... الْمُمْ جَائِبِهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

آنچه بندگان دوری خود را از آن، خواهانند:

أ. خوی های نکوهیده و اخلاق پست

جَبْنَنَا بِهِ الضَّرَائِبِ الْمَذْمُومَةِ وَ مَدَانِي الْأَخْلَاقِ

با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. ۱۲/۴۲

ب. برگشتن از توحید، کوتاهی در تمجید خداوند و تردید در دین

جَبْنَنَا إِلَّا الْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ، وَ التَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ، وَ الشُّكَّ فِي دِينِكَ

ما را از کجروی در یگانگی ات و کوتاهی

ص : ۵۸۱

در بزرگ داشتنت و شک در دینت دور گردان.

۱۳/۴۴

ج. کوری از راه راست، سهل انگاری و فریب خوردن از شیطان

جَبْنُنَا... الْعَمَىٰ عَنِ سَبِيلِكَ، وَ الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ، وَ الْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ

ما را از کوری از راهت و سهل انگاری حرمتت و فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان. ۱۳/۴۴

آنچه بندگان دور شدن آن را از خود، از خدا خواستارند:

أ. ترس از قطع رابطه کنندگان

أَكْفِنَا وَخَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَاتِكَ

با پیوستن به خود، ما را از وحشت دوری کنندگان، نگهدار. ۷/۵

ب. اصرار (بر گناه)

أَزَلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور بدار. ۱/۹

ج. شیطان

اللَّهُمَّ اخْسَأْ عَنَّا بَعَادَتِكَ

خداوندا او را از ما - به سبب عبادت و بندگی ات - دور کن. ۳/۱۷

د. مکر شیطان

وَ أَكْفِنَا خَيْرَهُ

و حيله او را از ما دور کن. ۴/۱۷

ه. عیب جوئی بندگان

أَكْفِنِي مَوُونَهُ مَعْرَهُ الْعِبَادِ

سنگینی گناه عیب جوییِ بندگان را از من بردار. ۲۰/۲۰

و. مکر قصد بدکننده

مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بران. ۷/۲۳

ز. نگرانی شک

فَأَزِحْ عَنَّا رَيْبَ الْإِرْتِيَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

ح. هر شک و شبهه ای

أزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ

هر شک و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

ص : ۵۸۲

دوزخ آتش

برافروختگی جهنم، بر گنهکاران

و الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همان (فرشته)هایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

به دوزخ انداختن جهنمیان

الزَّبَانِيَةُ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَلَمْ يُنْظَرُوهُ

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند. ۲۱/۳

رهایی از دوزخ را روزی بنده نمودن

ارزُقْنِي... سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ

رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

۱۸/۲۰

آب جوشان نوشاندن آتش دوزخ، به دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيًّا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند. ۲۹/۳۲ و ۳۰

گذشتن از پل لرزان دوزخ

تَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَ—جَازِ عَلَيْهَا زَلَلْ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا گردان. ۱۵/۴۲

درآمدن مستکبران، به جهنم

فَسَمِيَتْ دُعَاءُكَ عِبَادَةً، وَ تَوَكَّاهُ اسْتِكْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَىٰ تَوَكُّهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنم با خواری را هشدار دادی. ۱۵/۴۵

دوستی

برانگیختن آفریدگان، در راه دوستی خدا

بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ

آنها را در راه دوستی به خود، برانگیخت.

۴/۱

کامروایی در بین دوستان نیک بخت خدا

ص : ۵۸۳

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادت‌مندان از دوستانش به سعادت برسیم.

۲۷/۱ و ۳۰

دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دورترین (مردم)

وَأَلَىٰ فِيكَ الْأَبْعَدِينَ

به خاطر تو، با دورترین (مردم) دوستی کرد.

۱۱/۲

کامل شدن اندیشه های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دوستان خدا

اسْتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ

آنچه او درباره دوستان می اندیشید، برایش کامل گردید. ۱۸/۲

فرستادن گشایشی خوشایند برای زمینیان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ
الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرِّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، که بلائی
ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷ و ۱۱ و ۳/۱۰

دوستی محمد صلی الله علیه و آله ، تجارتی بدون کساد

...يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ

در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند. ۵/۴

در دل داشتن دوستی محمد صلی الله علیه و آله

كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ

آنها که محبت او را در دل پرورانده اند.

۵/۴

آنچه محبوب تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله است

تُحِبُّ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْأَجْلِ، وَالِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی. ۱۶/۴

دوستی خدا، و حفظ نمودن بنده

أَحْفَظُنَا... حِفْظًا... مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که در جهت دوستی تو به کار برد. ۱۷/۶

توبه، محبوب خدا

صَيَّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ

ما را به سوی توبه پسندیده خود بیر. ۱/۹

دیده دل و دوستی خداوند

أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ

چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی

ص : ۵۸۴

توست کور گردان. ۶/۹

دوست ترین بندگان خدا، نزد او

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانَبَ الْإِضْرَارَ، وَ لَزِمَ الْإِسْتِعْفَارَ

همانا محبوب ترین بندگان نزد تو کسی است که بر تو گردنکشی نکند و پافشاری (بر گناه) را ترک کند و پیوسته آمرزش
خواهد. ۱۳/۱۲

دوست داشتنی تر بودن عفو بنده از به کیفر رساندنش، نزد خدا

...وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است. ۲۶/۱۶

خوار کردن شیطان، با کوشش در دوستی خدا

اللَّهُمَّ... اكْبِتْهُ بِدُؤُونِنَا فِي مَحَبَّتِكَ

خداوندا با کوشش مستمر ما - در دوستی ات - او را خوار نما. ۳/۱۷

در شمار دوستان شیطان

اللَّهُمَّ... اغْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ

خداوندا ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

بدبخت شدن بنده، به آنچه دوست دارد

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَلْتْ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت
شوم. ۱/۱۸

تغییر دوستی مدارا کنندگان، به دوستی واقعی

أَبْدِلْنِي... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمَقَه

درباره من دوستی (ظاهری) مداراکنندگان را به دوستی واقعی مبدل فرما. ۷/۲۰

مبدل نمودن دشمنی دشمنان و نزدیکان، به دوستی

أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضِهِ أَهْلَ الشَّانِ الْمَحَبَّةِ... وَ مِنْ عَدَاوِهِ الْأَذْنِينَ الْوَلَايَةَ

درباره من کینه توزی دشمنان را به محبت و دشمنی نزدیکان را به دوستی مبدل فرما. ۷/۲۰

تغییر رشک سرکشان از حق، به محبت

أَبْدِلْنِي... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةَ

درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدل فرما. ۷/۲۰

گرفتار نساختن بنده، به درخواستِ خلاف دوستی خدا

وَلَا تَبْتَلِنِي... بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ

و مرا به پرداختن به کاری خلاف دوستی ات، گرفتار نساز. ۱۱/۲۰

راهی هموار، به سوی محبت خدا

انْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً

راهی آسان به سوی محبت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

ناتوانی بنده از متوجه گرداندن دوستی خدا، به خود

لَا أَسْتَمِيلُ هَوَاكَ

نمی توانم محبت تو را جلب نمایم. ۶/۲۱

خالی ساختن دل بنده، برای محبت خدا

فَرَّغْتُ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

روانه کردن دل بنده، در خوشایندترین راه های به سوی خدا

وَأَجْرِي بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سوی تو فرما. ۱۰/۲۱

انس گرفتن با دوستان خدا

هَبْ لِي الْإِنْسَ بِكَ وَ بِأَوْلِيَائِكَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش. ۱۱/۲۱

انجام آنچه خدا دوست دارد

وَأْمُنْ عَلَيَّ... بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

و عمل - برای خودت - به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

أَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ

به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان. ۱۲۵/۴۷

برگزیدن رضای خدا درباره دوستان و دشمنان، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِي... الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ... مُوَدِّعًا
لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم.

۱۳/۲۲

ص : ۵۸۶

دوستاناران و پنددهندگان دوستان خدا

وَ اجْعَلُهُمْ... لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ

و آنان (فرزندانم) را دوستانار و پنددهنده دوستانت قرار ده. ۳/۲۵

فرزندان، دوستانار والدین

وَ اجْعَلُهُمْ لِي مُحِبِّينَ

و آنان را دوستانار من قرار ده. ۴/۲۵

یاری خدا به امام علیه السلام ، درباره دوستانش

تَوَلَّيْتَنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حق ما هستند، یاری فرما. ۱/۲۶

آشنا بودن دوستان امام علیه السلام ، به حق وی

تَوَلَّيْتَنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلٍ وَ لَأَيْتِكَ

مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حق ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما. ۱/۲۶

دوستی همسایگان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أُسْرًا لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار که در نبودشان دوستی را، آشکار سازم. ۳/۲۶

دوست داشتن نعمت باقی و جاوید، برای

همسایگان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَحِبُّ بَقَاءَ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار که خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم. ۳/۲۶

درود فرستادن خدا، بر اولیایش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا... كَأَنَّكُمْ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكُمْ عَلَيَّ مِنْ أَوْلِيَائِكُمْ

خداوندا بر محمد درود فرست، درودی که مدتش پایان نپذیرد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیای فرستاده شده. ۱۸/۲۷

خدا، دوستدار توبه کنندگان

وَقَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ... تُحِبُّ التَّوَّابِينَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه کنندگان را دوست می داری. ۱۵/۳۱

يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ

ای دوستدار توبه کنندگان. ۳/۳۸

لازم گرداندن دوستی خدا برای بنده

وَأَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ

و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان. ۱۵/۳۱

وَأَجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

ص : ۵۸۷

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

برگشتن بنده، به آنچه محبوب خداست

وَ اضْرَفِي بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان. ۱۷/۳۱

امور دور از دوستی خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا... زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست، به درگاہت توبه می کنم. ۲۲/۳۱

دوست نداشتن تأخیر و تعجیل، در آنچه خدا اراده کرده

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به

تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم. ۵/۳۳

ناپسند نشمردن آنچه خدا دوست دارد

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى... لَا نَكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ

گردن نهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا آنچه را دوست داشتی، ناپسند نشماریم. ۵/۳۳

مرگ، جای الفت و دوستی

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشِكِّ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ... مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَاقُ إِلَيْهِ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل الفتی

باشد که به سوی آن مشتاقیم. ۳/۴۰

مرگ، و محبوبیت نزدیک شدنش به بنده

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ... حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ... حَامَتَنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنُوَّ مِنْهَا

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کند شماریم. تا جایی که مرگ برای ما (همانند)

خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم. ۳/۴۰

قرار دادن محبت بنده، در سینه های اهل ایمان

وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

ص : ۵۸۸

به دوستی نگرفتن آنکه، برای خدا با او دشمنی شده

وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... تُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُدِدَى فَيْكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا تُوَالِيهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِي لَا تُصَافِيهِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم. ۱۰/۴۴

سزاواری کرامت وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما. ۱۲/۴۴

رمضان، عید دوستان خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا... عِيدَ أَوْلِيَائِهِ

درود بر تو، ای عید دوستان او. ۲۳/۴۵

توبه کنندگان و وجوب محبت خداوند

اجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ

ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای. ۵۴/۴۵

نرم خویی ولی خدا، برای اولیای الهی

وَ أَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ

و خوی او را برای دوستانت نرم فرما.

۶۳/۴۷

درود خدا بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

درخواست از خدا، برای دوستداران ائمه علیهم السلام

سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَيَّ التَّقْوَىٰ أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ

و بر آنان و بر جان هایشان سلام فرست و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده و احوالشان را برای آنها اصلاح نما و توبه آنان را بپذیر.

۶۵/۴۷

دوستی بنده، با دوستداران خدا

فَجَعَلْتُهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمَوَالِهِ أَوْلِيَائِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستانت راهنمایی اش نمودی. ۶۷/۴۷

خدا، و مقرون نمودن دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به دوستی خود

ص : ۵۸۹

بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوْلَاتَهُ بِمَوْلَاتِكَ... تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَّعَمَدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُنْتَصِلًا

به حق کسی که دوستی اش را با دوستی خود قرین کرده ای، در این روز، مرا پوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

فزوننی دوستی خدا، بر بنده

لَا تَمْنِحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از فزوننی دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی. ۱۰۲/۴۷

دوستی دنیای پست

انزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَيْتِي

دوستی دنیای پست را از دلم بر کن.

۱۰۹/۴۷

رسوا نساختن بنده، در برابر دوستان خدا

لَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيْ أَوْلِيَائِكَ

در برابر دوستان رسوایم نگردان. ۱۱۴/۴۷

پایانی دوست داشتنی

فَأَخِينِي حَيَاةً طَيِّبَةً... تَبْلُغْ مَا أَحْبُّ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه

دوست دارم پایان یابد. ۱۱۷/۴۷

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

جَاوِزِي بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ

در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگان آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستان همسایه گردان. ۱۲۸/۴۷

مکان های آماده شده (در بهشت)، برای دوستان خدا

جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ

در مکان هایی که برای دوستان آماده کرده ای، به عطاهای ولایت مرا ببوشان. ۱۲۸/۴۷

محمد صلی الله علیه و آله ، حبیب و دوست خدا

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد بنده و فرستاده و دوست خود، درود فرستی.

۳/۴۸

لعت بر دوستان دشمنان جانشینان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ... وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان و دوستان و پیروانشان را لعنت کن.

۱۰/۴۸

ص : ۵۹۰

دوست داشتن فزونی پادشاهی خدا، نزد بنده

لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ، وَ أَحَبَبْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ

اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم و دوست داشتم که آن (فزونی) بر (ملک) تو باشد. ۶/۵۰

ناتوانی نفس از شتاب نمودن به وعده خدا به دوستانش

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

نداشتن دوستی، جز خدا

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ... لَا وَلِيَّ لَهُ دُونَكَ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دوستی برایش غیر تو نیست. ۸/۵۲ و ۹/۵۱

قرار دادن جایگاه بنده با دوستان خدا، در قیامت

اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي

جایگاهم را در آن روز با دوستانت قرار ده.

۷/۵۳

قرار دادن بازگشت بنده در میان دوستان خدا، (به سرای جزا)

اجْعَلْ... فِي أَحْبَابِكَ مَصْدَرِي

بازگشتم را در میان یارانانت قرار ده. ۷/۵۳

محبوبیت عاملی به سبب عملش، نزد خدا

أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.

همانندی رغبت بنده با دوستان خدا، در خواسته ها

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبِهِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

داشتن ترسی همانند ترس دوستان خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... رَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبِهِ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا، ترسم را مانند ترس اولیای قرار

آنچه بندگان محبوبيت آن را نزد خود، از خدا خواستارند:

أ. آنچه خدا پسندیده است

حَبَّبَ إِلَيَّ مَا رَضِيَتْ لِي

آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان. ۶/۱۵

ب. همنشینی درویشان

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان. ۴/۳۰

ج. ناپسندیده هایشان از تقدیر الهی

حَبَّبَ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ

آنچه از مقدراتت که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما. ۴/۳۳

ده

ده برابر بودن مزد به جا آورنده نیکی

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

هر کس کار نیکی به جا آورد، پس برای او ده برابر آن است. ۱۲/۴۵

دهان

گشوده بودن دهان کژدم های آتش دوزخ

وَ أَعْوَدُ بِكَ مِنْ عَقَابِهَا الْفَاعِرَةِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

دیدار

ترس از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفٍ لِقَائِكَ. فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم. ۱/۲۱

روز دیدار

فَأَدِّهِ عَنِّي... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ... تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْفُتُوحِ يَا رَبِّ

پس آن (تکلیف) را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نماند که بخواهی به سبب آن بر بدی هایم بیفزایی، در روزی

که تو را دیدار می کنم. ای پروردگار من. ۷/۲۲

وَكَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا روز دیدار (هنگام قیامت)، جایگاه ماندن باشد. ۱۳/۴۲

توفیق دیدار همسایگان از سفر آمده

ص : ۵۹۲

وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... تَعْهُدِ قَادِمِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در دیدار با از سفر بازگشته شان، توفیق ده. ۲/۲۶

دیدار مرزداران مسلمان، با دشمن

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعِ الْغُرُورِ...

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زنده را از خاطرشان ببر. ۴/۲۷

دیدار نمودن آتش دوزخ، از ساکنانش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می شود. ۲۹/۳۲ و ۳۰

برانگیخته شدن، برای دیدار خدا

وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوایم نسا. ۱۱۴/۴۷

شوق دیدار خداوند

شَوْفِي لِقَاءَكَ

مرا به دیدارت مشتاق گردان. ۱۲۶/۴۷

وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده. ۴/۵۴

رابطه نپسندیدن دیدار خدا و طول عمر

لَا يُعَمَّرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد. ۳/۵۲

دیدن بینایی

دیده چشم

دیروز

دیروز (روزهای گذشته)، و حرص مؤمنان به رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِاللَّامِسِ عَلَيْكَ!

دروود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حرص بودیم! ۴۱/۴۵

دیرینه

دیرینگی نیکی والدین، به فرزند

فَهُمَا... أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ... مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلِ

پس احسانشان به من دیرینه تر از آن است که با عدل از آنان تقاص گیرم. ۱۰/۲۴

ص : ۵۹۳

صاحب نعمت دیرین

إِنَّكَ ذُو... الْمَنَّ الْقَدِيمِ

به درستی که تو صاحب نعمت دیرینه ای.

۱۵/۲۴

قدیم بودن خدا

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْقَدِيمِ الْخَبِيرِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. قدیم آگاه. ۷/۴۷

توأم ساختن سودهای دیرین الهی، با تازه های آن

اشْفَعْ لِي... قَدِيمِ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا

برای من سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز. ۱۲۱/۴۷

دیرینه بودن عفو الهی

إِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ

اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایش مرا فراگرفته است. ۴/۵۰

دین

پیامبر صلی الله علیه و آله و احیای دین خداوند

قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

رنج بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دعوت (مردم) به دین خدا

أَتَعْبَهَا بِالْدُعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ

با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، جهت ارجمندی دین

هَاجِرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ، وَ مَحَلِّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ... إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ

از جایگاه اقامتش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزت دهد. ۱۴/۲

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و ارجمند نمودن دین الهی

وَ أَشْكُرُهُمْ عَلَى... مَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

پیروی تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، از دین ایشان

يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ

...دین آنان را پیروی می کنند.

۱۲/۴

ص : ۵۹۴

قرار گرفتن بین زیان دینی و دنیوی

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْفِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زود گذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

میراندن بنده، بر دین خدا

اجْعَلْنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ أَمْوَتٌ وَ أَحْيَا

چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم.

۱۷/۲۰

وَ تَوَفَّنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ وَ مَلَهُ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

پیروی از پسندیده ترین مذاهب

وَفَّقْنِي... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

زمان تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

چگونگی برخورد با نعمت دینی یا دنیوی دیگران

وَ ارْزُقْنِي سَلَامَةً الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّىٰ لَا أَرَىٰ

نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

سلامتی بنده، در دین و بدنش

وَ اٰمَنُ عَلٰی بِالصَّحٰهِ وَ الْاٰمَنِ وَ السَّلَامَةِ فِی دِیْنِی وَ بَدَنِی

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منت گذار. ۳/۲۳

گشودن دل بنده، برای مقاصد دین خدا

وَ اَشْرَحَ لِمَرَاثِدِ دِیْنِكَ قَلْبِی

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

سالم داشتن دین و کیش فرزندان

اَصِحَّ لِی... اَذِیَانَهُمْ...

دینشان را برای من سالم بدار. ۲/۲۵

سبب جنگیدن جنگجویان اهل دین خدا

اللّٰهُمَّ وَ اٰیْمًا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ اَهْلِ مِلَّتِكَ، اَوْ مُجَاهِدٍ جَاهِدَهُمْ مِنْ اَتْبَاعِ سِبْتِكَ لِيَكُونَ دِیْنِكَ الْاَعْلٰی وَ حِزْبِكَ الْاَقْوٰی وَ حَظُّكَ الْاَوْفٰی فَلَقَّه الْیُسْرَ

ص : ۵۹۵

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنت تو که با ایشان جهاد نماید، تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر و بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن. ۱۳/۲۷

اختصاص یافتن امت اسلام، به دین خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ

سپاس خدای را که ما را به آئین خویش اختصاص داد. ۲/۴۴

سپاس گزاری از خدا، به سبب عطای دین خود، به بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّأَنَا بِدِينِهِ

سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد. ۲/۴۴

شک و دودلی، در دین خدا

جَبْتُنَا... الشَّكَّ فِي دِينِكَ

ما را از شک در دینت دور گردان. ۱۳/۴۴

پسندیده بودن آیین الهی

هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ، وَ مِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی. ۱۹/۴۵

راهنمایی بنده، به دین خدا

هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ، وَ مِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی. ۱۹/۴۵

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی اش. ۶۷/۴۷

برتری امت مسلمان، بر اهل سایر آئین ها

ثُمَّ آتَيْنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَاصْطَفَيْنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَّةِ

سپس ما را بر بقیه امت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را - برگزیدی. ۲۱/۴۵

درگذشتن خدا، از همه هم کیشان مسلمان

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا

خداوندا از همه هم کیشان ما درگذر. ۵۵/۴۵

طلبیدن خدا و یافتنش، برای دین یا دنیا

فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد. ۲۵/۴۷

نگهبانان دین الهی

ص : ۵۹۶

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ... حَفَظَهُ دِينِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را نگهبانان دینت قرار دادی. ۵۶/۴۷.

تأیید دین خدا، به وسیله امام

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمَامَ أَقَمْتَهُ عَلَمَاً لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی. ۶۰/۴۷.

عامل زنده گرداندن نشانه های دین خدا

أَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

با او (ولی خود)، آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان. ۶۲/۴۷.

اقامه شرایع الهی، به وسیله ولی خدا

أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ

کتاب خود و احکامات و قوانینت را به وسیله او به پا دار. ۶۲/۴۷.

رها نکردن دین خدا، بر اثر ترس از کسی

اسْتَعْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم.

۶/۵۴

ص : ۵۹۷

ذات

ره یافتن هدایت یافتگان، به نور ذات الهی

وَ إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ

و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند. ۱۱/۵

بزرگی کنه و ذات خداوند

مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ

بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت ذات آن به حدی درآید. ۲۳/۴۶

واماندن اندیشه ها، از ادراک ذات خدا

أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيكَ

تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند. ۱۸/۴۷

سپاسی سزاوار بزرگی ذات خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذات

کریم تو باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۹

درخواست از خدا، به حق بزرگی ذات او

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

ذخیره

پُر گرداندن ابتدا تا انتهای روز بنده، به ذخیره (برای آخرت)

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

ذخیره شدن پاداش بنده

صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتُ لِي مِنْ ثَوَابِكَ

نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی، در دلم بگذار. ۱۵/۱۴

ذخیره شدن (ثواب) حج، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نزد خدا

ص : ۵۹۹

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَيِّمُوا تُكَ عَلَيَّهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيَّهِ وَ عَلٰى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِكَ) عَلَيَّهِمُ السَّلَامُ... وَ اجْعَلْ ذَلِكُ... مَذْخُورًا عِنْدَكَ

خداوندا و بر من ممت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - . و آن را ذخیره شده نزد خویش، قرار ده.

۴/۲۳

ذخیره شدن در گنجینه های الهی

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِيهِ فَاذْخَرَهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيهِ

آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

ستاندن ذخیره های گوناگون مورد حرص بنده

فَأَجْزُنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن

اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم. ۴۵/۴۵

ذره

همچون ذره بودن بنده

أَنَا... مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا

من مانند ذره ای یا کمتر از آنم. ۷۵/۴۷

افزون نشدن ذره ای به پادشاهی خدا، با عذاب بنده

لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذره ای بر پادشاهی تو بیفزاید. ۶/۵۰

ذریه نسل

ذلت خواری

ذهن

پرشان گشتن ذهن، در وام

وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ... يَحَارُ فِيهِ ذَهْنِي

و مرا معاف دار، از وامی که ذهنم در آن سرگردان شود. ۱/۳۰

ص : ۶۰۰

راحتی آسایش

راز

پناه بردن به خدا، از بدی راز نهفته در دل

نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ

پناه می بریم به تو از نیت بد. ۶/۸

پنهان کردن اسرار همسایگان

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... كِتَابِ مَآئِنِ أَسْرَارِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در کتمان اسرارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

خدا دانایتر از بنده، به راز او

أَبْنَيْكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده. ۹/۳۱

پوشیده نبودن رازهای نهانی، از خدا

لَا تَعْرُبُ عَنْكَ غَيْبَاتُ السَّرَائِرِ

رازهای نهان، از تو غایب نیست. ۱۱/۳۲

شرم نمودن از خویشان درباره اسرار خود

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْزِنِي مِنْ فَضْلِ يَحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ... وَ مِنْ ذِي رَحْمٍ كُنْتُ أَحْسَنُ مِنْهُ فِي سِرِّيَاتِي

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان

ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

عدم اعتماد بنده، به رازپوشی (همسایه و خویشاوند)

لَمْ أَتَقِ بِهَم رَّبِّ فِي السِّرِّ عَلَيَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم. ۲۲/۳۲

شنیدن نجوا و رازگویی بنده

اسْمَعُ نَجْوَايَ

نجوایم را بشنو. ۲۵/۴۶

روز آشکار شدن رازها و پنهانی ها

وَلَا تُهْلِكُنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

ص : ۶۰۱

و در روزی که پنهان‌ها آشکار می‌شود هلاکم نکن. ۱۲۹/۴۷

گذاردن راز خود، نزد خدا

وَ أَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي، وَ حَيْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي

و هر حاجتی که می‌خواهم، از تو درخواست می‌کنم و هر کجا که باشم راز خود را نزد تو می‌گذارم. ۱۱/۵۱

رسوا نمودن بنده، به سبب (بدی) راز نهفته در دل او

إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي بِسِرِّي

خدای من، به (ناپاکی) راز درونم مرا رسوا نکردی. ۱۱/۵۱

راست و درست

قرار دادن گواه صادقی از فرشتگان، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

خداوند! برای ما در هر ساعتی از ساعت‌های این روز، گواه صادقی از فرشتگان قرار ده.

۱۶/۶

راهنمایی نمودن بنده، به راست‌ترین راه

وَ اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

و مرا به راست‌ترین راه، راهنمایی کن.

۱۳/۱۴

بهره‌مند ساختن بنده، از نیت صواب

مَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَّا أُسْتَبَدَلُ بِهِ... وَ نِيَّةٍ رُشِدٍ لَّا أُشَكُّ فِيهَا

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به نیت درستی که در آن تردید نکنم، بهره‌مند ساز. ۵/۲۰

توفیق (آشنایی با) درست‌ترین کارها

وَفَقِّنِي إِذَا اشْتَكَلَتْ عَلَيَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا

آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

سبب از روی دل شناختن درستی عمل

وَ ارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. ۸/۲۲

راست گرداندن کجی والدین، با فرزندان

اللَّهُمَّ... أَفِمْ بِهِمْ أَوْدِي

ص : ۶۰۲

خداوندا کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما.

۴/۲۵

توفیق یافتن راه راست و درست

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُؤَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفق گشته اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۰/۲۵

به جا بودن دوران‌دیشی دوران‌دیش

فَصَحَّ بِمُعَايَنَةِ امْتَالِهِمْ حَازِمٌ

پس دوران‌دیشی (شخص) دوران‌دیش، با دیدن امثال ایشان، درست و به جاست. ۷/۲۸

اثر برگزیدن راه راست

أَرْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اخْتِيَارُهُ

برگزیدن راه صواب، او را راهنمایی کرد.

۷/۲۸

بخشیدن باور و یقین صادق، به بنده

هَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينًا بِهِ مِنْ مَوْوَنِهِ الطَّلَبِ

ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی. ۲/۲۹

گفتار خدا، راست ترین گفتارها

فَقُلْتُ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است. ۴/۲۹

مغرور نشدن صدیقین، به (رحمت) خدا

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَعْتَرَّ بِكَ الصَّادِقُونَ

و اما تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند. ۱۳/۳۹

کردار راستین و کوتاه شدن آرزوها

وَ أَكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصَّرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن. ۱/۴۰

جدا نساختن بنده، از راه راست قرآن

اللَّهُمَّ فَكَيْمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى... لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنِ قَصِيدِ طَرِيقِهِ

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد. ۶/۴۲

عذر خواستن صادقانه زبان ها، برای خدا

وَ لَكَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. ۴۵/۴۵

ص : ۶۰۳

سپاسی از خدا، که باطنش با نیت صادقانه موافق باشد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفُقُّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفُقُّ لِمَصْدَقِ النَّيِّهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیت صادقانه موافق باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۳

درست اندام آفریدن بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی.

۱/۵۰

سرگردانی، به سبب انحراف از راه راست

فَأَنَا... الْمُرْتَدُّ فِي خَطِيئَتِي، الْمَتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي

...از این رو من مردد در خطای خود و منحرف از راه راستم. ۱/۵۳

میراندن بنده، بر صدق و راستی

اقْبِضْ عَلَيَّ الصِّدْقِ نَفْسِي

مرا بر راستی بمیران. ۴/۵۴

عطا نمودن توکل راستین، به بنده

هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

توکل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

۴/۵۴

رام

رام ساختن بنده، برای بندگی خدا

عَبَّدَنِي لَكَ

مرا به عبادت خود وادار. ۳/۲۰

عامل رام کردن دل بنده

ذَلَّلَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا

آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان. ۱۰/۲۱

راندن

درود خدا، بر رانندگان ابر

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ... زَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که حرکت دهندگان ابرند. ۱۳ و ۱۱ و ۱۰/۳

شنیده شدن بانگ رعدها، از صدای رانده شدن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای

ص: ۶۰۴

راندنش، بانگ رعد‌ها شنیده می‌شود.

۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

به حرکت درآمدن ابر، از صدای راندن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحِ الْبَاطِنِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّتِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَّحْتَ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه‌های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعد‌ها شنیده می‌شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله‌های برق می‌درخشد. ۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

همراه بودن راننده ای (در قیامت)، با هر کس

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۳/۲۴

خدا، مددکار هر نیازمند رانده ای

يَا عَصْدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ

ای یاور هر نیازمند رانده شده. ۴/۱۶

شیطان، رانده شده (از رحمت الهی)

...الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

...شیطان رانده شده.

۴۴/۱۳، ۲۵/۶، ۲۳/۶، ۱۷/۱

بنده رانده شده، و درگاه انتقام الهی

...وَ أُخْرِجَنِي إِلَىٰ فَنَاءِ نِقْمَتِكَ طَرِيدًا

...و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقام درآورد. ۳۲/۱۳

قصد نمودن راه اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، به وسیله تابعین

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَتَهُمْ

آنان که راه ایشان را قصد نمودند. ۱۰/۴

راه پرهیزکاری و راه تباهی

وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التُّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری ببر. ۵/۱۷

بیرون نشدن از راه حق

مَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَّا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَهُ حَقٌّ لَّا أَزِيغُ عَنْهَا

ص : ۶۰۵

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقی که از آن به بیراهه نروم، بهرمند ساز. ۵/۲۰

راهنمایان به راه راست

اجْعَلْنِي... مِنْ أَدْلِهِ الرَّشَادِ

مرا از راهنمایان به راه راست قرار ده.

۱۸/۲۰

وسیله رساندن بنده، به راه رستگاری

وَ أَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان. ۲۳/۲۰

آسان گردیدن راه رسیدن به خوشنودی خدا

سَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي

راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. ۲۸/۲۰

روانه ساختن دل بنده، در خوشایندترین راه ها

وَ أَجْرٍ بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما. ۱۰/۲۱

گشودن دل بنده، برای راه های مستقیم

دین خدا

وَ اشْرَحْ لِمَرَاثِدِ دِينِكَ قَلْبِي

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

وسیله توفیق یافتن به راه راست

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُؤَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفق گشته اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱

آموختن راه ها و روش ها، به مجاهد

عَلَّمَهُ السَّيْرَ وَالسُّنَنَ

راه ها و روش ها (ای جهاد) و سنت ها (ای اسلامی) را، به او بیاموز. ۱۴/۲۷

تنگ بودن راه های تیره پشت

اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَذَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ... حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

درخواست راهی آسان، برای روزی

أَسْأَلُكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ إِلَيَّ رِزْقِي سَبِيلًا

ص : ۶۰۶

از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی. ۲۸/۳۲

راه پسندیده و ستوده

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ، وَ أَحْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَاعِظًا لَنَا... وَ سَعِيًّا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاجِيَةِ، وَ الطَّرِيقِ الْمَحْمُودَةِ

پس آن عیب ها که پوشانیدی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

۳/۳۴

راه خدا، عفو و گذشت

ذَلِكَ أَنْ... سَبِيلَكَ الْعَفْوُ

زیرا راه تو بخشایش است. ۷/۳۷

سبب گمراه نگشتن از راه خدا

لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نمی شد. ۹/۳۷

راه کوشنده در بندگی خدا

...هَذَا يَا إِلَهِي... سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ

...ای خدای من، این راه کسی است که در بندگی تو کوشیده. ۱۴/۳۷

راه های ایمن شدگان

وَجَّهْنِي فِي مَسَالِكِ الْأَمِينِ

مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست.

۴/۴۱

آشکار نمودن راه های احکام خدا

جَعَلْتُهُ... قُرْآنًا أُعْرِبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامات را روشن ساختی. ۱/۴۲ و ۲/۴۲

جدا نگشتن از راه راست قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصِدِّ لِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى... لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصِيدِ طَرِيقِهِ

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد. ۶/۴۲

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا... أَنَّهُجَتْ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمد و خاندانش درود

ص : ۶۰۷

به راه پیامبر صلی الله علیه و آله رفتن

وَ اَسْئَلُكَ بِنَا سَبِيلَهُ

و ما را به راه او ببر. ۲۰/۴۲

سیر نمودن در راه روشن پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ خُذْ بِنَا مِنْهَا جِهَهُ

و ما را در راه روشن او سیر ده. ۲۰/۴۲

جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله ، در راه خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... جَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده. ۲۲/۴۲

راه های احسان خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... سَبَلْنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْئَلُكَهَا بِمَنْتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ

سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش

رویم. ۲/۴۴

دور گرداندن بندگان، از کوری از راه خدا

جَبْتَنَا... الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ

ما را از کوری از راهت دور گردان. ۱۳/۴۴

انفاق اموال، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه

صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.

یافتن شدن راهی، در سپاس خداوند

فَلَکَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِی حَمْدِکَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود. ۱۷/۴۵

آسان بودن راه خدا

هَدَيْتَنَا لِدِينِکَ الَّذِی اصْطَفَيْتَ... وَ سَبَّحْتَ الَّذِی سَهَّلْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به راهت که آن را آسان نمودی، هدایت کردی. ۱۹/۴۵

آسان شدن راه های نیکی، با رمضان

السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنْ... صَاحِبِ سَهْلِ سُبُلِ الْإِحْسَانِ

درود بر تو همراهی که راه های احسان را آسان نمود. ۲۹/۴۵

هموار بودن راه خدا

ص : ۶۰۸

سَبِيلِكَ جَدِّدْ

راه تو هموار است. ۲۸/۴۷

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، راه بهشت خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ... وَ جَعَلْتَهُمْ... الْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را راهی به سوی بهشت

قرار دادی. ۵۶/۴۷

دور ساختن سختی، از راه خدا

أَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ

به سبب او سختی را از راهت دور کن.

۶۲/۴۷

زدودن زنگار ستم، از راه خدا

اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

با او زنگار ستم را از راهت بزدا. ۶۲/۴۷

بیرون کردن منحرفان، از راه خدا

أَزِلْ بِهِ النَّاكِيبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ

به وسیله او، منحرفان را از راهت بیرون کن.

۶۲/۴۷

نابود گرداندن کج طلبان راه راست خدا

امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجًا

به وسیله او آنان که می خواهند راه راست تو

را کج کنند، نابود گردان. ۶۲/۴۷

پیروی دوستان ائمه علیهم السلام ، از راه روشن ایشان

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

آسان نمودن راه نیکویی ها به سوی خدا

وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ

و راه خیرات به سوی خود را برای من آسان گردان. ۹۴/۴۷

درهم نشکستن بنده، همراه با منحرفان از راه های خدا

وَ لَا تُبْزِنِي فِيمَنْ تُبْزِي مِنَ الْمُخْرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن. ۹۷/۴۷

قرار دادن راهی برای بنده، در حق

اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ

برای من در راستای حق، از هر رحمتی راهی قرار ده. ۱۲۹/۴۷

تحریف واجبات، از مقاصد راه های روشن خدا

يُرْوُونَ... فَوَائِضَكَ مُحَرِّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَسْرَاعِكَ

ص : ۶۰۹

می بینند که واجبات از جهاتِ راه روشنت، تحریف شده است. ۹/۴۸

فرود آمدن در راه های سختِ نابودی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ

به راه های سختِ نابودی وارد شدم. ۲/۴۹

راه های ناتوان کننده بنده

يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ

ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید. ۷/۵۱

نبودن راهی برای بنده، جز در ملک خدا

كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟ ۱/۵۲

انحراف از راه راست و در راه ماندن

فَأَنَا... الْمُنْحَرِفُ عَنْ قَصْدِي، الْمُنْقَطِعُ بِي

...از این رو من منحرف از راه راست خویش و در راه مانده ام. ۱/۵۳

راه رفتن

راه رفتن در بین مردم، با نور عطاشده از جانب خداوند

هَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم.

۸/۲۲

راهنمایی

راهنمایی بندگان، به توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. ۲۲/۱

گماشتن راهنما، از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمد صلی الله علیه و آله

أَقَمْتُ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ۲/۴

سلام خدا، بر پیشوایان هدایت

أَقَمْتُ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مِنْ أُنْمَةِ الْهُدَى، وَقَادَهُ أَهْلُ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، از امامان
رستگاری و

ص : ۶۱۰

پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ۲/۴

به خوشنودی یاد نمودن خدا، از امامان رستگاری

أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا... مِنْ أُمَّةٍ الْهُدَى... فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامان رستگاری، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۲/۴

راه یافتن تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، به راهنمایی ایشان

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ. الَّذِينَ... يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان. همانها که به راهنمایی آنها راه می یابند. ۱۲ و ۱۰ و ۹/۴

عدم نگرانی تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، از اقتدا به نشانه های هدایت صحابه

لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي... الْإِنْتِ مَامٍ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ

تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت. ۱۱/۴

راهنمایی بندگان، به سوی خدا

أَهْدِنَا إِلَيْكَ

ما را به سوی خود هدایت فرما. ۹/۵

دانایی به وسیله راهنمایی خداوند

إِنَّ مَنْ... تَهْدِيهِ يَعْلَمُ

زیرا هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود.

۹/۵

هدایت شدن ره یافتگان، با نور ذات خدا

إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ

به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند. ۱۱/۵

راهنمایی نمودن بندگان

إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنَا

به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را هدایت فرما. ۱۱/۵

وَاسْتَهْدِيكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنِي

و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

۲۰/۴۸

راهنمایی خدا و گمراهی گمراه کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُعْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ

خداوند! هر که را تو راهنمایی نمودی، گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد. ۱۲/۵

ص : ۶۱۱

راهنمایی راهنماینده به راه خدا

اجْعَلْنَا مِنْ... هُدَايِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ

ما را از هادیان راهنمایی کننده به راه خود قرار ده. ۱۵/۵

نگهداری ای راهنمایی کننده، به طاعت الهی

احْفَظْنَا... حَفْظًا... هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را به فرمانبرداریت راهنمایی کند. ۱۷/۶

راهنمایی کردن گمراه

وَفَقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَإِرشَادِ الصَّالِّ

ما را برای انجام نیکی و راهنمایی گمراهان، توفیق ده. ۱۸/۶

پناه بردن به خدا، از مخالفت هدایت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مُتَابَعَةِ الْهَوَى

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس. ۱/۸ و ۲

احسان به بنده، راهنمای او (به درگاه خدا)

إِحْسَانُكَ دَلِّي

احسان تو مرا راهنمایی کرد. ۲۵/۱۳

راهنمایی بنده، به راست ترین راه

وَ اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

و مرا به راست ترین راه، راهنمایی کن.

۱۳/۱۴

جهل بنده، نسبت به رشد و هدایت خود

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي، يَا إِلَهِي، بِرُشْدِهِ؟

پس ای خدای من، چه کسی به رستگاری خود نادان تر از من است؟ ۲۳/۱۶

دلالت داشتن آیات قرآن، بر عطایای فراوان الهی

إِنَّ ذَلِكَ... لَا يُؤْوِدُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیار است که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد. ۳۴/۱۶

بهره مندی از هدایت، در برابر گمراهی

أَمْتَعْنَا مِنَ الْهُدَىٰ بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان. ۵/۱۷

بهره مند نمودن بنده، از هدایت شایسته

مَتَّعِنِي بِهُدَىٰ صَالِحٍ لَّا أَسْتَبْدِلُ بِهِ

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم بهر مند ساز. ۵/۲۰

توفیق پیروی از راهنما

ص: ۶۱۲

وَفَقِّنِي لِبَطَاعِهِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابَعِهِ مَنْ أَرْشَدَنِي

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

۸/۲۰

آسان بودن راهنمایی بنده، بر خدا

لَا أَضِلُّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّتْكَ هِدَايَتِي

(چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی. ۱۴/۲۰

گویا فرمودن بنده، به هدایت و راهنمایی خدا

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن. ۱۶/۲۰

بودن در زمره راهنمایان به راه راست

اجْعَلْنِي... مِنْ أَدْلِهِ الرَّشَادِ

مرا از راهنمایان به راه راست قرار ده.

۱۸/۲۰

راهنمایی بنده، قبل از گمراه شدنش

فَأَمِّنْ عَلَيَّ... قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ

پس پیش از گمراهی، با راهنمایی بر من منت گذار. ۲۰/۲۰

عطای نیکی راهنمایی

امْنِحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ

خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

۲۰/۲۰

بخشیدن راهنمایی حقیقی، به بنده

هَبْ لِي صِدْقَ الْهُدَايَةِ

مرا هدایت راستین ببخش. ۲۲/۲۰

وسیله رساندن بنده، به راه هدایت

أَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ

مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان. ۲۳/۲۰

هدایت شدن در تاریکی ها، با نور بخشیده شده از جانب خداوند

هَبْ لِي نُورًا... أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ

مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم.

۸/۲۲

گشایش دل برای راهنمایی های دین الهی

وَ اَشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

خدا، راهنماینده ترین کس

يَا أَهْدِي مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده.

۱۱/۲۴

ص: ۶۱۳

راهنمایی نمودن راه جویان از همسایگان

و وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در راهنمایی راه جویشان، توفیق ده.

۲/۲۶

راهنمایی مجاهد مسلمان، به حسن نیت

أَثْرُ لَهُ حُسْنِ النَّيِّهِ

او را به حسن نیت، راهنمایی فرما. ۱۴/۲۷

سبب راهنمایی دورانیش، به راه راست

فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَهُ اعْتِبَارَهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اخْتِيَارَهُ

پس (شخص) دورانیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد و برگزیدن راه صواب، او را

راهنمایی کرد. ۷/۲۸

گشوده شدن دیده هدایت منکر احسان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا، وَ تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا... كَالْمُنْكَرِ فَضَلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصِيرُ الْهُدَى... فَرَأَى كَبِيرَ عَصِيَانِهِ كَبِيرًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند انکارکننده

بسیاری فضل تو به

خودش. اما همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، پس گناه بزرگش را بزرگ دانست. ۶/۳۱ و ۷/۳۱

راهنمایی بندگان، به وسیله محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، همچنانکه ما را به سبب او هدایت کردی.

۳۰/۳۱

راه جستن از خدا

وَ أَشْهَدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَ أَخَّرَ عَنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداند. ۳۱/۳۲

عدم راهنمایی کسی، بر عیب های پنهان بنده

فَكُنَّا قَدْ... تَسْتَرُ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَدُلُّ عَلَيْهِ

چرا که هر کدام از ما عیب های پنهان داشت، پس کسی را بر (عیب های) او راهنمایی نکردی.

۱/۳۴

افزودن هدایت بنده

وَ زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

و هدایت خود را برایم بیفزای، که با آن به توفیق در عملم برسم. ۱۶/۳۷

آفرینش نفس بنده، و عدم راه جویی خدا

ص: ۶۱۴

أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا... لِتَطَّرَقَ بِهَا إِلَى نَفْعِ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به وسیله آن به سودی راه جویی. ۷/۳۹

هدایت شده از دنیا رفتن

أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، بمیران. ۵/۴۰

هدایت شدن در تاریکی های گمراهی و نادانی

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم. ۳/۴۲

قرآن، نور هدایت

جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَّا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان خاموش نمی شود، قرا ده. ۳/۴۲

هدایت شدن، با روشنی بامداد قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش

راه می یابند. ۷/۴۲

نطلبیدن هدایت، در غیر قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... لَّا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در غیر آن هدایت را نمی جویند. ۷/۴۲

به پا داشتن محمد صلی الله علیه و آله ، برای راهنمایی به خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده. ۸/۴۲

راهنمایی بندگان، به سپاس گزاری از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود. ۱/۴۴

قرآن، راهنمای مردم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ

ص : ۶۱۵

مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فروفرستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حق از باطل) است. ۳/۴۴

راهنمایی از وحی، بر در توبه

جَعَلْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ

بر آن در از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای.

۱۰/۴۵

بهبانه نداشتن غافل، پس از برپایی راهنما

فَمَا عُدْرُ مَنْ أَعْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامِهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟! ۱۱/۴۵

راهنمایی بندگان، با سخن خدا

أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود راهنمایی کردی. ۱۴/۴۵

راهنمایی آفریده ای، به آنچه بندگان به آن راهنمایی شده اند

لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَىٰ مِثْلِ الَّذِي دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای،

راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد. ۱۷/۴۵

راهنمایی بندگان، به دین برگزیده شده از جانب خدا

هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی، هدایت کردی. ۱۹/۴۵

راهنمایی بندگان، به سنت ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ... هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

تویی مولایی که ما را به روش آن، راهنمایی نمودی. ۴۴/۴۵

شناخته شدن هدایت و راهنمایی

عُرِفَتِ الْهُدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ

هدایت از جانب تو شناخته شد. ۲۵/۴۷

راهنما بودن امر الهی

أَمْرُكَ رَشْدٌ

فرمانت هدایتگر است. ۲۸/۴۷

راهنمایی بنده، به دین خدا

ص: ۶۱۶

فَجَعَلْتُهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دین خود راه نمودی اش. ۶۷/۴۷

راهنمایی بنده، به دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنانش

فَجَعَلْتُهُ مِمَّنْ... أَرْشَدْتَهُ لِمَوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان راهنمایی اش نمودی. ۶۷/۴۷

تقسیم نمودن هدایت، در بین مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ... هُدًى... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، هدایت را قسمت می نمایی، بهره و

نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

سبب راهنمایی مؤمنان، به سوی خدا

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی

یا خیری را به ایشان عنایت می کنی و بدین وسیله آنان را به سوی خود هدایت می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد

گردان. ۲/۴۸

هدایت و راهنمایی خواستن، از خدا

وَ أَسْتَهْدِيكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِي

و از تو راهنمایی می خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا راهنمایی کن.

۲۰/۴۸

راهنمایی کردن خدا و غافل ماندن بنده

إِلَهِي هَدَيْتَنِي فَلَهُوْتُ

خدای من، مرا راه نمودی، پس به کار بیهوده مشغول شدم. ۱/۴۹

رأفت رحمت

ربوبیت پروردگار

ربودن

ربوده شدن برکات رمضان، از بندگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ... مَا ضِ مِنْ بَرَكَاتِكَ سَلِينَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از ما ربوده شد. ۴۲/۴۵

ربودن درجه والای درست کاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ

ص : ۶۱۷

أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرَوْهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگان و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند. ۹/۴۸

رتبه مرتبه

رجا امید

رجوع بازگشت

رحلت کوچ

رحم زهدان

رحمت

درود خدا بر فرشتگان رحمت

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان. ۱۰/۳

گنجینه های نابودشدنی رحمت خدا

يَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.

۳/۵

قرار دادن بهره برای بندگان، در رحمت

خدا

اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ

از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

خدا، مهربان با بندگان

أَنْتَ أَشْهَدُ أَنَّكَ... رَزُوفٌ بِالْعِبَادِ

همانا من شهادت می دهم که تو با بندگان بسیار مهربانی. ۲۱/۶

خدا، مهربان ترین مهربانان

أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ

تویی مهربان تر از هر مهربان. ۲۴/۶

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای مهربان ترین مهربانان.

۸/۵۴۷/۵۰، ۶۵/۴۷، ۲۸/۴۸، ۱۷/۴۹، ۱۰/۸، ۱۲/۲۰، ۲/۲۴ و ۳۵/۳۲

يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تو را صدا می زند: ای مهربان ترین مهربانان.

۹/۱۲

أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

تو بخشاینده ترین بخشاینده گانی. ۱۵/۲۴

فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

پس تو بخشاینده ترین بخشاینده گانی.

۱۴/۵۱

ص: ۶۱۸

امر به بدی نمودن نفس، و رحم فرمودن خداوند

وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اِخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا... أَمَارَةٌ بِالشُّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار، چون آن به بدی امر می کند مگر تو رحم کنی. ۴/۹

رحم خدا، بر درخواست کننده رحمتش

أُولَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَكَ

سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته. ۵/۱۰

مهربانی خدا، با هر که او را بخواند

إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ

به درستی که تو به هر که تو را خواند، مهربانی.

۵/۱۱

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُتِلَّغَ فِي الدُّعَاءِ؟

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

روی آوردن رحمت خواهان، به خدا

يَا أَرْحَمَ مَنْ انْتَابَهُ الْمُسْتَوْحِمُونَ

ای بخشنده ای که رحمت خواهان پی در پی نزد او می آیند. ۹/۱۲

گردش آمرزش طلبان، به گرد مهربان ترین کس (خدا)

يَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند. ۹/۱۲

رحم نمودن خدا به زاری بنده

كُنْ... لِتَضْرُعِي رَاحِمًا

به زاریم ترحم فرما. ۲۱/۱۳

فَارْحَمِ طُولَ تَضْرُعِي

پس بر بسیاری زاریم رحم کن. ۳۲/۱۶

خدا خود را به رحمت و صف فرموده

أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ

تویی آنکه خود را به رحمت و صف نموده ای.

۱۸/۱۶

رحم نمودن به بنده

...وَاَرْحَمْنِي

...و به من رحم کن. ۱۸/۱۶

فَارْحَمْنِي

پس به من رحم کن. ۲۲/۳۲

وَأَسْتَرْحِمُكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي

و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

۲۲/۴۸

ص : ۶۱۹

فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس بر من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان.

۷/۵۰

رهایی کردن خطاکاران، با امید به رحمت خدا

إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَاكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی کردن های خطاکاران است - می باشد.

۲۸/۱۶

اصلاح کار گنهکاران، با طمع در مهربانی خدا

إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَّاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست

- ۲۸/۱۶.

رحم نمودن خدا، به سختی فقر بنده

فَارْحَمْ... شِدَّةَ مَسْكَتِي

پس بر شدت نیازم رحم کن. ۳۲/۱۶

رحم نمودن خدا، به بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْقِفِي

پس بر بدی جایگاهم رحم کن. ۳۲/۱۶

نیکی به والدین، همچون مادری مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... أَبْرَهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که با آن دو (پدر و مادرم) همانند نیکی مادری مهربان، نیکی کنم.

مهربان نمودن دل فرزند، با والدین

وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي

و دلم را بر آن دو مهربان گردان. ۶/۲۴

فرزند، دلسوز و مهربان با والدین

صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا

مرا با آنان دوست و برایشان دلسوز فرما.

وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ، وَ عَلَيَّ حَدِيثِينَ مُقْبِلِينَ

و آنان را دوستدار من و بر من مهربان، و به من متوجه ساز. ۴/۲۵

خدای مهربان

إِنَّكَ... رَوْوْفٌ رَحِيمٌ

همانا تو دلسوز و مهربانی. ۱۲/۲۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

بخشنده مهربان. ۶/۴۷

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

به درستی که تویی توبه پذیر بسیار مهربان.

۶۵/۴۷، ۷/۵۰

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ

معبودی جز تو نیست، بردبار بزرگوار مهربان.

۲/۴۸

با مهربانی دلسوزی نمودن، بر همسایگان گرفتار

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَرْقُّ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً

و خداوندا مرا بر آن دار که با مهربانی بر بلادیدگان آنها، دلسوزی نمایم. ۳/۲۶

نیازمندی هر کس به رحمت، جز خدا

مَنْ سِوَاكَ مَرْحُومٌ فِي عُمْرِهِ

غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت می باشد.

۱۱/۲۸

بزرگ نشمردن مهربانی خدا

لَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمَتُهُ

اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. ۱۰/۳۱

رحم نمودن خدا، بر تنهایی بنده در برابر خود

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحَدِّثِي بَيْنَ يَدَيْكَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما. ۲۳/۳۱

مهربانی خدا، با بنده خوار زاری کننده

وَ أَفْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزِی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. ۲۴/۳۱

بنده و جلب مهربانی آسمانیان و زمینیان

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِشَوْءٍ مَوْفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِشَوْءٍ حَالِي

شاید برخی از آنها به رحمتت بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید. ۲۷/۳۱

خدا، مهربان با خطاکاران توبه کار

إِنَّكَ أَنْتَ... الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ

همانا تو بر خطاکارانِ توبه پیشه، مهربانی.

۲۹/۳۱

ناامید بازنگرداندن بنده، از رحمت خدا

لَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ

مرا به ناامیدی از رحمتت بازنگردان.

۲۹/۳۱

ص : ۶۲۱

پیوستگی رحمت خدا

خَرَجْتُ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوُصَلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمت وصل شده. ۹/۳۲

احسان نمودن سود رحمت خدا، به بنده

وَعُدَّ عَلَيَّ بِعَائِدِهِ رَحْمَتِكَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

مهربانی خواستن از مهربان ترین کس

أَنْتَ... أَرْأَفُ مَنْ اسْتُرِحِمَ

تو مهربان ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته شد. ۲۲/۳۲

غذا دادن خدا به بنده، همانند نیکوکاری مهربان

فَعَذَّوْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربان خوراک دادی. ۲۶/۳۲

نامهربانی آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَيَّ مِنْ تَصَرَّعٍ إِلَيْهَا، وَ لَا تَرْحُمُ مَنْ اسْتَعْطَفَهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند. ۲۹/۳۲ و ۳۰

پناه جستن از آتش دوزخ، به بسیاری رحمت خدا

أَجْزَنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

مرا به بسیاری رحمت از آن (آتش) ایمن ساز. ۳۲/۳۲

شناختن رعد و برق، در رساندن رحمتی سودمند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَتَّبِعَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ...

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند، به طاعتت می شتابند. ۱/۳۶

رحمت خدا، در عوض دعای بنده در حق ستمگرش

عَوَّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ، وَ مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده.

۳/۳۹

تباهی بنده، و رحمت خداوند

إِلَّا تَغَمَّدَنِي بِرَحْمَتِكَ تُوبِقِنِي

اگر مرا به رحمتت نپوشانی، تباهم. ۵/۳۹

ص : ۶۲۲

رحمت الهی، و بار گران (گناهان)

وَ وَكُلُّ رَحْمَتِكَ بِإِحْتِمَالٍ إِضْرَى

و رحمتت را به تحمل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

رسیدن رحمت خدا، به بدکاران

فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ

پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید.

۹/۳۹

مرگ، کلیدی از کلیدهای رحمت خدا

اجْعَلْهُ... مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ

آن را کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده.

۴/۴۰

سبب رحم نمودن خدا بر خواری مقام بندگان، در قیامت

ارْحَمِ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا

به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

فراخی رحمت خدا

إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ

پس ای کسی که رحمتش وسیع است.

۸/۴۸

رحمت خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

در آوردن بنده، در آبشخور رحمت خدا

أُورِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ

مرا در آبشخورهای رحمتت در آور. ۱/۴۱

در آوردن خود در رحمت خدا، با روزه و نماز شب

فَصُومْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَقُومْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی.

۲۱/۴۵

بریده و نابود نشدن مهربانی خدا

ص : ۶۲۳

اسْتَعْمَلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ

به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار. ۴۷/۴۵

عامل متوجه گشتن رحمت خدا، به بنده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبِهِ... عَطَفْتَ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حق رعایتش است، یا به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جست، که رحمت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش. ۵۰/۴۵

رحم خدا، بر کسی که بندگان به او رحم نکنند

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ

ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند. ۱/۴۶

مهربانی خدا، با تجاوزکنندگان از حد

سُنَّتَكَ الْإِبْتِغَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ

روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

شگفت از بسیاری رأفت و رحمت الهی

سُبْحَانَكَ مِنْ... رَوْوفٍ مَا أَرَأَفَكَ، وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ

پاک و منزهی! ای رئوفی که چه بسیار رئوفی! و حکیمی که چه بسیار آگاهی! ۲۳/۴۷

سودمندترین مهربانی های خداوند

وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعِ رَحْمَاتِكَ

و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست. ۵۰/۴۷

مهربانی ولی خدا را به بندگان بخشیدن

هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطَّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ

محبت و رحمت و عطوفت و دلسوزی او را به ما روا دار. ۶۳/۴۷

گسترده‌گی رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمت را در آن گسترده ای. ۶۶/۴۷

پناه بردن به رحمت الهی

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... لَأُنْذِرَ بِرَحْمَتِكَ

اینک منم در پیشگاه تو، پناه خواه به رحمت.

۶۹/۴۷

سبب غلبه ناامیدی از رحمت خدا، بر بنده

ص : ۶۲۴

لَا تُؤْخِئُنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ

از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود. ۱۰۱/۴۷

کامیاب نمودن بنده، به شیرینی مهربانی خدا

أَوْجِدُنِي... حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ

مرا از شیرینی رحمتت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ

دل مرا بر فروتنان مهربان گردان. ۱۲۷/۴۷

گشودن درهای رحمت خدا، بر بنده

اَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوَاتُتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ...

درهای توبه و رحمت و رأفت را بر من بگشای. ۱۳۲/۴۷

اطمینان بنده به رحمت خدا، بیش از عمل خود

إِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْثِقُ مِنِّي بِعَمَلِي

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است. ۴/۴۸

رحمت خدا، فراخ تر از گناهان بنده

إِنِّي... لَمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است. ۴/۴۸

گناهان بنده، و رحمت الهی

ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ

سپس اصرار بسیار آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازداشت. ۷/۴۸

رحمت خدا، بر برگزیدگانش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَاءِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. مانند رحمت ها و برکت ها و تحیت هایی که بر برگزیدگانت: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

تنها امان دهنده کیفر خدا، رحمت او

لَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ

از کیفرت، جز رحمت پناه نمی دهد.

۱۳/۴۸

عذاب خدا و رحم نکردن کسی بر بنده

إِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي

اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من

ص : ۶۲۵

رحم کند؟ ۱۵/۴۸

درخواست رحمت و مهربانی خدا

وَ أَسْتَزِحُّمُكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْحَمْنِي

و از تو رحمت می خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به من رحم کن.

۲۲/۴۸

روان نمودن جوی های رحمت و مهربانی

كَمْ مِنْ... جَدَاوِلِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا

چه بسیار جوی های رحمتی که روان نمودی.

۱۱/۴۹

ناامید نشدن از رحمت خدا

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد. ۲/۵۰

مهربانی خدا، بر جان بی تاب و استخوان ضعیف بنده

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَلْمِ خُزُونٍ مِّنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به

زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده ببقرار رحم نمایی. ۵/۵۰

عَلَّتْ دِرْخَوَاسْتُ مَهْرَبَانِي خُودَا

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرُوءٌ حَقِيرٌ، وَ خَطَرِي يَسِيرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است. ۶/۵۰

برتری دادن بنده، به وسیله رحمت الهی

إِلَهِي أَعْمَدُكَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - ... عَلَيَّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی. ۱/۵۱

رحم نمودن خدا، بر افتادن بنده با تمام رخسارش

ارْحَمْ كَبُوتِي لِحُرِّ وَجْهِي وَ زَلَّهَ قَدَمِي

بر به رو افتادنم با تمام رخسارم، و بر لغزش گام هایم رحم کن. ۴/۵۳

رحم نمودن خدا، بر پیری بنده و نزدیکی مرگ

ارْحَمْ شَيْبَتِي، وَ نَفَادَ أَيَّامِي، وَ اقْتِرَابَ أَجَلِي وَ ضَعْفِي وَ مَسْكَتِي وَ قَلَّةَ حِيلَتِي

ص : ۶۲۶

بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی ام و نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن. ۴/۵۳

زمان نیازمندی به رحمت خدا

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن. ۵/۵۳

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَ حَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسمم پوسیده گردد، بر من رحم کن. ۶/۵۳

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي فِي حَشْرِي وَ نَشْرِي

مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن. ۷/۵۳

مهربانی خدا، در دو سرا

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. ۱/۵۴

آنچه رحمت خدا ایجاب می کند:

أ. انتظار بازگشت بندگان، (به راه راست)

اِنْتِظِرْ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید. ۲۱/۱

ب. شتاب نکردن خدا، در کیفر بندگان

لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا

در سرکوب ما عجله نمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد.

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم! ۹/۴۵

ج. پناه دادن مؤمنان از آنچه خواستند

أَعِدْنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكِ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمت از آنچه گفته شد پناه ده. ۱۰/۸

د. گرد آمدن در سرای گرمی و محل آموزش

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي سَأَلْتُكَ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَ إِنِّي سَأَلْتُكَ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ

خداوندا و اگر آموزش برای ایشان

ص : ۶۲۷

پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آموختی برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آموزش و رحمت گرد آییم.

۱۵/۲۴

ه. عطای درخواست های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ

خداوندا به توفیق و رحمت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما. ۱۲/۲۵

و. شناساندن بزرگی و برتری قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمدی که با آن سخن راند، درود فرست.

۶/۴۲

ز. گشاد گشتن تنگی لحد

وَافْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَأَاحِدِنَا

و به رحمت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان. ۱۴/۴۲

ح. در صف سزاواران بالاترین مرتبه قرار گرفتن

وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى

بِرَحْمَتِكَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحق بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده. ۱۲/۴۴

ط. گماشتن بندگان به آنچه سبب کفاره (گناه) شود

وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که ناپود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره کارهایی می شود که بر ما نمی

ی. بودن با ائمه علیهم السلام، در سرای سلامت

اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان. ۶۵/۴۷

ک. قرار دادن راهی در حق، برای بنده

اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ

برای من در راستای حق، از هر رحمتی راهی قرار ده. ۱۲۹/۴۷

ل. احسان خدا، بر بنده

عُدُّ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ

به رحمتت بر من نیکی کن. ۸/۴۸

م. فرونیامدن بلا، بر بنده

وَ قَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي - لَوْ لَا رَحْمَتُكَ - مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد. ۸/۴۹

ن. بازگرداندن بنده، به بخشش الهی

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُثَبِّتَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاری بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

س. رهایی دادن بنده، از آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

۸/۵۴

رخسار چهره

رخصت اذن

رد

دست رد زدن خدا، بر پیشانی بنده

إِلَهِي... لَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن. ۱۷/۱۶

يَا مَنْ لَا يَجْبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبت او اعتماد دارند، نمی زند. ۵/۴۶

وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي

و در خواهم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

لَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷

ردا عبا

رذالت خواری

رزق

نیافتن روزی به اندازه کافی

و نَعُوذُ بِكَ... مِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ

و پناه می بریم به تو از نیافتن روزی کافی.

۷/۸

ص : ۶۲۹

سبب روزی خواستن از روزی خواران

صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ

آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. ۲۶/۲۰

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ... حَتَّى التَّمَسْنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم. ۱/۲۹

فراوان گشتن روزی های فرزندان، برای والدین

أَذِرْ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ

برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

فراخی روزی حلال، بر برخی از بندگان

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَوْسِعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱/۲۵

نیرومندی، روزی مجاهد مسلمان

وَ ارْزُقْهُ الشَّدَّةَ

و نیرومندی را، روزی اش کن. ۱۴/۲۷

آزمایش بنده و بدگمانی در روزی ها

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی، آزمودی. ۱/۲۹

کفالتِ روزی بندگان، از جانب خدا

وَاجْعَلْ مِا صَيْرَرَحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ... قَاطِعًا لِأَهْتِ مَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ، وَحَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده. ۳/۲۹

در آسمان بودن روزی بندگان

فَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ... وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.» ۴/۲۹

روزی ای به اندازه کفاف

وَ أَجْرُنِي مِنْهُ بِوَسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروت فراوان و روزی کافی، از آن

ص : ۶۳۰

(قرض) نجات ده. ۲/۳۰

روزی ای از اسباب حلال

أَجْرٍ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.

۳/۳۰

خوراک جنین در رحم مادر، و نیازمندی به روزی خدا

...حَتَّى إِذَا احْتَجْتُ إِلَى رِزْقِكَ... جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيتهُ لِأَمْتِكَ الَّتِي أَشْكُتُنِي جَوْفَهَا

...تا هنگامی که به روزی تو محتاج شدم. از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

خدا، بهترین روزی دهندگان

إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

به درستی که تو بهترین روزی دهندگانی.

۲۸/۳۲

آسان گرداندن روزی بنده، بر او

سَهَّلْ عَلَيَّ رِزْقِي

روزی ام را بر من آسان فرما. ۲۸/۳۲

فراهم نمودن راهی آسان، برای روزی بنده

أَسْأَلُكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ إِلَيَّ رِزْقِي سَبِيلاً

از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی. ۲۸/۳۲

تقسیم عادلانه روزی های بندگان

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود. ۱/۳۵

آفت نفرستادن بر روزی

لَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَعَايِشَنَا عَاهَةً

زیانی بر معیشت ما نفرست. ۲/۳۶

بیرون نمودن وسوسه دل ها، با روزی خدا

أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ

وسوسه دل هایمان را، با روزی ات بگشا.

۴/۳۶

توانایی بر طاعت، در اثر خوردن روزی

لَمْ تَسْمُهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَيَّ طَاعَتِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. ۱۳/۳۷

عوض نخواستن از بنده، به خاطر روزی خوردنش

ثُمَّ لَمْ تَسْمُهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ

ص : ۶۳۱

سپس از او در آنچه از روزی تو خورد، تقاص نخواستی. ۱۳/۳۷

عامل سوق دادن روزی های فراوان، به سوی بندگان

سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَعَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ

به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

روزی خدا، به معصیت کار

رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ

روزی تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است. ۱۶/۴۶

کامیابی به شیرینی روزی الهی

أَوْجِدُنِي... حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحَكَ وَ رِيحَانِكَ

مرا از شیرینی رحمت و آسودگی و روزیت، کامیاب گردان. ۱۲۵/۴۷

گشودن درهای روزی فراخ

اَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ... رِزْقِكَ الْوَاسِعِ

درهای روزی فراخ را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

طلب روزی از خدا

وَ اسْتَزِقْكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنِي

و از تو روزی می طلبم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا روزی ده. ۲۴/۴۸

روزی دادن به بنده، به قدر کفایت

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... رَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا

خداوندا، تو به قدر کفایت، به من روزی دادی. ۱/۵۰

بی نیازی از دیگران، روزی خدا به بنده

وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی. ۲/۵۱

نبود زندگی برای بنده، جز با روزی خدا

كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی ات زندگی برایش نیست؟ ۱/۵۲

روزی خواری از خدا و پرستش غیر خدا

وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد. ۲/۵۲

آنچه بنده از خدا می خواهد، که روزی او گرداند:

أ. رغبت در عمل برای خدا و آخرت

ص : ۶۳۲

ارزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي

برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. ۸/۲۲

ب. ترس کیفر و ترس اندوه آن

وَ ارزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ... حَتَّىٰ أَحَدًا... كَأَبِيهِ مَا اسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ

و ترس اندوه وعده های عذاب را روزی ام فرما. تا اندوه آنچه را که از آن به تو پناه می آورم، دریابم. ۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ

خداوندا ترس کیفر هشدار داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

ج. شوق ثواب وعده داده شده

وَ ارزُقْنِي... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاق پاداش وعده های بهشتی را روزی ام فرما. ۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوق پاداش وعده داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

د. اعتراف به حق

وَ ارزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در

آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما. ۱۱/۲۲

ه. سلامتی سینه از حسد

وَ ارزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

و. نگهداری از خطاها و لغزش ها

وَ ارْزُقْنِي التَّحْفُظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده.

۱۳/۲۲

ز. همانند آنچه را که درباره همسایگان درخواست می کند

وَ ارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَ اجْعَلْ لِي اَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ

و مرا مانند همین امور از جانب آنان روزی فرما و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده. ۴/۲۶

رسالت پیام

ص : ۶۳۳

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةً... الْمَوْءِدِينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا... عَلَىٰ أَتَمِّ الطُّهُورِ وَ أَسْبَغِهِ، وَ أَيْمِنِ الْخُشُوعِ وَ أَبْلَغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود با پاکی تمام و فراگیر، و روشن ترین و رساترین خشوع به جا آورده اند.

۹/۴۴

رساتر گشتن حجت خدا

لَمْ تُكُنْ أَنْاتُكَ عَجْزًا... بَلْ لِتُكُونَ حُجَّتَكَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجت تو رساتر باشد.

۲۲/۴۶

رستاخیز قیامت

رستگاری

اسباب رستگار شدن بندگان

يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ

ای که سپاس او برای سپاس گزاران رستگاری است. ۱/۱۱

فَيَنَالِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي... تَكُونُ بِهَا... فَوْزَتِي بِرِضَاكَ

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من

نزد تو شنیدنی تر است، که رستگاری ام به خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود. ۲۷/۳۱

فَذَكَرْتُكَ بِمَنِّكَ، وَ شَكَرْتُكَ بِفَضْلِكَ... وَ فِيهَا كَانَتْ... فَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ

پس با نعمت خودت، تو را یاد کردند و با تفضلت، تو را شکر گزاردند و در (همه) اینها رستگاریشان به خوشنودی ات

است. ۱۶/۴۵

رستگاری در قیامت

ارزُفْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ

رستگاری قیامت را روزی ام فرما. ۱۸/۲۰

قرار دادن بنده، در زمره رستگاران

وَ اجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ

و مرا در گروه رستگاران قرار ده. ۴/۴۱

اراده خدا، بر رستگار شدن بندگان

أَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگان، در بهای آن بر خود افزوده ای. می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند و در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند. ۱۲/۴۵

رسوایی

رسوا نساختن بندگان، نزد خدا

ص : ۶۳۴

لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ

ما را پیش خود رسوا نکن. ۶/۵

رسوا نگشتن بندگان نزد نویسندگان اعمال

لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان. ۱۵/۶

پوشاندن عیب بنده، و رسوا نساختنش

فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي

چه بسیار عیب‌هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. ۲۱/۱۶

رسوا نمودن بنده

إِلَهِي فَإِذْ قَدْ تَعَمَّدَتْنِي بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی... ۳۲/۱۶

رسواگری کردار زشت

اسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ... قَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. ۹/۳۱

گناهان، و ماندگاری بنده، در جایگاه رسوایی

فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبُّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ بِفِنَائِكَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا

در جایگاه رسوایی ماندگار نموده. ۲۳/۳۱

سلامت داشتن بنده، از رسوایی گناهان

وَ كَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، كَأَنْتَ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

پناه دادن بنده، از رسوایی های سرای هستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

رسوا نساختن بنده، در اثر ارتکاب کار زشت

فَكُلُّنَا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَاطِبَةَ فَلَمْ تَشْهَرُهُ، وَ ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا

نمودی. ۱/۳۴

درخواست رسوا نشدن آزاردهنده بنده، از خدا

ص : ۶۳۵

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا عَبْدٍ نَالَ مِنْ مَنِي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَاعْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنْ مَنِي... وَ لَا تَكْشِفُهُ عَمَّا اكْتَسَبَ بِي

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرزد و از آنچه بر من کرده، رسوایش نساز. ۲/۳۹

پوشاندن امور رسواکننده بنده

وَ اطوِ عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَرًّا

و آنچه نزد تو مرا رسوا می نماید، از آنان بیوشان. ۳/۴۱

رسوا نساختن بندگان، در قیامت

لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضران قیامت، رسوا نکن. ۱۴/۴۲

پوشاندن (گناه) بنده و رسوا نکردنش

تَسْتُرْ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی. ۸/۴۵

سزاوار رسوایی

تَسْتُرْ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ كِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَ الْمُنْعِ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر

می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیتند.

۸/۴۵

بازایستادن از نافرمانی های رسواکننده

وَ أَشْعُرُ قَلْبِي بِالْإِزْدِجَارِ عَنِ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

و دلم را به خودداری از گناهان زشت و نافرمانی های رسواکننده بیوشان. ۱۰۷/۴۷

رسوا نشدن در برابر دوستان خدا

لَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ

در برابر دوستانت رسوایم نگردان. ۱۱۴/۴۷

پوشاندن گناه، یا رسوا نمودن آن

أَنْتَكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَىٰ مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنْتَكَ بِأَنْ تَشْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَىٰ أَنْ تَشْهَرَ

به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. و به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه رسوا سازی. ۱۱۶/۴۷

به پا نداشتن بنده، در مقام رسوایی

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار. ۱۲۰/۴۷

ص : ۶۳۶

رسوایی بنده، در صورت عدم عیب پوشی خداوند

فَلَوْ لَا سُرْتُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

پس اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

رسوا نساختن بنده، به سبب نیتش

إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي بِسِرِّي

خدای من، به (ناپاکی) راز درونم مرا رسوا نکردی. ۱۱/۵۱

رسول فرستاده

رسیدن

رسیدن بنده به پایان زندگی اش

...إِذَا بَلَغَ أَقْصَىٰ أَثَرِهِ

...زمانی که به پایان عمرش رسد. ۶/۱

رسیدن به فرمانبری از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ وَضَلَّهُ إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به طاعت و بخشایش او برسیم. ۲۹ و ۲۷/۱

زحمت پیامبر صلی الله علیه و آله، در رساندن پیام خدا

أَذَابَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ

در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

رساننده غیب به پیامبران خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَحُمَاةِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند. ۱۰/۳

رساندن درود بندگان، بر فرستادگان خدا

اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

رساندن چیزهایی از صحابه به تابعین

لَا يَنْهَمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ

به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

۱۲/۴

خواب و دست یابی به لذت و خوشی

ص : ۶۳۷

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَجَعَلَهُ لِبَاسًا... لِيُنَالُوا بِهِ لَذَّةَ وَشَهْوَةَ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند.

۵/۶

رسیدن به سود کنونی دنیا

يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا. ۶/۶

رساندن پیام خدا، به وسیله محمد صلی الله علیه و آله

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ... حَمَلْتُهُ رِسَالَتَكَ فَأَدَّاهَا

همانا محمد بنده توست. رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد. ۲۲/۶

رساندن (بلا و گرفتاری)، به بنده

و بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ

و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی.

۶/۷

نبودن برگرداننده ای، برای آنچه خدا رسانده

فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ

پس برای آنچه به من رساندی، بازگرداننده ای

نیست. ۷/۷

نرسیدن خستگی به بندگان، هنگام فراغت

فَإِنْ قَدَرْتَ لَنَا فَرَاحًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاحَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعُهُ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمُهُ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما

نزد خدا بودنِ رسیدن به خواسته ها

يَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ

ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

۲/۱۳

یاری بنده، با رسیدن به خواسته اش

تَوَلَّيْنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي وَ نَيْلِ سُؤْأَلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي

به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم، و یافتن خواسته ام، قبل از رفتنم از این مکان، مرا یاری فرما. ۲۳/۱۳

دانایی خدا، به آنچه از کسی به بنده رسیده

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَأَلِنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند

ص : ۶۳۸

فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای. ۵/۱۴

احسان بر بندگان، با رسیده شدن میوه

وَ اٰمَنُ عَلٰی عِبَادِكَ بِاِيْنَاعِ الثَّمَرِهِ

و با به بار آمدن میوه، بر بندگانت احسان نما.

۲/۱۹

رساندن ایمان بنده، به کامل ترین ایمان

اَللّٰهُمَّ... بَلِّغْ بِاِيْمَانِيْ اَكْمَلَ الْاِيْمَانِ

خداوندا ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.

۱/۲۰

سبب رساندن بنده، به راه هدایت

اَصْبَبْ بِيْ سَبِيْلِ الْهِدَايَةِ لِئَلَّا يَلِيْبَ فِيمَا اُنْفَقْتُ مِنْهُ

مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان. ۲۳/۲۰

آسان نمودن راه، برای رسیدن به رضای خدا

اَللّٰهُمَّ... سَهِّلْ اِلَيّْ بُلُوْغَ رِضَاكَ سُبُلِيْ

خداوندا راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. ۲۸/۲۰

شرایط رسیدن به خوشنودی خدا

لَا اَبْلُغُ رِضَاكَ، وَ لَا اَنْالُ مَا عِنْدَكَ اِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

توانایی (جلب) رضایت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به به فزونی رحمتت. ۶/۲۱

از هر چه به بنده رسد، او را به طاعت خدا مشغول ساختن

وَ اشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِيْ عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. ۹/۲۱

رضایت بنده، در آنچه از خدا به او رسد

وَ اجْعَلْ... رِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكَ

و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده. ۵/۲۲

توفیق انجام واجبات، با وجود نرسیدن توان بنده به آن

وَ اقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ... وَ إِن... لَمْ تَنْلُهُ مَقْدَرَتِي

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه توانایی ام به آن نرسد.

۶/۲۲

وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَايَاهَا، وَ عَجَلْت لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِكَ، وَ وُضِّلَهُ إِلَى قُرْبِكَ

ص : ۶۳۹

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده. ۶/۳۰

رسیدن دعا و شفاعت آسمانیان و زمینیان، به بنده

فَيُنَالِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ شَفَاعِهِ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است. ۲۷/۳۱

نرسیدن به نهایت پادشاهی و ملک خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكِكَ غُلُوبًا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

نرسیدن وصف و اصفان، به مرتبه رفعت الهی

لَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَفْصَى نَعْتِ النَّاعِيَيْنِ

آخرین وصف ستاینندگان، به پایین ترین مرتبه ای (از رفعت) که به خود اختصاص داده ای،

نمی رسد. ۶/۳۲

نرساندن بیماری به بندگان، با ابرها

لَا تُصِيبْنَا فِيهَا بِأَفِّهِ

در آنها (ابرها)، آفتی به ما نرسان. ۲/۳۶

نرسیدن به نهایت شکر خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد. ۱/۳۷

کوشش بنده، و نرسیدن به طاعت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد. ۱/۳۷ و ۲/۳۷

وسيله رسيدن به توفيق در عمل

زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

هدايت خود را برايم بيفزا، كه با آن به توفيق در عملم برسم. ۱۶/۳۷

سبب حرص و رزى بر زود رسيدن به خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ اللَّحَاقِ بِكَ

از اعمال شايسته، عملى براى ما قرار ده كه با آن بازگشت به سوى تو را كند شماريم و به زود

ص : ۶۴۰

رسیدن به تو حرص ورزیم. ۳/۴۰

رساندن فهم عجایب قرآن، به دل های بندگان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ مُونِسًا، وَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَ حَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا... حَتَّى تُوَصِّلَ إِلَيَّ قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را به دل های ما برسانی. ۱۰/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بهترین چیزها

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمّد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی. ۲۱/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و رساندن پیام ها و آیات الهی

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ، وَ أَدَى مِنْ آيَاتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود و آیه هایت را رساند، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی.

۲۲/۴۲

نرسیدن اندیشه ها، به آنچه خدا بر بندگان پوشانده

أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ... عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ

تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانیدی، اندیشه هایشان به آن نمی رسید. ۱۴/۴۵

بینایی نسبت به، رسیدن به کرامت الهی

بَصُرَتْنَا... الْوُصُولَ إِلَيَّ كَرَامَتِكَ

ما را به (راه) رسیدن به کرامت، بینا نمودی.

رساندن عمرهای بندگان، به ماه رمضان آینده

وَ اَبْلُغْ بِاَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ اَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان. ۴۶/۴۵

رسیدن به حقّ خدا، در دو ماه رمضان (گذشته و آینده)

اَجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از

ص : ۶۴۱

ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

رساندن بندگان به ماه رمضان آینده

ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. ۴۶/۴۵

رساندن بندگان، به رعایت فرمانبری خدا

أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ

ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، برسان. ۴۶/۴۵

رسیدن برکات درود، بر فرستنده آن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ... صَلَاةً تَبْلُغُنَا بِرِكَاتِهَا، وَيَنَالُنَا نَفْعَهَا

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. درودی که برکت آن به ما رسد و سودش ما را دریابد. ۵۶/۴۵

گسیختن اوصاف، پیش از رسیدن به وصف خدا

تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ

توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند. ۱۲/۴۶

رسیدن همه نیک بختان و بدبختان، به حکم خدا

كُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ

همه ایشان به حکم تو می رسند. ۱۸/۴۶

رسیدن به خوشنودی خدا، در روز عرفه

اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم. ۷۱/۴۷

شریک نداشتن خدا، در رسیدن نعمت به بنده

لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَائِكَ لِي اسْتَدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي

مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است. ۹۰/۴۷

ویژگی های آنکه به منتها درجات رسیده

بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ رَضِيتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيدًا

ص : ۶۴۲

مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و به او نعمت داده ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای. ۱۰۵/۴۷

زندگی پاکیزه، و رسیدن بنده به آنچه دوست دارد

فَأُحْيِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحْبَبْتُ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد و به آنچه دوست دارم برسد. در صورتی که آنچه را نمی پسندی، انجام ندهم. ۱۱۷/۴۷

نرسیدن به نیکی، جز از جانب خداوند

فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ

پس به درستی که هرگز به خیری جز از جانب تو نرسیده ام. ۴/۴۸

سبب احراز بهره و رسیدن به اصلاح نفس

لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَارَ حَظِّي، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِي

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم و اصلاح خویش را نمی یافتم. ۲/۵۱

رشته سبب

رشک حسد

رضوان

درود خدا بر (فرشته) رضوان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رِضْوَانَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و (فرشته) رضوان. ۱۸ و ۱۱ و ۳/۱۰

رعد

شنیده شدن بانگ رعدها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّتِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

ناتوانی بنده، از تحمل (شنیدن) صدای رعد

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ

ص : ۶۴۳

الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ... الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد. ۵/۵۰

رغبت خواسته

رفاه آسایش

رفتار کردار

رفتار تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، به روش صحابه

الَّذِينَ... مَضَوْا عَلَيَّ شَاكِلَتِهِمْ

آنان که به روش آنها رفتار نمودند. ۱۰/۴

خوشنودی خدا، به رفتار (نیک) اندک بنده

يَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ، وَيَا مَنْ كَفَى قَلِيلَهُمْ بِالْكَثِيرِ

ای آنکه از کردار اندک ایشان، خرسند شده و ای آنکه کم ایشان را پاداش فراوان داده است.

۱۰/۱۲

درخواست بنده بر به عدالت رفتار نکردن خدا با او

وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ

و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

به احسان رفتار نمودن خدا، با آفریدگان

وَ اِحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفْضِيلِ

و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.

وَ أَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

۱/۳۵

نابود ساختن رفتار پیشین

وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بردای.

۶/۱۵

ناتوانی بنده بر یادآوری رفتارهای بدش

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَشْعُ أَفْعَالًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - کردارهایم بدتر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا

باشم. ۲۷/۱۶

ص : ۶۴۴

کم شمردن رفتار نیک خود

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد.

۱۰/۲۰

زیاد شمردن کردار بد خویش

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد.

۱۰/۲۰

بخشیدن رفتار بیجای پدر و مادر

اللَّهُمَّ وَ مَا... أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در کردار، زیاده روی کرده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم. ۹/۲۴

بخشش بدرفتاری بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي... أَسْتَؤْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِي

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم. ۲۱/۳۱

رفتار خدا با بنده، رفتار نیرومندی مهربان

با بنده ای خوار

وَ أَفْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ، أَوْ غِنَى تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همچون رفتار عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. یا همانند توانگری که

بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده. ۲۴/۳۱

بنده و عدم فراموشی رفتار ناپسند خود

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثْرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشی کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

رفتار خدا با فرمانبران و معصیت کاران

فَسُبْحَانَكَ مَا أَتَيْنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلِهِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ...

پس منزهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است. ۱۰/۳۷

از دست رفتن دست رنج بنده و رفتار خدا با او

...وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَهُ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصُّعْرَى مِنْ أَيَادِيكَ وَ مِنْكَ

ص : ۶۴۵

... و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک ترین احسان های تو و نعمت هایت از دست رفته بود. ۱۳/۳۷

رفتار خداوند، با بنده

إِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفَعَّلَهُ بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِكَ...

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین رفتار کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند. ۱۱/۳۹

تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ...

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. ۱۲/۳۹

بردباری خدا، در رفتار با معصیت کار

و تَلَقَّيْتَ مَنْ عَصَاكَ بِالْجَلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی. ۹/۴۵

خوشنود شده به رفتار دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ... وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را و هر که را به کردارشان خوشنود می شود، لعنت کن. ۱۰/۴۸

رفتن

به صبح درآمدن ثابت و رونده، در ملک خدا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ... مُقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از ثابت و رونده و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

روز عبور از پل دوزخ

وَ تَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَيْهَا زَلَّ الْأَقْدَامُ

و هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا

رفتن نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، از پیش رو و سمت راستشان (در قیامت)

يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ...

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت

می کند. ۱۱/۴۵

رفتن رمضان از میان مسلمانان

ص : ۶۴۶

فَنَحْنُ مُودُّعُوهُ وَدَاعَ مَنْ... أَوْحَشَنَا أَنْصِرَافُهُ عَنَّا

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که رفتنش از (میان) ما، بیمناکمان می سازد.

۲۳/۴۵

گرامیداشت رفتن بنده از نزد خدا و بازگشتنش

وَ أَكْرَمَ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار. ۲۵/۴۶

میراندن بنده و رفتن نور از سمت راست و پیش رویش

وَ أَمْتِنِي مَيْتَهُ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است. ۱۱۷/۴۷

رفت و آمد

رفت و آمد شب و روز

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. ۳۴/۳۲

رکوع

رکوع برای خدا، تا کنده شدن استخوان پشت

يَا إِلَهِي لَوْ... رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کنده شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

به جا آوردن رکوع و سجود، طبق سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَهُ... الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن قرار داد - به جا آورده اند.

۹/۴۴

رگ

روان گرداندن شیطان، در رگ های بنده

ص : ۶۴۷

وَ أُجْرِيْتُهُ مَجَارِي دِمَائِنَا

و او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

آرمیدن رگ های بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوَقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده. ۸/۵۲

رگبار

شناساندن پیمانانه رگبارها، به فرشتگان

...وَالَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ... كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا

...و آنها که پیمانانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.

۱۶/۳

رمضان

رمضان، ماه احسان خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ

و سپاس سزاوار خدایبست که ماه خود، ماه

رمضان را، (یکی) از آن راه ها(ی احسان) قرار داد.

۳/۴۴

رمضان، ماه روزه، اسلام، پاکیزگی و تصفیه

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصَّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهْوَرِ، وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ

و سپاس سزاوار خدایبست که ماه خود، ماه رمضان، ماه روزه و ماه اسلام و ماه پاکی و ماه پاکسازی را (یکی) از آن راه ها

قرار داد. ۳/۴۴

رمضان، ماه قیام (برای نماز) و ماه نزول قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ الشُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان (و) ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرو فرستاده شد.

۳/۴۴

سبب برتری ماه رمضان، بر دیگر ماه ها

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمَوْفُورَةِ...

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت. ۴/۴۴

عَلَّتْ حَرَامَ نَمُودِنِ حَلَالِهَا، دَرِ رَمَضَانَ

ص : ۶۴۸

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أُحِلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد. ۴/۴۴

منع خوردنی و آشامیدنی، در رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود. ۴/۴۴

قرار دادن وقت معین، برای رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا...

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد. ۴/۴۴

برتری شبی از رمضان، بر هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَهُ وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي الشَّهْرِ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد. ۵/۴۴

آنچه در ماه رمضان الهام نمودن آن، از خدا درخواست شود

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحْفِظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ

و شناخت فضیلتش، و بزرگ داشت احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن حرام نموده ای، به ما الهام کن. ۶/۴۴

درخواست یاری شدن به روزه داری، در

ماه رمضان

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُوضِيكَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. ۶/۴۴

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما. ۱۷/۴۴

ماه رمضان و اوقات نمازهای پنجگانه

وَقَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِبِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدَتْ... وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتْ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما. ۸/۴۴

توفیق انجام اموری، در ماه رمضان

و وَقَفْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، وَ أَنْ نَتَعَاهِدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ...

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و

ص : ۶۴۹

دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم. ۱۰/۴۴

و وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّائِكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ...

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.

۱۱ و ۱۰/۴۴

درخواست از خدا، به حق ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق این ماه و به حق کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

بودن در زمره آزادشدگان عفو خدا، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا عَفْوُكَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

در زمره بهترین یاران رمضان بودن

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده. ۱۴/۴۴

نابودی گناهان بنده، با سپری شدن هلال ماه رمضان

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امْحَاقِ هَالِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن.

۱۵/۴۴

کندن بدی های بندگان، با گذر روزهای رمضان

وَ اسْلُخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اسْلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ...

و با گذشتن روزهایش، بدی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای. ۱۵/۴۴

کجروی در ماه رمضان، و بازگشت از آن

وَ إِن مِلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا، وَ إِن زُغْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا

و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار. ۱۶/۴۴

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت بندگان

ص : ۶۵۰

اللَّهُمَّ اشْحَنهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ، وَ زَيْنِ أَوْقَاتِهِ بِطَاعَتِنَا لَكَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده. ۱۷/۴۴

شمول درخواست در ماه رمضان، در همه ماه ها

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده. ۱۸/۴۴

ماه رمضان، از کارهای برگزیده و واجبات مخصوص

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوُظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوندا و تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. ۲۰/۴۵

خاص بودن ماه رمضان، در مقایسه با سایر ماه ها

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ... خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها

مخصوص داشتی. ۲۰/۴۵

ماه رمضان، سبب برتری امت اسلام

ثُمَّ آتَرْنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَ اصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلَلِ

سپس ما را بر بقیه امت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را -

برگزیدی. ۲۱/۴۵

رمضان و شب قدر

وَ أَجَلَلَتْ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ (الَّتِي هِيَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی. ۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

روزه داشتن، در روزهای ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

برخاستن در شب های رمضان

وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. ۲۱/۴۵

ص : ۶۵۱

ماه رمضان، وسیله پاداش خدا

وَ تَسْبَبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مُتُوبَتِكَ

و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم.

۲۱/۴۵

پسندیده زیستن رمضان، در بین مسلمانان

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد. ۲۲/۴۵

ماه رمضان، مصاحب و یاری نیکو

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ، وَ صَحِبَنَا صُحْبَةً مَبْرُورٍ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و با ما همچون یار نیکو همراه شد. ۲۲/۴۵

رمضان و بهترین سودها

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ، وَ... أَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود. ۲۲/۴۵

جدا شدن رمضان، از بنده

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدتش، از ما جدا شد. ۲۲/۴۵

وداع نمودن با رمضان

فَنَحْنُ مُودِّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است. ۲۳/۴۵

دروود خدا بر رمضان، و بیان ویژگی های آن

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ، وَيَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا، و ای عید دوستان او. ۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها. ۲۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرَّبَتْ فِيهِ الْأَمَالَ، وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد و اعمال در آن گسترده گشت. ۲۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود. ۲۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلِيفٍ آتَسَ مُقْبِلًا فَسَرَ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. ۲۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ

درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاوری که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ! وَمَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! و چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت

کند! ۳۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ، وَ أَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را! و چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را! ۳۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمِـجْرِمِينَ، وَ أَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران! و چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان!

۳۲/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها (دیگر) با آن برابری نمی کند. ۳۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرِ كَرِيهِ الْمُصَاحِبِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدَتْ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَ غَسَلَتْ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی. ۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُودَّعٍ بَرَمًا

درود بر تو نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. ۳۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده. ۳۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! ۳۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلِهِ الْقَدْرُ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ! وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!

۴۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرْمَتَاهُ، وَ عَلَى

ص : ۶۵۳

مَا ضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلَيْمًا

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم.

۴۲/۴۵

(امت اسلام)، اهل ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی. ۴۳/۴۵

ارجمندی با ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی. ۴۳/۴۵

عطای توفیق (عبادت) در ماه رمضان

وَوَفَّقْتَنَا بِمَنْكَ لَهُ...

و ما را برای آن به وسیله نعمت، توفیق دادی.

۴۳/۴۵

بدبختان، و ناآشنایی به وقت رمضان

وَوَفَّقْتَنَا بِمَنْكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ، وَ حُرِّمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماه محروم گشتند.

۴۳/۴۵

برگزیده شدن (امت اسلام)، به شناخت ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی. ۴۴/۴۵

راه نمودن (امت اسلام)، به طریقه رمضان

أَنْتَ وَوَلِيِّ... هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

تویی مولایی که ما را به روش آن، راهنمایی نمودی. ۴۴/۴۵

روزه و قیام (برای عبادت) در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را - با (همه) کوتاهی (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. ۴۴/۴۵

انجام اندکی از بسیار، در ماه رمضان

وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

ماه رمضان و پاداش خواهی از خدا

فَأَجْرُنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفُضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما

ص : ۶۵۴

رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم. ۴۵/۴۵

کوتاهی از (ادای) حقّ خدا، در رمضان

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقّت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان. ۴۶/۴۵

رساندن عمر بندگان، به ماه رمضان آینده

وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

و عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان. پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. ۴۶/۴۵

سبب بدست آوردن حقّ خدا، در دو ماه رمضان (گذشته و آینده)

وَ أَجْرٍ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنَ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

ارتکاب گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَنَّا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... وَ اِكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعْمُدٍ مِنَّا... فَضَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

اندوه بندگان با رفتن ماه رمضان

اجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن. ۴۸/۴۵

در گذشتن از خطایای بنده، با سپری شدن ماه رمضان

اللَّهُمَّ اسْلُخْنَا بِإِسْلَاحِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. ۴۹/۴۵

خروج از بدی ها، با پایان ماه رمضان

وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر. ۴۹/۴۵

بودن در زمره نیک بخت ترین اهل ماه رمضان

ص : ۶۵۵

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ، وَ أَجْزَلِهِمْ قِسْمًا فِيهِ، وَ أَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ

و به وسیله آن، ما را از سعادت‌مندترین اهل آن و از پرنصیب‌ترین آنان در آن ماه و از بهره‌مندترین ایشان از آن قرار ده. ۴۹/۴۵

رعایت حقّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوند! و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما. ۵۰/۴۵

عبادت خدا، از ماه رمضان تا روز قیامت

وَ اكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته‌اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می‌کنند، بنویس. ۵۱/۴۵

رنج سختی

زحمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، در رساندن پیام خدا

وَ أَذْأَبَ نَفْسِهِ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ

و در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

رنج بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دعوت (مردم) به دین

وَ أَنْعَبَهَا بِالْدُّعَاءِ إِلَى مَلَّتِكَ

و با دعوت به دین تو، خود را خسته کرد.

۱۴/۲

بالاترین درجه بهشت برای پیامبر صلی الله علیه و آله ، در مقابل رنج کشیدنش

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. ۲۳/۲

زحمت بندگان، بر نویسندگان (اعمال)

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مُؤَنِّتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز. ۱۵/۶

اقدام به کار با مشقت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... تَعَاطِي الْكُلْفَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از انجام دادن کار با مشقت. ۱/۸ و ۲

رفع گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكُشْفَ

ص : ۶۵۶

پاک و منزّهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای. ۴/۱۰

به رنج نیفتادن خدا، از دعای بنده

و يَا مَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ

و ای آنکه دعای نیایشگران او را خسته نمی کند. ۱۰/۱۳

رنج نکشیدن بنده، برای اعمال (نیکوی) ثبت شده در حال بیماری اش

و فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا جَارِحَهُ تَكَلَّفَتْهُ

و در بین آن بیماری نویسنندگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که اندامی آن را با مشقت انجام نداده. ۵/۱۵

به رنج نیفتادن خدا، با روا کردن خواسته بنده

إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ

به درستی که این (خواسته های من) در برابر گستره توانایی ات بر تو، رنج آور نیست. ۳۴/۱۶

به دست آوردن روزی، با رنج

وَ أَكْفِنِي مَوْوَنَةَ الْاِكْتِسَابِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از

من بردار. ۲۴/۲۰

بنده و نداشتن طاقت رنج

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ

خداوندا طاقت رنج کشیدن ندارم. ۲/۲۲

رنج والدین، در حراست از فرزند

...وَأَيْنَ شِدَّةُ تَعْبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟!

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ ۱۰/۲۴

به رنج افکندن دشمنان، با اسیری

فَإِنْ حَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با

کشتن نابود نموده و با اسیری، ایشان را به سختی افکنده است. ۱۵/۲۷

رهاندن بنده، از زحمت درخواست (از غیر خدا)

وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينًا بِهِ مِنْ مَوْوَنِهِ الطَّلَبِ

و ما را یقینی راستین ببخش، که بدان سبب ما را از زحمت طلب، بی نیاز نمایی. ۲/۲۹

نگاهداشتن بندگان، از سختی رنج

ص : ۶۵۷

وَ أَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری. ۲/۲۹

از دست رفتن آنچه بنده برای آن، رنج کشیده

...و لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمَلَهُ مَا سَعَى فِيهِ...

...و اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود. ۱۳/۳۷

رنج نکشیدن، جز برای پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج

نیندازیم. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

بنده، گرفتار رنج طولانی

أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ

منم که گرفتاری ام دراز است. ۸۵/۴۷

به رنج انداختن خود، برای خدا

وَ تَوَخَّذْنِي بِمَا تَتَوَخَّذُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ أَتَعَبَ

نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده و برای تو خود را به سختی

انداخته. ۸۸/۴۷

پناه بردن به خدا، از رنج

وَ أَعِدْنِي... مِنَ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ

و مرا از خواری و سختی پناه ده. ۱۱۹/۴۷

به رنج نیفتادن خدا، از درخواست بنده

يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ

ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد. ۶/۴۸

برگرداندن رنج گرفتاری، از بنده

وَ صَرَفَتْ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ

و سختی گرفتاری را از من دور کردی.

۲/۵۱

برگرداندن گرفتاری رنج آور، از بنده

إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی! ۳/۵۱

روا مباح

ص : ۶۵۸

روان [جریان]

روان نمودن روزی های پاکیزه، بر بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

و سپاس خدایی را که روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت. ۱۷/۱

جاری شدن قضا و قدر، به قدرت خدا

وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ

و تقدیر به قدرت تو اجرا شد. ۲/۷

روان شدن اشک بنده، به سبب ترس از خدا

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي، فَيُضْ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی. ۱۹/۱۶

علت روان بودن ابرها

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ، الْمُؤْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

و رحمت را با باران فراوان از ابری که برای رویاندن گیاه چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران. ۱/۱۹

آبی با جریانی فراگیر

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ... وَاسِعِ دَرْرُهُ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود که جاری شدنش بسیار باشد، آماده ساز. ۲/۱۹

جاری ساختن جوی ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ

خداوندا ما را با بارانی که رودخانه ها را با آن روان سازی، سیراب نما. ۵/۱۹

روان ساختن نیکی، به دست بنده

وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ

و نیکی کردن به مردم را به دست من جاری ساز. ۳/۲۰

روانه ساختن دل بنده، در خوشایندترین راه ها به سوی خدا

وَ أَجْرٍ بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ

و آن را در محبوب ترین راه ها به سویت روانه فرما. ۱۰/۲۱

روان گشتن شیطان، در رگ های بندگان

وَ أَجْرِيَّتُهُ مَجَارِي دِمَائِنَا

و او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

روان شدن جوی های بهشتی، به انواع آشامیدنی ها

ص : ۶۵۹

وَلَوْحٍ مِنْهَا لِابْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطْرَدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. ۴/۲۷

روان ساختن فضل خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنًا بَوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ، وَ عَوَّضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أُجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

روان ساختن روزی، از اسباب حلال

وَ أُجْرٍ مِنْ أَشْيَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

و روزی هایم را از اسباب حلال، روان ساز.

۳/۳۰

روان نشدن قضا و قدر الهی، جز به نیکی

وَ هَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقْرَبِّ مَعَهَا بَأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم. ۳/۳۵

روانه ساختن بندگان، در ملک جاودان (بهشت)

وَ اسْرُخْنَا فِي مُلْكِكَ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن. ۵/۳۵

عامل روان گشتن گشایش زندگی و فراخی روزی

وَسُقِ الْإِنَّا بِهِ رَغَدًا الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

نزدیک گشتن زمان روانه شدن به سوی آخرت

وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْأَخْرَةِ رَحِيلٌ وَ انْطِلَاقٌ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود. ۱۳/۴۲

روان شدن قدرت الهی، بر گذشت

أَنْتَ... أَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری

ص : ۶۶۰

جاری بودن جوی ها، از زیر (درختان) بهشت

و يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است. ۱۰/۴۵

روان گشتن نیکی، با رمضان

وَ كَمْ مِنْ خَيْرٍ أُفِيضَ بِكُمْ عَلَيْنَا

و چه بسیار نیکی ای که به وسیله تو، بر ما روان گشت! ۳۹/۴۵

روان ساختن عمل شایسته ای برای بنده

وَ أَجْرٌ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شَهْرِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حق تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما

روان ساز. ۴۶/۴۵

جام های حاجات، و جریان جود و بخشش الهی

وَ امْتَلَأْتُ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةَ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

روان نمودن بخشش های گرامی، به سوی

بنده

وَ سُقِّ كَرَامَتٌ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ

و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما. ۱۲۸/۴۷

اجرای توحید، به دست برخی از بندگان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ... مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَيَّ يَدِيهِ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود و از کسانی که آن (توحید و ایمان) به وسیله و به دست آنان اجرا می گردد، قرار ده.

۱۲/۴۸

روان بودن فرمان خدا

سُبْحَانَكَ مَا... أَنْفَذَ أَمْرَكَ

پاک و منزهی! چه روان است فرمانت!

۴/۵۲

به دست آوردن حقیقت یقین، در جریان امر خداوند

أَسْأَلُكَ... يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

ص : ۶۶۱

روبرو شدن پیروان پیامبران، با تکذیب دشمنان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند... ۱/۴

روبرو شدن مجاهد مسلمان، با دشمن

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلَّلَهُمْ فِي عَيْنِهِ...

پس هر گاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما. ۱۵/۲۷

روبرو شدن با خدا، با تنی فروتن

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ، وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا...

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.

۱۹/۳۲

روبرو شدن شیطان، با بنده

... وَ تَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرَةٍ

... و با گفتار کفرش با من روبرو شد. ۱۳/۳۲

نبود همتا، برای برابری با خدا

أَنْتَ الَّذِي... لَا نِدَّ لَكَ فَيَعَارِضُكَ

تویی آنکه مانندی نداری تا با تو معارضه کند. ۲۰/۴۷

سپاسی برابری کننده با عزت جلال الهی

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عزتِ جلال تو برابر باشد. ۴۹ و ۴۷/۳۶

روبرو شدن با عذاب

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، با عقوبت هایت روبرو شدم. ۴۹/۲

مقابله کوتاهی بنده، با فراوانی نعمت

هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتِرَافٍ بِسُبُوحِ النِّعَمِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده است. ۴۹/۱۵

روح

بهره مند ساختن بندگان، از ارواح زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ

و سپاس خدای را که ما را به روح های زندگی

ص : ۶۶۲

درود خدا بر (فرشته) روح

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ... وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَهِ الْحُجُبِ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش که از تسبیح تو سستی نمی کنند و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، پس بر آنها درود فرست.

۱/۳ و ۵ و ۶

(فرشته) روح، از عالم امر

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ... وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش که از تسبیح تو سستی نمی کنند و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست. ۱/۳ و ۶

فرود آمدن فرشتگان و روح، در شب قدر

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

سلام بر دوستان ائمه علیهم السلام و ارواحشان

وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ

و بر آنان و بر روح هایشان سلام فرست.

۶۵/۴۷

روده

پاره پاره شدن روده های ساکنان آتش دوزخ، از آشامیدنی آن

وَأَعْوَدُ بِكَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَأَفْنِدَةَ سُكَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

گام برداشتن با روزه‌های زندگی، به سوی سرآمدی خاص

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... يَنْحَطُّ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معین نمود، که با روزه‌های زندگی اش، به سوی آن گام بردارد. ۶/۱

درود خدا بر تابعین از امروز تا روز قیامت

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست. ۱۳/۴

پر کردن دو طرف (اول تا آخر) روز بنده

وَ امَلًا لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

۱۴/۶

نیکی ها و بدی های بندگان، در روز

وَ أَجْزَلُ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان و ما را در آن از بدی ها تهی ساز. ۱۴/۶

توفیق انجام نیکی، در امروز و همه روزها

وَ وَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی توفیق ده. ۱۸/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنانشان، در هر روز

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا...

و آسمان و زمین و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را در این روز شاهد می گیرم. ۲۱/۶

پشت کردن ایام، به بنده

وَ أَذْبَرْتُ أَيَّامَهُ فَوَلَّيْتُ

و روزگارش (به او) پشت کرده و سپری شده.

۸/۱۲

تندرستی، و روز و شب

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد

باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز. ۲/۱۸

گماشتن بنده به طاعت خدا، در ایام مهلت

وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهِلَّةِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. ۲۹/۲۰

پایندگی عزت خدا، با گردش ایام

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَيَّ... مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳

برپایی قرآن، در آغاز و پایان روز

وَ أَقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

ص : ۶۶۴

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

برکت ماه نو، و (گذشت) روزها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِمَالًا بَرَكَهٍ لَا تَمَحُّهَا الْأَيَّامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد، که (گذشت) روزها از بینش نبرد.

۴/۴۳

کندن بدی از بندگان، با گذشت روزهای رمضان

وَ اسْلُخْ عَنَّا تَبَعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ...

و با گذشتن روزهایش، بدی هایمان را از ما بکن. ۱۵/۴۴

یاری بندگان به روزه داری، در روز ماه رمضان

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَي صِيَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

۱۷/۴۴

گواهی ندادن روزهای رمضان، بر غفلت بنده

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَي صِيَامِهِ... حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

تا روزش بر ما به غفلت، گواهی ندهد. ۱۷/۴۴

شمول درخواست در ماه رمضان، بر سایر روزهای زندگی

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده. ۱۸/۴۴

روزه داشتن، در روزهای ماه رمضان

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

رمضان، بهترین ماه در روزها و ساعت ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها. ۲۴/۴۵

رمضان، ماه برابری نکردن روزها با آن

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها(ی دیگر) با آن برابری نمی کند. ۳۳/۴۵

عید فطر، جلب کننده ترین روز جهت عفو

وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِبِهِ لِعَفْوٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته

ص : ۶۶۵

است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو باشد. ۴۸/۴۵

عید فطر، نابودکننده ترین روز برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا... اَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محوکننده ترین آن، برای گناه باشد. ۴۸/۴۵

مبارک گرداندن روز عید فطر

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز عید فطر، بهترین روزها

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا...

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده. ۴۸/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُورًا

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

روز فطر، روز اجتماع و گردهمایی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ... لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل دینت محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

توبه در روز فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ...

خداوندا ما در روز فطرمان از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم.

به پایان نرساندن روز بنده، با ناامیدی

وَلَا تَخْتَمِ يَوْمِي بِخَيْبَتِي

و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان.

گذر روزها، و فرونی درود بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، صَلَاةً... تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ...

و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزها بیفزایی. ۵۵/۴۷.

دوستان ائمه علیهم السلام، منتظر ایام (دولت) ایشان

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) آنانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

روز عرفه، روزی شریف و عظیم

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای. ۶۶/۴۷

گسترده رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمت را در آن گسترده ای. ۶۶/۴۷

انعام عفو الهی به بندگان، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ... مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که بخشایش را در آن ارزانی داشته ای. ۶۶/۴۷

بسیاری عطای الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ... أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای و به وسیله آن بر بندگان تفضل کرده ای. ۶۶/۴۷

بهره ای ویژه برای بنده، در روز عرفه

وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيْبًا اَنَالَ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم. ۷۱/۴۷

چگونه پوشاندن بنده، در روز عرفه

تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

در این روز، مرا پوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

آراستن مناجات برای بنده، در شب و روز

وَزَيْنٌ لِّيَ التَّفَرُّدَ بِمَنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیار. ۱۱۰/۴۷

مبارک بودن روز عید قربان و روز جمعه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُّبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته و در آن مسلمانان در اطراف زمینت گرد هم می آیند.

۱/۴۸

شریک شدن در دعای مؤمنان، روز عید قربان و جمعه

ص : ۶۶۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می‌خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

فرود آوردن نیاز خود به درگاه خدا، در روز عید قربان و جمعه

اللَّهُمَّ... بِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي وَمَسْكَتِي

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی‌چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم. ۴/۴۸

امید به عفو الهی، در روز عید قربان و جمعه

فَالَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتْ الْيَوْمَ تَهَيَّيْتِي وَتَعَبَّيْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ

پس ای سرور من، امروز مهیا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش و صلّه و درخواست بخشش و احسان تو نائل شوم. ۵/۴۸

ناامید نکردن بنده، در روز عید قربان و جمعه

لَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي

امروز این امید مرا ناامید نکن. ۶/۴۸

پناه بردن به خدا از غضبش، در روز عید قربان و جمعه

أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می‌آورم.

۱۷/۴۸

زنده‌ارجویی از خشم خدا، در روز عید قربان و جمعه

أَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ

امروز از خشمت به تو پناه آورده‌ام. ۱۸/۴۸

به پایان رسیدن روزهای زندگی بنده

ارْحَمْ... نَفَادَ أَيَّامِي

بر به آخر رسیدن روزهایم رحم کن. ۴/۵۳

روز قیامت قیامت

روزگار

نزدیک شدن با سال های روزگار، به سوی سرآمدی خاص

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... يَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

ص : ۶۶۸

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معین نمود، که با سال های روزگارش، به آن نزدیک می شود. ۶/۱

فرستادن پیامبر، در هر عصر و زمان

فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتُ فِيهِ رَسُولًا...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی...

۲/۴

درودی که روزگارش به سر نرسد

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَّى دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لَهَا أَبَدًا وَ لَا مُنْتَهَى لَأَمَدِهَا

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده که روزگار آن سپری نشود و مدتش به پایان نرسد. ۲۴/۱۳

پایندگی عزت خدا، با گردش روزگاریها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ...

خداوند ای عزیزی که با سپری شدن روزگاریها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳

برتری رمضان، از بین همه روزگاریها

وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَ الدُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگاریها برتری اش دادی.

۲۰/۴۵

ماه های روزگار، و دریافت حق خدا

وَ أَجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حق تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

روزه

گواه نگرفتن روزی، به روزه داشتن خود

وَلَا أَسْتَشْهَدُ عَلَى صِيَامِي نَهَارًا

و روزی را بر روزه داری ام شاهد نمی گیرم.

۱۷/۳۲

یاری بندگان، به روزه داشتن

وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيكَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. ۶/۴۴

وَأَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما.

۱۷/۴۴

وجوب روزه، در ماه رمضان

وَفَرَضَتْ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ

و روزه را در آن واجب کردی. ۲۰/۴۵

روزه در ماه رمضان، به فرمان خدا

ص : ۶۶۹

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

روزه ماه رمضان و گرویدن به رحمت خدا

مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ

در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی. ۲۱/۴۵

عَلَّتْ تَرْكُ كَرْدَن روزه ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُودِعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأَمَّا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

توفیق الهی و عهده داری روزه

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را - با (همه) کوتاهی (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. ۴۴/۴۵

مبارک گرداندن روز روزه گشودن

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

پاداشی همانند روزه دار ماه رمضان

اَكْتُبُ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس. ۵۱/۴۵

روز فطر و روزه گشودن، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا -

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی و برای اهل دینت محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

توبه به درگاه خدا، در روز فطر و روزه گشودن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا...

خداوندا ما در روز فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

روزی رزق

روش

سنت خدا در توبه، برای پیشینیان

...فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ

ص : ۶۷۰

وَضَعْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته. ۲۳/۱

رفتار کردن تابعین اصحاب، مطابق روش صحابه

الَّذِينَ... مَضَوْا عَلَيَّ شَاكِلَتِهِمْ

آنان که به روش آنها رفتار نمودند. ۱۰/۴

توفیق پیروی از سنت ها، در تمام زندگی

وَوَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ اتَّبَاعِ السُّنَنِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و پیروی از سنت ها، توفیق ده. ۱۸/۶

برپا داشتن روش و سنت خدا

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت توفیق ده.

۲/۲۶

آموختن راه ها و روش ها، به مجاهد

وَ عَلَّمَهُ السَّيْرَ وَ السُّنَانَ

و راه ها و روش ها (ی جهاد) و سنت ها (ی اسلامی) را، به او بیاموز. ۱۴/۲۷

انعام، سنت الهی

ذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالُ

زیرا سنت تو بخشش است. ۷/۳۷

عدم گمراهی قصدکننده راه و روش قرآن

وَ جَعَلْتُهُ... عِلْمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود. ۳/۴۲

زنده داشتن بندگان، بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَحْيَيْنَا عَلَى سُنَّتِهِ

و ما را بر سنت او زنده بدار. ۲۰/۴۲

نماز، و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَثَرًا... الْمَوَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهَ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند. ۹/۴۴

هدایت بندگان، به سنت ماه رمضان

وَ هَدَيْنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

و ما را به روش آن، راهنمایی نمودی.

۴۴/۴۵

مهربانی؛ روش خدا با تجاوزکنندگان

ص : ۶۷۱

وَسُنَّتِكَ الْإِيقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

برپایی روش های پیامبر صلی الله علیه و آله ، توسط ولی خدا

وَأَقِم بِهِ... سُنَنَ رَسُولِكَ

و روش های پیامبر را به وسیله او به پا دار.

۶۲/۴۷

ترک سنت های پیامبر صلی الله علیه و آله

يُرُونَ... سُنَنَ نَبِيِّكَ مَثْرُوكَةً

می بینند که روش های پیامبر ترک شده است. ۹/۴۸

روشن کردن افروختن

روشنی

روشن ساختن تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید. ۱۰/۱ و ۱۲

اقتدا نمودن تابعین، به مناره هدایت و رستگاری صحابه

و لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي... الْإِثْتِ مَامَ بِهِدَايِهِ مَنَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت. ۱۱/۴

راه یافتن ره یافتگان، به نور هدایت خدا

وَ إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ

و به درستی که ره یافتگان به وسیله نور ذات تو راه می یابند. ۱۱/۵

بهره مندی از روشنی روز

اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ مَتَّعْنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز بهره مند گرداندی. ۸/۶

راه رفتن بین مردم، با نور (علم)

وَ هَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم. ۸/۲۲

راه یافتن در تاریکی ها، با نور (علم)

وَ هَبْ لِي نُورًا... أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ

و مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم. ۸/۲۲

روشنی جستن از شک، با نور (علم)

ص : ۶۷۲

وَهَبْ لِي نُورًا... أَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَالشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم. ۸/۲۲

تاریک بودن روشنی آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارِ نُورِهَا ظُلْمَةٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی است. ۲۹/۳۲

قرآن، نور و روشنایی فرستاده شده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی. ۱/۴۲

نور قرار دادن قرآن

وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم. ۳/۴۲

قرآن، نور هدایت و راهنمایی

وَجَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان خاموش نمی شود، قرار دادی. ۳/۴۲

ره یافتن با روشنایی قرآن، از تاریکی های

گمراهی

وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم. ۳/۴۲

راه یافتن به روشنی بامداد قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش راه می یابند. ۷/۴۲

اقتدا به درخشش روشنایی قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَفْتَدِي بِتَلْجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند. ۷/۴۲

روشن نمودن چراغ، به چراغ قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْتَضِيحُ بِمِضْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند. ۷/۴۲

روشنی جستن به روشنایی قرآن

وَ تَقْفُوا بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ

و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند. ۹/۴۲

روشن ساختن تاریکی قبرها، به قرآن

ص : ۶۷۳

و نَوَّرَ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز. ۱۵/۴۲

کامل نمودن نور پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أَتِمِّمْ نُورَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نورش را کامل ساز. ۱۹/۴۲

روشن کردن تاریکی ها، به وسیله ماه

أَمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت. ۲/۴۳

ماه، و نورافشانی اش

وَ أَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النَّقْصَانِ... وَ الْإِنَارَةِ وَ الْكُشُوفِ

و تو را با فزونی و کاستی، و نورافشانی و گرفتگی، به خدمت گرفت. ۲/۴۳

نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيْمَانِهِمْ

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. نورشان پیش رو و از سمت راستشان حرکت

می کند. ۱۱/۴۵

کامل گرداندن نور پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، (در قیامت)

يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ... يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند، گویند: پروردگارا، نورمان را برای ما کامل

گردان.

۱۱/۴۵

فروفرستادن قرآن و نور، در ماه رمضان

وَ آثَرَتْهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

امام علیه السلام ، مناره و روشنایی بخش راه (حق)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ... مَنَارًا فِي بِلَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را مناره ای (روشن) در شهرهایت به پا

داشتی. ۶۰/۴۷

میراندن بنده، و نور و روشنایی او

وَ أَمْتِنِي مَيْتَهُ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ

ص : ۶۷۴

و مرا بمیران، همچون مردن کسی که روشنایی اش در پیش رویش و از سمت راستش در حرکت است. ۱۱۷/۴۷

روگردانی

رو گردان نشدن، از خداوند

و يَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَ لَا يُرْغَبُ عَنْهُ

و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند. ۶/۱۳

رو نگرداندن از بنده

إِلَهِي... لَا تُعْرِضْ عَنِّي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ

خدای من، از من که به تو رو آورده ام روی نگردان. ۱۷/۱۶

لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ

از من رونگردان همانند رو گرداندن از کسی که پس از خشم از او خوشنود نمی شوی.

۱۰۰/۴۷

سبب رو گرداندن خدا، از بنده

وَ لَا تَفْتِنِي... بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ وَ مَنَعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو

شوم. ۱۲/۲۰

گرداندن روزی نیکوی خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

رو گرداندن از نیازمند بخشش خدا

وَ صَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَيَّ رِفْدِكَ

و از آنکه نیازمند عطای توست، روگرداندم.

۳/۲۸

روی گرداندن از رضا و خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَن رِضَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، تهدید نمودی. ۲۹/۳۲

روم

دشمنان خدا در روم

اللَّهُمَّ وَ اَعْمَمُ بِدَلِكْ اَعْدَاءَكَ فِي اَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ اُمَمِ الشُّرْكَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و

ص : ۶۷۵

رومان

درود خدا بر (فرشته) رُومان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُومَانَ فَتَانَ الْقُبُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و رومان آزمایش کننده (مردگان)

قبرها. ۱۸ و ۱۱ و ۳/۱۰

روی چهره

رؤیا خواب

روی آوری توجه

روی آوردن به خدا، و نیک بخت شدن

وَ السَّعِيدُ مَنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

و نیک بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد. ۲۴/۱

رو نمودن تابعین، به سمت روی آوردن اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ... تَحَرَّوْا وَجْهَهُمْ

آنان که به سوی جهت آنها رو آوردند.

۱۰/۴

سبب رو نیاوردن به غیر خدا

وَ اكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ. بِصَلَّتِكَ، حَتَّى لَا نَزْغَبَ إِلَيَّ أَحَدٌ مَعَ بَدْلِكَ

و با پیوستن به خود، ما را از وحشت دوری کنندگان، نگهدار، تا با بخشش تو به دیگران رو نیاوریم. ۷/۵

تفضل خدا، به رو آورنده به سوی او

وَيَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلِكَ عَلَيَّ مِنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضل تو به آنکه رو به تو آورد. ۳/۱۲

رو آوردن به سوی خدا، با توبه

تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند. ۸/۱۲

رو آوردن به خدا و روگردان نشدن او

و يَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَ لَا يُرْغَبُ عَنْهُ

و ای که به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند. ۶/۱۳

روی آوردن به آفریدگان

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَّتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

ص : ۶۷۶

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

رو آوردن فقیر به فقیر

وَ أَنَّى يَرْغَبُ مُعْدِمٌ إِلَى مُعْدِمٍ؟

و کجا تهی دست به تهی دست رو آورد؟

۱۷/۱۳

اولین رو آورنده به سوی خدا

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنَعَ

پس من اولین رو آورنده نیستم که به تو رو آورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. ۲۰/۱۳

رو آوردن بنده و رونگرداندن خدا

إِلَهِي... لَا تُعْرِضْ عَنِّي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ

خدای من، از من که به تو رو آورده ام روی نگردان. ۱۷/۱۶

رغبت به عمل برای خداوند

وَ ارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم

بشناسم. ۸/۲۲

رو آوردن خطایا و لغزش ها، به بنده

وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از

آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم.

۱۳/۲۲

روی آوری به راهنماینده ترین کس

وَ وَقَّفْنِي يَا أَهْدَىٰ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

و مرا توفیق ده. ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. ۱۱/۲۴

روی آوردن فرزندان، به والدین

وَ اجْعَلْهُمْ لِي... مُقْبِلِينَ

و آنان را به من متوجه ساز. ۴/۲۵

رو آوردن به خدا، با همه وجود

وَ أَقْبَلْتُ بِكُلِّ عَالِيكَ

و با همه وجودم به تو رو آوردم. ۲/۲۸

رو آوردن بنده به خدا، در حال شرم و امید

ص : ۶۷۷

فَأَقْبَلَ نَحْوَك مُوءَّمًّا لَكَ مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ

پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده. ۸/۳۱

روآوری خدا به بنده، با آمرزش

وَ الْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ

و با آمرزش خود به من رو آور. ۱۲/۳۱

روی آوری بنده به خدا، با اعتراف

وَ الْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي

و با آمرزش خود به من رو آور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. ۱۲/۳۱

روی آوری به بخشنده ترین کس

وَ أَنْتَ... أَعْطَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

و تو بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد. ۲۲/۳۲

إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده. ۵۶/۴۵

رو آوردن بدی ها، به سوی بنده

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَوَكِّي مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَهُ تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که به من رو آورد، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

رو نیوردن شک به بنده، در تصدیق قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصَدِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکی جلودار تصدیق ما نشود. ۶/۴۲

رمضان و رو آوردنش

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفِ آنَسٍ مُقْبِلًا فَسَّرَ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. ۲۷/۴۵

رو آوردن بردباری خدا، به دشمنی کننده با او

وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده، پرداخته است. ۱۶/۴۶

رو آوردن روی آورندگان، به سوی خدا

وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِيْنَ

و رغبت مرا به سوی خود، بالاتر از رغبت همه روی آورندگان قرار ده. ۱۱۵/۴۷

روی آوردن به خدا، و باز شدن درهای توبه، رأفت و روزی

ص : ۶۷۸

وَ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَافِقِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، اِنِّيْ اِلَيْكَ مِنَ الرَّاْغِبِيْنَ

درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراخت را بر من بگشای، همانا من از روآوردندگان به سوی توام. ۱۳۲/۴۷

طولانی بودن روآوری گنهکاران، بر گناه

ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلٰى عَظِيْمِ الْجُرْمِ اَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ

سپس روآوردن بسیار آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازداشت. ۷/۴۸

روآوردن بنده به خدا، به واسطه منزلت محمّدی و مقام علوی

اللّٰهُمَّ فَاِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَ الْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ، وَ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهَمَا

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمّدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاہت

رومی آورم. ۱۶/۴۹

روی آوری خدا، به متوکل

وَ تَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری.

۱۲/۵۱

رؤیت نگاه

رویش

روانی ابر و رویش گیاه

وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِبَيَاتِ اَرْضِكَ، الْمُوْتِقِ فِيْ جَمِيْعِ الْاَفَاقِ

و رحمتت را با باران فراوان از ابری که برای رویاندن گیاه چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران. ۱/۱۹

آبی رویاننده درخت و کشت

اللّٰهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُنْبِتُ بِهِ الْاَشْجَارَ

خداوندا ما را با بارانی که درخت ها را به وسیله آن برویانی، سیراب نما. ۵/۱۹

عدم اذن رویش، به زمین دشمن

لَا تَأْذَنُ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ، وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ

آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در رویدن، اذن نده. ۶/۲۷

رویاندن هفت خوشه از یک دانه

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبِتَتْ سَعَةً سَابِلًا فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت

ص : ۶۷۹

خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

رها کردن ترک

رهایی

رهایی بخشیدن به تابعین از آزمایش های ترسناک

و تُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا

و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

درخواست رهایی از گرفتاری ها

وَايَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود. ۱/۷

به زودی رهایی یافتن، برای بنده

وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحِيًّا

و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

۸/۷

رهایی نیافتن کسی، بدون بخشایش خدا

وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ

و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات

نمی یابیم. ۲/۱۰

رهایی فرمان برداران، با اطاعت خدا

يَا مَنْ طَاعْتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ

ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است.

۱/۱۱

رهایی بنده (از عذاب) و اقرار به زشتی ارتکاب ها

هَلْ يُنَجِّينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا اَزْتَكَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ ۶/۱۲

رهایی دادن بنده و سزاواری او (به کیفر)

وَ عَافِنِي مِمَّا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ

و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن. ۱۵/۱۲

رحمت الهی و رهایی از گرفتاری

وَ اجْعَلْ... خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي اِلَى رَوْحِكَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

رهایی کردن خطاکاران، با امید به رحمت خدا

وَ اِنَّمَا اُوْبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَأَكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

ص : ۶۸۰

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد. ۲۸/۱۶

رهاشده عفو و آزاد گردیده رحمت خدا

وَ اجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ، وَ عَتِيقَ رَحْمَتِكَ

و مرا رهاشده گذشتت و آزاد گردیده رحمت قرار ده. ۳۳/۱۶

رهایی طلبیدن از خدا، و رها شدن

وَ اَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجِرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ

و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانان ده. ۱۵/۱۷

رهایی از دوزخ را روزی بنده نمودن

وَ اِزْزُقْنِي... سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ

و رهایی از کمین گاه (دوزخ) را روزی ام فرما.

۱۸/۲۰

نفس بنده و رهانده شدن از عذاب

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر. ۱۹/۲۰

رهاندن بنده، از حسد

وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ

و مرا از حسد، رهایی ده. ۵/۲۲

رهاندن مجاهد مسلمان، از اندوه تنهایی

وَ اَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ

و او را از اندوه تنهایی حفظ کن. ۱۳/۲۷

رهاندن مجاهد مسلمان، از کسب شهرت

وَ خَلَّصَهُ مِنَ السُّمْعَةِ

و او را از شهرت طلبی نجات ده. ۱۴/۲۷

سبب رهایی دادن بندگان، از سختی رنج

وَ أَلْهَمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری. ۲/۲۹

رهاندن بنده، از وام آبروبرنده

وَ هَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِي

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری. ۱/۳۰

سبب رهایی دادن بنده، از قرض

وَ أَجْرُنِي مِنْهُ بِوَسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروت فراوان و روزی کافی، از آن (قرض) نجات ده. ۲/۳۰

رها شدن از خشم خدا

فَيَأْتِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ... أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تُكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ

پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که

از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت به وسیله آن حاصل شود. ۲۷/۳۱

وَ اجْعَلْنِي اُسْوَةً مَنْ قَدْ اَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ... فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ اِسَارِ سُخْطِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه عفو از قید و بند خشمت، رها گردیده است. ۱۰/۳۹

وَ تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلَبًا لِمَزِيدِكُمْ، وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكُمْ

و جهت طلب افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشمت نهفته بود. ۱۶/۴۵

فَنَجِّنِي مِنْ سُخْطِكَ

پس مرا از خشم سختت نجات ده. ۶/۵۱

رهاندن بندگان، به وسیله محمد صلی الله علیه و آله

وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، آنچنان که ما را به وسیله او نجات دادی. ۳۰/۳۱

عامل رهایی یافتن (ستمگر و ستم دیده)

وَ عَوْضِنِي... مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتِكَ حَتَّى... يَنْجُو كُلُّ مَنَّا بِمَنْنِكَ

و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر کدام از ما به سبب نعمتت، نجات

یابد. ۳/۳۹

رهایی از حکم عدل الهی

وَ خَلَّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ

و مرا از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان. ۵/۳۹

رهایی بنده از مهلکه ها، به توفیق الهی

وَ اجْعَلْنِي اُسْوَةً مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وِرْطَاتِ الْمَـجْرِمِينَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی. ۱۰/۳۹

رها شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِي أُسْوَةً مَّنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَن مَّصَارِعِ الْخَاطِئِينَ... فَأَصْبِحَ... عَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

ناامیدی از نجات، استوارتر از امید به رهایی

تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي... بِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاهِ أَوْ كَدُّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که

ص : ۶۸۲

ناامیدی اش از نجات، محکم تر از امیدش به رهایی است. ۱۲/۳۹

قرآن، نشانه نجات

وَ جَعَلْتَهُ... عَلِمَ نَجَاهٍ لَّا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود. ۳/۴۲

سبب رهایی در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْرَى بِهِ النَّجَاهَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت، قرار ده. ۸/۴۲

نجات از ترس و اندوه روز قیامت

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ

و ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده. ۱۵/۴۲

رهاندن بندگان، از احاطه شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده. ۱۶/۴۴

ناامیدی (مغرور به کرم خدا)، از به آسانی

رهایی یافتنش

وَ مَا أَقْنَطُهُ مِنْ سُهُولِهِ الْمَمَّ - خَرَجَ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن!

۲۰/۴۶

نجات سهل انگاران

وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا... اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ

و دلم را به سوی آنچه سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجه ساز. ۹۲/۴۷

رهاندن بنده، از گرداب های بلا

و نَجِّیْ مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَ خَلِّصْنِی مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوْی

و از گرداب های فتنه نجاتم ده و از کام های بلا رهایی ام بخش. ۹۸/۴۷

سبب رهایی از گرفتاری به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِیْ عِصْمَةً... تُفَكِّئِنِیْ مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد. ۱۱۱/۴۷

رهاندن بنده از تباهی یا بدی اراده شده خدا، در مورد قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِیْ مِنْهَا لَوْأَدَّا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات

ص : ۶۸۳

راه رهایی یافتن از (عذاب) خدا

وَلَا يُنَجِّنِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ

و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد. ۱۳/۴۸

رهاندن متمسک شده به خداوند

و تُخَلِّصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ

و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی. ۱۲/۵۱

عدم رهایی بنده، از خدا

كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟ ۱/۵۲

نبودن رهایی دهنده ای از خدا، برای بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءًا... لَا مُتَقَدَّ لَهُ مِنْكَ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نجات دهنده ای برای او از تو نمی باشد. ۸/۵۲ و ۹/۵۲

عامل رهایی از آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده. به

رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان.

برکنار نمودن ریا، از مجاهد مسلمان

وَ أَعْزَلُ عَنْهُ الرِّيَاءَ

و خودنمایی را از او دور کن. ۱۴/۲۷

خالص گرداندن کردار بنده، از ریا

ثُمَّ خَلَّصَ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان. ۷/۴۴

ریسمان

چنگ زندگان به ریسمان قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْصِمُ بِحَبْلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند. ۷/۴۲

نگاه داشتن بنده، به ریسمان الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ ... عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که به ریسمان خویش، وی را نگه داشتی. ۶۷/۴۷

ص : ۶۸۴

زاد توشه

زادگاه

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جایی دور از زادگاه خویش

وَ هَاجَرَ إِلَى... مَحَلِّ النَّأْيِ عَنْ... مَسْقَطِ رَأْسِهِ

و از زادگاهش، به محل دور هجرت نمود.

۱۶/۲

زاری

مهربان بودن خدا، به زاری بنده

فَارْحَمَ تَضَرُّعَنَا إِلَيْكَ

پس به زاری ما به درگاهت رحم کن. ۵/۱۰

وَ كُنْ... لِتَضَرُّعِي رَاحِمًا

و به زاریم ترحم فرما. ۲۱/۱۳

سبب گرفتگی صدای زاری بنده، به درگاه خدا

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي، وَ لِذَلِكَ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته. ۲۰/۱۶

رحم نمودن خدا، بر تضرع بسیار بنده

فَارْحَمَ طَوْلَ تَضَرُّعِي

پس بر بسیاری زاریم رحم کن. ۳۲/۱۶

زاری به درگاه خدا، هنگام درویشی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي ... أَتَضَرُّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام تهی دستی، به درگاه تو زاری کنم. ۱۲/۲۰

زاری نمودن نزد غیر خدا

لَا تَقْتِنِي ... بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ

مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

با زاری به درگاه خدا ایستادن

فَمَثَلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده. ۹/۳۱

زاری ذلیل، نزد عزیز

وَ أَفْعَلُ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی

ص : ۶۸۵

پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. ۲۴/۳۱

زاری بنده به درگاه خدا، برای برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی. ۲۷/۳۲

آتش دوزخ و زاری به سوی آن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَيَّ مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست. ۲۹/۳۲ و ۳۰

زاری و درخواست عفو الهی

وَ نَبْتَهِلُ إِلَيْكَ فِي سُوءِ عَفْوِكَ

و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم. ۳/۳۶

یاری نمودن بنده، به تضرع در ماه رمضان

وَ أَعَانَا... فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما. ۱۷/۴۴

درخواست از خدا، از روی تضرع

وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ... وَ مَعَ ذَلِكَ

خَيْفَةً وَ تَضَرُّعًا...

و از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال. و با آن احوال، درخواستم به همراه ترس و زاری است. ۷۴/۴۷

زاری بیزار از گناه، به درگاه خدا

تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

زاری به درگاه خدا، و رهایی از (عقاب) او

وَلَا يُنَجِّنِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ

و جز زاری به درگاهت و در پیش رویت، مرا از (عذاب) تو نجات نمی دهد. ۱۳/۴۸

خدا، بینا به زاری بنده، به درگاهش

فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَقَلَّةَ حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ

زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به درگاه خود می بینی. ۱۶/۴۸

اجابت آنچه درباره اش، به درگاه خدا زاری شده

وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ

و همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

زایش

فرزند نیاوردن و زاده شده نبودن خدا

أَنْتَ الَّذِي... لَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا

تویی آنکه فرزندی نیاورده ای، تا زائیده شده باشی. ۱۹/۴۷

نزاییدن و زاده نشدن خدا

يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَدْ

ای که نزائیده و زائیده نشده ای. ۲/۵۴

زبان

شیرینی زبان ها، در بیان نعمت الهی

وَ اجْعَلْ... انْطَلَقَ اَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مَنِّكَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده. ۱۴/۵

سخنان زبان و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... لَهْجَاتِ اَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده. ۷/۹

مشغول ساختن زبان ها از هر سپاسی، به سپاس گزاری خدا

وَ اشْغَلْ... اَلْسِنَتِنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ

و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول ساز. ۱/۱۱

ثبت کردارهای پاکیزه برای بنده، در حال بیماری و گویا نگشتن زبانی بر آن

وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا لِسَانَ نَطَقَ بِهِ

و در بین آن بیماری نویسنده‌گان اعمال، کردارهای پاکیزه‌ای را برای من نوشتند، که زبانی به آن گویا نگشته. ۵/۱۵

کُنْدُ شَدْنِ زَبَانِ رَازٍ وَ نِيزَا بِاِخْدَا

وَ كَلَّ لِسَانِي عَنِ مُنَاجَاتِكَ

و زبانه از مناجات با تو بند آمده. ۲۰/۱۶

کُنْدِي زَبَانَ بَرِ اَثَرِ (زِيَادِي) يَادِ اِخْدَا، وَ اَثَرِ اَنْ

يَا اِلَهِي لَوْ... ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در این مدت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانه از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی‌ای از بدی‌هایم نیستم.

۳۰/۱۶

ص : ۶۸۷

زبانی برای بنده، در مقابل نزاع کننده با او

وَ اجْعَلْ لِي... لِسَانًا عَلِيَّ مَنْ خَاصَمَنِي

و برایم بر کسی که با من جدال کرد، زبانی قرار ده. ۸/۲۰

تبدیل سخن زشت جاری شده بر زبان، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرِي عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

گویا ساختن زبان بنده، به حمد، شکر، یاد و ستایش نیکوی خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي

و زبانم را به حمد خود و شکر و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما. ۵/۲۳

لال شدن زبان قصد بدکننده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا زبانش را درباره من لال

کنی. ۷/۲۳

بستن زبان های دشمنان، از گفتار

وَ اخْرِمْ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند. ۵/۲۷

توبه نمودن از گفتگوهای (بیجای) زبان

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا... زَالَ عَن مَحَبَّتِكَ مِنْ... لِحَظَاتِ عَيْنِي، وَ حِكَايَاتِ لِسَانِي

خداوندا و همانا من از هر چه دور از دوستی توست؛ از نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگناهت توبه می کنم. ۲۲/۳۱

برنگشتن زبانه ترازوی عدل، از درستی

وَ جَعَلْتُهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَّا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن (قرآن) را ترازوی عدلی قرار دادی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود. ۳/۴۲

سختی زبان و نیکویی عبارت قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِيَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان

که باید رعایت می کنند. ۴/۴۲

عامل گنگ کننده زبان، از فرو رفتن در باطل

ص : ۶۸۸

وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرَسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده. ۱۰/۴۲

گویا نشدن زبان ها، جز به آنچه خدا خبر داده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّى... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

شرط ستایش شدن مخلوق، به هر زبانی

وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَتُكَ مِنْكَ كَانَ... مَحْمُودًا بِكُلِّ لِسَانٍ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای،

راهنمایی می کرد، به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت. ۱۷/۴۵

عذر خواستن زبان ها، از روی راستی

وَ لَكَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. ۴۵/۴۵

نگشودن زبان طعنه زندگان، بر بنده

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسِنَ الطَّاعِنِينَ

و زبان طعنه زندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا. ۴۷/۴۵

آزار رساندن حسود، با نیش زبانش

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرده. ۹/۴۹

زبان بنده، سپاس گزار خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. ۶/۵۱

زحمت رنج

زدایش

زدایش زنگار ستم، به وسیله ولی خدا

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءُ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزداي.

۶۲/۴۷

زد و خورد

ترساندن دشمنان، از زد و خورد با دلیران (اسلام)

ص : ۶۸۹

وَ جَبَّئَهُمْ عَنْ مَقَارِعِهِ الْأَبْطَالِ

و ایشان را از پیکار با دلاوران بترسان.

۱۱/۲۷

زرع کشت

زره

پوشاندن زره های محافظت کننده از شرّ شیطان، بر مؤمنان

وَ أَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنًّا وَاقِيَةً

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیت او پوشان. ۱۰/۱۷

زشتی

اقرار به زشتی ارتکاب ها

هَلْ يُنْجِبِنِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقِيحٍ مَا ارْتَكَبْتُ؟

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ ۶/۱۲

چشم پوشی خدا، بر جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٍ بَأَنَّ... اِحْتِمَالَ الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی

از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۲/۱۲ و ۱۳

کثرت زشتی ها و عدم پرده دری خدا

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی. ۲۱/۱۶

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدُنِي مَكْرُوهَ شَنَايَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

زشتی کردار بنده و شمارش عیوبش

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَفْبِحُ آثَارًا، وَ أَشْنَعُ أَعْمَالًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - نشانه هایم زشت تر و کردارهایم بدتر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

تبدیل سخن زشت زبان، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... نُطَقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم

ص : ۶۹۰

جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

آنچه خدا زشت دانسته

اللَّهُمَّ... عِنْدَكَ... فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرٌ

خداوندا تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست. ۲۰/۲۰

عامل دلیر کردن بندگان، بر فحشا

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداند. ۷/۲۵

زشتی رسواگر

وَ اسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ...

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده و از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگراست، از تو کمک

خواسته. ۹/۳۱

رسوا نمودن فحشای بندگان

فَكُلُّنَا قَدْ... ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا نمودی. ۱/۳۴

پوشاندن زشتی های بنده

فَكُلُّنَا قَدْ... تَسَتَّرَ بِالْمَسَاوِيِّ فَلَمْ تَدُلُّ عَلَيْهِ

چرا که هر کدام از ما زشتی های پنهان داشت، پس آن را نمایان نکردی. ۱/۳۴

زشتی پنهان شده به وسیله خداوند

فَاجْعَلْ مَا... أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَاعْظَا لَنَا...

پس آن بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده قرار ده. ۳/۳۴

پوششی برای زشتی ها

وَ اسْتَعْمَلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری بگمار، که سبب فروریختن (گناه) و پوشاندن چیز است که از ما زشت است.

۴۷/۴۵

بازایستادن از بدی های زشت

أَشْعِرُ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ

دلم را به خودداری از بدی های زشت بیوشان.

۱۰۷/۴۷

خدا، بینا به زشتی اعمال ستمگر

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... قُبْحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ، أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ

پس همین که - ای خدای من - زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در

ص : ۶۹۱

گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. ۸/۴۹

زکات

پاکی مال، با بیرون کردن زکات از آن

و وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که آن (دارایی ها) را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم. ۱۰/۴۴

زلف مو

زمان

قرار دادن مدّت معین، برای زندگی هر جاندار

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مُوقُوتًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معین نمود. ۶/۱

سپاسی با مدّت نامقطوع

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّةِ

پس سپاس او را، سپاسی که مدّتش نامقطوع می باشد. ۲۸ و ۲۷/۱

فرستادن پیامبر از دوران آدم علیه السلام تا زمان محمد صلی الله علیه و آله

... فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتُ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتُ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ...

۲/۴

به آخر نرسیدن مدّت پادشاهی خدا

وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد. ۲/۵

سختی پیشامدها و اندوه های زمان

وَ أَكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

و ما را از سختی حوادث روزگار نگهدار.

۱۰/۵

قرار دادن مدت معلوم، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود. ۳/۶

چگونگی بندگان، در اوقات طاعت

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند.

۷/۶

به سر بردن در بهترین وقت

ص : ۶۹۲

وَاجْعَلْهُ... خَيْرَ وَقْتٍ ظَلَلْنَا فِيهِ

و آن (روز) را بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده. ۱۹/۶

روزگارِ سختی و نکبت

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه زمانه ما را دچار سختی نماید. ۶/۸

وقت دعا و پرسشی درباره آن

...أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَايِ مَقْتُكَ؟

... آیا هنگامی که تو را می خوانم، دشمنی ات مرا لازم گشته است؟ ۶/۱۲

گذشتن زمان کار و عمل

حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدِ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

درودی با مدتی پایان ناپذیر

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً... لَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که مدتش به پایان نرسد. ۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست. درودی که مدتش پایان نپذیرد. ۱۸/۲۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً... لَا غَايَةَ لِأَمْدِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که زمانی برای پایش نباشد. ۵۸/۴۷

سزاواری وقت تندرستی و بیماری، برای ستایش

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي... أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتُّ الصَّحِّهِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحْضَتَنِي بِهَا...

ای خدای من نمی دانم کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟ آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟ ۴-۲/۱۵

یاد خدا و اوقات غفلت

وَبَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن.

۲۹/۲۰

از خاطر نبردن یاد والدین، در هر وقت از اوقات شب

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا... فِي إِنْ مِنْ آتَاءِ لَيْلِي

ص: ۶۹۳

خداوندا یاد آنان را در هیچ وقتی از اوقات شبم از یادم نبر. ۱۳/۲۴

به پایان رسیدن وقت مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْزَنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَّضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أُجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مزدداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

پابندگی عزت خدا، با گذشتن زمان ها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روز گارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳/۳۲

درودی تا زمان در پی هم آمدن شب و روز

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. ۳۴/۳۲

وقت کوشش جهت توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ... وَاعْظَا لَنَا... وَ سَعِيًا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاجِيَةِ... وَ قَرَّبِ الْوَقْتَ فِيهِ

پس آن عیب ها که پوشانیدی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و زمان آن را نزدیک گردان. ۳/۳۴ و ۴/۳۴

عمل کوتاه مدت و پاداش درازمدت

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدت زودگذر، پاداش درازمدت همیشگی دادی. ۱۲/۳۷

برپایی قرآن، در اوقات شب و روز

وَاقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

آرامگاه بودن گورها، تا هنگام قیامت

ص : ۶۹۴

وَكَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

۱۳/۴۲

وقتی آشکار، برای ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِيزُ جَلًّا وَ عَزًّا أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد. ۴/۴۴

آگاه شدن از اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ... وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما. ۸/۴۴

به جا آوردن نماز، در وقت آن

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةً... الْمَوْءَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود به جا آورده اند. ۹/۴۴

آراستگی اوقات ماه رمضان، به اطاعت خدا

وَ زَيْنَ أَوْقَاتِهِ بِطَاعَتِنَا لَكَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

۱۷/۴۴

درودی به شماره درود خدا، در هر زمان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده

ای. ۱۹/۴۴

برتری ماه رمضان، از (بین) همه زمان ها

وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَاللَّهُوَرِ

و از همه زمان ها و روزگارها برتری اش دادی.

۲۰/۴۵

عَلَّتْ بَرَكْزِيدِن مَاهِ رَمَضَانَ، بِرْ هَمِه اَوْقَاتِ سَالِ

وَ آثَرْتَهُ عَلٰی كُلِّ اَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا اَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

پایان یافتن وقت رمضان و به سر رسیدن زمانش

ص : ۶۹۵

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدتش، از ما جدا شد. ۲۲/۴۵

گرامی ترین وقت ها، ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی. ۲۴/۴۵

نشاختن وقت (آمدن و رفتن) رمضان

و وَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهَلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ

و ما را برای آن به وسیله نعمت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را نشناختند.

۴۳/۴۵

عدم سستی سلطنت الهی، با طول مدّت (مهلت به بنده)

لَمْ يَهِنْ عَلَيَّ طُولُ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ

درازی زمان ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است. ۱۸/۴۶

بی شمار گشتن سپاس، با گردش زمان ها

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَيَّ كُرُورِ الْأَزْمَنِه

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود. ۳۹ و ۳۶/۴۷

تأیید دین خدا در هر زمان، به وسیله امام

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی. ۶۰/۴۷

فراوانی نعمت های خدا، در هر زمان

و وَجَدْتُ نِعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِعَهُ فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از عالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. ۵/۵۱

زمین

درود خدا بر فرشتگان فرستاده شده، بر اهل زمین

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، به سوی اهل

زمین. ۱۷ و ۱۱ و ۳/۱۰

فرشتگان و جای داشتن در زمین

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از

ص : ۶۹۶

فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب. ۲۳ و ۱۱ و ۳/۱۰

یاد کردن از پیروان پیامبران از اهل زمین

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ... فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران از اهل زمین، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۲ و ۴/۱

زمین و آسمان، از آن خداوند

أُصْبِحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهُا وَ أَرْضُهَا

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و همه از آن تو هستیم. ۶/۹

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنان آنها

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگان را شاهد می گیرم. ۶/۲۱

خوردن خاک زمین، در همه عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَعْوَةَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین

خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۱۶/۳۰

روان گشتن ابر، در اطراف زمین

وَ أَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ، الْمُوْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

و رحمتت را با باران فراوان از ابری که برای رویاندن گیاه چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران. ۱۹/۱

روزی بندگان، از برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما. ۱۹/۷

اذن ندادن به زمین دشمن، در رویش

لَا تَأْذَنُ... لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ

زمینشان را در رویدن، اذن نده. ۶/۲۷

پرستش شدن خدا، در همه جای زمین

وَفَرَّغَهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ... حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش

نشود. ۷/۲۷

شکست دشمن، به پایان خاک در زمین

ص : ۶۹۷

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أُسْرًا

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند. ۸/۲۷

آذوقه های دشمنان، در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین

وَ اجْعَلْ مِيزَهُمْ فِي أَحْصَ أَرْضِكَ وَ أَبْعِدْهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده. ۱۲/۲۷

سوگند به پروردگار آسمان و زمین

ثُمَّ قُلْتُ: فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حق و درست است، مانند آنچه شما سخن می گوئید.» ۵/۲۹

با فروتنی دیده بر زمین انداختن، در برابر خدا

وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَحَشِّئًا

و دیده اش را با سرافکنندگی به زمین دوخته.

۹/۳۱

بیان نمودن حال خویش، جهت شنیدن زمین و اهل آن

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِنْ لَتَسْمَعَ سَمَاوُكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگامت آشکار نمودم را بشنود. ۲۶/۳۱

درودی پُرکننده آسمان و زمین

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً... تَمَلُّهُمُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که آسمان و زمین را پر کند. ۳۴/۳۲

سیاسی پُرکننده زمین و آسمان

فَلَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سیاسی که زمین و آسمانش را پر سازد. ۶/۳۶

سبب رهایی بندگان، در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزِي بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرْصِهِ الْقِيَامَةِ

ص : ۶۹۸

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت قرار ده. ۸/۴۲

پدیدآورنده آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین. ۲/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین. ۲/۴۸

جانشینان خدا در زمین

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را جانشینان خود در زمینت

قرار دادی. ۵۶/۴۷

درودی به شماره زمین های خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتُهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به تعداد زمین هایت و آنچه زیر آنها و میان آنهاست، درود فرست.

۵۹/۴۷

در آوردن بنده، در میان پیشینیان در زمین (رستاخیز)

وَ وَافِ بِبِي عَرَضَةِ الْأَوَّلِينَ

و مرا به زمین (رستاخیز) پیشینیان برسان.

۱۲۷/۴۷

اجتماع مسلمانان، در روز عید قربان و جمعه در اطراف زمین

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمین گرد هم می آیند. ۱/۴۸

بر خدا پوشیده نبودن چیزی، در آسمان و زمین

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَىٰ عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۳/۵۰

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۱/۵۲

زن

پناه خواهی برای مردان و زنان باایمان

وَ أَعِدِّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكِ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

و مرا و همه مردان و زنان باایمان را به

ص : ۶۹۹

رحمت از آنچه گفته شد پناه ده. ۱۰/۸

وَ أَعِدُّنَا وَ أَهْلِيْنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ

و ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. ۱۵/۱۷

مردان و زنان با ایمان، و شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ... قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ

و پدران و مادران و نزدیکان و همسایگانمان از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده. ۱۰/۱۷

درخواست عطای الهی، برای همه مردان و زنان با ایمان

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لِوَلَدِي...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم،

بیخش. ۱۲/۲۵

زن های چشم درشت زیبای بهشتی

وَ لَوْحٍ مِنْهَا لِلْبُصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْحُورِ الْحِسَانِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از

حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. ۴/۲۷

بچه دان های زنان دشمنان

اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و مسلمان

وَ امْنَعْنِي عَنْ أَدَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار. ۱/۳۹

زنجیر

به زنجیر کشیدن و انداختن دوزخیان، در دوزخ

...خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ

... او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید. ۲۱/۳

زندگی

مدّت معلوم و پایان معین در زندگی

ص : ۷۰۰

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مُوقُوتًا

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معین نمود. ۶/۱

گام برداشتن با روزهای زندگی، به سوی پایانی معین

يَتَخَطَّ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ

با روزهای زندگی اش، به سوی آن (سرآمد خاص) گام بردارد. ۶/۱

ستاندن حساب عمر و زندگی بنده

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبْضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورٍ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. ۶/۱

زندگی کردن در بین سپاس گزاران

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيْمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم.

۱۰/۱۱۱

بهره مندی از نسیم زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ

و سپاس خدای را که ما را به نسیم های

زندگی بهره مند ساخت. ۲۰/۱

پیامبر صلی الله علیه و آله، و احیای دین خدا

وَ قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

رو آوردن اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، از زندگی فراخ، به سختی

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن. ۸/۴

زندگی کردن در سختی

وَ نَعُوذُ بِكَ... مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی.

سپری شدن روزهای زندگی و اوقات عمر

وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَيَّرَمَتْ مُيَدُّ أَعْمَارِنَا... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ خَيْرَ مَا تَخْتَارِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهُ مَقْبُولَهُ...

و آن هنگام که روزهای زندگانی ما به سر رسید و اوقات عمرمان سپری شد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و پایان آنچه نویسندگان

کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده. ۳/۱۱

توبه در پایان عمر

حَتَّىٰ إِذَا رَأَىٰ... غَايَةَ الْعُمُرِ قَدْ انْتَهَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

تا اینکه می بیند مدت عمر به پایان رسیده. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند. ۸/۱۲

گناهان، به سر رساننده عمر بنده

وَ أَنَا الَّذِي أَفْنَيْتِ الذُّنُوبَ عُمْرَهُ

و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرِّمَادِ آخِرَ دَهْرِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در مدت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

خوردن خاک زمین، در همه عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن

بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

زنده ساختن شهرها

وَ أَحْيَىٰ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

زنده نمودن آنچه مرده، با باران

تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. ۳/۱۹

عمر بنده، چراگاه شیطان

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد - مرا به سوی خود بازگردان. ۵/۲۰

مردن و زنده شدن، بر دین خدا

وَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ أَمْوْتُ وَ أَحْيَا

و چنانم گردان که بر آئین تو بمیرم و زنده شوم. ۱۷/۲۰

سخت نکردن زندگی، بر بنده

وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا

و زندگی ام را پر دردسر قرار نده. ۲۲/۲۰

ص : ۷۰۲

وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكَدًا

و زندگی را بر ما دشوار نگردان. ۱۶/۴۲

پایان عمر و گذشت الهی

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي

خداوندا زندگی مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

خواستن آنچه نزد خداست ، در تمامی روزهای زندگی

وَذَلَّلَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا

و آن را با رغبت به آنچه نزد توست، در همه روزهای زندگی ام رام گردان. ۱۰/۲۱

سبب ممت خدا بر بنده، تا هنگام زنده بودن

اللَّهُمَّ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ... أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي...

خداوندا و بر من ممت گذار به حج و عمره، همیشه تا هنگامی که زنده ام. ۴/۲۳

درخواست طول عمر فرزندان

إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ

خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدت عمرشان برایم بیفز. ۲/۲۵

زنده داشتن یاد والدین

وَأَخِي بِهِمْ ذِكْرِي

و یاد مرا به وسیله آنها (فرزندانم) زنده گردان. ۴/۲۵

نیاز به رحمت، در زندگی

وَمَنْ سِوَاكَ مَرْحُومٌ فِي عُمْرِهِ

و غیر تو، در زندگی اش نیازمند رحمت می باشد. ۱۱/۲۸

آزمایش شدن به آرزوی دراز، در مدّت عمر

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا... فِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ...

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمان به آرزوی دراز، آزمودی. ۱/۲۹

آرزو، سبب طمع در عمر کهنسالان

وَ طَمَعُنَا بِأَمَالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم. ۱/۲۹

ذلت و خواری وام، در زندگی

وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از خواری آن (وام) در زندگی. ۲/۳۰

طاعت خدا و عمر بنده

ص: ۷۰۳

وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَ عُمْرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.

۲۸/۳۲

آسیب دیدن از طرف شخص زنده و طلب مغفرت برای او

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّْي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَمَضَى بِظُلَامَتِي مَيِّتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِي قَبْلَهُ حَيًّا فَاعْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّْي

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و او با همان وزر و وبال از

دنیا رفته یا وزر و وبال من او را در دنیا در حال حیات گرفته، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرزد. ۲/۳۹

روز زنده شدن بندگان

وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَّ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا

و با آن، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که زنده می شویم، به جامه های امان بیوشان.

۱۱/۴۲

وسیله روان ساختن گشایش زندگانی

وَ سُقْ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ...

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی را به

سوی ما سوق بده. ۱۲/۴۲

زنده داشتن بندگان، به روش پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَحْيِنَا عَلَى سُنَّتِهِ

و ما را بر سنت او زنده بدار. ۲۰/۴۲

شمول درخواست در ماه رمضان، تا پایان عمر

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده. ۱۸/۴۴

رمضان آینده و عمرهای بندگان

وَ اَبْلُغْ بِاَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ اَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان. ۴۶/۴۵

درخواست گذشت از خدا، برای تمامی هم کیشانِ مرده و زنده

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ... أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

خداوندا از همه هم کیشان ما، هر که از ایشان در گذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز درگذر. ۵۵/۴۵

زنده بودن خدا

ص : ۷۰۴

وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ

و تویی زنده بی نیاز. ۲۸/۴۷

ولی خدا و زنده گرداندن نشانه های دین

وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان. ۶۲/۴۷

ستوده زنده داشتن بنده

وَ بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنَيْتَ بِهِ... فَأَعْشْتُهُ حَمِيدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای. ۱۰۵/۴۷

زنده داشتن بنده، به زندگی پاکیزه

فَأَحْيِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد. ۱۱۷/۴۷

قرار دادن بازمانده عمر بنده، در حج و عمره

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ائْتِغَاءً وَجْهَكَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حج و عمره قرار ده. ۱۳۳/۴۷

زنده کردن مردگان و زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ

و ما را - ای خدای من - از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی و با آن سرزمین های مرده را

زندگی می بخشی، گشایش ده. ۱۳/۴۸

طعم تندرستی، تا پایان زندگی

وَ أَدِقِّنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان. ۱۴/۴۸

روزی خدا و حیات بنده

كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی ات زندگی برایش نیست؟ ۱/۵۲

نپسندیدن دیدار خدا و طول عمر نیافتن

لَا يُعَمَّرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ

کسی که (مرگ و) دیدار تو را نپسندید، در دنیا عمر جاودان نیابد. ۳/۵۲

برانگیخته گشتن و زنده شدن

مَوْلَايَ وَارْحَمَنِي فِي حَشْرِي وَنَشْرِي

مولای من! و در برانگیخته شدن و زنده شدنم به من رحم کن. ۷/۵۳

ص : ۷۰۵

زنده کردن احیا

زنگار

ولی خدا و زدایش زنگار ستم

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزداى.

۶۲/۴۷

زنگبار

زنگبار و دشمنان خدا

اللَّهُمَّ وَ اَعْمَمُ بِذَلِكَ اَعْدَاءَكَ فِي اَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ الرَّنَجِ... وَ سَائِرِ اُمَمِ الشُّرُوكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و زنگبار و دیگر امت های مشرک. ۹/۲۷

زوال

زوال ناپذیری سرای اقامت (بهشت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَضَامُ بِهِ اَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است. ۱۰/۱۶ و ۱۰/۱

یاری بنده در اموری، پیش از زوال وی

وَ تَوَلَّيْنِي... قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِنَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرِ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ

و قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما. ۲۳/۱۳

زوال ناپذیری خداوند

وَ عَلَيَّ ذَلِكَ اَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ

و در این (صفت) دائم و جاویدی. ۸/۳۲

زایل ساختن خشکی شهرها

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ

خداوندا خشکسالی شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز. ۴/۳۶

کرداری زایل شدنی و پاداشی جاودانی

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَاوِزْتَهُ... عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الرَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل نزدیک مدتی زوال پذیر، پاداش درازمدت پایدار عطا نموده ای. ۱۲/۳۷

زوال ناپذیری پادشاهی خداوند

و سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ

و سلطنت تو ثابت و بی زوال است. ۱۹/۴۶

ص : ۷۰۶

زایل نساختن سپاس خدا، از بنده

وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ

و شکر گزاریت را از من نگیر. ۱۱۴/۴۷

عامل زایل نمودن دوستی دنیا، از بنده

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که با ترس از خود، دوستی دنیا را از من زایل نمایی. ۱۰/۵۲

زهد پرهیزکاری

زاهد ساختن تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

و تُرْهِدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

آسایش در زهد، روزی خدا به بنده

و اَرْزُقْنِي... فَرَاغًا فِي زَهَادِهِ

و مرا فراغت در زهد، روزی فرما. ۲۷/۲۰

سبب دست یابی به زهد

و اَرْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي... حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدُ فِي دُنْيَايَ

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود. ۸/۲۲

زُهدان

تنگی رحم مادر و پوشاندن آن به پرده ها

و أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبِ مَتَصَابِقِ الْعِظَامِ... إِلَى رَحِمِ صَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجْبِ

و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلیبی با استخوان های درهم تنیده به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشانندی، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

سپردن جنین، در قرارگاه زهدان مادر

وَ أَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا

و مرا در قرارگاه رحم او سپردی. ۲۴/۳۲

زهدان زنان دشمنان و نزاییدن

اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

۶/۲۷

زهر

شرّ موجود زهردار و پناه جویی از خدا

وَ أَعِدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ...

و من و فرزندانم را از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده پناه ده. ۶/۲۳

چشیدن از جام زهرآلود مرگ

ص : ۷۰۷

وَتَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ... وَدَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسْمُومَةَ الْمَدَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهر آلود است - آمیخته سازد. ۱۳/۴۲

آمیختن لبه تیغ، با زهر کشنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِي ظُبَّهُ مُدَيْتِهِ... وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت. ۴/۴۹

زیادت افزایش

زیاده روی افراط

زیادی فراوانی

زیارت

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ... (وَ اٰلِ رَسُوْلِكَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت، و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - ۴/۲۳.

نیک بختی بندگان، هنگام زیارت مرگ

فَاِذَا اُوْرِدْتَهُ عَلَيْنَا وَ اَنْزَلْتَهُ بِنَا فَاَسْعِدْنَا بِهٖ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. ۴/۴۰

رسوا نساختن بندگان، از زیارت مرگ

وَ لَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ

و از دیدارش ما را خوار نساز. ۴/۴۰

زیان

زیان نرساندن خواری خوارکنندگان، به یاری شونده توسط خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَازِلِينَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند. ۱۲/۵

قرار گرفتن بین دو زیان دینی و دنیوی

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النِّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده. ۲/۹

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

ص : ۷۰۸

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

۷/۲۱

یافتن آرامش دل، در حال سود و زیان

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيْرِ يَرِي فِي الشُّكْرِ لِمَكَ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى اَتَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَ طُمَ اُنَيْنَه النَّفْسِ مِنْ مِّنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ... الضَّرِّ وَ النَّفْعِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال زیان و سود رخ می دهد، و شکر آن تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

ایمنی بنده، از زیان قصدکننده درباره او

وَ مَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءَمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن

سازی. ۷/۲۳

رعد و برق، و عذاب زیان بار

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَذِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ

نَقِمَةٍ ضَارَّةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

۱/۳۶

باران ضرر و زیان، بر بندگان

فَلَا تُمْطِرْنَا بِهِمَا مَطَرَ السُّوءِ

پس به سبب آن دو، باران زیانبار بر ما نباران.

آزار و زیان ابرها

وَ اصْرِفْ عَنَّا اَذَاهَا وَ مَصْرَتَهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان. ۲/۳۶

عدم دفع زیان از خدا، با آفرینش انسان

أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءِ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. ۷/۳۹

زیان کردن درخواست کنندگان غیر خدا

وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ

و آنان که از غیر تو درخواست نمودند، زیان دیدند. ۱۳/۴۶

خدا، مانع بین بنده و زیانش

ص : ۷۰۹

وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ... مَنْقَصَهُ تَرْهَقُنِي

و میان من و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز. ۹۹/۴۷

بی زیان گرداندن بازگشت (به قیامت)

وَ اجْعَلْ... كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ

و بازگشتم (به قیامت) را بی زیان قرار ده.

۱۲۶/۴۷

زیان کاری بدبختی

زیبایی

روان بودن ابرها، برای رویاندن گیاه زیبا

وَ انشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بَعْثِكَ الْمُعَدِّقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِبَتَاتِ أَرْضِكَ، الْمُتَوَقِّ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

و رحمت را با باران فراوان از ابری که برای رویاندن گیاه چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران. ۱/۱۹

زن های زیباروی بهشتی

وَ لَوْحٍ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأُحُورِ الْحَسَنِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

خدا، صاحب زیبایی و جمال

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی هستی. ۱۱/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ... رَفِيعَ مَا أَرْفَعُكَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ

پاک و منزهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش. ۲۴/۴۷

امام علیه السلام ، جمال و زیبایی جهانیان

فَهُوَ... بَهَاءُ الْعَالَمِينَ

پس او جمال و زیبایی جهانیان است.

۶۰/۴۷

رفتن زیبایی و خوشی بنده، بر اثر مصیبت

وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي

و بر من مصیبت بزرگی که با آن، زیبایی و خوشی ام از بین برود، وارد نکن. ۱۲۱/۴۷

قسم خوردن به زیبایی خداوند

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْرُوفِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو

ص : ۷۱۰

می خواهیم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی. ۵/۵۰

زیردست

بدرفتاری با زیردستان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زیردستان. ۱/۸ و ۳

زیردست بودن هر کس، جز خدا

مَنْ سِوَاكَ... مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ

غیر تو در امورش زیردست می باشد. ۱۱/۲۸

زیور

آراستن بنده، به زینت صالحان

وَ حَلِيِّ بِحَلِيهِ الصَّالِحِينَ

و مرا به زینت شایستگان بیارا. ۱۰/۲۰

پوشاندن زیور پرهیزکاران، به بنده

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.

۱۰/۲۰

آراستن بنده، به زیور پرهیزکاران

وَ حَلِيِّ حَلِيَّةِ الْمُتَّقِينَ

و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای.

۱۲۷/۴۷

سادگی

ساده و بی آرایش رفتار نمودن

وَ سَدُّنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّيَ بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم. ۹/۲۰

سازش آشتی

ساز و برگ جنگی

پادشاه مسلمان یاری دهنده جنگجو، در ساز و برگ جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ أَمَدَّهُ بَعْتَادٍ... فَاجْرُ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْنَا بوزنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را با ساز و برگ جنگ کمک نمود، پس وی را همسنگ و همگون پادشاه او، پادشاه ده. ۱۶/۲۷

ساز و سامان

مردن بی ساز و سامان

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... مَيْتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از مرگ ناگهانی. ۸/۸

خدا، ساز و سامان بنده اندوهگین

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. ۲۰/۲۰

ساعت

درخواست از خدا، در هر ساعت از روز

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حِطًّا مِنْ عِبَادِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده. ۱۶/۶

گواه گرفتن و گواهی دادن، در این ساعت

وَأَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ... فِي يَوْمِي هَذَا وَ سَاعَتِي هَذِهِ...

و آسمانت و زمینت را در این روز و این ساعت شاهد می گیرم. ۲۱/۶

یاد والدین، در هر ساعت از ساعات روز

ص: ۷۱۳

اللَّهُمَّ لَا تُسِنِي ذِكْرَهُمَا... فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي

خداوندا یاد آنان را در هیچ ساعتی از ساعات روزم، از یادم نبر. ۱۳/۲۴

آرزو نکردنِ تمام شدن ساعتی، پس از ساعت دیگر

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّى لَا نُؤَمِّلَ اسْتِثْنَاءَ مَا سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی، آرزو نکنیم.

۱/۴۰

رمضان، بهترین ماه در ساعت ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها. ۲۴/۴۵

ساکنان

فرشتگانِ ساکن آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان های ساکنند.

۶/۳

فرشتگانِ ساکن هوا، زمین و آب

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۳

گواه گرفتن ساکنان آسمان و زمین

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

سکونت گزیدن، در جوار خداوند

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكُمْ مِنْ ... السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در همسایگی تو جای گرفته اند، قرار ده. ۱۱ و ۲۵/۱۰

چگونگی دیدار آتش دوزخ، از ساکنانش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می

شود. ۳۰ و ۳۲/۲۹

پاره گشتن دل های ساکنان آتش دوزخ، با آشامیدنی آن

ص: ۷۱۴

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفئِدَةَ سُكَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

سال

سال های روزگار، و نزدیکی به سرآمدی معین

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... يَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معین نمود، که با سال های روزگار، به آن نزدیک می شود. ۶/۱

حج، عمره و زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله ، در هر سال

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ... اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت، همیشه تا هنگامی که زنده ام، در این سال و در همه

سال. ۴/۲۳

پایندگی عزت خدا، با سپری شدن سال ها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِي

الْأَعْوَامِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارا و سال های گذشته، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳

سبب برگزیدن رمضان، بر همه زمان های سال

وَ آثَرَتْهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

سایه

جای گرفتن اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، در سایه خویشی با او

وَالَّذِينَ... انْتَفَت مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند،

۶/۴

باد گرم قرار ندادن سایه ابر، بر بندگان

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلُّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان

ص : ۷۱۵

جای دادن بنده، در سایه رحمت خدا

وَ أَظَلَّنِي فِي ذَرَاكَ

و در سایه خود، قرارم ده. ۲۱/۲۰

آرام گرفتن، در سایه بال قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند. ۷/۴۲

شکست نخوردن پناهنده به سایه رحمت الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَىٰ إِلَىٰ ظِلِّ كَنَفِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه برد، شکست نمی خورد. ۱۰/۴۹

سایه افکندن مرگ، بر بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءًا لَّ مَنْ قَدْ... أَظَلَّهُ الْأَجْلُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که مرگ بر او سایه افکنده است. ۸/۵۲ و ۹/۵۲

سبب دستاویز

آفرینش روز، جهت وسیله جویی بندگان به روزی

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا... لِيَتَسَبَّوْا إِلَىٰ رِزْقِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا جهت دست یابی به روزی، وسیله جویی کنند. ۶/۶

لطف خدا سبب فراهم شدن اسباب هر کار

وَ تَسَبَّيْتُ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ

و به لطف تو وسیله ها فراهم گردید. ۲/۷

تغییر نیافتن حکمت الهی، با اسباب

وَايَا مَنْ لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ

و ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند. ۸/۱۳

غیر خدا را، سبب برآوردن حاجات قرار دادن

وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

سبب برآمدن حاجت بنده

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ

ص : ۷۱۶

سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي

و بر محمد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

سبب خوشنود گشتن بنده، به مقدرات الهی

وَ صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ أَعْيَدْتِ لِحَضِيمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقِنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدر نمودی قرار ده. ۱۵/۱۴

گسستن رشته خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ... قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ

خداوندا اگر رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم. ۵/۲۱

روزی ای از اسباب حلال

وَ أَجْرٍ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

و روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان. ۳/۳۰

سبب رسیدن به جوار الهی و بهشت

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا... ذَرِيَعَةً إِلَى جَنَّتِكَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله دست یابی به بهشت قرار ده.

۶/۳۰

خارج شدن اسباب پیوندها، از دست بنده

خَرَجْتُ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوُصْلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمت وصل شده. ۹/۳۲

بریده شدن رشته آرزوها، از بنده

و تَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام. ۹/۳۲

سبب سر فرود آوردن در مقابل حکم خدا

و أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ ذَرِيعَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَ التَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی،

قرار ده. ۲/۳۳

خوشنود ساختن آن که به وسیله بنده،

ص: ۷۱۷

ستمی به او رسیده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ... لِحَقِّهِ بِي أَوْ بِسَبَبِي ظَلَمْتُ... أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ...

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان. ۴/۳۹

وسیله رسیدن به والاترین منازل کرامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ

و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده. ۸/۴۲

روزه، سبب پاداش الهی

فَصُومْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَ قُومْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ... وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم. ۲۱/۴۵

توحید، سبب و وسیله ای به سوی خدا

وَ وَسَّيَلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ

و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست.

۳/۴۹

اهل بیت علیهم السلام ، وسیله ای به سوی خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ

لَأْمْرِكَ... وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را وسیله ای به سوی خود قرار دادی. ۵۶/۴۷

دوستی دنیا، و طلب وسیله ای به سوی خدا

وَ انزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَيْتِي... تَصَدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ

و دوستی دنیای پست که از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند را از دلم بر کن.

۱۰۹/۴۷

سبب رسیدن به آمرزش الهی:

أ. سپاس گزاری

تُمْ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... ذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که وسیله ای به سوی آمرزشش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

ب. به کارگیری ابزار (قوای ظاهری و باطنی)

وَلَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابگشی

ص : ۷۱۸

سخت نکردی. ۱۳/۳۷

سبب خوشنودی خدا:

أ. سپاس گزاری

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... سَبِّيًا إِلَى رِضْوَانِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که سببی به سوی خوشنودی اش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

ب. امام علیه السلام

وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ

و او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی. ۶۰/۴۷

سبکی

سبک شمارنده حرمت الهی

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُزْمِهِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم. ۷/۱۲

بیماری و سبک گردیدن پشت بنده

...أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّضْتَنِي بِهَا... تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا

خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سبک کردن پشت بنده

وَ هَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنْكَ

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده، پس بر محمد و آل او صلوات بفرست و به بخشش آن را سبک

سبک نمودن سنگینی گرفتاری

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبَعَاتٍ... فَعَوَّضُ مِنْهَا أَهْلَهَا... وَخَفَّفُ عَنِّي ثِقَلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگینی اش را از من سبک فرما. ۱۸/۳۱

آتش دوزخ و سبک شدنش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَّمَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۲۹/۳۲ و ۳۰

سبک دانستن مقدرات الهی

وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَنْعِمِطَ قَدْرَكَ

ص : ۷۱۹

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

سبک شمردن حکم خداوند

وَ لَا تَفْتِنِّي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ، وَ لَا تَقْتِنُهُمْ بِمَا مَنَعْنِي فَأَحْسَدَ خَلْقَكَ، وَ أَغْمَطَ حُكْمَكَ

و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم. ۲/۳۵

سبک نشمردن انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِلُّ بِنِقْمَتِكَ

پس به درستی که نیروی من انتقام تو را سبک نمی شمارد. ۵/۳۹

سبک شمارندگان تهدید الهی

وَ لَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحِّقُ مِنَ الْمُسْتَخْفِيْنَ بِمَا أَوْعَدْتَ

و مرا در شمار نابودشوندگانی که تهدید تو را سبک می شمارند، نابود نکن. ۹۵/۴۷

سبک شمارندگان وعده الهی

قَدْ أَوْفَقْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ... الْمُسْتَخْفِيْنَ بِوَعْدِكَ

خود را در جایگاه سبک شمارندگان وعده تو، واداشته ام. ۲/۵۳

سپاس

حمد و سپاس الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است. ۱/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَهُ... لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی در پی که به ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید. ۱۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ

و سپاس خدایی را که در نیامندی را جز به سوی خود، بر ما بست. ۱۹/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را

ص : ۷۲۰

در ما به هم پیوست. ۲۰/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ...

و سپاس خدای را که ما را به توبه ره نمود.

۲۲/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند. ۲۵/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد. ۲۷/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد.

۱/۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید. ۱/۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَّيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی. ۶/۳۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود. ۱/۴۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ

و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد. ۲/۴۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. ۳/۴۴

فَلَيْكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود. ۱۷/۴۵

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین. ۲/۴۷

لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است. ۳۲/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید ماند. ۳۳/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ

ص : ۷۲۱

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند. ۳۴/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید. ۳۵/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد. ۳۶/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ

و سپاس ویژه توست. ۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَ الْحَمْدَ

خداوندا، به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست. ۳/۴۸

فَلَكَ إِلَهِي الْحَمْدُ

پس خدای من، تو را سپاس. ۱/۴۹

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد. ۱۴/۴۹

إِلَهِي أَحْمَدُكَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ -

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی. ۱/۵۱

عدم سپاس گزاری از خدا، و بازداشته شدن از معرفت حمد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ

عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعِهِ... لَتَصْرَفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی در پی که به ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، فراوان استفاده می برند و

شکرش به جا نمی آوردند. ۸/۱

ناسپاسی از خدا، و روی آوری به مرز حیوانیت

...وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. ۹/۱

ویژگی های سپاس الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نَعْمَرُ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نماییم و با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم. ۱۰/۱ و ۱۱/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُرْزَخِ، وَ يُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَ يُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

ص : ۷۲۲

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید و با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و با آن سپاس، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۰/۱۱۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها (بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقربان الهی گواه آنند».

۱۰/۱۱۳

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرَّرُ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ، وَ تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. و چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد. ۱۰/۱۱۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم. ۱۰/۱۱۵

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُرَاجِحُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَ نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ...

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن،

جا را بر فرشتگان مقرب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم. ۱۰/۱۱۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَىٰ مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند. ۲۵/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُفْضَلُ سَائِرَ الْحَمْدِ...

و سپاس خدای را، سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد. ۲۶/۱ و ۲۵/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد. ۲۷/۱

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ، وَ لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَ لَا مَبْلَغَ لِعَاقِبَتِهِ، وَ لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدش بدون انتها و عددش بی حساب و آخرش بدون نهایت و مدتش نامقطوع می باشد. ۲۷/۱ و ۲۸

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ وَضْلَهُ إِلَى طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم. ۲۷/۱ و ۲۹

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادت‌مندان از دوستانش به سعادت برسیم و با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش در آییم. ۲۷/۱ و ۳۰

ص : ۷۲۳

فَلَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ، حَمْدًا يَمَلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که سپاس سپاس گزاران را پشت سر گذارد و سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد. ۶/۳۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَ يَرْضَى بِهِ عَنَّا

و سپاس خدای را. سپاسی که آن را از ما بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود. ۲/۴۴

لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که با همیشگی بودن تو، همیشگی است. ۳۲/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه نعمت تو، جاوید ماند. ۳۳/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند. ۳۴/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید. ۳۵/۴۷

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد. ۳۶/۴۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا يَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ، وَ لَا يَتَّقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ

سپاس برای توست. سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد و به وسیله آن جز به سوی تو، تقرب نتوان جست. ۳۶/۴۷ و ۳۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدَعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اولین و بقای آخرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۶/۴۷ و ۳۸

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَرْزَمَةِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود. ۳۹ و ۳۶/۴۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفِظُهُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أُخْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد. ۴۰ و ۳۶/۴۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَـجِيدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد. ۴۱ و ۳۶/۴۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد. ۴۲ و ۳۶/۴۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با

باطنش همخوان باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۳

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۴

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُعَانُ مِنْ اجْتِهَادٍ فِي تَعْدِيدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد. ۳۶/۴۷ و ۴۵

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ

سپاس برای توست. سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد. ۳۶/۴۷ و ۴۶

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَي قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد و هیچ سپاس گزار،

سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس گزارد، نباشد. ۳۶/۴۷ و ۴۷

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوَفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۳۶/۴۷ و ۴۸

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۹

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزار می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. سپاسی که به اندازه خوشنودی

تو از من باشد. ۶/۵۱

ناتوانی بنده، از سپاس خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟ لَأَمْتَى؟

و سپاس خدایی را که در نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. پس چگونه سپاس او را به جا آوریم یا چه زمان توانیم

شکرش گزاریم؟ نه! چه زمان (هیچ گاه)؟ ۱۹/۱

نهی بندگان، جهت آزمودن سپاس گزاری آنان

... وَ نَهَانَا لِيَتْلَىٰ شُكْرَنَا

... و نهیمان نمود تا شکر گزاریمان را آزمایش کند. ۲۱/۱

نزدیک ترین فرشتگان خدا، و سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَذْنَىٰ مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَ أَكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ وَ أَرْضَىٰ حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و پسندیده ترین سپاس گویانش، او را ستوده اند.

۲۵/۱

ص : ۷۲۵

خداوند ستایش شده

إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٌ

به درستی که او یاری دهنده ستوده است.

۲۷/۱ و ۳۰

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری. ۱۴/۲۲

إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده ستوده ای.

۱۸/۲۷

إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده و ستوده ای. ۷/۴۳

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری. ۱۱/۴۸

فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ

پس تو نزد من ستوده ای. ۵/۵۱

آسایش بدن ها، در سپاس گزاری از نعمت

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أْبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده. ۱۴/۵

سبب جدایی روز از بنده، با سپاس گزاری

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ... إِنَّ أَحْسَنَّا وَدَّعْنَا بِحَمْدِ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید. ۱۲/۶

روز را به سپاس خدا، پر ساختن

وَ اَمَلًا لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا...

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش پر ساز. ۱۴/۶

قرار دادن بهره ای از شکر الهی، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... نَصِيًّا مِنْ شُكْرِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، سهمی از سپاس گزاری ات قرار ده.

۱۶/۶

سپاس گزاری از نعمت ها

وَ وَقَفْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ شُكْرِ النِّعَمِ

و ما را برای انجام نیکی و سپاس نعمت ها، توفیق ده. ۱۸/۶

سپاس گزارترین آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَشْكُرُهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ

و ما را از شکر گزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای قرار ده. ۲۰/۶

عدم سپاس گزاری بنده، از نیکویی کننده به او

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ

ص : ۷۲۶

خداوندا به تو پناه می برم از ناسپاسی از کسی که به ما نیکی کرده است. ۱/۸ و ۳

مشغول ساختن زبان ها، به سپاس خدا

وَ اشْغَلْ... أَلَسْتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ

و زبان های ما را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول ساز. ۱/۱۱

سپاس خدا و پیروزی

يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ

ای که سپاس او برای سپاس گزاران پیروزی است. ۱/۱۱

کوتاهی در سپاس گزاری خدا

...يَخْجُبُنِي... نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ. فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم. ۲/۱۲

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ...

و هنگامی که در شکرکوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما. ۱۱/۲۲

به ستایش واداشتن آفریدگان، با گذشت نیکو

وَ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

و ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است. ۱۰/۱۲

ستودن خدا خود را، به بی نیازی اش

تَمَدَّخْتَ بِالْعَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهايي. ۱۱/۱۳

شایسته ترین حالت (تندرستی یا بیماری)، جهت سپاس

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گذاری برای تو سزاوارتر است؟

۲/۱۵

شایسته ترین زمان (تندرستی یا بیماری)، برای ستایش

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي... أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟...

ای خدای من نمی دانم کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟

۲/۱۵

سپاس گذاری از نیکی

وَ سَدُّ دُنْيِي لِأَنْ... أَشْكُرُ الْحَسَنَةَ

و مرا توفیق ده تا نیکی (دیگران) را سپاس گزارم. ۹/۲۰

ص : ۷۲۷

تبدیل دشنامگویی بنده، به سپاس و شکر الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ... وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت و ثنای فراوانت و شکر نعمتت را قرار ده.

۱۳/۲۰

گرفتار شدن بنده، به ستایش نمودن فرد عطاکننده به او

لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَفْتِنَ بِحَمْدٍ مَنْ أَعْطَانِي

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم. ۲۶/۲۰

گماشتن بنده به ستایش

وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَ مَدْحِي إِيَّاكَ، وَ حَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي

و ستایش مرا ویژه خودت و مدح مرا بر خودت و سپاسم را در همه حالات، برای خودت قرار ده. ۹/۲۱

گویایی زبان، به حمد خدا

وَ أَنْطِقُ بِحَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي

و زبانم را به حمد خود و شکر و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما.

۵/۲۳

زنده ساختن مستحبات، و ستوده شدن

وَ لَا تُثْنِي عَلَيَّ بِإِحْيَائِهَا سُنَّةَ حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِي مِنْ ضَيَعِهَا هَلَكُوكَ

و نه (عمل) مستحبی، به خاطر زنده ساختنش مرا می ستاید. مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت

رسد. ۱۷/۳۲

سپاس گزاری از خدا، برای بازداشته هایش از بنده

وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَيَّ مَا زَوَيْتَ عَنِّي...

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی قرار ده. ۳/۳۵

سپاس از خدا، برای آنچه به بنده بخشیده

وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَيَّ مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِلَيْكَ عَلَيَّ مَا خَوَّلْتَنِي

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

ص : ۷۲۸

سپاسی پشت سر گذارنده سپاس شاكران

فَلَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که سپاس سپاس گزاران را پشت سر گذارد. ۶/۳۶

موجب سپاس

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعَمَاءِ...

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی. ۶/۳۶

احسان خداوند و پایان شکر او

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی به دست آورد که او را شکر (دیگری)

لازم آید. ۱/۳۷

ناتوانی سپاس گزارترین بندگان، از سپاس خداوند

فَأَشْكُرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ

پس شکر گزارترین بندگانت از شکر تو، عاجز است. ۳/۳۷

لزوم پاداش، بر شکرگزاری بنده

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ... حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أُوجِبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتِطَاعَهُ الْإِمْتِنَاعَ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گرداندی - کاری

است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای. ۶/۳۷

احسان خدا و عدم سپاس گذاری بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدِي إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیکی ای که به من شد، پس شکر آن را به جا نیاوردم. ۱/۳۸

سپاس گذاری نعمت

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ

و در آن (ماه) شکر نعمت را به ما الهام کن.

۷/۴۳

هدایت به سپاس گزاری

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ

سپاس خدای را که ما را برای سپاس گزاری اش راهنمایی فرمود. ۱/۴۴

سپاس گزاری از احسان خدا

ص : ۷۲۹

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا برای احسانش از شکر گزاران باشیم.

۱/۴۴

الهام و آموختن سپاس گزاری، به بنده

تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَ أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ. وَ تُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَ أَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکر گزاری را تو به او الهام کرده ای. و هر که تو را سپاس گزارد، جزا

دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای. ۶/۴۵ و ۷/۴۵

فرمان به سپاس گزاری

وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ

و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.

۱۴/۴۵

نتیجه سپاس گزاری

وَ قُلْتُ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

و فرمودی: اگر شکر گزارید، شما را افزونی دهم. ۱۴/۴۵

سپاس گزاری از خدا، به فضل او

وَ شَكَرُواكَ بِفَضْلِكَ

و با تفضلت، تو را شکر گزاردند. ۱۶/۴۵

سپاس خدا، تا هنگام یافت شدن راهی در سپاسش

فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که راهی در ستایش تو یافت شود. ۱۷/۴۵

سپاس خداوند، تا باقی بودن سخنی برای ستودنش

فَلَكَ الْحَمْدُ... مَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ، وَ مَعْنَى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن بازگردد، وجود داشته باشد.

۱۷/۴۵

شرط ستوده شدن مخلوق

وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَان... مَحْمُودًا بِكُلِّ لِسَانٍ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به هر زبانی (مورد) ستایش قرار می گرفت. ۱۷/۴۵

سکوت و کوتاهی از سپاس الهی

وَ قَدْ قَصَرَ بِي السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ

و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته.

۲۴/۴۶

ص : ۷۳۰

خدا، دارنده سپاس

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ... وَالْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ستایشی. ۱۱/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ... رَفِيعٍ مَا أَرْفَعُكَ ذُو الْبَهَاءِ... وَالْحَمْدِ

پاک و منزهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ستایش.

۲۴/۴۷

سپاسی که هر سپاس گزار از آن بازماند

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْضِرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ

و سپاس برای توست. سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار باشد، و ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن

بازماند. ۳۶/۴۷

سپاس گزاری از خدا و سخن خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَيَّ قَوْلِكَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتار توست، نباشد. ۳۶/۴۷ و ۴۷

سپاس گزارنده ترین سپاس گزار

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاس گزاری، سپاس گزارتر از آنکه تو را سپاس

گزارد، نباشد. ۳۶/۴۷ و ۴۷

ولی خدا و الهام شکر نعمت

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

خداوندا، پس به ولی خود، شکر آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما. ۶۱/۴۷

الهام سپاس نعمت، به بنده

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ

خداوندا، پس به ولی خود، شکر آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر) را در نعمت، به ما الهام نما. ۶۱/۴۷

بنده ستوده و زنده داشته شده

و بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ... فَأَعْشَتْهُ حَمِيدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای، پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته ای. ۱۰۵/۴۷

الهام سپاس گزاری از عطای الهی، به بنده

وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أُثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم. ۱۱۴/۴۷

ملازم ساختن سپاس گزاری خدا، با بنده

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ

ص : ۷۳۱

عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِآلَائِكَ

و شکرگزاری را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

زایل نساختن سپاس خدا، از بنده

و لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ

و شکرگزاری را از من نگیر. ۱۱۴/۴۷

سپاسی بالاتر از سپاس سپاس گزاران

وَ اجْعَلْ... حَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ

و سپاس گزاری ام را در حقّ خودت، بالاتر از سپاس همه سپاس گزاران قرار ده. ۱۱۵/۴۷

خدا، سزاوار سپاس

إِلَهِي أَحْمَدُكَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَي حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَي

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر نیکویی نیکی ات به من. ۱/۵۱

سپاس گزاری اجزای بنده، از خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. ۶/۵۱

سپاه لشکر

سپری شدن گذشته

سپیده دم فجر

ستایش سپاس

ستم

ستم نشدن به بندگان، در روز قیامت

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند. ۱۱/۲۴، ۱۲/۱

ارجمند ساختن دین خدا و ستم دیدن

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... مَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْرَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

به فریاد ستم دیده رسیدن

وَ وَقَفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا... وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ إِذْرَاكَ اللَّهُفِ

و در امروز ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و یاری دادن ستم دیده، توفیق ده.

۱۸/۶

پناه بردن به خدا، از یاری نمودن ستمگر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعُصِدَ ظَالِمًا

ص : ۷۳۲

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری را کمک کنیم. ۱/۸و۴

پناه بردن به خدا، از خوار گرداندنِ ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نَخْذُلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستم دیده ای را خوار گردانیم. ۱/۸و۴

ستم نمودن پادشاه، بر بنده

و نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه پادشاه به ما ستم کند. ۶/۸

سخن گفتن، مانند بنده ستم کننده به خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم. ۷/۱۲

ستمکارتر نبودن بنده، از توبه کننده به درگاه خدا

وَمَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدَّتْ عَلَيْهِ

و من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که توبه او نیکی نموده ای، نمی باشم. ۱۱/۱۲

یاری خدا، به مظلومان و ستم دیدگان

و يَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ

و ای کسی که یاری او به ستم دیدگان نزدیک است. ۳/۱۴

مدد الهی و ستمگران

و يَا مَنْ بَعَدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ

و ای کسی که مددش از ستمگران دور است.

بازداشتن ستمگر و دشمن بنده، از ستم

وَ خُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ...

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. ۶/۱۴

رخصت ستم ندادن خدا، به ستمگر

وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي

و ستم کردن او را بر من آسان نگردان.

۷/۱۴

یاری بنده، در برابر ستمگر

أَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودن آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد. ۸/۱۴

مشمول عفو گرداندن بنده، در عوض ستم ستمگر به او

ص: ۷۳۳

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوَكَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش. ۹/۱۴

عطای رحمت به بنده، در عوض بدرفتاری ستمگر با او

اللَّهُمَّ... أَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِرَحْمَتِكَ

خداوندا به جای بدرفتاری اش، رحمت را به من عطا کن. ۹/۱۴

ناپسند گرداندن ستم کشیدن، در نظر بنده

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلَمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظرم ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

نگه داشتن بنده، از ستم کردن

...فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلَمَ

...پس مرا از ستم نمودن حفظ کن. ۱۰/۱۴

سبب ادامه دادن ستمگر، بر ستم

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَ عَلَيَّ ظُلْمِي

خداوندا او را به ایمنی از کیفیت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند.

۱۲/۱۴

نشان دادن (کیفر) ستم

وَ عَرَّفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدَتِ الظَّالِمِينَ

و آنچه ستمگران را به آن تهدید نمودی، بر او بنما. ۱۲/۱۴

علت کیفر نشدن ستمگر، تا رستاخیز

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْرِ لِي وَ تَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفُضْلِ... أَيُّدِنِي مِنْكَ بَيْنَهُ صَادِقَهُ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حَقِّم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیر می باشد، پس مرا به نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده. ۱۴/۱۴

ستم کار نبودن خدا، نسبت به کیفر شده

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي

پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

۳۱/۱۶

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبَتْ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. ۸/۳۷

جلوگیری از ستم ستم کننده

وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي

و برایم بر آنکه به من ستم کرد، دستی قرار ده.

۸/۲۰

سبب ستم نشدن بر بنده

ص : ۷۳۴

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي

و (چنان کن که) بر من ستم نشود، در حالی که تو بر دفاع از من توانایی. ۱۴/۲۰

سبب ستم نکردن بنده، به دیگران

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي

و (چنان کن که) بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری. ۱۴/۲۰

آسودگی دشمن، از ستم بنده

و اَرْزُقْنِي... الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ، حَتَّى اَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ... مُوَعِّثًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْاَوْلِيَاءِ وَالْاَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجَوْرِي

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد. ۱۳/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ هر پادشاه ستمگر

وَ اَعِدْنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر پادشاه ستمگری پناه ده. ۶/۲۳

ترس از والدین، همانند ترس از پادشاه ستمگر

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. ۵/۲۴

تعدي والدین در سخن گفتن با فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدي نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم. ۹/۲۴

از ظلم و ستم، به عدل خدا پناه جستن

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَجَارِيْنَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

یاری همسایگان ستم دیده

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... نُصْرِهِ مَظْلُومِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در یاری ستم دیده شان، توفیق ده.

۲/۲۶

درگذشتن از همسایگان ستمکار

ص : ۷۳۵

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم. ۳/۲۶

مالی کشاننده بنده، به ظلم و ستم

وَازِوَعَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحَدِّثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًّا إِلَيَّ بَغِيٍّ...

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند را از من دور ساز. ۳/۳۰

به خود ستم نمودن بنده

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...اما همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

وَ هَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. ۹/۳۹

ترس بیدادگران، از قهر خدا

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تِبْعَاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از

کیفرهایت سالم ماند و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد. ۲۲/۳۱

انجام معصیت و نترسیدن از ستم الهی

لَا يُخْشَى جَوْرُكَ عَلَيَّ مِنْ عَصَاكَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی. ۱۶/۳۷

ستم شدن به ستم دیده ای، در حضور بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم. ۱/۳۸

طلب آمرزش برای ستم کننده

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَأَغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را که بر من ستم نمود، ببامرز.

۲/۳۹

درخواست درباره آنکه از بنده، ستمی به او رسیده

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ... لِحَقِّهِ بِي أَوْ بِسَبَبِي

ص : ۷۳۶

ظَلَّم... أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ...

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان. ۴/۳۹

عفو خدا، بر ستم کاران

وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ

و چه بسیار عفو تو که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

روز سیاه شدن چهره ستمگران

وَ بَيِّضُ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان. ۱۶/۴۲

انصاف داشتن با ستمگر

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا

و ما را در آن راه توفیق ده، که با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم. ۱۰/۴۴

از روی ستم نبودن منع الهی

إِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ تَعَدِّيًا

اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

۵/۴۵

قصد ستم نمودن به خود و مهلت الهی

وَ أَمَهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

و کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. ۹/۴۵

ستم به خود و فراموشی

اللَّهُمَّ وَ مَا ... اِكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَيَّ تَعَمَّدِ مِنَّا، اَوْ عَلَيَّ نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ اَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِشَرِكِكَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان. ۴۷/۴۵

ظلم نکردن خدا، از روی عدل در حکمش

وَ مَا أَقْنَطُهُ مِنْ سُهُولِهِ اَلَمْ - خُرَجَ عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. ۲۰/۴۶

ظلم ننمودن خداوند، و حکم منصفانه او

وَ مَا أَقْنَطُهُ مِنْ سُهُولِهِ اَلَمْ - خُرَجَ ... اِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

۲۰/۴۶

ص : ۷۳۷

وَلِيَّ خِذَا وَزْدَائِش زَنكَار ستم

وَ اَجْلُ بِه صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ

و با او زنگار ستم را از راهت بزداى.

۶۲/۴۷

ستمکاران و میراندن نشانه های دین خدا

وَ اَحِي بِه مَا اَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ

و با او آنچه ستمگران از نشانه های دینت محو می کنند را زنده گردان. ۶۲/۴۷

پشتیبان ستمگران قرار ندادن بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا

و مرا پشتیبان ستمگران قرار نده. ۱۳۲/۴۷

نبودن ستم، در فرمان الهی

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

نیازمندی ضعیف، به ستم کردن

إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ

همانا ضعیف، نیازمند به ستم کردن است.

۱۵/۴۸

برتری خدا، از ستم کردن

قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا

تو - ای خدای من - از آن (ستم کردن) برتر و

والاتری. ۱۵/۴۸

ستم متجاوز، به وسیله حيله هایش

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَعَانِي بِمَكَائِدِهِ

و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد. ۷/۴۹

رفتار خدا، با ستمگر

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَخَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کننده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی. ۸/۴۹

عذاب خدا و ستم کاری بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکارم.

۱۴/۵۱

ستیزه جدال و نیز جنگ

ستیزه جویی دشمنی

ستیزه جویان و تکذیب پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

ص : ۷۳۸

فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۱/۴ و ۲/۴

پیروزی بنده، بر ستیزه جو

وَ اجْعَلْ لِي... ظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي

و برایم بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده. ۸/۲۰

ستیزه جویی فرزندان بنده، با دشمنان خدا

وَ اجْعَلْهُمْ... لِجَمِيعِ اَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توز همه دشمنان قرار ده. ۳/۲۵

نبودن ضدی، برای ستیز با خدا

أَنْتَ الَّذِي لَأَضِدَّ مَعَكَ فَيَعَانِدَكَ

تویی آنکه ضدی نداری تا با تو دشمنی کند.

۲۰/۴۷

از روی ستیزه جویی نبودن نافرمانی خدا

فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ نَهْيِكَ، لَأَمْعَانِدَهُ لَكَ

پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی عناد با تو. ۶۸/۴۷

ستیزه جویی نمودن با خدا

لَأَتَجَبَّهْنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷ سجده

سجده نمودن و گفتن ذکر سجده

وَ تَذَكَّرُ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ فِي سُجُودِكَ...

و حاجت خود را نام می بری. پس سجده می کنی و در سجده ات می گویی... ۲۵/۱۳

نتیجه سجده، تا پنهان شدن سیاهی چشم

يَا إِلَهِي لَوْ... سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی

ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

نمازی مطابق با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، در رکوع و سجود

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَهُ... الْمَوْءَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهَ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا...

ص : ۷۳۹

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن قرار داد - به جا آورده اند.

۹/۴۴

سختی رنج

رهایی تابعین اصحاب، از سختی آتش دوزخ

و تُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ... كَبِّهِ النَّارِ...

و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از سختی آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

سختی پیشامدها و اندوه های روزگار

وَ أَكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

و ما را از سختی حوادث روزگار نگهدار.

۱۰/۵

شکسته شدن تندی سختی ها

وَ يَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ

و ای کسی که شدت دشواری ها با او آرام می گردد. ۱/۷

قدرت خدا و آسان گشتن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد. ۲/۷

خدا، پناهگاه در سختی ها

أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْرُوعُ فِي الْمُلِمَّاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها و تویی فریادرس در سختی ها. ۴/۷

برطرف نشدن سختی ها و دشواری ها

...لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ

از آنها جز آنچه تو دور کنی، دور نمی گردد و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود.

۴/۷

دشوار بودن سنگینی (گرفتاری) فرود آمده، بر بنده

قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ

ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است. ۵/۷

نبود آسان کننده ای برای آنچه خدا دشوار نموده

وَلَا مُيسِّرٍ لِمَا عَسَّرَتْ

و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای نیست. ۷/۷

ص : ۷۴۰

پناه بردن به خدا، از سختی روزگار

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَنْكَبَنَا الزَّمَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه زمانه ما را دچار سختی نماید. ۶/۸

پناه بردن به خدا، از زندگی در سختی

وَ نَعُوذُ بِكَ... مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی.

۸/۸

آسان نمودن سختی بنده، پیش از رفتن از دنیا

وَ تَوَلَّيْنِي بِنُجْحِ طَلَبْتِي... وَ نَيْلِ سُؤْأَلِي قَبْلَ زَوَالِي عَنْ مَوْفِقِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرِ

و به برآورده گشتن خواسته ام و یافتن درخواستم، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی برای من یاری ام

فرما. ۲۳/۱۳

سختی و گشایش

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرْجِكَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده. ۶/۱۵

سخت بودن بنده، در اقدام به بدی

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى الشُّؤْمِ مَنِّي...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است؟ ۲۳/۱۶

سخت بودن بی باکی بنده، در باطل

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - در انجام باطل گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا

باشم.

رحم نمودن خدا، به سختی فقر بنده

فَارْحَمْ... شِدَّةَ مَسْكَتِي

پس بر شدت نیازم رحم کن. ۳۲/۱۶

فریادرس بنده، هنگام دشواری

وَبِكَ اسْتَعَاثَنِي إِنْ كَرِهْتُ

و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. ۲۰/۲۰

دشوار نگرداندن زندگی، بر بنده

وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا

و زندگی ام را پر دردسر قرار نده. ۲۲/۲۰

وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكْدًا

و زندگی را بر ما دشوار نگردان. ۱۶/۴۲

روا ساختن درخواست بنده، در سختی

وَلَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي وَ اِنْ اَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي سَرَاءٍ كُنْتُ اَوْ ضَرَاءٍ، اَوْ شِدَّةٍ اَوْ رَخَاءٍ

و مرا ناامید از اجابت - گرچه دیر شود - قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی. ۸/۲۱

کوتاهی نمودن در ادای شکر نعمت، در هنگام سختی

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما.

۱۱/۲۲

سختی رنج والدین در حراست از فرزند

...وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعْبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي!؟

و سختی هایی که آن دو (پدر و مادرم) در نگهداری من کشیده اند چه می شود؟ ۱۰/۲۴

وسیله نگه داشتن بنده، از سختی رنج

وَ أَلْهَمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری. ۲/۲۹

وسیله سخت گرفتن خدا، بر نافرمان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَظَتْ بِهَا عَلَيَّ مِنْ عَصَاكَ

خداوند، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

بد فرجامی سخت دیدار آتش دوزخ، با دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرَ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوند، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می شود. ۲۹/۳۲ و ۳۰

دشوار دانستن قضای الهی

وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ

و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان. ۴/۳۳

باز پس داشتن هر کیفر سختی، از بنده

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَجَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَأَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَةِ وَالْعِقَابِ تَرْكُكَ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر سختی و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

سختی زبان ها و نیکویی عبارت قرآن

ص : ۷۴۲

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِي أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَزْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند. ۴/۴۲

سختی کوه های استوار، و ناتوانیشان از تحمل قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوَصِّلَ إِلَيْنَا قُلُوبَنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَمَّتِ الْجِبَالَ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَاتِهَا عَنِ اخْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

وسيله آسان گرداندن سختی ناله ، هنگام مرگ

وَ هَوْنٌ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... جَهْدَ الْأَيْنِ، وَ تَرَادُفَ الْحُشَارِجِ...

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، سختی ناله و خرناسه های پی در پی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان. ۱۳/۴۲

روز قیامت و سختی های هولناک

وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ... شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ

و ما را از سختی های هولناک روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده. ۱۵/۴۲

ماه نو و عدم سختی و دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هَلَالًا... يُمْنٍ لَا نَكْدَ مَعَهُ، وَ يُسِّرَ لَنَا يَمَازِجَهُ عُسْرًا

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، و آسانی نیامیخته با دشواری قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

سختی عذاب خدا

لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است. ۱۴/۴۵

روزه داران، و سختی جدایی از رمضان

فَنَحْنُ مُودِّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ عَزَّ فِرَاقَهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است. ۲۳/۴۵

گرفتار سختی نشدن خدا

إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت و دشوار نیست. ۲۵/۴۶

ص : ۷۴۳

سختی به کیفر رساندن بنده

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمَحَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندی مرتبه، سخت کیفر می کند. ۵/۴۷

سخت و هموار بودن راه خدا

سُبْحَانَكَ سَبِيلَكَ جَدِّدٌ

پاک و منزهی! راه تو هموار است. ۲۸/۴۷

عامل دور ساختن سختی، از راه خدا

وَ أَبْنُ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ

و به سبب او (ولی خود)، سختی را از راهت دور کن. ۶۲/۴۷

نهراسیدن بنده، از سختی گزند خدا

أَنَا الَّذِي... لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ

منم آنکه از سختی گزندت نهراسیده ام.

۸۱/۴۷

قدرت داشتن بر سخت گیری

تَعَمَّدَنِي فِيمَا اِطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مراد در آنچه بر آن از من آگاهی ببوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر

بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

با خشم سخت نگریستن ستمگر، به بنده

وَ يَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَقِّ

و با خشم سخت به من می نگریست. ۷/۴۹

بازداشتن بنده، از سختی و نیروی حسود

فَحَصَّنتِنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی. ۱۰/۴۹

سخت بودن توانایی خدا

سُبْحَانَكَ مَا... أَشَدَّ قُوَّتَكَ

پاک و منزهی! چه شدید است قدرت تو!

۴/۵۲

نیازمندی سخت بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَ مَا مِنْ أَسْتَدْتَّ فَاقْتَهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است. ۳/۵۴

آنچه انجام آن بر خدا دشوار نیست:

أ. گذشت از معصیت بسیار بنده

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٍ بِأَنَّ... التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ، وَ أَنَّ احْتِمَالَ

ص : ۷۴۴

الْجَنَابَاتِ الْفَاحِشِهِ لَا يَتَكَادُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند در گذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست و چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد. ۱۲/۱۲ و ۱۳/۱۲

ب. روا ساختن درخواست بنده

...إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ، وَ لَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ...

بدرستی که این در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرت سخت نمی باشد. ۳۴/۱۶

ج. عفو بنده

وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ...

و گذشت از بنده ات، بر تو دشوار نیست.

۱۰/۳۲

د. پناه دادن به بنده

وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ، وَ لَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ

و به وسیله آنان، به درگاهت رومی آورم که مرا از شر این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو

دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد. ۱۶/۴۹

سخن

گفتار فرشتگان (به اهل بهشت)

...وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای. ۲۰/۳

گفتار نیکوی بندگان (صلوات)، در مورد اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ بَلَغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که
درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

گفتار تابعین و پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

...الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...

همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان

ص : ۷۴۵

را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند پیامرز.

۹/۴

فرمانبری اشیا، به اراده خدا و بدون گفتار او

فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُوءْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخنت فرمانبردارند. ۳/۷

از روی نادانی سخن گفتن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه بدون داشتن آگاهی سخن بگویم. ۱/۸ و ۴

سخنان زبان ها و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... لَهْجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده. ۷/۹

گفتار پنهانی و آهسته دل ها، و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و گفتارهای پنهان و آهسته دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده. ۷/۹

سخن گفتن همانند گفتار بنده خوار

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ

الْمُسْتَخْفِ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم. ۷/۱۲

گفتار بنده، درباره طلب نیازمند از نیازمند

وَقُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّيَ كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

و گفتم: منزّه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟ ۱۷/۱۳

گویا نشدن هیچ زبانی، به کردارهای پاکیزه نوشته شده در بیماری، برای بنده

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا... لَا لِسَانَ نَطَقَ بِهِ

و در بین آن بیماری نویسنده اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که زبانی به آن گویا نگشته. ۵/۱۵

گفتار بنده، در برابر فرمان خدا به دعا

وَ أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالِدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَتَيْبِكَ وَ سَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَا يَا رَبِّ مَطْرُوحٍ بَيْنَ يَدَيْكَ

و من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ای

پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام. ۱۳/۱۶

توفیق حق گویی

ص : ۷۴۶

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در سخن حق گفتن اگر چه سخت باشد. ۱۰/۲۰

بسیاری نیکی در گفتار و کم شمردن آن

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد.

۱۰/۲۰

کمی بدی در گفتار و بسیار شمردنش

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد.

۱۰/۲۰

گفتن سپاس خدا، به جای سخن زشت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... نُطَقًا بِالْحَمْدِ لَكَ...

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

گویا ساختن بنده، به هدایت و راهنمایی

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن. ۱۶/۲۰

گویا ساختن زبان بنده، به سپاس و یاد خدا

وَ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي

و زبانم را به حمد خود و شکر و یادت و ستایش نیکوی خود، گویا فرما. ۵/۲۳

خوشایندی سخن فرزند، در برابر والدین

وَ أَطِيبْ لَهُمَا كَلَامِي

و سخنم را با آنها خوشایند فرما. ۶/۲۴

تعدی والدین، در گفتار با فرزند

وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا...

و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم. ۹/۲۴

بستن زبان دشمنان، از گفتار

وَ اخْرِمَ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند. ۵/۲۷

به حق بودن گفتار خدا

فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ!

پس فرمودی و فرموده تو راست و درست ترین

ص : ۷۴۷

ثُمَّ قُلْتُ: فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حق و درست است، مانند آنچه شما سخن می گوید.» ۵/۲۹

گفتار خداوند

...إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

... زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.» ۱۱/۳۱

وَقَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری. ۱۵/۳۱

فَقُلْتُ تَبَارَكَ اسْمُكَ: تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی: «به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزدايد و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرا از زیر آن جاری است.» ۱۰/۴۵

فَقُلْتُ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا

پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی: «هر کس کار نیکی به جا آورد، پس برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود.» ۱۲/۴۵

وَقُلْتُ: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ قُلْتُ: مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» و فرمودی: «کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟» ۱۳/۴۵

فَقُلْتُ: ادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ، وَ قُلْتُ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

پس فرمودی: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گزارید و مرا کفران نکنید.» و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را افزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.» ۱۴/۴۵

وَقُلْتُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.» ۱۵/۴۵

ص : ۷۴۸

اللَّهُمَّ إِنِّي وَحَدَّثْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتُ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

توبه از بیاناتِ مخالف با خواست خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ... لِحَظَاتِ عَيْنِي، وَ حِكَايَاتِ لِسَانِي

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از نگاه های چشمم و بیانات زبانم، به درگاہت توبه می کنم.

۲۲/۳۱

سکوت گنهکار، و سخن نگفتن هیچ کس از جانب او

فَإِنْ سَكَتٌ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ

پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید. ۲۳/۳۱

علت گفتار بنده

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثْرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشی کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

روبرو شدن شیطان با بنده، با سخن کفر

... وَ تَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرِهِ

... و با گفتار کفرش با من روبرو شد. ۱۳/۳۲

برتری قرآن، بر هر سخن خدا

فَضَّلْتُهُ عَلَيَّ كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتُهُ

آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی. ۱/۴۲

سبب گوش ندادن به سخن بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَىٰ صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالَهَا فِيهِ بِمَا يُضِيكَ حَتَّىٰ لَا نُضْغِي بِأَسْمَاعِنَا إِلَىٰ لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با

گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم. ۶/۴۴

گویا نشدن زبان بندگان، جز به آنچه خدا بیان نموده

وَ أَعِنَّا عَلَىٰ صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّىٰ... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان

ص : ۷۴۹

یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید. ۷ و ۴۴/۶

گفتار مؤمنان، در روز قیامت

يَقُولُونَ رَبَّنَا اٰتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا، وَ اَغْفِرْ لَنَا، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

گویند: پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز. به درستی که تو بر هر چیزی توانایی. ۴۵/۱۱

هدایت بندگان، با سخن غیبی خداوند

وَ اَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی کردی. ۴۵/۱۴

سپاس خدا، تا باقی بودن سخنی برای ستودنش

فَلَكَ الْحَمْدُ... مَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند.

۴۵/۱۷

گفتار بندگان، در وداع با ماه رمضان

فَنَحْنُ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْاَكْبَرَ، وَيَا عِيْدَ اَوْلِيَائِهِ

پس می گوئیم: درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه

خدا، و ای عید دوستان او. ۴۵/۲۳

بازگشتن گفتار و کردار همه، به فرمان خدا

وَ اُمُوْرُهُمْ اٰئِلَةٌ اِلٰى اَمْرِكَ

و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید.

۴۶/۱۸

سخن خدا، حکمت و دانایی

سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ

پاک و منزهی! گفتارت حکمت است.

۲۹/۴۷

سپاس خداوند و سخن او

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَي قَوْلِكَ مِنْهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ سپاسی نزدیک تر از آن به سپاسی که (در) گفتارت توست، نباشد. ۴۷ و ۳۶/۴۷

یاری نمودن بنده، به گفتار پسندیده

وَ أَعْنِي عَلَى... مَرْضِي الْقَوْلِ

و بر (داشتن) گفتار پسندیده یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

گسسته شدن گفتار بنده

وَ انْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي

و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست. ۱/۵۳

ص : ۷۵۰

سدّی میان بنده و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ... رَدْمًا مُصَمِّمًا لَا يَفْتَقُهُ

و میان ما و او سد استواری قرار ده که نتواند آن را بشکافد. ۳/۱۷

سدّی در برابر قصدبدارنده، درباره بنده

وَ مَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور

سازی. ۷/۲۳

سدّی در برابر گوش های قدرتمندان

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا... رَدْمًا دُونَ اَسْمَاعِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد. ۲/۳۴

سر

کوبیدن سر قصدبدارنده درباره بنده

وَ مَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَقْمَعَ رَاسُهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من

منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا سرش را بکوبی. ۷/۲۳

سرنگونی ستمگر با مغز سر

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا اِلٰهِي... دَعَلَ سَرِيْرَتِهِ... اَزْكَشْتَهُ لِأَمِّ رَاسِهِ فِي زُبِّيْتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کننده بود)،

سرنگون نمودی. ۸/۴۹

سِرِّ راز

سَرا خانِه

سَرازیر

سَرازیر ساختن آبی پست از صلب ، به سوی رَحِم

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ مُتَّصِيْقٍ الْعِظَامِ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ سَتَرْتَهَا بِالْحُجْبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

سَرافکنندگی

سَرافکنندگی برای خدا

ص : ۷۵۱

وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَاثْنَى

و سرش را کج و به زیر افکنده. ۹/۱۲

سر به زیر افکندن، برای عزت خدا

وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلاً

و با خواری برای عزت سرش را به زیر افکنده. ۹/۳۱

سرانجام پایان و نیز عاقبت

سرانگشت

دشمن، و به دندان گزیدن سرانگشت خود

قَدْ عَضَّ عَلَى شَوَاهٍ وَأَذْبَرَ مَوْلِيًا

سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود. ۶/۴۹

سرپرستی عهده داری

سرپرستی نمودن از همه همسایگان، با نیکی

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که با نیکی، همه آنان را سرپرستی نمایم. ۳/۲۶

سرپرستی خدا، از بنده

وَ تَوَلَّيْنِي بِعِضْمِهِ مَا نِعِهِ

و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

۱۹/۳۱

وَ تَوَلَّيْنِي بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ...

و مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبرانت را سرپرستی می کنی. ۸۷/۴۷

سردی

شوم نگرداندن سردی ابر، بر بندگان

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا

خداوندا سردی اش را بر ما شوم نگردان.

۶/۱۹

سرزنش

علت با نکوهش جدا شدن روز، از بنده

و هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ... إِنَّ أَسَأْنَا فَارَقْنَا بِدَمِّ

و این روزی نو و تازه است. اگر بدی کردیم، با نکوهش از ما جدا شود. ۱۲/۶

نکوهش باطل و نادرستی

وَفَقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ انْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْلالِهِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و نکوهش کردن و خوار نمودن نادرستی ها، توفیق

ده. ۱۸/۶

ص : ۷۵۲

نکوهیده تر نبودن بنده، از عذرآورنده به پیشگاه خدا

وَمَا أَنَا بِاللَّوْمِ مَنِ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذرآورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم. ۱۱/۱۲

سرزنش نمودن خود

وَ إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ...

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست

- ۲۸/۱۶

عیبی مسبب سرزنش

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ... عَائِبَهُ أَوْ نُبِّ بِهَا إِلَّا حَسَنَتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی. ۶/۲۰

توفیق ترک سرزنش

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... تَرْكِ التَّعْيِيرِ

و زیور پرهیزکاران را در ترک سرزنش نمودن، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

نکوهش نمودن آنکه (عطایش را) از بنده بازداشته

لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ...

فَأَفْتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ أُبْتَلَى بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا

کرده، گرفتار شوم و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم.

۲۶/۲۰

عطای خویشاوند، همراه با نکوهش بسیار

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى فَرَاتِي حَرْمُونِي، وَ إِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا قَلِيلًا نَكِدًا... وَ ذَمُّوا كَثِيرًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محروم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و نکوهش فراوان کنند. ۳/۲۲

سرزنش قصدبدارنده، درباره بنده

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءِّمَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و طعنه اش ایمن سازی.

۷/۲۳و۸

رجوع نمودن به نکوهیده و مذموم الهی

وَ لَكَ يَا رَبِّ... ضَمَانِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ

و ای پروردگار من، به تو ضمانت می دهم در کاری که نکوهیده توست، بازنگردم. ۱۶/۳۱

ص : ۷۵۳

عدم فراموشی کار نکوهیده گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِّنِّي بِسُوءِ أَثْرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِّمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

دوری از خوی های مذموم و نکوهیده

وَ جَنَّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ

و با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده دور کن. ۱۲/۴۲

عدم نکوهیدگی معاشرت با ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحِبِ، وَ لَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند و معاشرتش نکوهیده نیست. ۳۵/۴۵

سرزنش نشدن بندگان، در کوتاهی از ادای حق الهی

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ

و ما را در تقصیر از (ادای) حق خود، سرزنش نکن. ۴۶/۴۵

نگشودن زبان طعنه زندگان، بر بندگان

وَ لَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسِنَ الطَّاعِينَ

و زبان طعنه زندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا. ۴۷/۴۵

سرزنش نمودن بنده، در حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي... أَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي

خداوندا خواسته من این است. سرزنش نمودنم را در آن آشکار فرما. ۷/۵۴

سرکشی نافرمانی

سرکشی ستمگر، در نعمت خدا

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ، وَانْتَهَكُهُ مِنِّي مِمَّا حَجَرْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای و این از سرکشی او در نعمت توست. ۵/۱۴

تغییر حسد سرکشان، به محبت

وَ أُبَدِّلُنِي... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةَ

و درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدل فرما. ۷/۲۰

توانایی و سرکشی

ص : ۷۵۴

وَلَا أَطْعِيَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَجِدِي

و (چنان کن که) سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد توست. ۱۴/۲۰

پناه بردن به خدا، از شرّ هر شیطان سرکش

وَ أَعِدْنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکشی پناه ده. ۶/۲۳

گرفتار طغیان و سرکشی شدن بنده

وَ اَزْوَاجِي مِنَ الْمَالِ مَا يُحَدِّثُ لِي مَخِيلَةً اَوْ تَأْدِيبًا اِلَىٰ بَغْيٍ اَوْ مَا اتَّعَقَّبَ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز. ۳/۳۰

سرگردانی بنده، در طغیان خویش

وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهًا

و مرا در سرکشی ام سرگردان، رها نکن.

۱۲۴/۴۷

سرگذشت

بی نیازی خدا از گواهی شاهدان، درباره سرگذشت های شکوه کنندگان

وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ اِلَىٰ شَهَادَاتِ

الشَّاهِدِينَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است. ۲/۱۴

سرگردانی

سرگردان ساختن دشمنان، در راه ها

وَ حَيْرُهُمْ فِي سُبُلِهِمْ

و در راه هایشان سرگردانشان ساز. ۵/۲۷

وام و سرگردانی ذهن

وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ... يَحَارُ فِيهِ ذَهْنِي

و مرا معاف دار، از وامی که ذهنم در آن سرگردان شود. ۱/۳۰

سرگردانی اندیشه ها، در بزرگواری خدا

وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته. ۷/۳۲

طولانی بودن سرگردانی در کیفر الهی

وَمَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ

و چه طولانی است سرگردانی اش، در کیفرت!

۲۰/۴۶

سرگردان رها نشدن، در سرکشی

ص : ۷۵۵

وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيهَا

و مرا در سرکشی ام سرگردان، رها نکن.

۱۲۴/۴۷

سرگردانی از مقصد

فَأَنَا... الْمُرَدُّ فِي خَطِيئَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي

از این رو من مردد در خطای خود و منحرف از راه راستم. ۱/۵۳

سرگرمی مشغولیت

سرنگونی

سرنگون ساختن ستمگر، در گودال

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَخَلَ سِرِيرَتِهِ... أَزْكَشْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کننده بود)،

سرنگون نمودی. ۸/۴۹

سرور شادی

سزاواری شایستگی

سستی

سست نشدن حاملان عرش خدا، از تسبیح

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُقْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند... ۱/۳

سست نشدن فرشتگان، از هیچ رنجی

وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ... إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٌ...

و همانها که از خستگی زیاد، وامانده و سست نمی گردند... ۷/۳

سستی صبر و شکیبایی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از سستی شکیبایی.

۱/۸

سستی نیروی بندگان، از به خشم آوردن خدا

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينٍ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا... أَوْ هِنُ قُوَّتِنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن. ۳/۹

بنا نهادن بندگان، بر وهن و سستی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ... عَلَى الْوَهْنِ بَيْنَنَا

خداوندا و تو ما را بر سستی بنا نهاده ای.

۵/۹

ص : ۷۵۶

سستی بیداری بنده، هنگام اطاعت خدا

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَقِيظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذِكْرَ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

سستی نیروی بنده، از انجام امور واجب

وَ أَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ... وَ إِنِّ... وَ هَنْتَ عَنْهُ قُوَّتِي

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه نیرویم از آن سست گردد. ۶/۲۲

سست نمودن اندام دشمن، از جنگیدن

وَ أَوْهِنُ أَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَةِ الرَّجَالِ

و اندامشان را از جنگیدن با مردان (مسلمان) سست گردان. ۱۱/۲۷

شیطان و سستی یقین بنده

قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ اليَقِينِ

شیطان افسار مرا در بدگمانی و سستی باوری به دست گرفت. ۲۷/۳۲

سستی دلیل های بنده، درباره گناهانش

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَأَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلِّهِ حَسَبَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبَعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

۱۲/۳۹

عدم سستی سلطنت الهی

لَمْ يَهِنْ عَلَى طَوْلِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ

درازی زمانِ ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است. ۱۸/۴۶

از روی سستی نبودن مهلت دادن خدا

لَمْ تَكُنْ أَنْتَكَ عَجْرًا، وَلَا إِمْهَالُكَ وَهْنًا

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی است. ۲۲/۴۶

سستی توان بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَ آلِ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ ضَعْفَتْ قُوَّتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف است. ۳/۵۴

ص : ۷۵۷

سعادت خوش بختی

سعی کوشش

سفاهت

سفاهت، علت درخواست نمودن نیازمند از نیازمند

وَ رَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُمْتَجِعِ إِلَى الْمُمْتَجِعِ سَفَهٌ مِنْ رَأْيِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است. ۵/۲۸

سفید

سفید گشتن روی بندگان، با سپاس خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيِضُ بِهِ وُجُوهَنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۰/۱۴

سفید روی گرداندن بنده، روز سیاهی چهره ستمگران

وَ يَبْيِضُ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما

را سفید گردان. ۱۶/۴۲

روسفید نمودن حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ يَبْيِضُ وَجْهَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روسفیدش فرما. ۱۹/۴۲

سفیر

درود خدا، بر سفرای گرامی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوار نیکوکار. ۱۸ و ۱۱ و ۳/۱۰

سفیران الهی، و آب رسانی سودمند، به بندگان

وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامِ السَّفَرَةَ. بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۱۹/۲

سقوط افتادن

سکوت

سخن نگفتن هیچ کس، از جانب (گنهکار)

ص : ۷۵۸

سکوت کننده، در درگاه خدا

فَإِنْ سَكَتَ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ

پس اگر خاموش شوم، کسی از جانب من سخن نگوید. ۲۳/۳۱

سکوت، و کوتاهی از سپاس گزاری خدا

وَ قَدْ قَصَّرَ بِي السُّكُوتُ عَن تَحْمِيدِكَ

و سکوت، مرا از سپاس تو به کوتاهی انداخته.

۲۴/۴۶

سلاح

سلاح های برنده و زد و خورد با شیطان

وَ أَعْطَاهُمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَهُ مَاضِيَةً

و سلاح های برنده بر ضد او (شیطان) به آنان عطا فرما. ۱۰/۱۷

بَرَّان نمودن سلاح های مرزداران اسلام

وَ أَشْحَذُ أَسْلِحَتَهُمْ

و سلاح (جنگی) شان را تیز کن.

۲/۲۷

جدایی افکندن میان دشمنان و سلاحشان

وَ فَزَّقَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ

و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز.

۵/۲۷

سلام

سلام فرشتگان، به اهل بهشت

...وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای. ۲۰/۳

سلام بر پیشوایان اهل تقوا

فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ... قَادَهُ أَهْلُ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ۲/۴

سلام بر امامان رستگاری

فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا... مِنْ أَيْمَةِ الْهُدَى... عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی، از امامان رستگاری - که بر همه آنها درود باد - ...

۲/۴

سلام بر رسول صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنَّ عَلٰى بِالْحَيِّجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صِيْلَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلٰى آلِهِ (وَ آلِ رَسُولِكَ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ص : ۷۵۹

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .

۴/۲۳

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد. ۲۲/۴۲

السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

بر او و بر ایشان سلامی همیشگی باد.

۱۳۳/۴۷

فَإِنِّي لَمَ آتِكَ تَقَهُ مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُكَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعت آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - ۶/۴۸

بهترین سلام خدا بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

لیله القدر، شب سلام و درود فرشتگان

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شب سلام است.

۵/۴۴

دوام برکت سلام فرشتگان تا صبح، درشب قدر

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد. ۵/۴۴

سلام بر ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا. ۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که

ص : ۷۶۰

همراه بودی. ۲۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قَرَبْتِ فِيهِ الْأَمَلُ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود. ۲۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفٍ آتَسَ مُقْبِلًا فَسَّرَ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. ۲۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ

درود بر تو همسایه ای که دل ها در آن فروتن گردید. ۲۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

درود بر تو یاورى که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! ۳۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!.

۳۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُنْجَرِمِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!.

۳۲/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها (دیگر) با آن برابری نمی کند. ۳۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحِبِ

درود بر تو که همراهی اش ناپسند نیست.

۳۵/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدَتْ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی. ۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُودَّعٍ بَرَمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. ۳۷/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده. ۳۸/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! ۳۹/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلِهِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

ص : ۷۶۱

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! ۴۱/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِّمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم. ۴۲/۴۵

سلامتی تندرستی

سلطان پادشاه

سلطنت پادشاهی

سلطه غلبه

سَم زهر

سَمَت جهت

سَنَّت روش

سنجش

نسنجیدن بنده، با گناهان بزرگ

وَ لَا تُقَابِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسْنَج. ۱۲۹/۴۷

سنگباران

سنگباران نمودن شهرهای دشمن

وَ أَلْحِ عَلَيْهَا بِالْقُدُوفِ

و پیوسته آن (شهرها) را سنگباران فرما.

سنگسار

سنگسار نساختن بندگان، به بارش ابر

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

خداوندا باریدنش را بر ما (همچون) سنگسار قرار نده. ۶/۱۹

سنگینی

دشوار بودن سنگینی (بلا) فرودآمده بر بنده

وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَأَذَنِي ثِقْلُهُ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است. ۵/۷

سنگینی زیر بار (بلا) رفتن، بر بنده

وَ أَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ

و به من امری وارد شده که تحمل آن مرا به مشقت انداخته. ۵/۷

بیماری سبک گرداننده سنگینی پشت بنده

ص : ۷۶۲

...أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا... تَخْفِيفًا لِمَا ثُقِّلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سنگینی پشت بنده، از خطاها

أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتُ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

۱۴/۱۶

و هَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده. ۲۹/۱۶

سنگینی عمل زشت

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ إِلَيْنَا

خداوندا ما از اینکه چیزی را که در نظر ما زشت نموده، بر ما سنگین آید، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷ و ۲

سنگینی بار عیب جوئی و بدگویی

وَ اكْفِنِي مَوْوَنَهُ مَعْرَهُ الْعِبَادِ

و سنگینی گناه عیب جوئی بندگان را از من بردار. ۲۰/۲۰

سبب سنگین نگشتن اندام بنده

وَ وَفَّقْنِي لِلنُّفُوزِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى... لَا تَثْقُلَ

أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجام آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین

سنگین باری (مسئولیت) مرزداران اسلام

وَ تَوَخَّذْ بِكَفَايِهِ مُوَعِّنِهِمْ

و سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما.

۲/۲۷

سبک گرداندن سنگینی گرفتاری، از بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبَعَاتٌ... فَعَوَّضُ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ أَحْطُطُ عَنِّي وَ زَرَّهَا، وَ خَفَّفُ عَنِّي ثِقَلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن و سنگینی اش را از من سبک فرما.

۱۸/۳۱

پشتی گرانبار از خطا

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ... وَ ظَهَرَ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا...

پس با وجودی فروتن و پشتی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست. ۱۹/۳۲

گران بار نشدن خدا، از برداشتن باری

وَ أَسْتَخِمُّكَ، مَا لَا يَبْهُطُكَ حَمْلُهُ

و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست. ۶/۳۹

ص : ۷۶۳

سنگین بار شدن بنده، با رفتن به زیر بار گناه

وَ اسْتَحْمِلُكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ

و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد. ۸/۳۹

سنگینی شکننده پشت بنده

وَ اسْتَعِينُ بِكَ عَلَيَّ مَا قَدْ فَدَحَنِي ثِقْلُهُ

و از تو یاری می جویم بر آنچه سنگینی اش پشت مرا شکسته. ۸/۳۹

عامل فرو ریختن سنگینی بار گناهان، از بندگان

وَ اخْطَطُ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز. ۹/۴۲

سنگینی ترازوی (حسنات) پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و میزانش را سنگین گردان.

۱۹/۴۲

سبب گرانبار شدن بنده، از فرونی محبت الهی

وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی. ۱۰۲/۴۷

سوار

برهم سوار کردن ابزار بسط، در بدن انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما، برهم سوار کرد. ۲۰/۱

سوار شدن بر پشت (مرکب) های نهی خدا

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب) های نهی سوار شدیم. ۲۱/۱

ایمنی بنده، از سوارانِ قصدبددارنده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوْءَمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ... وَ رَجَلِهِ وَ خَيْلِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و نیروهای

پیاده و سواره اش ایمن سازی. ۸ و ۲۳/۷

ص : ۷۶۴

سود نداشتن دوستی، در روز رستاخیز

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

روزی که هیچ دوست، به سود دوست دیگر نباشد و یاری نمی شوند. ۱۲/۱

سود بردن بنده نزدیک شده به خداوند

وَمَنْ تَقَرَّبَهُ إِلَيْكَ يَغْنَمْ

و هر کس را که به خود نزدیک سازی، سود می برد. ۹/۵

سود داشتن یا سود نداشتن اعتراف نزد خدا

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ ۶/۱۲

فرشتگان، و آب رسانی سودمند به بندگان

وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقِي مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۲/۱۹

ناتوانی بنده، نسبت به سود و زیان خود

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ

جز به یاری تو بر سود و زیانی، توانا نیستم.

یافتن آرامش دل و هنگام سود و زیان

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ يَا أُنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَيْثِي أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَ طَمَّ أُنَيْنَهُ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا
يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالٍ... الضَّرِّ وَ النَّفْعِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال زیان و سود رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

سود بردن در تجارت و سوداگری با خدا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكُمْ مِنْ... الرَّابِحِينَ فِي التِّجَارَةِ عَلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در تجارت با تو سود کرده اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مَتَاجِرَتِهِمْ لَكَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود برند. ۱۲/۴۵

سود رساندن به همسایگان ناتوان

وَ وَقَّفُهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

ص : ۷۶۵

به سود رسیدن، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوِّضًا حَاضِرًا
يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. ۱۶/۲۷

احسان سود رحمت الهی، بر بنده

وَ عُدَّ عَلَيَّ بِعَائِدِهِ رَحْمَتِكَ

و سود رحمت خود را به من ارزانی دار.

۲۰/۳۲

شتاب رعد و برق، بر رساندن رحمتی سودمند، به بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَتَّبِعَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعت می شتابند.

۱/۳۶

فروفرستادن سود ابرها، بر بندگان

وَ أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَ بَرَكَاتِهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

نبودن سودی برای خدا، در آفرینش بنده

أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا... لِتَطْرُقَ بِهَا إِلَيَّ نَفْعٌ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به وسیله آن به سودی راه جویی. ۷/۳۹

بیان سودی از مهربانی خدا

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيَّهُمْ إِلَّا عَن طُولِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِ... عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمٌ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او. که (این همه) سودی از مهربانی توست، ای بردبار!

۹/۴۵

رمضان، وسیله سودمند گشتن به بهترین سودهای جهانیان

وَأَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند

ص : ۷۶۶

درودی سودمند

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً... يَنَالُنَا نَفْعَهَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که سودش ما را دریابد. ۵۶/۴۵

سودمندترین رحمت الهی، بر محمد صلی الله علیه و آله

وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعِ رَحْمَاتِكَ

و با سودمندترین رحمت هایت، بر او رحمت فرست. ۵۰/۴۷

سبب بسیاری بهره محمد صلی الله علیه و آله و آل او، از سودهای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ... وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِطَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی و بهره ی

آنان را از نعمت ها و سودهای فراوان گردانی. ۵۷/۴۷

سوددهنده بودن خدا، به احسان

أَعْلَمُ... أَنْتَ... أَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ

می دانم که تو به احسان سوددهنده تر هستی.

۱۱۶/۴۷

سودهای دیرینه الهی

وَ اشْفَعْ لِي... قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَائِدِهَا

و برای من سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز. ۱۲۱/۴۷

سودمند ساختن تجارت بنده

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً

و تجارت (اخروی) مرا سودمند قرار ده.

۱۲۶/۴۷

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

املاً مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي

دستم را از سودهای خود پر نما. ۱۲۸/۴۷

به حقّ الیقین رسیدن، و یافتن سود الهی

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ... يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی.

۳/۵۴

سودا تجارت

سوغات ارمغان

ص : ۷۶۷

سوگند

سوگند خداوند، در قرآن

وَاجْعَلْ مَا صَرَخْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَاتَّبَعْتَهُ مِنْ قَسْمِكَ فِي كِتَابِكَ قَاطِعًا لَاهِتِ - مَا مِنَّا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتِ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده. ۳/۲۹

راست و وفاکننده تر بودن سوگند خدا

وَ أَقْسَمْتُ وَ قَسَمْتُكَ الْأَبْرُ الْأَوْفَى

و سوگند یاد کردی و سوگند تو محقق ترین و وفاشده ترین است. ۴/۲۹

سوگند خوردن خدا، به پروردگار آسمان و زمین

ثُمَّ قُلْتُ: فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین...» ۵/۲۹

قسم دادن خدا، به حق (محمد صلی الله علیه و آله)

بِحَقِّ مَنْ اِنْجَبَتْ مِنْ خَلْقِكَ... تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً

به حق آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی

با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده. ۸۶/۴۷

سوگند خوردن، به خدا

وَ لَقَدْ سئِلْتُ فَأَعْطَيْتَ

و به بزرگی ات قسم، آنگاه که از تو درخواست شد، پس عطا کردی. ۱۴/۴۹

سهل آسان

سهل انگاری

سهل انگاری نسبت به حرمت الهی

وَ جَبَّئْنَا... الْأَغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ

و ما را از سهل انگاری حرمت دور گردان.

۱۳/۴۴

نجات سهل انگاران

وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَيَّ مَا... اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ

و دلم را به سوی آنچه سهل انگاران را با آن نجات داده ای، متوجه ساز. ۹۲/۴۷

سهل انگاری و اهمال گری بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمُفْرَطُ... الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِي

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار (و) اهمال گر (نسبت به) بهره خویشم.

۱۴/۵۱

ص : ۷۶۸

سیاهی

سیاه شدن چهره ها، در روز قیامت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۰/۱۴

وَ يَبْيَضُّ وُجُوهُنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان. ۱۶/۴۲

سیاهی چشم حذقه

سید

درود خدا، بر آقای فرستادگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ...

خداوندا بر محمد - آخر پیامبران و سرور فرستادگان - درود فرست. ۱۵/۱۷

درود خدا، بر سید بندگان

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى

و درود خدا بر سرور ما، محمد، فرستاده خدا که برگزیده است باد. ۹/۵۴

سیرابی

سیراب گرداندن بندگان، به باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما. ۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان. ۴/۱۹

سیراب گرداندن بندگان، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الطَّرَابَ...

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما. ۵/۱۹

عامل سیراب شدن بندگان، در جایگاهی در پیشگاه خدا

وَأَرْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْصِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَّاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما. ۱۱/۴۲

سیراب گشتن بندگان، از جام پیامبر صلی الله علیه و آله

وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز. ۲۰/۴۲

سیره روش

ص : ۷۶۹

سیطره غلبه

سیما چهره

سینه

خالی ساختن سینه بنده، از حسد

وَ اَرْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

گوارایی نیکی به والدین، در سینه فرزند

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بَرِي بِهِمَا... اَتَلَجْ لِصَدْرِي مِنْ شَرِّبِهِ الظُّمَانِ حَتَّى اُوْتِرَ عَلَيَّ هَوَايَ هَوَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.

۵/۲۴

جا دادن شیطان، در سینه های بندگان

اَشَكَّتُهُ صُدُورَنَا

او (شیطان) را در سینه های ما جا دادی.

۶/۲۵

فراخ نمودن سینه بنده

وَ وَسَّعَ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي

و سینه ام را به احکام خود، فراخ ساز. ۳/۳۵

عامل بیرون نمودن اندیشه بد سینه ها

وَ أَخْرِجْ وَ حَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ

و اندیشه بد سینه هایمان را، با روزی ات بگشا. ۴/۳۶

قرار گرفتن دوستی بنده، در سینه های مؤمنان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وُدًّا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

شکوه ماه رمضان، در سینه اهل ایمان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ... أَهْيَبُكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو. چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان! ۳۲/۴۵

برکندن کینه اهل ایمان، از سینه بنده

وَ انزع الغلَّ من صدري للمؤمنين

و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

ص : ۷۷۰

سبب شادمان بر گشتن فرشتگان نویسنده نیکی ها

وَيَتَوَلَّى كُتَابَ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِن حَسَنَاتِنَا

و نویسندگان خوبی ها - به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند - شادمان بر گردند. ۲/۱۱

شادمانی بخشیدن به بنده، با تندرستی

نَشَطَّنِي بِهَا لِاتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی. ۳/۱۵

روا نمودن درخواست بنده، در خوشی یا ناخوشی

و لَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي وَ اِنْ اَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي سَرَاءٍ كُنْتُ اَوْ ضَرَاءٍ

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود -

قرار نده، در خوشی باشم یا سختی. ۸/۲۱

سبب شادمان نگشتن به داده های خدا، از دنیا

وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ... حَتَّى لَا اَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه از دنیا به من داده ای، خوشحال نشوم. ۹/۲۱

دریافتن مسرت خاطر و آرامش

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لِمَكَ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى اَتَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَ طَمَ اُنَيْنَهَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا
يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْاَمْنِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم
خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

فرمانبری از والدین، خوش تر از خواب خواب آلوده

وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَفْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْطَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو

ص : ۷۷۱

را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. ۵/۲۴

سبب زود دریافتن شادی کار انجام شده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّهَا مُسْلِمِمْ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَلُهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنَا بَوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَّضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا
يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مزدداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. ۱۶/۲۷

رمضان، همدمی شادگرداننده

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفِ آنَسٍ مُقْبِلًا فَسَرَّ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. ۲۷/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُورًا

خداوندا ما در روزِ فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

شامگاه شب

شایستگان شایستگی و نیز صالح

شایستگی

پرستش نشدن خدا، آنگونه که شایسته است

سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

عدم شایستگی بنده، به دور شدن گرفتاری از او

وَ أَنْتَ الْفَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفِعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِن لَّمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ

و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام و برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. پس آن را برای من انجام ده. اگر چه از جانب تو شایسته آن نیستم. ۱۰/۷

سبب از دست نرفتن کار نیک سزاوار پاداش

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ، حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار

ص : ۷۷۲

پاداش تو شویم از دستمان نرود. ۷/۹

عامل باقی نماندن کار بد مستوجب کیفر

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ، حَتَّى... لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند. ۷/۹

سزاواری (کیفر)

وَ عَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ

و مرا از آنچه از جانب تو سزاوارش هستم رها کن. ۱۵/۱۲

سزاوار محرومیت از احسان الهی

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَّتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ... اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگان تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان نیافتن احسان تو را سزاوار گشته. ۱۴/۱۳

عدل الهی و استحقاق بنده

وَ لَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ

و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

کاری سزاوار ستمگر

وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ

و او را به آنچه درخورش است مشغول دار.

۶/۱۴

شایستگی ستایش خدا در دو حال (بیماری و سلامتی)

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟ وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتُّ الصَّحِّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ و کدامین یک از دو وقت، برای ستایش تو شایسته تر می باشد؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری؟

۴-۲/۱۵

سزاوار نافرمانی نبودن خداوند

وَ أَنَا الَّذِي بِجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَ لَمْ تُكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ

و منم آن کسی که از روی نادانی تو را نافرمانی کرده و تو شایسته نافرمانی او نبودی. ۱۴/۱۶

سبب قرار گرفتن در درجه شایستگان

...وَ صَيَّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ...

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران قرار ده. ۱۶/۱۷

ص : ۷۷۳

ترک احسان، به غیر مستحق

وَأَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... تَزَكٍ... الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ

و زیور پرهیزکاران را در احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست، به من بپوشان.

۱۰/۲۰

سبب استحقاق خواری

وَلَا تَفْتِنِّي... بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَيْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ وَ مَنْعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهره گی و روی گرداندن تو

شوم. ۱۲/۲۰

در زمره بندگان شایسته بودن

وَ اجْعَلْنِي... مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

و مرا از بندگان شایسته قرار ده. ۱۸/۲۰

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده. ۱۸/۴۴

قصد انجام عمل صالح، و بازداشته شدن توسط شیطان

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ بَطَّنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد. ۷/۲۵

قرار گرفتن در صف شایستگان

...وَ اجْعَلُهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

...و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

۱۷/۲۷

شایستگان، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بَعْفُوكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ... وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان
ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

قصور بنده و استحقاق الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر آنچه شایسته فضل توست، مقصر
است. ۱/۳۷ و ۲

اقرار همگان به ناتوانیشان، نسبت به ادای استحقاق خداوند

وَ كُلُّ مُقَرَّرٍ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبَتْ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند. ۸/۳۷

ص : ۷۷۴

تأخیر کیفر، و رضایت خداوند به کمتر از استحقاق خود

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَوَكُّبٌ مِّنْ حَقِّكَ، وَ رِضَىٰ بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حق خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است. ۱۵/۳۷

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر

إِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفَعَّلَهُ بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِكَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی کند. ۱۱/۳۹

اعمال شایسته و گُند شمردن بازگشت به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را گُند شماریم. ۳/۴۰

آباد ساختن مجالس شایستگان

وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسِ الصَّالِحِينَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

نگهداری قرآن، به طور شایسته

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که شایسته است نگهداری می کنند. ۴/۴۲

سزاواران بالاترین مرتبه (ی بهشت)

وَ اجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مِّنْ اسْتِحْقَاقِ الرَّفِيعِ الْأَعْلَىٰ بِرَحْمَتِكَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحق بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

سزاواری کرامت الهی

وَ أَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت وعده داده ای، سزاوار نما. ۱۲/۴۴

شایسته ترین یارانِ ماه رمضان

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده. ۱۴/۴۴

عبادتی شایسته خداوند

فَإِذَا بَلَغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. ۴۶/۴۵

ص : ۷۷۵

طاعتی سزاوار ماه رمضان

وَ أَدْنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ

و ما را بر قیام به طاعتی که سزاوار آن ماه است، موفق بدار. ۴۶/۴۵

درود خدا، بر بندگان شایسته اش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

سزاوار نیک بختی و شایسته بدبختی

فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ حَتَمَتْ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ حَدَلَتْهُ لَهَا

پس هر که سزاوار نیک بختی باشد، برایش بدان پایان دهی و هر که شایسته شقاوت باشد، او را از آن جهت خوار می

کنی. ۱۷/۴۶

سپاسی سزاوار خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا يُتْبَعِي إِلَّا لَكَ

سپاس برای توست. سپاسی که جز برای تو، سزاوار نباشد. ۳۷ و ۳۶/۴۷

سپاسی سزاوار بزرگی ذات خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذاتِ کریم تو باشد. ۴۹ و ۳۶/۴۷

محمد صلی الله علیه و آله و سزاواری درود

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً... لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا

و بر او درود فرست، درودی که جز او را سزاوار آن نبینی. ۵۲/۴۷

پیش نفرستادن کردارهای شایسته

وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده
ام. ۷۲/۴۷

یاری بنده، بر نیت شایسته

وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّبِيِّ

و بر (داشتن) نیت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

شایسته دوزخ

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ إِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد
گردان. ۱۲۳/۴۷

همانند شایستگان

وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ

ص : ۷۷۶

و با من چنان باش که با شایستگان هستی.

۱۲۷/۴۷

شریک شدن در دعای شایسته مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می‌خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

اعتماد به عمل شایسته پیش فرستاده خود

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ تَقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده‌ام. ۶/۴۸

سزاواری بنده، به گریز از پروردگارش

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ

اگر کسی می‌توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. ۳/۵۰

خدا شایسته:

أ. بی‌نیازی از آفریدگان

تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى

عَنْهُمْ

خود را به بی‌نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی‌نیازی از آنهایی.

۱۱/۱۳

ب. امید بستن به او

وَ أَنْتَ أَوْلَىٰ مَنْ رَجَاهُ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است. ۲۰/۳۲

ج. ترس و پرهیز از (کیفر) او

وَ أَنْتَ... أَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَ اتَّقَاهُ

و تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود. ۲۰/۳۲

أَعْلَمُ... أَنْكَ... أَهْلُ التَّقْوَىٰ

می دانم شایسته ای که از تو بترسند.

۱۱۶/۴۷

يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ

ای سزاوار پرهیزکاری. ۷/۵۱

د. اعتماد کردن به او

وَ أَنْتَ أَوْلَىٰ مَنْ وُثِقَ بِهِ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد. ۲۲/۳۲

ه. مغرور نشدن صدیقین، به (رحمت) او

ص : ۷۷۷

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِكَ الصَّادِقُونَ

و اما تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند. ۱۳/۳۹

و. آمرزش بنده

أَعْلَمُ... أَنْكَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

می دانم همانا تو سزاواری که بیامری.

۱۱۶/۴۷

ز. فضل و بخشش

أَعْلَمُ... أَنْكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ

می دانم که تو به بخشش سزاوارتر هستی.

۱۱۶/۴۷

ح. سپاس و حمد

إِلَهِي أَحْمَدُكَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ -

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی. ۱/۵۱

بنده شایسته:

أ. احتیاج به خدا

وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان سزاوارند که به تو نیازمند باشند.

۱۲/۱۳

ب. ناامیدی و منع

فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

پس من اولین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. ۲۰/۱۳

ج. خشم خدا

... وَاسْتَوْجِبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَتَكَ

... و بازشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم. ۱۳/۳۲

د. عذاب و کیفر الهی

وَ لَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

و حال آنکه او در آغاز که همت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لِدَلِيكَ أَهْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم. ۴/۵۰

ه. رسوایی و منع

تَسْتُرُّ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ كَلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَ

ص : ۷۷۸

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیتند. ۸/۴۵

عدم شایستگی بنده، نسبت به:

أ. از بین رفتن بدی ای از بدی هایش

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَشْقَطَ أَشْفَارُ عَيْنِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَهُ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

ب. آمرزش الهی

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَ تَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرٌ وَاجِبٌ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابِ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، و ببخشایی آنگاه که مستحق بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده. ۳۱/۱۶

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ

هیچ کس در حدی نیست که به سبب استحقاقش آمرزش را ایجاب کند. ۴/۳۷

ج. عفو الهی

وَإِنْ كُنْتُ... تَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرٌ وَاجِبٌ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابِ

و اگر مرا ببخشایی آنگاه که مستحق بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست و از روی شایستگی من لازم نشده. ۳۱/۱۶

اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتَكَ وَفَدْتُ... وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ

خدایاندا به سوی آمرزشت روی آورده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد. ۱۵/۲۰

د. شفاعت

وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ

و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم. ۲۳/۳۱

ه. رضا و خوشنودی خدا

ص : ۷۷۹

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ... أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ

هیچ کس در حدی نیست که شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد. ۴/۳۷

و. عطای الهی

أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود.

۱۱/۳۷

ز. پاداش الهی

فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ تَوَابِكِ؟ لَا! مَتَى!؟

پس کی (چنین بنده ای) مستحقّ ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه! ۱۳/۳۷

ح. اقدام به نافرمانی از خدا

وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ

و حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند. ۶۸/۴۷

آنکه در ماه رمضان آنطور که سزاوار است:

أ. رعایت این ماه را کرده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حقّ رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما

بیخش. ۵۰/۴۵

ب. حرمتش را حفظ نموده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حرمتش را آن طوری که حقّ بوده نگه داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما

بیخش. ۵۰/۴۵

ج. حدودش را به پا داشته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجَدِكَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حَقِّش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

د. از گناهان پرهیز نموده

اللَّهُمَّ وَ مَنْ ... اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجَدِكَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حَقِّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به

ص : ۷۸۰

شب

حفظ شدن پیروان اصحاب، از حوادث شب و روز

وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

و آنها را از حوادث شب و روز - مگر خیری که پیش آید - حفظ نمایی. ۱۴/۴

آفرینش شب و روز، به قدرت خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید. ۱/۶

فاصله انداختن بین شب و روز، به قدرت خدا

وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

۲/۶

مدت و پایان معین، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود. ۳/۶

سبب گماشتن شب و روز، به جای یکدیگر

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ يُوَلِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

علت آفرینش شب

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ النَّعْبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیسایند. ۵/۶

عَلَّتْ لِبَاسٍ كَرْدَانِدْنَ شَبِّ، بَرَايَ بِنْدَه

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

توفیق انجام نیکی، در شب و روز

وَفَقَّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ...

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی توفیق ده. ۱۸/۶

ص : ۷۸۱

گذر شب و روز، بر آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ

و ما را از خوشنودترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته قرار ده. ۲۰/۶

گواه گرفتن و گواهی دادن بنده، در شب

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ... فِي يَوْمِي هَذَا... وَ لَيْلِي هَذِهِ...

و آسمانت و زمینت را در این روز و این شب شاهد می گیرم. ۲۱/۶

عافیتی مقدمه بلا، در شب و روز

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَزَّتْ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز. ۲/۱۸

حال بنده و ورود در صبح و شام

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ...

خدای من، صبح و شام را به سر کردم، در حالی که بنده خوار توام. ۷/۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أَمْسِي مُسْتَقِيلاً لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به

شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

از یاد نبردن والدین، در شبانگاه

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا... فِي إِيَّيْ مِنْ آتَاءِ لَيْلِي

خداوندا یاد آنان را در هیچ وقتی از اوقات شبم، از یادم نبر. ۱۳/۲۴

پناه نجستن به شب زنده داری شب هنگام

وَلَا أَسْتَجِيرُ بِتَهْجُدِي لَيْلًا

و نه شب زنده داری شبی را پناه خود خواهم.

۱۷/۳۲

درود بر محمد صلی الله علیه و آله ، تا زمان در پی هم آمدن شب و روز

وَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، تا شب و روز در گردش هستند. ۳۴/۳۲

به پادارندگان قرآن، در ساعات شب

وَأَقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

آشنای بندگان، در تاریکی های شب

ص : ۷۸۲

وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. ۱۰/۴۲

برتری شبی از شب های ماه رمضان ، بر شب های هزار ماه

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَهُ وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید.

۵/۴۴

ویژگی های شب قدر

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شب سلام است.

۵/۴۴

آزاد شدگان عفو الهی، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا عَفْوُكَ... فَاجْعَلِ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانمان باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

نماز و زاری به درگاه خدا، در شب های ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ

و ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاهت و خشوع برای تو، یاری نما. ۱۷/۴۴

سبب گواهی ندادن شب های ماه رمضان، به کوتاهی بنده

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ... حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَ لَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی
ندهد. ۱۷/۴۴

بزرگ گرداندن شب قدر، در ماه رمضان

وَ أَجَلَّتْ فِيهِ مِنْ لَيْلِهِ الْقَدْرُ...

و شب قدر را در آن بزرگ داشتی. ۲۰/۴۵

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجَلَّتْ فِيهِ مِنْ لَيْلِهِ الْقَدْرِ (الَّتِي هِيَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی. ۲۰/۴۵

درود خدا بر شب قدر

ص: ۷۸۳

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلِهِ الْقَدْرُ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

برخاستن در شب های ماه رمضان

وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. ۲۱/۴۵

درودهای صبح و شام، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّائِحَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

مناجات با خدا، در شب و روز

وَزَيْنٌ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیار. ۱۱۰/۴۷

آباد کردن شب بنده، به بیداری برای عبادت

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِاِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

شب زنده داری

پناه نجستن به شب زنده داری شبانگاه

وَ لَا أَسْتَجِيرُ بِتَهْجُدِي لَيْلًا

و نه شب زنده داری شبی را پناه خود خواهم.

۱۷/۳۲

تنهایی بنده و شب زنده داری برای خدا

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي يَا قَاطِلِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرِّدِي بِالْتَهَجُّدِ لَكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

شبهه

روشنایی یافتن به وسیله نور، از شبهات

وَ هَبْ لِي نُورًا... اَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشَّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم. ۸/۲۲

شیطان، برپاکننده شبهه ها

وَ يَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ

و شبهه ها برای ما برپا کند. ۷/۲۵

زایل ساختن شک و شبهه، از بنده

ص : ۷۸۴

وَ أَرْلُ عَنِّي كُلَّ شَكِّ وَ شُبْهَةٍ

و هر شک و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

شبه همانند

شتاب

شتاب نکردن خدا، در انتقام و کیفر بندگان

فَلَمْ يَتَدْرَنَّا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ

پس او در کیفر ما، شتاب نکرد و در سرکوب ما عجله ننمود. ۲۱/۱

وَ تَأْتَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي...

و با بخشش با من مدارا نمودی و در کیفرم شتاب نکردی... ۳۲/۱۶

وَ يَا مَنْ... لَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَةِ

و ای کسی که به کیفر سخت، شتاب نمی کند.

۱۰/۴۶

شتاب فرشتگان پاسبان، به سوی دوزخیان

الرَّبَّانِيهِ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا

پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند. ۲۱/۳

شتاب در ایمان آوردن

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ... أَسْرَعُوا إِلَيَّ وَفَادَتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنان که به سوی پیامش شتافتند... ۳/۴

رهایبی سریع (از گرفتاری)

وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا

و نزد خود زود رها شدن را برای من مقرر کن.

۸/۷

شتافتن بنده به سوی نهی خداوند

...يَخْجُبْنِي... نَهَى نَهَيْتَنِي عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم.

۲/۱۲

عَلَّتْ شَتَابُ بِنْدَةٍ، دَرِ گَرِيسْتِن

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَأُسْرِعْ فِي الْبُكَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

درنگ خدا، از زود به کیفر رساندن بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ... إِبْطَاؤُكَ عَنْ مُعَاجَلَتِي، وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي

و شگفت تر از آن درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است و این نه از گرامی بودن من نزد

ص : ۷۸۵

توست. بلکه از بردباری تو بر من است. ۲۶/۱۶

رساندن آبی (بارانی) تند و شتابان، بر بندگان

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَفِي مِنْكَ نَافِعٍ... وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز. ۲/۱۹

میراندن بنده، و شتافتن دشمنی خدا به سوی او

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَوْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه دشمنی ات به سوی من شتابد - مرا به سوی خود بازگردان. ۵/۲۰

سبب کراهت بنده، از شتاب در آنچه خدا پس انداخته

وَ أَلْهَمْنَا الْإِنْفِيَادَ لِمَا أُوْرِدَتْ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

و گردن نهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی و تعجیل آنچه را که به

تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم. ۵/۳۳

شتاب رعد و برق، در فرمانبری از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ... يَتَّبِدِرَانِ طَاعَتَكَ...

خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو هستند، که به طاعت می شتابند. ۱/۳۶

مهلت دادن به گنهکار، در حال توانایی خدا به شتاب در کیفرش

وَ تُمَلِي لِلْعَاصِي فِيْمَا تَمْلِكُ مُعَاجَلَتَهُ فِيهِ

و گنهکار را در آنچه توانایی شتاب در کیفرش را داری، مهلت می دهی. ۱۰/۳۷

علت شتاب نکردن خدا، در کیفر

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمَوْافِعَ نَهْيِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَيَّ طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به

حال طاعت عوض کند.

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِ، وَبَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از

ص : ۷۸۶

حجّت های پیاپی آوردن بر او. ۹/۴۵

حریص گشتن بنده، بر زود رسیدن به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشِكِ اللَّحَاقِ بِكَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. ۳/۴۰

کوشایی و شتابندگی ماه

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده.

۱/۴۳

شتاب نمودن ماه، به سوی خواست خدا

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّفْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ

و تو را با فزوننی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش،

شتابنده ای. ۲/۴۳

سبب نشناختن چشم ها، به سوی لهُو

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّى... لَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهُوی نشتابیم. ۶/۴۴

شناختن به نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ... مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند. ۱۸/۴۴

شتاب نکردن خدا و عدم ابطال برهانش

وَ لَمْ يَدْخُضْ لِتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانَكَ

و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است. ۱۸/۴۶

تأخیر خدا در کیفر، در حال توانایی اش بر شتاب

أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای. ۲۱/۴۶

درنگ نمودن خدا و قادر بودنش بر شتاب

تَأَنَّنْتَ وَ أَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ

با آنکه به شتاب کردن قادری، درنگ نموده ای.

۲۱/۴۶

عدم شتاب خداوند، در کیفر گناهکاران

فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ

پس ای آنکه بر (کیفر) گناهکاران شتاب

ص : ۷۸۷

درخواست شتاب خدا، در فرج و نصرت محمد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَ الرُّوحَ وَ النُّصْرَةَ وَ التَّمَكِينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. و در فرج و آسایش و نصرت و تسلط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما. ۱۱/۴۸

نبودن شتابی در انتقام و کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ... فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَهُ

دانسته ام که در انتقام تو شتاب، نیست.

۱۵/۴۸

شتاب و ترس از فوت وقت

إِنَّمَا يَعَجِلُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ

همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد. ۱۵/۴۸

اعتماد بنده، به سرعت اجابت الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که به اجابت سریع تو اطمینان داشتم. ۱۰/۴۹

ناتوانی بنده از شتاب به وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَةِ فِيهَا وَعَدَّتْهُ أَوْلِيَاءُ كَ

ای خدای من، از ناتوانی نفسم در شتافتن به آنچه به دوستانت نوید داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

شجاعت دلیری

شرافت بزرگی

شرف آبرو

شرط

شرایط به جا آوردن حق (اوامر) الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... عَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوِظَائِفِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که یآوری بر ادای حق و وظائفش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

به جا آوردن شرط خدمت گزاری، نسبت به والدین

وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام. ۱۱/۲۴

شرط خدا، محبتش با بنده (ی تائب)

وَأَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ

ص : ۷۸۸

و همان طور که شرط کرده ای، دوستی خود را برایم واجب گردان. ۱۵/۳۱

بازنگشتن به ناپسند الهی؛ شرط بنده با خدا

وَ لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي أَلَّا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم. ۱۶/۳۱

غفلت بنده، از شرایط واجبات الهی

وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلِهِ مَعَ كَثِيرٍ مَّا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ

و من هیچ گاه با فضیلت (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم. ۱۸/۳۲

خدا شرط کننده و تعیین گر شرایط نماز

وَ قَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِبِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ... وَ وَظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتُ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه و شرایط آن که معین نمودی، آگاه فرما. ۸/۴۴

شرف

شرافت دادن به منزلت بنده، در جایگاه گواهان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُشْرَفُ بِهِ مَنَازِلُنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۰/۱ و ۱۲

شرافت بودن یاد خدا

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلدَّاكِرِينَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

۱/۱۱

پناه بردن به خدا، از شرّ هر شریف و پستی

وَ أَعِدْنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَ وَضِيعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده. ۶/۲۳

اطاعت از خدا و شریف شدن

فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَفَتْهُ طَاعَتُكَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گرداند. ۴/۳۵

شرافت بخشیدن به درجه بنده

شَرَّفُ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

شناخت شرافت و فضیلت قرآن

ص : ۷۸۹

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمد که با آن سخن راند، درود فرست. ۶/۴۲

شرافت بخشیدن به بنیان محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَشَرِّفْ بُيُوتَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بنیاد او را شرافت ده. ۱۹/۴۲

حقیر بودن هر شریفی، در کنار شرافت خدا

وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است. ۱۳/۴۶

شرافت و عظمت روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای. ۶۶/۴۷

از اسباب شرافت مسلمانان:

أ. حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود

فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. ۴/۲۴

ب. ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی. ۴۳/۴۵

وَ ارْزُقْنِي سَيِّئًا مِمَّا هُوَ الصَّدْرُ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ وَ خَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو - که یگانه و بی شریکی - آرزو کنم. ۱۲/۲۲

وَ أَمِدُّهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُزِدِّينَ حَتَّى... يُقَرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند. ۸/۲۷

فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

۵/۵۲

شریک نشدن کسی با خدا، در امید بنده

لَا يَشْرِكُكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي

هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست.

۹/۲۸

شریک نگرداندن کسی با خدا، در کردارها

ثُمَّ خَلَصَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ... لَا نَشْرُكَ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان. که احدی را در آن با تو شریک نسازیم. ۷/۴۴

یاری نشدن خدا در آفرینشش، توسط شریک

أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ

تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد.

۱۴/۴۷

شریک نداشتن خدا، در رساندن نعمت به بنده

وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرِكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي

و مرا با مهلت دادنت، غافلگیر نکن. همانند غافلگیر نمودن کسی که مرا از نیکی آنچه نزدش است، بی بهره گردانده، در

حالی که در رسیدن نعمتش به من شریک تو نبوده است. ۹۰/۴۷

شریک گرداندن بنده، در دعای مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می‌خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

شریک و انباز قرار ندادن چیزی، با خدا

وَذَرِيعَتِي اَنْى لَمْ اُشْرِكْ بِكَ شَيْئًا

و دستاویز آن است که چیزی را با تو شریک نکرده‌ام. ۳/۴۹

عدم کاهش فرمانروایی خدا، با شرک به او

سُبْحَانَكَ لَا يَنْتَقِصُ سُلْطَانَكَ مِنْ اَشْرَاكَ بِكَ

پاک و منزهی! کسی که به تو شرک آورد، از فرمانروایی ات نمی‌کاهد. ۳/۵۲

شرم

درخواست از خدا، با شرمندگی

فَهَا اَنَا ذَا يَا اِلَهِي... سَاْئِلُكَ عَلٰى الْحَيَاةِ مِنِّيْ سُوْءًا

ص : ۷۹۱

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تھی دستی عیالمنند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

توبه شرمنده واقعی

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که از آنچه در آن افتاده، سخت شرمنده است. ۱۲/۱۲

علت شرمندگی از خدا

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِشَوْءٍ عَمَلِي

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. ۲۰/۱۶

شرمندگی از خدا، و چشم نینداختن به کرانه های آسمان

يَا إِلَهِي لَوْ... ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ إِسْتِحْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در این مدت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان برندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

موجبات شرم همسایه، و پوشاندن آن

و وَفَّقَهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در پوشاندن آنچه از آن شرم دارند، توفیق ده. ۲/۲۶

روی آوردن به خدا، در حال شرمندگی از او

فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُوَدِّعًا لَكَ مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ

پس امیدوار به تو و شرمنده از تو، به سویت روی آورده. ۸/۳۱

شرمنده گشتن از خدا، درباره نفس خود

وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. ۱۹/۳۲

رسوایی آخرت و شرم داشتن از خویشان

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بَعْفُوكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضْلِ يَحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ... وَ مِنْ ذِي رَحْمٍ كُنْتُ
أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِي سِرِّيَاتِي

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد

ص : ۷۹۲

جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن

ساز. ۲۱/۳۲

پوشاندن موجبات شرم، توسط خداوند

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ... وَاعِظًا لَنَا...

پس آنچه از آن شرم آید که پوشاندی، برای ما پنددهنده قرار ده. ۳/۳۴

فَلَوْ لَا سَتَرَكْ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

پس اگر عیب پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

بی حیایی و بی شرمی بنده

أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ

منم کم شرم. ۸۴/۴۷

شروع آغاز

شستن

اعمال شوینده چرکی خطایا

وَوَقَّفَنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده. ۱۳/۳۱

عامل شستن چرکی دل ها و وابستگی های

گناهان

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَاتِقِ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی. ۱۱/۴۲

رمضان، عامل شسته شدن چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتِ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَغَسَلْتِ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی و چرکی خطاها را از ما شستی. ۳۶/۴۵

شغل کار

شفا بهبودی

شفاعت

عطای شفاعتی نیکو، به محمد صلی الله علیه و آله

وَ عَرَّفُهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلًا مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن. ۲۵/۲

رضایت خدا از والدین، با شفاعت فرزند

وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًا عَزْمًا

و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود

ص: ۷۹۳

شفاعت والدین، از فرزند

اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. ۱۵/۲۴

شفاعت فرزند، از والدین

وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا

و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. ۱۵/۲۴

شفیع خواستن و سزاوار شفاعت نبودن

وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ

و اگر شفیع خواهم، سزاوار شفاعت نیستم.

۲۳/۳۱

شفیع و میانجی گرداندن کرم خدا

وَ شَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ

و کرمت را شفیع خطاهایم گردان. ۲۴/۳۱

لزوم شفاعت فضل الهی، از بنده

اللَّهُمَّ... لَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ

خداوندا شفیع برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند. ۲۵/۳۱

احتمال شفاعت آسمان و زمین و ساکنان

آنها، درباره بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي... فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ... أَوْ شَفَاعَةِ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي...

شاید برخی از آنها به رحمتت، به من رحم کند؛ پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است. ۲۷/۳۱

شفاعتی رهایی بخش از خشم خدا

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ... أَوْ شَفَاعَةِ أَوْكَدٍ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ...

شاید برخی از آنها به رحمتت بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشمت به وسیله آن حاصل شود. ۲۷/۳۱

درودی شفاعت کننده بندگان

وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. ۳۰/۳۱

(درآمدن بنده، به درگاه انتقام الهی) و

ص : ۷۹۴

نبودن شفيعی برای او

لَا شَفِيعَ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ

نه شفاعت کننده ای است که برایم نزد تو شفاعت کند. ۱۴/۳۲

برترین پیامبر، از جهت شفاعت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا... يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَ أَمْكَنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً

خداوندا پیامبر ما را روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بلندمرتبه ترین شفاعت کنندگان ایشان قرار ده.

۱۸/۴۲

شفاعت نمودن محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و شفاعت او را بپذیر. ۱۹/۴۲

تکبیر نورزیدن به شفاعت شفاعت کنندگان

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال. نه از روی گردنکشی نمودن به شفاعت کنندگان. ۷۴/۴۷

امید نداشتن به شفاعت آفریده ای، جز

محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِّنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعت آفریده ای که به او امید بسته باشم به

درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - ۶/۴۸.

شفقت رحمت

شک

عدم تردید در امر خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَبَّئْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

و سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت. ۱۰/۱

برنگشتن تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله از عقیده اشان، بر اثر شک

لَمْ يَتَّبِعْهُمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکی برنگرداند. ۱۱/۴

شک نمودن، در قصد صواب

ص : ۷۹۵

وَمَعْنَىٰ بُهْدَىٰ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ... وَتِيهِ رُشْدٌ لَا أَشُكُّ فِيهَا

و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به تیت درستی که در آن تردید نکنم، بهرمنند ساز. ۵/۲۰

نوری روشنی بخش از شک و دودلی

وَهَبْ لِي نُورًا... أَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَالشُّبُهَاتِ

و مرا نوری بخش که به وسیله آن از شک و شبهه ها روشنی یابم. ۸/۲۲

دور کردن نگرانی شک، از بندگان

فَأَزِخْ عَنَّا رَيْبَ الْإِرْتِيَابِ

پس آشفتگی تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

رو نیاوردن شک به بندگان، در تصدیق قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّىٰ لَا يُعَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصَدِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکی جلودار تصدیق ما نشود. ۶/۴۲

دوری از شک و تردید در دین خدا

وَاجْتَنِبْنَا... الشُّكَّ فِي دِينِكَ

و ما را از شک در دینت دور گردان. ۱۳/۴۴

توبه ای خالی از شک

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً نَّصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِرْتِيَابِ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. ۵۲/۴۵

زایل نمودن هرگونه شک، از بنده

وَ أَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ

و هر شك و شبهه ای را از من دور ساز.

۱۲۹/۴۷

شکار

دام شکار ستمگر

وَ كَمْ مِنْ بَٰغٍ... نَصَبَ لِي شَرَكٍ مَّصَايِدِهِ

و چه بسیار ستمگری که دام های خود را برایم گسترد. ۷/۴۹

ستمگر، در کمین فرصتی برای شکار

وَ كَمْ مِنْ بَٰغٍ... أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ أَنْتَظَرًا لِأَنْتَهَازِ الْفُرْصَةَ لِفَرِيَسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در

ص : ۷۹۶

شکافتن

شکافتن تاریکی، با درآمدن در بامداد

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی. ۸/۶

نشکافتن پرده میان بنده و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ... رَدْمًا مُصَمِّمًا لَا يَفْتُتُهُ

و میان ما و او سد استواری قرار ده که نتواند آن را بشکافد. ۳/۱۷

شکایت

شکوه بنده و حسن نظر خداوند

وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَّوتُ

و در آنچه شکوه دارم به من احسان داشته باش. ۸/۷

پنهان نبودن اخبار شکوه کنندگان، بر خدا

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای کسی که خبرهای شکوه کنندگان بر او پنهان نیست. ۱/۱۴

شکایت نکردن به کسی، جز خدا

اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيْ أَحَدٍ سِوَاكَ

خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم.

وَ اقْرِنُ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ

و دادخواهیم را با دگرگونی پیوند ده.

۱۱/۱۴

شکوه متوکل به خدا، از فقر

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُغْنٍ مَنْ شَكَأَ إِلَيْكَ، فَقَرَّهُ تَوَكُّلاً؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟ ۱۵/۱۶

شکایت از بدهمسایگی شیطان

فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي، وَ طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ

پس از بدهمسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم. ۲۷/۳۲

شکایت از ضعف نفس و بسیاری اندوه

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي... وَ كَثْرَةَ هُمُومِي، وَ وَسْوَسهَ نَفْسِي

ای خدای من، از ناتوانی نفسم و از بسیاری اندوه هایم و از وسوسه های دلم، به تو شکایت

ص : ۷۹۷

می کنم. ۱۰/۵۱

خدا، شنوای (شکایت) شاکی

تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ

کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.

۱۲/۵۱

شکر سپاس

شکست

شکست تسلط غم بر بنده، به قدرت خدا

وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن. ۸/۷

شکستن برندگی و تیزی ستمگر

وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ

و با توانایی خود برندگی اش را از من بردار.

۶/۱۴

ثُمَّ فَلَلْتُ لِي حَدَّهُ

سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی.

۶/۴۹

شکستن چاره جوایی های شیطان

اللَّهُمَّ... الْطُفْ لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ...

خداوندا راه باطل نمودن نیرنگ های او را به

ما لطف فرما. ۸/۱۷

شکست دادن لشکر شیطان

اللَّهُمَّ وَاهْزِمِ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده. ۱۳/۱۷

اصلاح کردن (گیاه) شکسته (ی پژمرده)

اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْثًا... تَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ

خداوندا ما را از بارانی که به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی، سیراب گردان. ۴/۱۹

ایمن ساختن مغلوب، تنها توسط غالب

لَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

در هم شکستن بزرگی قصد بد دارنده، درباره بنده

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَكْسِرَ جَبْرُوتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا بزرگی اش را بشکنی. ۸ و ۷/۲۳

مغلوب نمودن شیطان، از تسلط بر بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ...

خداوندا با سلطه خود، او را از تسلط بر ما

ص : ۷۹۸

درهم شکستن دشمنان مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ أَفْلَلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَ أَقْلِمِ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ...

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن و چنگالشان را از آنان جدا کن. ۵/۲۷

شکست دادن دشمن، به کمک فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.

۸/۲۷

مغلوب بودن همه بر حال و کار خود، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاكَ... مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ

و غیر تو، در کار خود مغلوب، در امورش زبردست می باشد. ۱۱/۲۸

پناه بردن به خدا، از توبه شکستن

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاہت توبه نمود

ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین

باشم. ۲۰/۳۱

مغلوب نگشتن امر و فرمان خدا

لَا يُغَالِبُ أَمْرَكَ

فرمان تو مغلوب نمی شود. ۹/۴۸

شکست برگزیدگان خدا

...حَتَّىٰ عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شدند. ۹/۴۸

شکست نخوردن پناه برنده به سایه رحمت الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَىٰ إِلَىٰ ظِلِّ كَنَفِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه برد، شکست نمی خورد. ۱۰/۴۹

خدا، توانایی مغلوب نشدن

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد. ۱۴/۴۹

شکست بنده، در صورت عدم یاری خدا

ص : ۷۹۹

فَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ

پس اگر یاری کردن تو نبود، هر آینه از شکست خوردگان بودم. ۷/۵۱

شکفتن

زنده نمودن شهرها، با شکفتن شکوفه

وَ أَخِي بِلَادَكَ يُبْلِغُ الزَّهْرَةَ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

شکم

جا دادن (غذاهای) حلال، در شکم

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای

ندهد. ۶/۴۴ و ۷

شکوفه

زنده نمودن شهرها، با شکفتن شکوفه

وَ أَخِي بِلَادَكَ يُبْلِغُ الزَّهْرَةَ

و با شکفتن شکوفه، سرزمین هایت را زنده گردان. ۲/۱۹

شکوه شکایت

شکیبایی بردباری

صبر و شکیبایی بهشتیان

...وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای. ۲۰/۳

پناه بردن به خدا، از سستی صبر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از سستی شکیبایی.

۱/۸

یاری شدن با شکیبایی دائم

أَيِّدْنِي مِنْكَ بِتَيْبَةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

مرا به تبت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

عدم شکیبایی بر بلا و گرفتاری

اللَّهُمَّ... لَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ

خداوندا بر بلا شکیبایی ندارم. ۲/۲۲

یاری مرزداران اسلام، با شکیبایی

وَأَعْنُهُمْ بِالصَّبْرِ

و با شکیبایی یاریشان ده. ۲/۲۷

ص : ۸۰۰

شکیبایی نیکو، بر همنشینی با فقرا

وَ أَعِنِّي عَلَىٰ صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

و مرا بر همنشینی ایشان (نیازمندان)، با شکیبایی نیکو یاری ده. ۴/۳۰

شکیبایی بر عذاب خداوند

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم. ۶/۵۰

شگفتی

شگفتی های بی پایان عظمت خدا

يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبَ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

شگفت از گواهی بنده، علیه خود

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَىٰ نَفْسِي

پاک و منزهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. ۲۵/۱۶

شگفت از بردباری خدا، درباره بنده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا تُكَ عَنِّي، وَإِطَاؤُكَ عَن مَّعَاجِلَتِي

و شگفت تر از آن بردباری تو با من و درنگ تو از زود به کیفر رساندن من است. ۲۶/۱۶

الهام علم شگفتی های قرآن، به محمد صلی الله علیه و آله

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی. ۵/۴۲

رساندن فهم شگفتی های قرآن، به قلوب

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن را به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

شگفت از تدبیر الهی، در امر (آفرینش) ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! ۳/۴۳

شماتت

پناه بردن به خدا، از شماتت دشمنان

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ

و پناه می بریم به تو از شماتت دشمنان.

۸/۸

ص : ۸۰۱

وَ أَعِدَّنِي مِنْ شَمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ

و مرا از شماتت دشمنان پناه ده. ۱۱۹/۴۷

عَلَّتْ شَمَاتِ شَيْطَانٍ، بِرَبِّنَدِ الْكَانِ

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعَنَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد. ۶/۱۰

رِسِيدِنِ اَنْدُوهِ بِه بِنْدِهِ وَ شَمَاتِ شَيْطَانِ بِرِ اَوْ

وَ لَا تُشْمِتُهُ بِنَا بَعْدَ تَوَكُّرِنَا اِيَّاهُ لَكَ

و پس از آنکه به خاطر تو از او (شیطان) دوری کردیم، اندوهی به ما نرسان که او ما را شماتت کند. ۶/۱۰

در مقابل چشمان شماتت کنندگان قرار نگرفتن

لَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ

ما را در آن (ماه)، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده. ۴۷/۴۵

شماتت نشدن بنده، از جانب دشمنش

وَ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي

و دشمنم مرا شماتت نکند. ۱۴/۴۸

شمار

نتیجه به شمار نیاوردن چیزی از فضل خدا، جز توبه

...فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَ جَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

پس اگر از فضل او، جز همان توبه را به شمار نیاوریم، مسلماً نعمتش بر ما نیکو و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام

است. ۲۲/۱

سپاسی به شماره احاطه علم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش - از همه چیزها - به آن احاطه دارد. ۲۷/۱

سپاسی به شماره چندین برابر نعمت ها

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدْدُهَا أضعافًا مُضَاعَفَةً...

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر. ۲۷/۱

سپاسی غیر قابل شمارش

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که عددش بی حساب

ص : ۸۰۲

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَعْجُزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أُحْصِيَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ

سپاس برای توست. سپاسی که نگهبانانِ (اعمال) از شمردنش عاجز باشند، و بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد. ۴۰ و ۳۶/۴۷

پایان شمارش اعمال

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتْبَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً...

و پایان آنچه نویسندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده. ۳/۱۱

شمارش کارهای پنهانی خود

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَ أَعَدُّهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي

پاک و منزهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

شمارش زشتی ها، و کمی هوشیاری نسبت به تهدید الهی

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَقَلُّ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - نسبت به تهدیدهای کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که

زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم. ۲۷/۱۶

برکناری از بودن در شمار دوستان شیطان

وَ اغْرَلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ

و ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

برشمردن نعمت های الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... إِحْصَاءً لِمَنِّكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت، شمردن بخشش هایت را قرار ده. ۱۳/۲۰

خدا و شمارش تکالیف، بر بنده

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. ۷/۲۲

افزودن شماره (تبار)، به وسیله فرزندان

وَ كَثُرَ بِهِمْ عَدَدِي

و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزاید. ۴/۲۵

افزون ساختن عدّه مرزداران اسلام

ص : ۸۰۳

وَ كَثُرَ عِدَّتَهُمْ

و بر تعدادشان بیفزاید. ۲/۲۷

کاستن تعداد دشمنان مرزداران اسلام

وَ انْقُصَ مِنْهُمْ الْعَدَدُ

و از تعدادشان بکاهد. ۵/۲۷

درودی با شمارشی قطع نشدنی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً... لَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست. درودی که شماره اش قطع نگردد. ۱۸/۲۷

خدا و یکتایی عدد و شماره

لَكَ يَا إِلَهِي وَ خِدَائِيهِ الْعَدَدُ

خداوندا یگانگی شمار از آن توست.

۱۰/۲۸

شمردن آنچه بنده با آن به خود ستم کرده

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ

...اما همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد.

۷/۳۱

شمردن گناهایی که خدا حسابشان را بهتر

می داند

وَ عَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا

و با خشوع، - از گناهانش - آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرد. ۹/۳۱

طاعت بنده، کمتر از به شمار آمدن

قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدُ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

درودی به تعداد بی شمار

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً... لَا يُحْصَى عَدْدُهَا

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که تعدادش به شمار درنیاید. ۳۴/۳۲

درودی به شماره همه درودهای خداوند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای.

۱۹/۴۴

توانایی شمارش درود بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَ أضعاف ذلك كله بالأضعاف التي لا

ص: ۸۰۴

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین برابر که جز تو شمار آنها را نداند. ۱۹/۴۴

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَزِيدُهَا عَلَيَّ كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يُعْدُّهَا غَيْرُكَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند. ۵۵/۴۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَيَّ إِحْصَائُهَا إِلَّا أَنْتَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد و بر خاندان محمد درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد.

۳/۴۸

جدایی از رمضان، هنگام تمام شدن عدد (روزهای) ش

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ... وَفَاءَ عَدَدِهِ

سپس هنگام پایان یافتن عدد (روزهای) ش، از ما جدا شد. ۲۲/۴۵

به شمارش نیامدن نعمت خدا

وَ نِعْمَتِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصِيَ بِأَسْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید. ۲۳/۴۶

خدا، بعد از هر شماره و عدد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْأَخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. آخرین بعد از هر شمار. ۹/۴۷

شمارش تعداد هر چیز، توسط خداوند

أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

تویی آنکه هر چیز را یک یک شمرده ای.

۱۷/۴۷

تنهایی بنده و بسیاری شمار دشمنان

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... وَخَدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مَنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی. ۵/۴۹

رسوایی بنده، از آنچه در نامه الهی شمرده شده

فَيَا سَوَاءًا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ

پس وای بر رسوایی من، از آنچه نامه تو برایم برشمرده است. ۲/۵۰

ص : ۸۰۵

در زمره کشته شدگان با شمشیرهای دشمن درآمدن

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش درآییم.

۳۰ و ۲۷/۱

از غلاف کشیدن شمشیر دشمنی

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی اش را بر روی من کشید. ۴/۴۹

شنا

به شنا درآمدن ابر خروشان

...فَصَلَّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحِ الْبَيِّنِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمِعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحْتَ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به شنا درآید، شعله های برق

می درخشد. ۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

شناخت

نتیجه بازداشتن بندگان از شناخت سپاس الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگان را از شناختن سپاسش باز می داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

خدا، خود را به بندگان شناساند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ

و سپاس خدای را که خودش را به ما شناساند.

۱۰/۱

شناساندن سنجش آب ها، به فرشتگان

... وَالَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجِ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجِهَا

... و آنها که وزن آب ها و پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای.

۱۶/۳

پذیرش دعوت شیطان ، با وجود بینایی

ص : ۸۰۶

...حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَى مِنِّي فِي مَعْرِفِهِ بِهِ...

هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم. ۲۳/۱۶

شناخت مژده الهی

وَ اَكْتُبْ لِي اَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ... بُشْرَى اَعْرِفُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم. ۳۳/۱۶

معرفی نشانه ای در مژده الهی، به بنده

وَ اَكْتُبْ لِي اَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْاَجْلِ بُشْرَى اَعْرِفُهَا، وَ عَرَّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً اُتِيَّتُهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم. ۳۳/۱۶

شناختن باطل آراسته شده شیطانی

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَا، وَ إِذَا عَرَّفْنَا

فَقِنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از آن نگهدار. ۷/۱۷

شناخت علوم ربّانی، جهت دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَ اَعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّائِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضدّ او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

شناخت درستی کردار، از طریق دل

وَ ارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِاٰخِرَتِي حَتَّى اَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا درستی آن را از (اعماق) دلم بشناسم. ۸/۲۲

معرفت دوستان و همسایگان امام علیه السلام، به حقّ ایشان

و تَوَلَّيْنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حقّ ما هستند، یاری فرما. ۱/۲۶

ص: ۸۰۷

شناخت برتری و فضیلت امام علیه السلام

وَزِدَّهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي...

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزاید. ۴/۲۶

شناساندن ناشناخته ها، به مرزداران اسلام

وَ عَرَّفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ

و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان.

۳/۲۷

شناخت خدا از امت های مشرک و بی نام و نشان

اللَّهُمَّ وَ أَعْمَمُ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاءُهُمْ وَ صِيغَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به دانایی، خود آنها را می شناسی.

۹/۲۷

الهام نمودن معرفت (کار) خیر، به بندگان

وَ أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

عجز از معرفت اختیار شده خدا، برای

بنده

وَ لَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَنْعِمِطَ قَدْرَكَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم.

شناخت شرافت و فضیلت قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمدی که با آن سخن راند، درود فرست. ۶/۴۲

الهام شناخت برتری ماه رمضان، به بندگان

وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَإِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناخت فضیلتش، و بزرگ داشت احترامش را به ما الهام کن. ۶/۴۴

امّت محمد صلی الله علیه و آله و شناسایی ماه رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی. ۴۴/۴۵

کثرت شناسایی خدا، به اشیا

سُبْحَانَكَ مِنْ... حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ

پاک و منزهی! ای شناسای چیزها، چه بسیار

ص: ۸۰۸

است شناسایی تو. ۲۳/۴۷

شناخته شدن راهنمایی، از جانب خدا

عُرِفَتِ الْهِدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ

هدایت از جانب تو شناخته شد. ۲۵/۴۷

سپاسی که جز خدا، برتری آن را نشناسد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که احدی جز تو، فضیلت آن را نداند. ۳۶/۴۷ و ۴۴

علم بنده، به تهدید الهی

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ

پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. ۶۸/۴۷

خدا، شناساننده امور به بنده

ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ

سپس چون آگاهم کردی، آنچه را صادر نموده بودی شناختم. ۱/۴۹

شنیدن استماع

شنیده شدن بانگ رعدها

...فَصَلَّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّتِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از

فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۰/۳ و ۱۱/۱۴

خدا، شنونده صدای بنده

وَ كُنْ... لِصَوْتِي سَامِعًا

و صدایم را شنوا باش. ۲۱/۱۳

شنندگان سخن خدا

وَ اجْعَلْهُمْ أَهْرَارًا أَتَقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ

و آنان (فرزندنام) را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. ۳/۲۵

شنوا بودن خداوند

إِنَّكَ... سَمِيعٌ عَلِيمٌ...

همانا تو شنوای دانایی. ۱۲/۲۵

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا. ۷/۴۷

ساکنان آسمان و زمین ، و شنیدن توبه بنده به درگاه خدا

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِّنِّي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِنْ لَتَسْمَعَ سَمَاوَةٌكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در

ص : ۸۰۹

آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاہت پناه بردم را بشنود.

۲۶/۳۱

شنیدنی تر بودن دعای ساکنان آسمان و زمین در حقّ بنده، از دعای خودش

فَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِشَوْءٍ مَوْفِقِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِشَوْءٍ حَالِي فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي

شاید برخی از آنها به رحمتت بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید؛ پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است. ۲۷/۳۱

شنوندگان سخنان محمّد صلی الله علیه و آله و عترت او

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ

و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده. ۵/۳۴

شنوندان کردار خود، به شنوندگان

ثُمَّ خَلَّصَ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ... سَمِعَهُ الْمُشْمِعِينَ

سپس همه آن را از شنوندان به شنوندگان، خالص گردان. ۷/۴۴

شنیدن راز و نجوای بنده

وَ اسْمَعِ نَجْوَايَ

و نجوایم را بشنو. ۲۵/۴۶

شنوندگان ولیّ خدا (امام علیه السلام)

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ

و ما را برای او شنوندگان (و) فرمانبران قرار ده. ۶۳/۴۷

خدا، شنونده دعا و درخواست

...بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعًا

...بلکه تو را برای نیایشم، شنونده یافتم.

۵/۵۱

خدا، شنونده شکایت شاکی

تَسْمَعُ مَنْ شَكَأَ إِلَيْكَ

کسی را که به درگاه تو شکایت کند، می شنوی.

۱۲/۵۱

شور

شور نگرداندن آب ابر

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاثًا

خداوندا آبش را بر ما شور و تلخ نگردان.

۶/۱۹

شوق

اشتیاق به پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ

ص : ۸۱۰

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ... الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ... فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرِهِ وَرِضْوَانِ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۱/۴ و ۲

اشتیاق بنده، به گذشت الهی

اللَّهُمَّ... إِلَيَّ تَجَاوَزِكَ اشْتَقْتُ

خداوندا به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام.

۱۵/۲۰

شوق و دلباختگی بنده، به خدا

وَ اٰمِنُنَّ عَلَيَّ بِشَوْقِي إِلَيْكَ

و شوق به خودت را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

سبب انجام نیکی ها، با شوق

وَ ارزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي... حَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه با اشتیاق به کارهای نیک پردازم. ۸/۲۲

شوق پاداش وعده داده شده

وَ ارزُقْنِي... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

و اشتیاق پاداش وعده ها (ی بهستی) را

روزی ام فرما. ۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ

خداوندا شوق پاداش وعده داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

سبب اشتیاق نسبت به مرگ

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشِكِّ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ... مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَاقُ إِلَيْهِ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل الفتی باشد که به سوی آن مشتاقیم. ۳/۴۰

اشتیاق به رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!

۴۱/۴۵

اشتیاق دیدار خداوند

شَوْقُنِي لِقَاءِكَ

مرا به دیدارت مشتاق گردان. ۱۲۶/۴۷

وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی

ص: ۸۱۱

شوم

درخواست شوم نگرداندن سردی ابر

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده. ۶/۱۹

عدم نحوست ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالًا سَعِدًا لَا نَحْسَ فِيهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادت مندی بدون نحوست، قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

شهادت شهید و نیز گواهی

شهر

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

و هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَةِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود. ۱۶/۲

دوری اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، از شهرهای خویشانان

وَ أَشْكُرُهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای

خویشانان هجرت کردند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

ارزان نمودن نرخ ها، در همه شهرها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُرْخِصْ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

استوار نمودن شهرهای مسلمانان

وَ حَصَّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ

و به وسیله آن، شهرهایشان را استوار ساز.

۷/۲۷

دشمنان خدا در اطراف شهرها

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِذَلِكَ اَعْدَاءَكَ فِي اَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ اُمَمِ الشُّرُكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امت های مشرک. ۹/۲۷

فروبردن شهرهای مشرکان، به زمین

وَ اَزِمْ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر. ۱۲/۲۷

سنگباران نمودن شهرهای مشرکان

ص : ۸۱۲

وَ أَلْحَ عَلَيَّهَا بِالْقُدُوفِ

و پیوسته آن (شهرها) را سنگباران فرما.

۱۲/۲۷

زایل ساختن خشکی شهرها

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ

خداوندا خشکسالی شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز. ۴/۳۶

اهالی شهرها و پذیرفتن بنده

يَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَّا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ

ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند. ۲/۴۶

امام علیه السلام، نشانه (راه حق)، در شهرها

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ... بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ... مَنَارًا فِي بِلَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را به امامی تأیید کرده ای، که او را علامتی در شهرهایت به پا داشتی.

۶۰/۴۷

زندگی بخشیدن به شهرهای مرده

وَ هَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرْجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي... بِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ

و ما را - ای خدای من - از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده. ۱۳/۴۸

شهرت آوازه

مشهور بودن خدا، به گذشت

فَإِنَّكَ... مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ

همانا تو به گذشت مشهوری. ۱۵/۱۲

مشهور نساختن بنده، به گناهانش

وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتُهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي

و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم نمودی. ۲۱/۱۶

ماه رمضان و برتری های مشهورش

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَيَّ سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنْ... الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به فضایل مشهور آشکار ساخت. ۴/۴۴

شهرت جویی

رهاندن مجاهد مسلمان، از شهرت طلبی

وَ خَلَّصَهُ مِنَ السُّمْعَةِ

و او را از شهرت طلبی نجات ده. ۱۴/۲۷

خالص گرداندن کردارها، از شهرت جویی

ثُمَّ خَلَّصَ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ... سُمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ

سپس همه آن را از شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان. ۷/۴۴

ص: ۸۱۳

شهوات، و بازداشته نشدن فرشتگان از تسبیح

وَ الَّذِينَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد... ۷/۳

آفرینش شب، و نائل آمدن به شهوت

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... لِيُنَالُوا بِهِ لَذَّةَ وَ شَهْوَةَ

پس شب را برای آنان آفرید تا به سبب آن خوشی و کام دل یابند. ۵/۶

پناه بردن به خدا، از افراط شهوت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از زیاده روی شهوت.

۱/۸

عرضه شهوت به بنده، توسط شیطان

يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ

خواهش های نفسانی را برای ما عرضه می دارد.

۷/۲۵

برگرداندن شهوت بنده، از حرام

وَ اكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مَحْرَمٍ

و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن.

۱/۳۹

شهوات، و بی بهره گشتن بنده

و شَهَوَاتِي حَرَمْتَنِي

و خواهش های نفسانی ام مرا محروم گردانده.

۷/۵۲

شهید

سبب در آمدن در زمره شهیدان

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش در آییم.

۲۷/۱۳۰

درخواست تقدیر شهادت، برای مجاهد

فَإِنْ... قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

ویژگی های قرار گیرنده در زمره شهیدان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ... وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را

ص : ۸۱۴

نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده. ۱۷/۲۷

پناه دادن بنده، در جایگاه شهدا

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بَعْفِكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ... وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

شیر

پُر شِيرِ سَاخْتِنِ پَسْتَانِ چَهَارِپَايَانِ، بَا آبِ

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُدْرِ بِهِ الضَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی، سیراب نما. ۵/۱۹

شیرینی

شیرینی زبان ها، در بیان نعمت خدا

وَاجْعَلْ... انْطَلَقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِتِّتِكَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ

خود قرار ده. ۱۴/۵

چشاندن شیرینی بخشش الهی، به بنده

وَ أَدْفِنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان. ۸/۷

کامیابی به شیرینی تندرستی

وَ أَوْجِدُنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ

و مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما.

چشاندن شیرینی آمرزش، به بنده

وَ أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان. ۳۳/۱۶

تلخی ترس از ستمکار و شیرینی ایمنی از او

وَ أَبْدِلْنِي... مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امتیّت مبدّل فرما. ۷/۲۰

کامیابی از شیرینی مهربانی خداوند

وَ أَوْجِدْنِي... حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحِكَ وَ رَيْحَانِكَ، وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ

و مرا از شیرینی رحمت و آسودگی و آسایش و بهشت پر نعمت، کامیاب گردان. ۱۲۵/۴۷

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ وَمَكَايِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - و حيله و مکرهای او به تو پناه می بریم.

۱/۱۷

از امورات شیطان، به خدا پناه بردن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ وَمَكَايِدِهِ، وَ مِنْ الثُّقَّةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - و حيله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يُطْمَعِ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷ و ۲

درخواست بنده از خدا، درباره شیطان در ارتباط با خودش

اللَّهُمَّ احْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَ اكْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِي مَحَبَّتِكَ، وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَ رَدِّمَّا مُضْمِتًا لَا يَفْتُقُهُ

خداوندا او را از ما - به سبب عبادت و بندگی ات - دور کن. و با کوشش مستمر ما - در دوستی ات - او را خوار نما. و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. و سد استواری که نتواند آن را بشکافت. ۳/۱۷

وَ اشْعَلْهُ عَنَّا بِنِعْضِ أَعْدَائِكَ، وَ اعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَ اكْفِنَا خَيْرَهُ، وَ وَلَّنَا ظَهْرَهُ، وَ اقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ

و او را به جای ما به برخی دشمنانت سرگرم نما و ما را با نیکی نگهداری ات از او نگهدار. و حيله او را از ما دور کن و او را از ما فراری ده. و اثرش را از ما قطع کن. ۴/۱۷

اللَّهُمَّ... حَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَ اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَ اذْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

خداوندا تسلط او را از ما بردار و امیدش را از ما قطع کن و او را از حریص بودن به ما باز دار.

درخواست بنده از خدا، درباره خودش در رابطه با شیطان

وَ أَمْتَعْنَا مِنَ الْهُدَىٰ بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَ زَوَّدْنَا مِنَ التَّقْوَىٰ ضِدَّ غَوَايَتِهِ، وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التَّقَىٰ خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَىٰ

ص : ۸۱۶

و ما را به اندازه گمراهی او، از رستگاری ات بهره مند گردان. و بر ضد گمراهی او، ما را از پرهیزکاری توشه ده. و برخلاف راه هلاکت بارش، ما را به راه پرهیزکاری ببر. ۵/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا، وَ لَا تُوَطِّنْ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. و او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

۶/۱۷

اللَّهُمَّ... بَصُرْنَا مَا نُكَابِدُهُ بِهِ، وَ أَلْهَمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَ أَيْقَظْنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَ أَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. و ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. و به توفیق خود ما را بر ضد او، نیکو یاری نما.

۷/۱۷

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ، وَ الطُّفَّ لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز و راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما. ۸/۱۷

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نَطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَ لَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا

دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمَنَاقِبِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَ نَعْظُ عَنْ مَتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم و هرگاه که ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم و هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او بازداریم.

۱۴/۱۷

درخواست حفظ مؤمنان، از شر شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ... وَ أَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَّاتٍ وَاقِيَةً، وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَهُ مَاضِيَةً

و پدران و مادران و نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شر) او در جایگاهی محکم قرار ده و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیت او بپوشان و سلاح های برنده بر ضد او به آنان عطا فرما. ۱۰/۱۷

آموختن علم های خدایی، علیه شیطان

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّائِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضد او اقدام کند،
اجابت فرما.

۱۱/۱۷

ص : ۸۱۷

دشمنی نمودن با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ ... عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به سبب حقیقتِ بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما. ۱۱/۱۷

درخواست از خدا، درباره شیطان

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ، وَافْتَقْ مَا رَتَقَ، وَافْسَحْ مَا دَبَّرَ، وَتَبَّطْهُ إِذَا عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا أُبْرِمَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. و آنچه اندیشید، باطل کن. و هر تصمیمی گرفت، از اقدامش بازدار. و آنچه استوار نمود، درهم شکن. ۱۲/۱۷

اللَّهُمَّ وَاهْزِمْ جُنْدَهُ، وَابْطُلْ كَيْدَهُ، وَاهْدِمْ كَهْفَهُ، وَارْغِمْ أَنْفَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده. و فریبش را باطل فرما. و پناهگاهش را ویران ساز. و بینی اش را به خاک بمال. ۱۳/۱۷

میراندن بنده، در صورتِ چراگاه شیطان شدن عمرش

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ...

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد، مرا به سوی خود بازگردان. ۵/۲۰

القائات شیطانی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَالتَّطَنِّيِّ وَالحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ...

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده. ۱۳/۲۰

تبدیل القائات شیطانی، به یاد بزرگی و توانایی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ ... ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكَّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، یاد بزرگی ات و اندیشه در قدرتت و تدبیر علیه دشمنت را قرار

ده. ۱۳/۲۰

پناه بردن به خدا، از شر هر شیطان سرکش

وَاعِدْنِي وَدُرِّيْتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکش پناه ده. ۶/۲۳

پناه دادن بنده و فرزندانش، از شیطان

وَ أَعِدْنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده. ۶/۲۳، ۶/۲۵

چیرگی شیطان، بر بنده

هَذَا مَقَامٌ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ

ص : ۸۱۸

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته. ۶/۳۱

وَ أَشْتَعِصُمُكَ مِنْ مَلَكْتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

زاری جهت برگرداندن مکر شیطان

وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی. ۲۷/۳۲

شیطان و به دست گرفتن مهار بنده

قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ اليَقِينِ

شیطان افسار مرا در بدگمانی و سست باوری به دست گرفت. ۲۷/۳۲

گله بنده، از بدهمسایگی شیطان

فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي، وَ طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ

پس از بدهمسایگی او با من و اطاعت نفسم از او به تو شکایت می کنم. ۲۷/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَأَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

عامل حفظ بندگان، از تبهکاری شیطان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

و قرآن را نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد قرار ده. ۱۰/۴۲

فریب خوردن از شیطان

وَ جَنَّبْنَا... الْإِنِّخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ

و ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان. ۱۳/۴۴

شیطان، دشمن خدا

وَ جَنَّبْنَا... الْإِنِّخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ

و ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان. ۱۳/۴۴

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده. ۱۶/۴۴

رهایی دادن بندگان، از شیطان

وَ إِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

ص : ۸۱۹

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده. ۱۶/۴۴

رمضان، یاور بنده بر مغلوب نمودن شیطان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ

دروود بر تو یآوری که در برابر شیطان یاری کرد. ۲۹/۴۵

شیفتگی

عدم غفلت فرشتگان، از شیفتگی به خدا

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ... لَا يَعْفُلُونَ عَنِ الْوَلَةِ إِلَيْكَ

خداوندا و حاملان عرشت که از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند... ۱/۳

دل بنده، شیفته نعمت های فراوان الهی

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءًا مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده. ۸/۵۲

شیون

شیون بنده، و عدم سزاواری محو بدی او

يَا إِلَهِي لَوْ... اِتَّحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

شیوه روش

ص : ۸۲۰

صاحب (دارا)

اسرافیل، صاحب صور

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست. ۲/۳

میکائیل، فرشته صاحب منزلت نزد خدا

مِكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد. ۳/۳

خدا، صاحب عرش و تخت بزرگ

يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

ای صاحب عرش و تخت بزرگ. ۱۰/۷

خدا، دارای فضل و احسان بزرگ

إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

به درستی که تو صاحب فضل بزرگی.

۱۶/۱۴، ۱۵/۲۴، ۶/۳۰

إِنَّكَ ذُو... فَضْلِ كَرِيمٍ

به درستی که تو دارای فضل بزرگ هستی.

۲۱/۴۲

خدا، دارای عظمت، بزرگواری و احترام

إِنَّكَ... ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

همانا تویی دارای بزرگواری و احترام.

۷/۱۵

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

خداوندا سپاس برای توست، دارای بزرگواری و کرم. ۲/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

معبودی جز تو نیست، دارای بزرگواری و احترام. ۲/۴۸

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای دارای بزرگواری و کرم. ۲۸/۴۸

تَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم.

۷/۵۰

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای صاحب عظمت و کرامت. ۳/۵۴

خدا، دارای نعمت دیرین

إِنَّكَ ذُو... الْمَنَّ الْقَدِيمِ

ص : ۸۲۱

به درستی که تو صاحب نعمت دیرینه ای.

۱۵/۲۴

عوض دادن خدا، به صاحبان تبعات

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٍ قَدْ نَسِيْتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

خدا، صاحب پادشاهی جاوید

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَابِدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

گمان برتری بردن، به صاحب ثروت

وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ تَزْوِهِ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. ۴/۳۵

خدا، دارای فضل و نعمت

إِنَّكَ... الْمُمْ حَسِنُ الْمُمْ جَمِلُ ذُو الطَّوْلِ

همانا تو نیکوکارِ عطاکننده هستی. دارای فضیلتی. ۷/۳۶

ادا نکردن حقِّ صاحب حقِّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ... مِنْ حَقِّ ذِي حَقِّ لَزِمَنِي

لِمَوْءَمِنٍ فَلَمْ أُؤَفِّرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حقّ حقدار مؤمنی که بر من لازم گردانده بودی، پس آن را به تمامی ادا
نکردم. ۱/۳۸

خدا، صاحب رحمت گشاده

إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

۲۱/۴۲

خدا، صاحب زیبایی، کبریا و حمد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

۱۱/۴۷

دارای قوّت و توان نبودن بنده

أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي، وَ تَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَدِرْ، وَ لَا بَدِي قُوَّةٍ فَأَتَّصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز

شوم. ۷/۵۱

صاعقه

درخشیدن صاعقه های برق ها

ص : ۸۲۲

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحِ الْبَاطِنِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمِعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَّحْتَ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدا شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد. ۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

صالح

سبب قرار گرفتن در مراتب صالحان

...وَ صَيَّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ...

...و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران قرار ده. ۱۶/۱۷

در زمره بندگان صالح بودن

وَ اجْعَلْنِي... مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ

و مرا از بندگان شایسته قرار ده. ۱۸/۲۰

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و ما را از بندگان صالحت قرار ده. ۱۸/۴۴

قصد انجام عمل صالح، و بازداشته شدن توسط شیطان

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ جَبَطْنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان)

ما را از آن بازدارد. ۷/۲۵

در زمره صالحان

...وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

...و او را در صف شهیدان و صالحان قرار ده.

صالحان، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَوْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْزِنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ... وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان
ارجمند و شهیدان و صالحان، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

اعمال صالح و کند شمردن بازگشت به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کند شماریم. ۳/۴۰

آباد ساختن مجالس صالحان

وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسِ الصَّالِحِينَ

و مجالس شایستگان را به وسیله من آباد ساز.

۴/۴۱

ص : ۸۲۳

درود خدا، بر بندگان صالحش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

پیش نفرستادن کردارهای شایسته

وَ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده

ام. ۷۲/۴۷

یاری بنده، بر تیت صالح

وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّبِيِّ

و بر (داشتن) تیت صالح یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

همانند صالحان

وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ

و با من چنان باش که با شایستگان هستی.

۱۲۷/۴۷

شریک شدن در دعای صالح مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در

درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی.

۳/۴۸

عمل صالح پیش فرستاده شده

فَإِنِّي لَمِ آتِكَ ثِقَةً مِّنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام. ۶/۴۸

صبح

شکافتن تاریکی، با درآمدن در بامداد

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا فَلَقْتَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی. ۸/۶

به صبح درآمدن بندگان و همه چیز، در ملک خدا

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

به صبح درآمدن بندگان، در پنجه قدرت الهی

أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ

ص : ۸۲۴

ما در تحت قدرت تو صبح کردیم. ۱۰/۶

حال بنده، هنگام ورود در صبح و شام

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم ، در حالی که بنده خوار توام. ۷/۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أَمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

راه یابی به روشنی بامداد قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که با نور صبحگاهش راه می یابند. ۷/۴۲

درودهای واردشونده در صبح و شام، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ... النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست. ۶۴/۴۷

به صبح در آمدن و امید به خداوند

اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَّةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا

خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در

همه کارها تویی. ۸/۵۴

صبر بردباری و نیز شکیبایی

صحرا بیابان

صدا

گفتار فرشتگان، در هنگام شنیدن صدای برافروختگی دوزخ

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفِرُوا عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكُمْ: سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران صدای شعله اش بلند است، گویند: منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

صدای زجر و راندن فرشته

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَىٰ الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴ و ۱۱ و ۱۰/۳

ص : ۸۲۵

خدا، اجابت کننده هر آوازدهنده اش

إِنَّكَ... مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

به درستی که تو برای هر که تو را صدا زند، اجابت کننده ای. ۵/۱۱

خواندن خدا، با صدایی تغییر یافته و آهسته

تَلَقَّاكَ بِالْأَنَابَةِ... ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيٍّ

با توبه به تو روی آورده و با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند. ۸/۱۲

خدا و شنیدن صدای بنده

وَ كُنْ... مِنْ نِدَائِي قَرِيبًا... وَ لَصَوْتِي سَامِعًا

و به آوازم نزدیک شو و صدایم را شنوا باش.

۲۱/۱۳

علت گرفتگی صدای تضرع بنده، به درگاه خدا

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي، وَ لِذَاكَ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که صدای زاریم به درگاه تو گرفته. ۲۰/۱۶

با آواز بلند نالیدن، تا قطع گشتن صدا

يَا إِلَهِي لَوْ... انْتَجَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي... مَا

اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

آهستگی صدای فرزندان، در برابر والدین

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

۶/۲۴

خدا را صدا زدن

وَلَا يَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي، وَلَا يَنْظِمُهُ وَإِيَّاكَ نِدَائِي

و در دعایم، کسی با تو برابر نیست و ندایم کسی را با تو جمع نمی کند. ۹/۲۸

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَغِيثًا بِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواستم. ۱۰/۴۹

شنیدن صدای رعد

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَلْمِ—خُرُونٍ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ... الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ
صَوْتَ رَعْدِكَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب
رحم نمایی، که

ص : ۸۲۶

توانایی صدای غرش ابرت را ندارد. ۵/۵۰

صدق راست و درست

صدقه

پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان

وَ اجْعَلْ مَا... تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ

و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان قرار ده.

۲/۳۹

صدقه دادن، در طلب افزایش نعمت خدا

وَ تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلَبًا لِمَزِيدِكُمْ

و جهت طلب افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند. ۱۶/۴۵

صرف کردن

عَلَّتْ صَرْفَ نِعْمَةٍ وَ عَدَمَ سِوَاكَ

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَهُ... لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی در پی که به

ایشان داده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

صرف نمودن روزی خدا، در نافرمانی او

وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَنْفِقُ مَا أُجْرِيَتْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟

و کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد، آنگاه که روزی ات را که برایم رسانده ای، در نافرمانیت در آنچه بازداشته ای صرف می کنم؟

صرف نمودن روزها

وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ

و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن آفریدی صرف نما. ۳/۲۰

صرف شدن عمر، در فرمانبری خدا

وَ عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ

و تا زمانی که زندگی ام در طاعت تو صرف شود، مرا طول عمر ده. ۵/۲۰

صرف نظر کردن

صرف نظر از همسایگان ستمکار

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أُعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ

ص : ۸۲۷

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی صرف نظر کنم. ۳/۲۶

صف

عامل سیراب نمودن تشنگی بندگان، در جایگاه صف بستن در پیشگاه خدا

وَ أَرْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَّاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاه صف بستن در پیشگاهت، سیراب فرما. ۱۱/۴۲

خواری مقام بندگان، در محل صف بستن در پیشگاه خدا

وَ اَرْحَمِ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت صف می کشیم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

صفات

پنهان بودن صفات طوائف، بر بندگان

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاءُهُمْ وَ

صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امت های مشرک، که نام

ها و نشانه هایشان پنهان است. ۹/۲۷

صفات انتقال یابنده

وَ مَنْ سِوَاكَ... مُتَنَقِّلٌ فِي الصُّفَاتِ

و غیر تو، در صفاتش دگرگون می باشد.

۱۱/۲۸

گمراهی اوصاف، در خدا

ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ

اوصاف در تو گمراه گشته. ۷/۳۲

گسیختن صفات، پیش از رسیدن به وصف الهی

و تَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ

و صفت ها پیش از رسیدن به تو، از هم گسسته.

۷/۳۲

و تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْنِكَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند. ۱۲/۴۶

صلاحیت شایستگی

ص : ۸۲۸

صلح آشتی

صلوات درود

صمد

خدا و داشتن قدرت صمد (کامله)

لَكَ يَا إِلَهِي... مَلَكَةُ الْقُدْرَةِ الصَّمَدِ

خداوندا تسلط قدرت همیشهگی از آن توست.

۱۰/۲۸

خدای صمد

إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ...

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی. ۵/۳۵

وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ

و تویی زنده بی نیاز. ۲۸/۴۷

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ

ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز. ۲/۵۴

صوت صدا

صور

اسرافیل، صاحب صور

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست. ۲/۳

صید شکار

توشه ای ضد گمراهی شیطان

وَزُوْدْنَا مِنَ التَّقْوَىٰ ضِدَّ غَوَايَتِهِ

و بر ضد گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده. ۵/۱۷

قرار ندادن ضدی، برای خدا

فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا

پس به درستی که من برای تو ضدی قرار نمی دهم و با تو همانندی را نمی خوانم. ۲۲/۲۰

برتر بودن خدا، از داشتن اصداد

فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَضْدَادِ

پس تو از داشتن ماندها و همتاها برتر بودی.

۱۲/۲۸

سبب برگشتن به راه ضد عافیت

وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَعِمْتَ قَدْرَكَ... وَ نَجْنَحَ إِلَى التِّي هِي... أَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضد عافیت نزدیک تر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

نبودن ضدی برای ستیز کردن با خدا

أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيَعَانِدَكَ

تویی آنکه ضدی نداری تا با تو دشمنی کند.

نفی اضداد، از خدا

وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو و نفی شریکان و همتایان و ماندهایی از تو را، پیش فرستاده ام. ۷۲/۴۷

ضرر زیان

ضعف ناتوانی

ضعیف کوچک

ضلالت گمراهی

ضمانت

ضمانت بنده، عدم رجوع به مذموم الهی

ص : ۸۳۱

وَلَكَ يَا رَبِّ... ضَمَانِي أَنْ لَا أُزَجَّعَ فِي مَذْمُومِكَ

و ای پروردگار من، به تو ضمانت می دهم در کاری که نکوهیده توست، بازنگردم. ۱۶/۳۱

آنچه خدا ضمانت نموده:

أ. برآوردن حاجت ها و اجابت دعا

وَايَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِيَابَةَ الدُّعَاءِ

و ای آنکه روا شدن خواسته ها را برای ایشان ضمانت کرده است. ۱۰/۱۲

و لَا تَمْنَعْنِي الْإِيَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي

و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای. ۹/۲۵

ب. روزی بنده

وَاجْعَلْ مَيَّا صَيْرَ حَتِّ بِي مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ... قَاطِعًا لِإِهْتِ مَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفُلْت بِي، وَحَشِيمًا لِلِإِسْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت

فرموده ای قرار ده. ۳/۲۹

ج. درگذشتن از بدی های بنده

وَاعْفُ عَن سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ

و آنچه آنچنان که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر. ۱۵/۳۱

د. پذیرفتن توبه

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ، وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ... فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي

خداوند!، پس چنانکه به توبه فرمان دادی و پذیرفتن را ضمانت کردی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه ام را قبول کن.

هـ. پاداش نیکوکاران

يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُمْحْسِنِينَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران. ۵/۴۰

ضمیر درون

ضیق تنگی

ص : ۸۳۲

طبقات

فرشتگان و طبقات آسمان ها

وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای. ۱۱/۳

اقامت بندگان در بین طبقات خاک

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى، وَ طُولِ الْمُقَامِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

طبقات غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

طیب

پرسش (اطرافیان محضر) ، از وجود طیب

هَوْنٌ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرَبِ السِّيَاقِ... إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي، وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ؟

به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد و می گویند:

کجاست طیب؟

۱۳/۴۲

طرف جهت

طریق راه

طعام خوردنی

طعم مزه

طغیان سرکشی

طلب جستجو و نیز خواسته

طلوع

طلوع و غروب نمودن ماه

وَ اَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ التَّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْاُفُولِ

و تورا با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. ۲/۴۳

ص : ۸۳۳

طلوع هلال ماه، بر بندگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ

و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او طلوع کرده، قرار ده. ۶/۴۳

دوام برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. آن شب سلام (به همراه) برکتی است که تا

برآمدن سپیده دم دوام دارد. ۵/۴۴

طمع حرص

تابعین و طمع به آنچه نزد خداست

صَلَاةً... تَبَعْتُهُمْ بِهَا عَلَيَّ... الطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ...

درودی که به سبب آن ایشان را بر طمع در آنچه نزد تو است، برانگیزی. ۱۴/۴ و ۱۵

طمع به مهربانی خدا

وَ إِنَّمَا أَوْفَّخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ...

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست

۲۸/۱۶. -

طمع شیطان، در گمراه کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷ و ۲

خوار ساختن دشمن و قطع طمع پستیان آنها

وَ اقْطَعْ بِخَزْيِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ

و با خواری آنان، طمع آیندگانشان را قطع نما.

۵/۲۷

آرزو، سبب طمع در عمر کهنسالان

وَ طَمِعْنَا بِأَمْالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم. ۱/۲۹

با طمع و یقین، خدا را قصد نمودن

فَأَمَّا كَ بِطَمَعِهِ يَقِينًا

پس از روی یقین با حرص، تو را قصد کرد.

۸/۳۱

طمع نداشتن به هیچ کس، جز خدا

قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ

ص : ۸۳۴

در حالی که طمعش از هر که - جز تو - در او طمع کنند، خالی است. ۸/۳۱

افزونی ترس از خدا، نسبت به طمع به او

تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فَيْكَ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. ۱۲/۳۹

علت کمی طمع به خدا، نسبت به ترس از او

تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فَيْكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

طواف

درود خدا، بر طواف کنندگان بیت المعمور

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان و بر فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و طواف کنندگان بیت

المعمور. ۱۸ و ۱۱ و ۱۰/۳

طواف آمرزش خواهان، گرد مهربان ترین کس

وَا يَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و ای مهربانی که آمرزش خواهان گرد او می گردند. ۹/۱۲

طولانی

پناه بردن به خدا، از دراز گشتن آرزوها

وَتَعُوذُ بِكَ أَنْ... نَمُدَّ فِي آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه آرزوهایمان را دراز کنیم. ۵/۸

زیانی با دوامی طولانی

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ص : ۸۳۵

طولانی گرداندن عمر فرزندان ، برای والدین

إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ

خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان.

۲/۲۵

آزمایش شدن، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا... فِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ...

خداوندا همانا تو ما را در مدت زندگی هایمان به آرزوی دراز، آزمودی. ۱/۲۹

طول کشیدن کار، در چاره وام

وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ... يَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِي

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد. ۱/۳۰

پاداشی با پایانی طولانی و باقی

...لِكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ، وَ عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الزَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدت زودگذر، پاداش درازمدت همیشگی دادی و در برابر عمل نزدیک مدت

زوال پذیر، پاداش درازمدت پایدار عطا نموده ای. ۱۲/۳۷

بازداشتن بندگان، از آرزوی دراز

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار. ۱/۴۰

مبارک ساختن طول ماندن، در طبقات خاک

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى، وَ طُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التُّرَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

بدبختی و طولانی شدن عذر

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيَّهُمْ إِلَّا عَن طُولِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای طولانی بر او. ۹/۴۵

طولانی بودن رمضان، بر گناهکاران

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُمْـَجْرِمِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!

۳۲/۴۵

مهلت طولانی خدا، به بندگان

ص : ۸۳۶

لَمْ يَهِنَ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ

مهلت طولانی ایشان، سلطنت تو را سست نکرده است. ۱۸/۴۶

وَ أَطَلَّتِ الْأُمَمَ هَالًا

و مهلت طولانی داده ای. ۲۱/۴۶

طولانی بودن بازگشت بنده، در کیفر الهی

وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ

و چه طولانی است پی در پی بازگشتش، در کيفرت! ۲۰/۴۶

به رنج دراز گرفتار شدن

أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ

منم که گرفتاری ام دراز است. ۸۵/۴۷

طول ایستادگی خطاکاران، بر گناه

ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

سپس طول ایستادگی آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، باز نداشت. ۷/۴۸

آرزوی دراز، سبب سرگرم شدن نفس

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَ أَلَمِنْ نَفْسِهِ لَاهِيَهُ لِطَوْلِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، سرگرم شده. ۸/۵۲

طهارت پاکی و پاکیزگی

ظاهر آشکار

ظرفیت گنجایش

ظفر پیروزی

ظلم ستم

ظلمت تیرگی

تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُرْزَخِ

سپاس خدای راه، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید. ۱۰/۱ و ۱۲

راه یابی در ظلمات

هَبْ لِي نُورًا... أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ

مرا نوری بخش که در تاریکی ها با آن راه یابم.

۸/۲۲

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ

بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم. ۳/۴۲

ظلمت آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارِ نُورِهَا ظُلْمَةٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی است. ۲۹/۳۲

مونسای در ظلمات شب

وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُنَسًّا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. ۱۰/۴۲

روشن شدن تاریکی قبرها

وَ نَوَّرَ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز. ۱۵/۴۲

ماه و روشن نمودن ظلمت ها

أَمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت. ۲/۴۳

ظن گمان

ص : ۸۳۹

عادت

عادت بندگان، به توبه پذیری خدا

وَ يَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ

و ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده است. ۱۰/۱۲

عادت به پناه بردن به خدا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ... الْمُعَوَّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

احسان، عادت خدا

ذَلِكَ أَنْ... عَادَتِكَ الْإِحْسَانُ

زیرا عادت تو احسان است. ۷/۳۷

عادت خدا، نسبت به بدکاران

عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ

عادت تو احسان به بدکاران است. ۱۶/۴۶

عار ننگ

عافیت تندرستی

عاقبت

نیکویی عاقبت دنیای (بهشتیان)

... وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

... و آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای. ۲۰/۳

اندک بودن آنچه عاقبتش، فناست

فَعَيَّرَ كَثِيرٌ مَا عَاقَبْتَهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیت، زیاد نیست.

۳/۱۸

بسیاری آنچه عاقبتش بقاست

...وَعَيَّرَ قَلِيلٌ مَا عَاقَبْتَهُ الْبَقَاءُ

...و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست.

۳/۱۸

عاقبت دچار سرکشی شدن

وَازْوَعْنِي مِنَ الْمَالِ... مَا اتَّعَقَبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که عاقبت، دچار سرکشی شوم را از من دور ساز. ۳/۳۰

ص : ۸۴۱

دوری از حسنِ عاقبت

و لَا تَسْمُنَا عَجَزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَعْمِطَ قَدْرَكَ... وَ نَجْنَحِ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم و به آنچه که از حسن عاقبت دورتر است، تکیه نماییم.

۳/۳۳

عاقبتی پسندیده

وَ اخْتِمْنَا بِالتِّي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَةٍ

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن. ۶/۳۳

عاق والدین

عاق شدگانِ پدران و مادران

وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

و مرا در زمره عاق شدگانِ پدران و مادران قرار نده. ۱۱/۲۴

عبا

پوشاندن عباى تندرستی، بر بنده

وَ رَدِّئِي رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ

و ردای تندرستی ات را بر تنم کن. ۱۱۲/۴۷

عبادت پرستش

وانماندن فرشتگان، از پرستش خداوند

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ... لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ

خداوندا و حاملان عرش که از پرستش درمانده نمی گردند... ۱/۳

عدم پرستش خدا، درخور سزاواری اش

سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

عبادت، دورکننده شیطان از بنده

اللَّهُمَّ احْسَاهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ

خداوندا او را از ما - به سبب عبادت و بندگی ات - دور کن. ۳/۱۷

حقیقت عبودیت، و دشمنی با شیطان

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ... عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به سبب حقیقت بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما. ۱۱/۱۷

رام ساختن بنده، برای بندگی خدا

وَاعْبُدْنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ

و مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با

ص : ۸۴۲

خودپسندی تباه نگردان. ۳/۲۰

خودپسندی، تباه سازنده عبادت

لَا تُفْسِدُ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ

بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان.

۳/۲۰

سستی در عبادت خدا

وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ

و مرا به سستی در عبادت گرفتار نکن.

۱۱/۲۰

سبب بازماندن از عبادت

وَ أَكْفِنِي مَوُونَةَ الْاِكْتِسَابِ... فَلَا أَشْتَغَلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار، تا به جای عبادت تو سرگرم روزی جستن نشوم. ۲۴/۲۰

تندرستی در عبادت

وَ اَرْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ

و مرا تندرستی در عبادت، روزی فرما.

۲۷/۲۰

مرزداران اسلام و عبادت خداوند

وَ فَرَّغُهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن،

برای عبادت خویش آسوده ساز. ۷/۲۷

سبب عبادت نشدن کسی، جز خدا

وَفَرَّغْتَهُمْ... عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَةِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرِكَ

و خاطرشان را از سرگرمی به کارزار با آنان (دشمنان)، برای خلوت با خودت آسوده ساز تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود. ۷/۲۷

اسم بنده، در بین عبادت کنندگان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرٌ الْأِسْلَامِ... فَتَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

خدا، منتهای ترس عبادت کنندگان

وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است. ۴/۳۱

استوار ساختن بینایی بنده، در عبادت

وَأَحْكِمَ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي

و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان.

۱۳/۳۱

عزیزشده، در اثر عبادت

ص : ۸۴۳

فَإِنَّ... الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ

پس به درستی که عزیز کسی است که بندگی تو عزتش بخشد. ۴/۳۵

توانا شدن بر بندگی خدا

مَلَكْتَ - يَا إِلَهِي - أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند. ۷/۳۷

روش کوشش کننده در بندگی خدا

...هَذَا يَا إِلَهِي... سَبِيلُ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ

...ای خدای من، این راه کسی است که در بندگی تو کوشیده. ۱۴/۳۷

در زمره نیک بخت ترین عبادت کنندگان خدا بودن

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ

و ما را از نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده (اند)، قرار ده. ۶/۴۳

عبادت خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَفْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی

کرده اند، که بر محمد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت خدا

اللَّهُمَّ اشْحَنهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان. ۱۷/۴۴

عبادت نامیدن دعا

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَ كَيْ عِبَادَةٍ

پس دعا کردن را عبادت نامیدی. ۱۵/۴۵

نتیجه سرکشی از عبادت

وَقُلْتُ: ... إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

و فرمودی: «همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنم خواهند شد.» ۱۵/۴۵

یاری بنده بر عبادتی شایسته خدا

فَإِذَا بَلَغْتَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. ۴۶/۴۵

عبادت خداوند، تا روز قیامت

ص : ۸۴۴

وَ اَكْتُبْ لَنَا مِثْلَ اُجُورٍ مَنْ... تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس.

۵۱/۴۵

کوشا در عبادت خدا

وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ

و مرا تهی دست از آنچه بندگانِ کوشا در عبادت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازگردان. ۷۱/۴۷

پیش نفرستادن کارهای شایسته ای همانند کوشایان در عبادت

وَ اِنِّي وَ اِنْ لَمْ اُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده

۷۲/۴۷.م

توجه به آنچه پرستشگران متوجه آنند

وَ خُذْ بِقَلْبِي اِلَى مَا... اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ

و دلم را به سوی آنچه پرستش کنندگان را با آن به بندگی گرفته ای، متوجه ساز. ۹۲/۴۷

آبادی شب به بیداری عبادت

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِاِقْظَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

روزی خوردن از خدا و پرستش غیر او

وَ اَهُونُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ اَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد. ۲/۵۲

عبادت غیر خدا

لَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ

کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد. ۳/۵۲

کافر گشتن به هر معبودی، جز خدا

وَ كَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ

و به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم. ۶/۵۲

بیزاری از عبادت کننده غیر خدا

وَ بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ

و از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستیم.

۶/۵۲

عبادت خدا، وسیله بی نیاز گشتن بنده

إِلٰهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا به وسیله بندگی ات از هر چیزی بی نیاز گردانی. ۱۰/۵۲

ص : ۸۴۵

ترس عابدان و پرستش فروتنان

أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَ عِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ

ترس عبادت کنندگان و پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

عبرت پند

عتاب سرزنش

عتیق دیرینه

عُجْب خودپسندی

عجز ناتوانی

عجله شتاب

عدالت عدل

عدد شمار

عدل

خدا، به پادارنده عدالت و عادل در حکم

أَنْنِي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، برپادارنده عدلی، دادگر در حکمی. ۲۱/۶

نداشتن طاقتِ عدل الهی

فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ

زیرا ما طاقت عدالت تو را نداریم. ۲/۱۰

با عدل رفتار نکردن، با بنده

...وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ

...و با دادگری ات بر آنچه سزاوارم رفتار نکن.

۲۰/۱۳

نامیدی از عدل خدا و آزمایش بنده

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ

خداوندا مرا به نامیدی از عدلت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

ملبّس شدن به زیور پرهیزکاران، در گسترش عدل

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ

و زیور پرهیزکاران را در گستردن عدل، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

به عدل تاوان نگرفتن، از والدین

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنْهُ لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلِ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص بگیرم. ۱۰/۲۴

پناه بردن از ستم، به عدل خدا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ

ص : ۸۴۶

بَعْدُكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

انکار نکردن عدل خدا

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنَّ عَاقِبَتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند. ۱۰/۳۱

ترس از عدل الهی

وَ كَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ

و کریم تر از آنی که جز از عدالت ترسند.

۱۶/۳۷

رهایی از حکم عدل الهی

وَ خَلَّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلَكَ

و مرا از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان. ۵/۳۹

آزاد شدن از بند عدل خدا، با احسان او

وَ اجْعَلْنِي أُسْوَةً مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ... فَأَصْبَحَ... عَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گناه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است.

۱۰/۳۹

در ترازوی عدل نگذاشتن کردار بنده

وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْإِنصَافِ عَمَلِي

و عملم را در ترازوی انصاف نگذار. ۲/۴۱

برنگشتن زبانه ترازوی عدل قرآن، از حق

وَ جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَّا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن (قرآن) را ترازوی عدلی قرار دادی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود. ۳/۴۲

عادلانه رفتار کردن بنده، با ستمگر

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمْنَا

و ما را در آن راه توفیق ده، که با کسی که به ما ظلم نموده، منصفانه رفتار کنیم. ۱۰/۴۴

خدا، عادل ترین دادگران

يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ

ای عادل ترین دادگران. ۵۴/۴۵

عدل خدا، و ستم نکردن (به مغرور شده به کرمش)

وَ مَا أَقْنَطُهُ مِنْ سُهُولِهِ أَلَمْ يَخْرُجْ عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَّا تَجُورُ فِيهِ، وَ إِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَّا تَحِيفُ عَلَيْهِ

و چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم توست، که در آن ستم نمی کنی. و از حکم منصفانه توست، که بر او جفا نمی نمایی.

۲۰/۴۶

ص : ۸۴۷

آنچه خدا بر اساس عدل و داد می کند:

أ. جزا دادن و کیفر نمودن

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد.

۶/۱

اللَّهُمَّ إِن تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَيَفْضَلِكَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست. ۱/۱۰

وَعُقُوبَتِكَ عَدْلٌ

و کیفرت از روی عدل است. ۴/۴۵

إِن تُعَذِّبْنِي فَأِنِّي لِدَلِيكَ أَهْلٌ، وَهُوَ يَا رَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن - ای پروردگار من - از جانب تو عدل است. ۴/۵۰

ب. مقدرات بنده

عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ

آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است. ۶/۲۱

ج. تقسیم معیشت در بین بندگان

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَاشِ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود. ۱/۳۵

د. حکم کردن و فرمان دادن

أَنْتَ الَّذِي... قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ

تویی آنکه قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود. ۱۵/۴۷

عذاب

عدل بودن عذاب خدا

اللَّهُمَّ إِنِّ تَشَأُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَدْلِكَ

خداوندا اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست. ۱/۱۰

عذاب الهی و گذشت خداوند

وَأَجْرُنَا مِنْ عَذَابِكَ بِنَجَاؤِكَ

و به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز.

۲/۱۰

ستم نبودن عذاب خدا

فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي

پس اگر مرا عذاب کنی ستمکار به من نیستی.

۳۱/۱۶

ص : ۸۴۸

حفظ کردن بنده، از عذاب آتش

وَ قِنِي (بِرَحْمَتِكَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما. ۳۰/۲۰

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

۱۳/۲۵

پناه بردن به خدا، از عذاب آتش

وَ أَعِدْنَا مِنَ عَذَابِ السَّعِيرِ

و ما را از شکنجه آتش پناه ده. ۱۲/۲۵

فروفرستادن عذاب، بر دشمنان خدا

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِنُؤْسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفَعَلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

وعده عذاب به رو گرداننده از رضای خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنِ رِضَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، وعده عذاب داده ای. ۲۹/۳۲

تأخیر عذاب و چشم پوشی خدا، از حَقِّش

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَجْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرَكْتُ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حقِّ خودت بوده است. ۱۵/۳۷

سخت بودن عذاب خداوند

وَقُلْتُ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

و فرمودی: «اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم و اگر کفران نمایید، همانا عذاب من شدید است.» ۱۴/۴۵

عذاب همیشگی و برگشتن از خدا

فَالْوَيْلُ لِلدَّائِمِ لِمَنْ جَحَّ عَنْكَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته. ۱۹/۴۶

تغییر حالات، در (زمان) عذاب الهی

مَا أَكْثَرَ تَصْرُفَهُ فِي عَذَابِكَ

چه زیاد است از حالی به حالی گشتن او، در عذاب تو! ۲۰/۴۶

قرار گرفتن اراده الهی، بر عذاب قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فَتْنَةً أَوْ سَوْءًا فَتَجْنِي مِنْهَا لَوْ آذَا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات

پناه دادن بنده، از عذاب الهی

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِاَيْقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ اِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ اَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

عذاب خدا و رحم نکردن کسی بر بنده

اِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحُمُنِي

اگر مرا عذاب کنی، پس کیست آنکه به من رحم کند؟ ۱۵/۴۸

درخواست ایمنی از عذاب

وَ اَسْأَلُكَ اَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ

و ایمنی از عذابت را از تو می خواهم.

۱۹/۴۸

سزاواری عذاب خدا

اِنْ تُعَذِّبْنِي فَاِنِّي لِلذَّكَ اَهْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم. ۴/۵۰

عذاب بنده و افزون نشدن ملک خدا

لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذره ای بر پادشاهی

تو بیفزاید. ۶/۵۰

عذاب بنده و درخواست شکیبایی بر آن

وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم. ۶/۵۰

عذاب خدا و اعتراف بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمَفْرُطُ الْمُضَيِّعُ الْآثِمُ الْمُقْصِرُ الْمُضْجِعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِي

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده و واگذارنده بهره خویشم. ۱۴/۵۱

عرش

درود خدا، بر حاملان عرش الهی

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُقْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست. ۱/۳ و ۶/۳

خدا، صاحب عرش عظیم

يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

ص : ۸۵۰

ای صاحب عرش و تخت بزرگ. ۱۰/۷

فروتنی آنچه زیر عرش خداست، برای عظمت او

سُبْحَانَكَ... خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ

پاک و منزهی! آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. ۲۶/۴۷

سپاسی همسنگ عرش بزرگ خدا، از او

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوزِنُ عَرْشَكَ الْمَـجِيدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۱

درودی هم وزن عرش خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست. ۵۹/۴۷

عرض آبرو

عرفه

ویژگی های روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای. ۶۶/۴۷

بهره ای ویژه، در روز عرفه

وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيْبًا اَنَالَ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم. ۷۱/۴۷

پوشاندن بنده، در روز عرفه

تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری
نموده. ۸۶/۴۷

عروج

نردبانی جهت عروج به سوی خوشنودی خدا

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا اتَّخَذَهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ

پس ای خدای من، از رحمت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از
آن بالا روم.

۱۷/۴۹

عریض پهناور

ص : ۸۵۱

عزّت

اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله و عزیز نمودن دین خدا

وَ اشْكُرْهُمْ عَلٰی... مَنْ كَثُرَتْ فِيْ اِعْزَازِ دِيْنِكَ مِنْ مَّظْلُوْمِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن.

۸/۴

عزیز و گرامی ساختن بنده

وَ اَعَزَّنِيْ وَ لَا تَبْتَلِيْنِيْ بِالْكِبْرِ

و مرا گرامی دار و به خودبزرگ بینی گرفتارم نسا. ۳/۲۰

عزّت آشکار و ذلّت باطنی

وَ لَا تُحَدِثْ لِيْ عِزًّا ظَاهِرًا اِلَّا اُحَدِثْتُ لِيْ ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِيْ بِقَدْرِهَا

و عزّتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلّتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری.

۴/۲۰

خوار نمودن عزّت قصدبدارنده درباره بنده

وَ مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتّٰى... تُدِلَّ عِزُّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا عزّتش را به ذلّت تبدیل

نمایی. ۷/۲۳

عزیز بودن خدا

اِنَّكَ عَزِيْزٌ قَدِيْرٌ

به درستی که تو پیروز توانایی. ۸/۲۳

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنَنَا لَا يُجِيزُ جَلًّا وَ عَزًّا اَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود. ۴/۴۴

از ذلت به عزت رسیدن

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُعْزِينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به یاری تو از ذلت به عزت رسیده اند، قرار ده.

۱۱ و ۲۵/۱۰

عزت طلبیدن از غیر خدا و خوار گشتن

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزت خواستند و خوار گشتند. ۶/۲۸

سر به زیر افکندن با خواری، برای عزت خدا

ص : ۸۵۲

وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَدَلِّلاً

و با خواری برای عزّت سرش را به زیر افکنده.

۹/۳۱

رفتار خدا، همچون عزیزی مهربان

وَ أَفْعَلُ بِي فِعْلَ عَزِيْزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيْلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. ۲۴/۳۱

عزّت خدا، پناه دهنده بنده بی پناه

اللَّهُمَّ لَا خَفِيْرَ لِي مِنْكَ فَليُخْفُرْنِي عِزُّكَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّت مرا پناه دهد. ۲۵/۳۱

پایندگی عزّت خدا

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَيَّ مَرَّ الدُّهُورِ...

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳

عزیز شدن، در اثر عبادت خدا

فَإِنَّ... الْعَزِيْزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ

پس به درستی که عزیز کسی است که بندگی تو عزّتش بخشد. ۴/۳۵

عزّتی از دست نرفتنی

وَ أَيْدِنَا بِعِزِّ لَّا يُفْقَدُ

و ما را با عزّتی که از دست نرود، تأیید فرما.

۵/۳۵

عزیز نمودن بنده، نزد خلق

وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ

و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار. ۱۱۸/۴۷

آنچه بنده به سبب عزت خداوند، از او می خواهد:

أ. دوری از (شرّ و زیان) بندگان

وَ امْنَعْنَا بِعِزِّكَ، مِنْ عِبَادِكَ

و به عزت خود ما را از بندگان حفظ کن.

۱۳/۵

ب. پناه از آنچه از آن می ترسد

أَجْزِنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أُرْهَبُ

به عزت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده. ۲۵/۲۰

ج. استوار ساختن مرزها

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ

خداوندا به عزت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما. ۱/۲۷

ص : ۸۵۳

عزم قصد

عزیمت کوچ

عصیبت حمیت

عصیان سرکشی و نیز نافرمانی

عضو اندام

عطا بخشش

عطوفت رحمت

عظمت بزرگی

عفت پاکدامنی و نیز خویشتن داری

عفو آمرزش و نیز گذشت

سبقت گرفتن به سوی عفو الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَي رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم. ۱۱/۱ و ۱۰/۱

سپاسی رساننده بنده، به عفو الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ وَضَلَّهُ إِلَي طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت و بخشایش او پیوند خوریم. ۲۹/۱ و ۲۷/۱

فضل الهی و عفو نمودن بنده

اللَّهُمَّ إِن تَشَأْ تَعَفُّ عَنَّا فَبِضْلِكَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست. ۱/۱۰

عفو الهی و رهایی از عذاب

وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ

و بدون بخشایش تو، هیچ یک از ما نجات نمی یابیم. ۲/۱۰

عفو خداوند و نعمت او

فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنْكَ

پس به منت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان. ۲/۱۰

بزرگ نبودن عفو گناه بزرگ، بر خدا

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٌ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که می داند بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ نیست. ۱۳ و ۱۲/۱۲

توانایی خدا، بر عفو

فَأِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ

همانا تو بر بخشایش نمودن توانایی.

۱۵/۱۲

ستم رسیدن به بنده و عفو خداوند

ص : ۸۵۴

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش. ۹/۱۴

بیرون شدن از بیماری، به عفو الهی

وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ

و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشتت قرار ده. ۶/۱۵

برتری عفو خدا، نسبت به عقابش

وَ أَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

خدای عفوکننده

أَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ

تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی.

۱۸/۱۶

إِنَّكَ... عَفُوٌّ غَفُورٌ...

همانا تو بخشاینده آمرزنده ای. ۱۲/۲۵

عَلَّتْ طَلَبُ عَفْوٍ، از خدا

وَ أَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي

و تویی آنکه خود را بخشاینده نام نهادی، پس از من درگذر. ۱۸/۱۶

وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَ إِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي

و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست، پس از من درگذر. ۱۰/۳۲

خوشایند بودن عفو بنده، نزد خدا

...وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است. ۲۶/۱۶

آزاد ساختن گردن بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَضَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ

خداوند! و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن

را آزاد کن. ۲۹/۱۶

عفو بنده و عدم شایستگی او

وَ إِنْ كُنْتُ... تَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا ببخشایی آنگاه که مستحق بخشایش تو گردم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. ۳۱/۱۶

بنده، رهاشده عفو الهی

وَ اجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ

و مرا رهاشده گذشتت قرار ده. ۳۳/۱۶

عزم نمودن به سوی عفو الهی

ص : ۸۵۵

اللَّهُمَّ... إِلَيَّ عَفْوِكَ قَصَدْتُ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام.

۱۵/۲۰

به پایان رساندن عمر بنده، به عفو الهی

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي

خداوندا زندگی مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

بزرگ ندانستن عفو خدا (نسبت به سعه رحمتش)

وَلَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنَّ عَفْوَتَ عَنْهُ وَرَحْمَتَهُ

و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. ۱۰/۳۱

بخشایش بدی ها؛ سخن خدا در کتابش

وَقَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ... تَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا از بدی ها درمی گذری. ۱۵/۳۱

خدا، ضامن عفو بدی

وَاعْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ

و آنچه من که ضمانت کرده ای، از بدی هایم درگذر. ۱۵/۳۱

درخواست بخشایش زشتی کردار خود، از

خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي... أَسْتَؤْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِي

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشایش می طلبم. ۲۱/۳۱

ایمن شدن در پرتو عفو الهی

وَ قَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْءِ مِنِّي عَفْوُكَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایش مرا ایمن گرداند. ۲۵/۳۱

آویختن بنده، به عفو خداوندی

وَ تَقَطَّعْتُ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایش که به آن چنگ زده ام. ۹/۳۲

دشوار نبودن عفو بنده، بر خدا

وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ...

و گذشت از بنده ات، بر تو دشوار نیست.

۱۰/۳۲

کوتاهی ننمودن عفو خدا، از بنده

فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَ لَا يَقْصُرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ

پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایش از من کوتاهی کند. ۱۵/۳۲

پوشاندن (گناهان) بنده، به عفو الهی

ص : ۸۵۶

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

زارى به درگاه خدا، برای درخواست عفو او

و نَبْتَهْلُ إِلَيْكَ فِي سُوءِ عَفْوِكَ

و برای درخواست بخششت، به سوی تو زاری می کنیم. ۳/۳۶

راه خدا، عفو و گذشت

ذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالُ... وَ سَبِيلَكَ الْعَفْوُ

زیرا سنت تو بخشش و راه تو بخشایش است.

۷/۳۷

عفو، بالاترین عطا

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ... أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ، وَ أَعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرَّبِينَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان و بالا-ترین بخشش های تقرّب جویان قرار

۲/۳۹.هـ

عفو الهی ، در عوض عفو دیگران توسط بنده

وَ عَوْضُنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوِكَ

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده. ۳/۳۹.هـ

درخواست بخشایش نفس، از خدا

أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْنَعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. ۷/۳۹

فراگیر بودن عفو الهی

وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ

و چه بسیار عفو تو که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

به خود ستم کردن، و درخواست بخشایش

وَ هَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي

و مرا به خاطر ظلمی که به خود کرده ام، ببخش. ۹/۳۹

از بند خشم خدا، رهاشده عفو او گشتن

وَ اجْعَلْنِي أُسْوَةً مَنْ قَدْ أَنهَضَتْهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ... فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به

ص : ۸۵۷

واسطه عفو از قید و بند خشم، رها گردیده است. ۱۰/۳۹

آزاد شدن با عفو الهی، در شب های ماه رمضان

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا عَفْوُكَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

عفو الهی، احسان بدون علت

وَ عَفْوُكَ تَفْضُلٌ

و بخشایش از روی تفضل است. ۴/۴۵

(اتمام حجت بر بنده)، کرمی از عفو الهی

وَ تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ... إِلَّا عَنْ طُولِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِ... كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ

و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شوندگان ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم! ۹/۴۵

گشودن در عفو خداوند، برای بندگان

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایش گشوده ای. ۱۰/۴۵

در گذشتن خدا از بندگان، به عفو الهی

وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

و به عفو خود از ما درگذر. ۴۷/۴۵

روز عید فطر، جلب کننده عفو الهی

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِبِهِ لِعَفْوِ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جلب کننده ترین روز، برای عفو باشد. ۴۸/۴۵

انعام عفو خدا، در روز عرفة

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ... مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ

خداوندا، این روز عرفة، روزی است که بخشایش را در آن ارزانی داشته ای. ۶۶/۴۷

اقدام به نافرمانی خدا، با امید به عفو

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بَوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ

پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. ۶۸/۴۷

عفو الهی و تسلیم خدا شدن

و جُدَّ عَلَيَّ بِمَا تَجَوَّدُ بِهِ - عَلَيَّ مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ - مِنْ عَفْوِكَ

ص : ۸۵۸

و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفو تسلیم تو گردیده است می بخشی.

۷۰/۴۷

شایستگی خدا به عفو، نسبت به عقاب

أَعْلَمُ... أَنْكَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ

می دانم به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. ۱۱۶/۴۷

کامیابی بنده، به لذت عفو الهی

وَ أَوْجِدُنِي بَرَدَ عَفْوِكَ

و مرا از لذت بخشایش، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

روز عید قربان و جمعه، و عفو الهی

فَاِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهَيَّيْتِي... رَجَاءَ عَفْوِكَ

پس ای سرور من، امروز مهیا گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش تو نائل شوم.

۵/۴۸

بخشایش خطاکاران، به عفو عظیم الهی

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگ امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی. ۷/۴۸

آمدن به درگاه خدا و امید داشتن به عفو او

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگ امیدوارم. ۷/۴۸

بزرگ بودن عفو الهی

فَيَا مَنْ ... عَفْوُهُ عَظِيمٌ

پس ای کسی که گذشتش بزرگ است. ۸/۴۸

بازگرداندن خشم خدا، با عفو او

اللَّهُمَّ لَيْسَ ... يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ

خداوندا خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند. ۱۳/۴۸

هلاک نساختن خویش، به سبب امید به عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُوءِئِلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّتِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَلَّاقَيْتُ بِيَدِي

پس اگر جایگاهی که از بخشایشت آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

قدیم بودن عفو الهی

وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که

ص : ۸۵۹

بخشایش مرا فرا گرفته است. ۴/۵۰

عقاب کيفر

عقاید اعتقاد

عقد پیمان

عقرب

عقرب های دهان گشوده آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاعِرَةِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

عقل

گمراهی عقل، علت درخواست نیازمند از نیازمند

وَ رَأَيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُمْ-حَتَّاجِ إِلَى الْمُمْ-حَتَّاجِ... ضَلَّهٌ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از گمراهی خرد است. ۵/۲۸

غفلت عقل ها، و طاعت الهی

وَ أَشْرِبُ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ

و دلم را هنگام غفلت عقل ها، به طاعت خود سیراب کن. ۱۳۰/۴۷

سپاس گزاری عقل بنده، از خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. ۶/۵۱

عقیده اعتقاد

علاقه

عامل شسته شدن علایق و وابستگی های گناهان

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ اَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی. ۱۱/۴۲

علامت نشانه

علم

علم به ربوبیت پروردگار

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ اَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود. ۱۰/۱

احاطه علم خدا، بر همه چیز

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ

ص : ۸۶۰

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش - از همه چیزها - به آن احاطه دارد. ۲۷/۱

أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای. ۵/۱۶

عدم علم بنده، به منزلت و کار فرشتگان

... وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَبِأَيِّ أَمْرٍ وَكَلَّمْتَهُ

... و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم. ۲۲/۳

راهنمایی خدا و دانا گشتن بنده

إِنَّ... مَنْ تَهْدِيهِ يَعْلَمُ

زیرا هر کس را که هدایت کنی، دانا می شود.

۹/۵

سخن گفتن بدون علم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه بدون داشتن آگاهی سخن بگویم. ۱/۸ و ۴

علم بنده به بزرگ نبودن بخشایش گناه، بر خدا

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند بخشایش گناه بزرگ، بر تو بزرگ

نیست. ۱۲/۱۲ و ۱۳

آنچه بنده می داند

عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرًا مِمَّا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است. ۱۹/۱۳

رَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُمْحْتَاجِ إِلَى الْمُمْحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ...

دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است. ۵/۲۸

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَىٰ إِلَىٰ ظِلِّ كَنْفِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به سایه رحمت تو پناه برد، شکست نمی خورد. ۱۰/۴۹

علم خدا به ستم رسیده، بر بنده

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ

ص : ۸۶۱

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای. ۵/۱۴

آموختن علوم ربّانی

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِدَلِكْ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضد او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

علم با عمل را روزی بنده نمودن

وَ ارْزُقْنِي... عِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِ

و مرا علم با عمل، روزی فرما. ۲۷/۲۰

علم خدا به صلاح کار بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي...

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. ۱۰/۲۲

دانستن آنچه درباره والدین، بر فرزند واجب است

وَ أَلْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَيَّ إِلَهَامًا

و آموختن آنچه را که در حق آنان بر من واجب است، به من الهام کن. ۳/۲۴

فراهم ساختن آموختن واجبات، برای فرزند

...وَ اجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا

...و دانستن همه آن را به طور کامل برای من فراهم نما. ۳/۲۴

بینایی در پرتو دانایی

وَ وَفَّقْنِي لِلتَّفْوِذِ فِيمَا تُبَصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ...

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. ۳/۲۴

علیم و دانا بودن خدا

إِنَّكَ... سَمِيعٌ عَلِيمٌ...

همانا تو شنوای دانایی. ۱۲/۲۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بخشنده مهربان، دانای حکیم. ۶/۴۷

دانایی خدا، به راز بنده

وَ أَبْتَكُ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

و با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برای آشکار کرده. ۹/۳۱

علم الهی، به گناهان بزرگ بندگان

وَ اسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ فِي عِلْمِكَ

ص : ۱۶۲

و در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده، از تو کمک خواسته. ۹/۳۱

دانایی خدا، به کردار بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ...

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری.

۱۷/۳۱

علم خدا و آمرزش گناه

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاعْفُ عَنِّي لِي مَا عَمِلْتُ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، ببامرز. ۱۷/۳۱

وَاعْفُ عَنِّي مَا تَعَلَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي

و گناهیانی را که از من می دانی، ببامرز.

۱۳/۵۱

علم خدا، به گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبَعَاتٍ... وَكُلُّهُنَّ بِ... عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد. ۱۸/۳۱

عدم فراموشی در علم الهی

...كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَعِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

...همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد. ۱۸/۳۱

علم غیب خدا، به توبه شکستن بنده

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ... فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به در گاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم. ۲۰/۳۱

علم خدا، به کارهای نهانی

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.

۱۱/۳۲

علم خدا، سبب طلب خیر از او

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواست خیر دارم. ۱/۳۳

علم خدا و پوشاندن (خطا)

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ سِرِّكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندن پس از علمت. ۱/۳۴

الهام علم شگفتی های قرآن، به محمد صلی الله علیه و آله

وَأَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی. ۵/۴۲

ص : ۱۶۳

علم تفسیر قرآن، میراث آل محمد علیهم السلام

وَوَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسِّرًا

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی.

۵/۴۲

برتری میراث بران علم قرآن، بر دیگران

وَوَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسِّرًا، وَفَضَّلْنَا عَلَيَّ مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی. ۵/۴۲

پنهان نشدن چیزی، از علم الهی

وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ

و چیزی از علم او پنهان نیست. ۲/۴۷

قرار گرفتن در (حیطه) علم خدا، و تواضع در برابر او

سُبْحَانَكَ خَضَعُ لَكَ مِنْ جَزَى فِي عِلْمِكَ

پاک و منزهی! هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت. ۲۶/۴۷

خزانه داران علم الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود

فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت قرار دادی. ۵۶/۴۷

نگهبانی خدا از بنده و عدم علم بنده، به آن

و حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةَ تَقِينِي بِهَا

و مرا از جایی که نمی دانم، احاطه کن. احاطه کردنی که با آن مرا نگهداری نمایی. ۱۳۲/۴۷

دانایی خدا و متهم نبودن او در آفرینش

...لَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِكَ...

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت متهم نیستی. ۹/۴۸

علم خدا به گناهان گذشته بنده

وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ...

و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو می دانی. ۲/۵۰

داناتر بودن خدا (به زشتی گناه)، از خود بنده

وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي... مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي

و پیش از این از من (گناهانی) سر زده که تو از من به آنها داناتری. ۲/۵۰

داناترین خلق

سُبْحَانَكَ أَحْسَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ

ص : ۱۶۴

پاک و منزهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. ۲/۵۲

علنی آشکار

علوی

مقام و منزلت علوی

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِ الرَّفِيعِ، وَالْعَلَوِيِّ الْبَيْضَاءِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم.

۱۶/۴۹

عمد

ارتکاب گناه عمدی، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا... اِكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَيَّ تَعَمُّدًا مِنَّا... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اشْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

عمدی بودن نافرمانی بنده، از خدا

أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا

منم آنکه از روی عمد، تو را نافرمانی کردم.

۷۸/۴۷

عمر زندگی

عمران آباد

عمره

مَنْت گزاردن بر بنده، با عمره

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ

خداوندا و بر من مانت گزار به حج و عمره.

۴/۲۳

قرار دادن بازمانده عمر بنده، در عمره

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ اِثْتِغَاءً وَ جِهَةً

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حج و عمره قرار ده. ۱۳۳/۴۷

عمل کردار

عمل کردن انجام دادن

عناد ستیزه جویی

عنان مهار

عنایت توجه

ص : ۸۶۵

جایگزینی شب و روز، به جای یکدیگر

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ يُوَلِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرِ مَنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيمَا يَغْدُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

عفو الهی، در عوض ستم رسیده به بنده

اللَّهُمَّ... عَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ

خداوندا در عوض ستمی که او به من نمود، مرا ببخش. ۹/۱۴

رحمت خدا، در عوض بدرفتاری دشمن با بنده

اللَّهُمَّ... أَدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحْمَتِكَ

خداوندا به جای بدرفتاری اش، رحمت را به من عطا کن. ۹/۱۴

عوض نکردن رستگاری شایسته، با چیزی

وَ مَتَّعْنِي بِهُدًى صَالِحٍ لَأَسْتَبْدِلُ بِهِ

و مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم، بهرمند ساز. ۵/۲۰

عوض از دست رفته ها

وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ

و عوض هر آنچه از دست رفته، نزد توست.

۲۰/۲۰

عوض دادن به کار مسلمان، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّهَا مُسْلِمٌ خَلَفَ غَايِبًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَآجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا حَاضِرًا

يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. ۱۶/۲۷

عوض دادن خدا، به صاحبان گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ... فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. پس صاحبانش را عوض ده.

۱۸/۳۱

عفو خدا، در عوض عفو و گذشت بنده از دیگران

وَ عَوِّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ

ص : ۸۶۶

و به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را به من عوض ده. ۳/۳۹

عوض ستاندن اندوخته های مورد حرص

فَأُجْزِنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الدُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم. ۴۵/۴۵

عون یاری

عهد پیمان و نیز سوگند

عهده داری سرپرستی

عهده داری سرپرستی نیک

وَ سُمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ

و نیک سرپرستی نمودن را، بر عهده من قرار ده. ۲۲/۲۰

خدا، عهده دار بی نیازی بنده

وَ تَوَلَّ كِفَايَتِي

و عهده دار بی نیازی ام باش. ۲/۲۲

عهده دار تندرستی مجاهد مسلمان شدن

وَ تَوَلَّهُ بِالْعَافِيَةِ

و تندرستی اش را به عهده گیر. ۱۴/۲۷

خدا، عهده دار حاجت بنده

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ... دُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيَّ حَاجَتِي

پس - ای سرور من - صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود. ۸/۲۸

خدا، عهده دار روزی بنده

وَاجْعَلْ مِا صَدَرَتْ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ... قَاطِعًا لِأَهْتِ مَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتُ بِهِ، وَحَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای و قطع اشتغال ما به آنچه خود کفایت آن را ضمانت فرموده ای قرار ده. ۳/۲۹

پاداش خدا و آنچه برای بنده به عهده گرفته

فَسُبْحَانَكَ مَا أَبْيَنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلِهِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ...

پس منزهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو برایش به عهده گرفته ای، تشکر می کنی. ۱۰/۳۷

عهده داری خدا و معرفت رمضان

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن،

عهده دار اجابت حاجت بنده شدن

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر. ۴/۴۸

عیادت

عیادت از همسایگان بیمار

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در عیادت بیمارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

عیالوار

درخواست از خدا، مانند محتاجی عیالوار

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي... سَأُلْكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُوءَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تهی دستی عیالمند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

عیب

همسایگان عیب جو

وَ لَمْ تُبَدِ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِي مِنْ جِيرَتِي

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

کثرت عیب های پوشانده شده، از بنده

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي

ای خدای من، تو را سپاس. چه بسیار عیب هایی که بر من پوشانندی و رسوایم نکردی.

۲۱/۱۶

زشتی کردار بنده و شمارش عیوب خود

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي، أَكْثَرُ ذُنُوبًا، وَأَقْبَحُ آثَارًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذِكْرَ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - گناهانم بیشتر و نشانه هایم زشت تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم. ۲۷/۱۶

عیب و نقصی باعث سرزنش

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ... عَائِبَةً أُؤَنِّبُ بِهَا إِلَّا حَسَنَتَهَا

خداوندا مرا در عیبی که بدان سرزنش شوم

ص : ۸۶۸

وامگذار، مگر آنکه نیکویش گردانی. ۶/۲۰

خوی عیناک

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی. ۶/۲۰

توفیق پنهان نمودن عیب

وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي ... سِتْرِ الْعَائِبَةِ

و زیور پرهیزکاران را در پوشاندن عیب، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

برداشتن بار عیب جوئی بندگان، از دوش بنده

وَ اكْفِنِي مَوْنَهُ مَعْرَةَ الْعِبَادِ

و سنگینی گناه عیب جوئی بندگان را از من بردار. ۲۰/۲۰

عیب جوئی قصدبددارنده درباره بنده، از او

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي ... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى ... تُوَعِّمَنِي مِنْ ... هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از بدگویی و عیب جوئی اش

ایمن سازی. ۷/۲۳

مشهور نساختن بنده، به کار عیناکش

فَكُلُّنَا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَائِبَةَ فَلَمْ تَشْهَرُهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی. ۱/۳۴

بنده و نپوشاندن عیب آشکار شده مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ ... مِنْ عَيْبِ مَوْءِمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

رمضان و حفظ شدن از عیوب تازه

وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكِيَّةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی. ۱۰/۴۴ و ۱۱/۴۴

رمضان، پوشاننده اقسام عیب ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ... أَشْتَرَكْ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ

درود بر تو. چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!! ۳۱/۴۵

عیوب، سبب مجهول ماندن منزلت بنده

ص : ۸۶۹

وَلَا تَسْمِنِي... نَقِصَهُ يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي

و عیبی را که به خاطر آن منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان. ۱۲۱/۴۷

حسود، و نسبت دادن عیوبش، به دیگران

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَ حَرَنِي بِقَرَفِ عُيُوبِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. ۹/۴۹

عید

رمضان، عید دوستان خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ

درود بر تو، ای عید دوستان او. ۲۳/۴۵

مبارک ساختن روز عید فطر، (برای مؤمنان)

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز فطر را، روز عید قرار دادن

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُورًا

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

ص : ۸۷۰

غایت پایان

غذا خوردنی

غربت

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به شهرهای غربت

وَ هَاجَرَ إِلَىٰ بِلَادِ الْعَرَبِ

و به شهرهای غربت هجرت نمود. ۱۶/۲

خدا، آرام دل هر وحشت زده غریب

يَا أَنَسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ

ای آرام دل هر وحشت زده دور از وطن.

۴/۱۶

غرق

غرق شدن گونه ها، با اشک

وَ عَرَّقَتْ دُمُوعُهُ حَدِيدَهُ

و دو گونه اش غرق اشک شده. ۹/۱۲

غروب

طلوع و غروب ماه

وَ أُمَّتَهُنَّكَ بِالزِّيَادَةِ وَ التَّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. ۲/۴۳

غرور فریب

غش خیانت

غصه اندوه

غضب خشم

غفران آمرزش

غفلت

عدم غفلت فرشتگان، از شیفتگی به خدا

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ... لَا يَعْفُلُونَ عَنِ الْوَلَةِ إِلَيْكَ

خداوندا و حاملان عرش که از شیفتگی به سوی تو غافل نمی شوند...

۱/۳

عدم غفلت فرشتگان، از تعظیم خداوند

وَالَّذِينَ... لَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْعَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشی غفلت ها، آنها را از

ص : ۸۷۱

تعظیم تو جدا نمی سازد... ۷/۳

پناه بردن به خدا، از خواب غفلت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... سِنَةِ الْعَفْلَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت.

۱/۸ و ۲

سبب آگاه شدن از غفلت خویش

انْتَبَهْتُ بِتَذْكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي

با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم. ۱۶/۱۳

غفلت بنده، از بهره خود

وَمَنْ أَعْفَلَ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ؟

و چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من است؟ ۲۳/۱۶

بیداری از خواب غفلت

أَيَقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْعَفْلَةِ

ما را از خواب غفلت و فراموشی بیدار گردان.

۷/۱۷

خواب غفلت و اعتماد نمودن به شیطان

اللَّهُمَّ ... أَيَقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْعَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

عطای خدا به بنده، در حال غفلت او از درخواست نمودن

وَ أَعْطَيْنَا مَا أَغْفَلْنَاهُ

و آنچه از ذکرش غافل شدیم به ما عطا فرما.

۱۶/۱۷

یاد خدا، در اوقات غفلت

وَ تَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْعَفَلِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. ۲۹/۲۰

غافل نساختن بنده، از بخشش الهی

وَ لَا تَجْعَلْنِي... غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أُبَلِّغْتَنِي

و مرا غافل از احسانت در آنچه به من بخشیدی قرار نده. ۸/۲۱

غفلت و انجام تکلیف

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَعْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. ۷/۲۲

غافل نشدن شیطان، از بندگان

لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا

ص : ۸۷۲

اگر (از او) غافل شویم، او غافل نمی شود.

۶/۲۵

غفلت بنده از شرایط واجبات

و لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلِهِ مَعَ كَثِيرٍ مَّا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ

و من هیچ گاه با فضیلت (عمل) مستحبّ به سویت توسّل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم. ۱۸/۳۲

از خدا غفلت نورزیدن

و لَا تَسْمَنَّا الْعَفْلَةَ عَنْكَ

و ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. ۴/۳۴

نترسیدن بنده از غافل شدن خدا، درباره پاداش دادن به خوشنودکننده اش

و لَا يُحَافُ إِعْفَالُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. ۱۶/۳۷

غفلت، پوشاننده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَّتِ الْعَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصْفِحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. ۱۰/۴۲

علّت گواهی ندادن روزهای ماه رمضان،

بر غفلت بندگان

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ... حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِعَفْلِهِ

و ما را در روزش به روزه داری آن، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت، گواهی ندهد. ۱۷/۴۴

علّت بهانه نداشتن غافل، از آمدن به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامِهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟!

۱۱/۴۵

از روی غفلت نبودن خودداری الهی

لَمْ تَكُنْ... إِمْسَاكَكَ غَفْلَةً

خودداری ات از روی غفلت نبوده است.

۲۲/۴۶

بیداری بنده، از خواب بی خبران

و تَبَهَّنِي مِنْ رَقْدِهِ الْغَافِلِينَ

و مرا از خواب غافلان، بیدار فرما. ۹۱/۴۷

سبب غافل گشتن بنده، از تقرب به خدا

وَ أَنْزَعُ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَيْتِيهِ... تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ

ص : ۸۷۳

و دوستی دنیای پست را که از نزدیکی جستن به تو، غافل می نماید، از دلم بر کن. ۱۰۹/۴۷

غفلت نادانان، نسبت به نعمت های خدا

وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزَمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَّا تُنْكِرَ

و شکرگزاری را از من نگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من همراه گردان.

۱۱۴/۴۷

غافل وانگذاشتن بنده، در گرداب نادانی

وَلَا تَذَرْنِي... فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ

و مرا در گرداب غفلتم، تا مدت زمانی بی خبر رها نکن. ۱۲۴/۴۷

غفلت عقل ها، و طاعت الهی

وَأَشْرَبَ قَلْبِي عِنْدَ ذُحُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ

و دلم را هنگام غفلت عقل ها، به طاعت خود سیراب کن. ۱۳۰/۴۷

غفلت از تهدید الهی

وَأَبَيْتُ إِلَّا تَفْحُمًا لِحُرْمَاتِكَ... وَ غَفْلَةً عَن وَعِيدِكَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری نداشته ام. ۱۴/۴۹

سبب غافل شدن تن بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده. ۸/۵۲

غفلت بنده از خواسته شده ها، درباره او

يَا غَفَلْتَنِي عَمَّا يُرَادُ بِي

ای وای از بی خبری من از آنچه درباره ام خواسته می شود! ۶/۵۳

غلام

طبقاتِ غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزان را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

غلبه

سلطه انسان، بر همه آفریدگان

وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ

و با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد.

۱۸/۱

ص : ۸۷۴

چیره گرداندن بنده، بر دشمنان دین

وَ أَدِلُّ لَنَا وَ لَا تُدِلُّ مِنَّا

و چیرگی را برای (نفع) ما قرار ده و بر ضرر ما قرار نده. ۸/۵

حفظ فرمودن بنده، از تلخی غلبه پادشاه

وَ أَكْفِنَا... مَرَارَةَ صَوْلِهِ السُّلْطَانِ

و ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

پناه بردن به خدا، از غلبه عصیّت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مَلَكَهِ الْحَمِيَّةِ

خداوندا به تو پناه می برم از غلبه عصیّت.

۱/۸

پناه بردن به خدا، از چیرگی شیطان

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ

و پناه می بریم به تو از اینکه شیطان بر ما دست یابد. ۶/۸

وَ اسْتَعِصِمْكَ مِنْ مَلَكَتِهِ

و از تو می خواهم مرا از چیرگی او نگاه داری.

۲۷/۳۲

چیرگی ستمگر، به حق بنده

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَ عَلَيَّ ظُلْمِي، وَ يُحَاضِرَنِي بِحَقِّي

خداوندا او را به ایمنی از کيفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کرده بر حقم دست یابد. ۱۲/۱۴

گرداندن سلطه شیطان، از بندگان

وَ حَوْلَ سُلْطَانِهِ عَنَّا

و تسلط او را از ما بردار. ۹/۱۷

توانا نمودن بنده، نسبت به مسلط شونده بر او

وَ هَبْ لِي... قُدْرَةَ عَلِيٍّ مَنِ اضْطَهَدَنِي

و مرا توانایی ای بر آنکه به من تسلط یافت، ببخش. ۸/۲۰

ایمنی یافتن مغلوب، تنها توسط غالب

لَا يُؤْوِي مِنْهُ إِلَّا الْغَالِبُ عَلَى مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

سبب غلبه زهد، بر بنده

وَ ارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي... حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَى الزُّهْدِ فِي دُنْيَايَ

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا آنکه بی رغبتی در دنیا بر من چیره شود. ۸/۲۲

تسلط شیطان و عدم تسلط انسان

ص : ۸۷۵

سَلَّطْتُهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ

او را بر ما تسلط دادی، و ما را بر او تسلطی نیست. ۶/۲۵

مغلوب نمودن شیطان، از تسلط بر بندگان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ...

خداوندا با سلطه خود، او را از تسلط بر ما مغلوب نما. ۸/۲۵

کفار و چیرگی بر مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار. ۱۰/۲۷

غلبه دادن مجاهد مسلمان، بر دشمن خدا

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ... وَ أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما و او را بر آنان پیروز فرما. ۱۵/۲۷

چیره نساختن دشمن خدا، بر مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ... أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلَّهُمْ مِنْهُ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، او را بر آنان پیروز فرما و آنها را بر او چیره

نسا. ۱۵/۲۷

جایگاه بنده، جایگاه مغلوب شده شیطان

هَذَا مَقَامٌ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته. ۶/۳۱

توبه، و آسودگی اندام از قهر و غلبه های دردناک الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاہت توبہ می کنم. توبہ ای کہ با آن ہر عضوی بہ سہم خود از کیفرہایت سالم ماند و از قہرہای دردناکت کہ بیدادگران می ترسند، در امان باشد. ۲۲/۳۱

غلبہ سلطنت بی حدّ و مرز الہی

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوْلِيَّيْهِ، وَ لَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّهِ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، کہ حدّی برای اولّش و پایانی برای آخرش نیست. ۴/۳۲

غلبہ نمودن شیطان، بر بندہ

وَ قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِعَوَائِي فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو کہ برای بیراہہ بردن من از تو

ص : ۸۷۶

فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره شده است. ۱۲/۳۲

عدم امتناع، در برابر غلبه خداوند

وَلَا بِأَحَدٍ عَن سَطْوَتِكَ اِمْتِنَاعٌ

و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد.

۵/۳۶

چیره ساختن قرآن، بر هر کتاب منزل

وَجَعَلْتَهُ مَهِيْمًا عَلٰى كُلِّ كِتَابٍ اَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، چیره قرار دادی. ۱/۴۲

عدم توانایی سلطانی، در برابر غلبه خدا

اَنْتَ الَّذِي... لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ

تویی آنکه در برابر سلطه و غلبه ات، سلطه و قدرتی، توانایی ندارد. ۱۶/۴۷

غلبه داشتن نشانه های خدا

سُبْحَانَكَ يَا هَرِ الْاٰيَاتِ

پاک و منزهی! ای که نشانه هایت آشکار است.

۳۱/۴۷

سپاسی برابر با غلبه عظمت خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که با غلبه بزرگی ات برابر باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۹

چیره ترین لشکرها

و اَمْدُدُهُ بِجُنْدِكَ الْاَغْلَبِ

و با چیره ترین لشکرت، به او کمک رسان.

۶۱/۴۷

نهراسیدن بنده، از قهر و غلبه خدا

أَنَا الَّذِي لَمْ يَزْهَبْ سَطْوَتَكَ

منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده ام.

۸۱/۴۷

غلبه ناامیدی از رحمت خدا، بر بنده

وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ

و از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمتت بر من چیره شود. ۱۰۱/۴۷

مسلط ساختن محمد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ التَّمَكِينِ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ

و در فرج و تسلط دادن و تأیید آنان، شتاب فرما. ۱۱/۴۸

مسلط نساختن دشمن، بر بنده

وَ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي... وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ

و دشمنم را بر من شاد نگردان و او را بر من مسلط نساز. ۱۴/۴۸

روبرویی با قهر و غلبه های خداوند

ص : ۸۷۷

حَلَّتْ شِعَابَ تَلْفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَبِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ

به درّه های نابودی وارد شدم. در آنها، خود را در معرض غلبه ها و سخت گیری های قرار داده، با عقوبت های روبرو شدم. ۲/۴۹

ترس پادشاهان، از قهر و غلبه های خدا

يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند. ۷/۵۱

شگفت از چیرگی پادشاهی خدا

سُبْحَانَكَ مَا... أَقْهَرَ سُلْطَانَكَ

پاک و منزّهی! چه غالب است پادشاهی ات!

۴/۵۲

تسلط دنیا، بر بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَآلَ مَنْ قَدْ... اسْتَمَكَّتْ مِنْهُ الدُّنْيَا

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دنیا بر او تسلط یافته است. ۸/۵۲ و ۹

غم اندوه

غنا بی نیازی

غیب پنهان

غیبت

به نیکی یاد کردن بنده از غیبت کننده اش

وَ سَدُّدْنِي لِأَنَّ... أَخَالَفَ مَنْ اِعْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذُّكْرِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم. ۹/۲۰

تبدیل غیبت، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا غیبت مؤمن غائب، سپاس برای خودت را قرار

ده. ۱۳/۲۰

ایمن ساختن بنده، از غیبتِ قصدبدکننده درباره او

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءَمِنَنِي مِنْ... هَمْزِهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از غیبت نمودنش ایمن

سازی. ۷/۲۳

غیظ خشم

ص : ۸۷۸

فاش کردن افشا

فامیل خویشان

فانی فنا و نیز نابودی

فایده سود

فتور سستی

فجر

دوام برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا برآمدن سپیده دم دوام دارد.

۵/۴۴

فجور فسق

فحشا زشتی

فخرفروشی

فخرفروشی و به خود نازیدن ثروتمندان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مُبَاهَاةِ الْمُكْثَرِينَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخر فروشی ثروتمندان. ۱/۸ و ۳

نگه داشتن بنده، از فخر

وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ

فراخوانی

فراخواندن بنده، به پاداش یا کیفر

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ قَبْضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه

سازد. ۶/۱

فراخی

فراخی در روزی و عدم شکرگزاری بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ

ص : ۸۷۹

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش باز می داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند و از روزی ای که عطا فرموده، به فراخی استفاده می برند و شکرش به جا نمی آوردند. ۸/۱

از زندگی فراخ، به سختی روی آوردن

وَ اشْكُرْهُمْ عَلٰی... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعٰشِ اِلٰى ضَيْقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن. ۸/۴

فراخی در باغ های بهشت، برای تابعین

وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ

و در باغ های بهشت بر ایشان وسعت دهی.

۱۴/۴

بی رغبت ساختن تابعین، نسبت به فراخی (زندگی) دنیا

وَ تُزَهِّدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعٰجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

فراخ بودن (رحمت) خدا

اِنَّكَ وَّاسِعٌ كَرِيْمٌ

همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار

هستی. ۲۴/۱۳

اِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده هستی.

فِيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ

پس ای کسی که رحمتش وسیع است.

فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

زیرا تو توانگر بخشنده ای. ۲۸/۴۸، ۷/۲۲

آبی سودمند، با جریانی وسیع

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ... وَاسِعٍ دَرَرُهُ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود که جاری شدنش بسیار باشد، آماده ساز. ۲/۱۹

فراخی دادن روزی ها، با آب

وَ تُوسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ

و با آن روزی ها فراخی دهی. ۳/۱۹

فراخ بودن روزی خداوند

وَ أَوْسَعُ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ

و روزی ات را بر من بگستر. ۳/۲۰

وَ أَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ... رِزْقِكَ الْوَاسِعِ

و درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

فراخ ترین روزی، در هنگام پیری

وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ

و فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم قرار ده. ۱۱/۲۰

تنگ گرفتن والدین بر خود جهت فراخی و گشایش فرزند

وَ أَتَيْنَ إِفْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسُهُمَا لِلتَّوَسُّعِ عَلَيَّ!؟

و تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

فراخی روزی حلال

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَوْسِعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از فضلت روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۰/۲۵ و ۱۱

فراخ بودن فضل و بخشش خداوند

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَوْسِعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَأَسْعِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار

ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱

فراخ نمودن سینه بنده، در مقدرات

وَ وَسَّعَ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي

و سینه ام را به احکام (مقدرات) خود، فراخ ساز. ۳/۳۵

روان گرداندن فراخی روزی ها، به سوی بندگان

وَ سَقَى إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

عامل فراخ گشتن تنگی لحدهای بندگان

وَ اَفْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقٍ مَّلَا حِدَانَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان. ۱۴/۴۲

فراهم نمودن تندرستی و فراخی، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى... وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ

و بی نیازی و تندرستی و فراخی را، برایم فراهم ساز. ۱۳۰/۴۷

رحمت خدا، فراخ تر از گناهان بنده

إِنِّي... لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي

ص : ۸۸۱

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است. ۴/۴۸

افزودن فراخی آنچه نزد خداست، برای بنده

وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعِهِ مَا عِنْدَكَ

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزای. ۲۸/۴۸

فرار گریز

فراغت

فراغت تن و سپاس نعمت

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گذاری نعمت خود قرار ده. ۱۴/۵

فراغت، همراه با سلامتی (از آفات)

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهُ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. ۲/۱۱

فراغت در زهد

وَ ارْزُقْنِي... فَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ

و مرا فراغت در زهد، روزی فرما. ۲۷/۲۰

فراغت از جنگ با دشمن

وَ فَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز. ۷/۲۷

چشاندن مزه فراغت، به بنده

وَ ادِّقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ

و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان. ۱۲۵/۴۷

فراق جدایی

فراگیر (شامل)

احاطه و فراگیری علم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

پس سپاس او را، به شماره آنچه علمش - از همه چیزها - به آن احاطه دارد. ۲۷/۱

ملک فراگیر خداوند

يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَ سُلْطَانُكَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرا می گیرد. ۱۰/۶

ص : ۸۸۲

رحمت و علم فراگیر خداوند

أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

تویی آنکه با رحمت و دانش، همه چیز را دربر گرفته ای. ۵/۱۶

شرط مشمول دعای بنده قرار گرفتن

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ...

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

(درخواست) ابری فراگیر

وَ أَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمَغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تَوَسَّعْ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا... طَبَقًا...

و رحمتت را با باران فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری فراگیر.

۱/۱۹ و ۳

فراگیری درخواست بنده، درباره همه دشمنان

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُوكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و دیگر امت های مشرک. ۹/۲۷

احاطه عفو خدا، بر ستمکاران

وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ

و چه بسیار عفو تو که ستمگران را فرا گرفت.

۹/۳۹

رهایی دادن بنده، از احاطه شیطان

وَ إِنْ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

و اگر دشمن تو شیطان، بر ما چیره شده، پس ما را از او رهایی ده. ۱۶/۴۴

نعمت و بخشش فراگیر خداوند

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَىٰ عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَمَّرَهُمْ بِالْمَنِّ وَالطَّوْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را فرا گرفته ای. ۱۸/۴۵

احاطه خدا، بر همه چیز

وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ

و او به هر چیزی احاطه دارد. ۲/۴۷

احاطه نداشتن مکانی، بر خداوند

أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ

تویی آنکه مکانی تو را فرامی گیرد. ۱۶/۴۷

پاداشی فراگیرنده همه پاداش ها

ص : ۸۸۳

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که جزایش همه جزاها را فراگیرد. ۳۶/۴۷ و ۴۲

درودی فراگیرنده درودهای جن و انس

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَإِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و انس و اجابت کنندگان دعوت را شامل شود.

۵۴/۴۷

درودی فراگیرنده همه درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالَفِهِ وَ مُسْتَأْنَفِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

کاستی ای فراگیرنده بنده

وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ... مَنْقَصِهِ تَرْهَقُنِي

و میان من و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز. ۹۹/۴۷

رسوایی فراگیرنده

وَ لَا تَزِمِ بِي رَمِي... مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. ۱۰۴/۴۷

عفو فراگیر الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أَوْءَمُّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي

پس اگر جایگاهی که از بخشایش آرزومندم و هر چیزی را فرامی گیرد نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

قدمت فراگیری عفو الهی

وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایش مرا فراگرفته است. ۴/۵۰

احاطه شدن بنده، به وسیله گناهانش

أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي، وَ أَحَاطَتْ بِي فَأَهْلَكْتَنِي

به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته و مرا فراگرفته تا هلاکم کند، پوش می طلبم. ۸/۵۱

فراموشی

خدا و فراموش نکردن ازدست داده ها

فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها

ص : ۸۸۴

کردند برای آنان از نظر دور ندار. ۷/۴

پذیرش دعوت شیطان ، علی رغم عدم فراموشی بدی های او

وَمَنْ... أَشَدُّ إِفْدَامًا عَلَى الشُّوءِ مَنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمِّي مَنِّي فِي مَعْرِفِهِ بِهِ وَلَا نَسِيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور و در شناخت بدی های او فراموشکار نیستم؟ ۲۳/۱۶

حفظ آنچه بنده فراموش کرده، برای او

وَ اخْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَاهُ

و آنچه فراموشش کردیم برای ما نگهدار.

۱۶/۱۷

عطای خداوند و عدم فراموشی یاد او

و لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده. ۸/۲۱

فراموشی و توفیق انجام واجبات

وَ أَفْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ... ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيْتُهُ

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده. خواه آن را به یاد داشته یا فراموشش کرده باشم. ۶/۲۲

از یاد نبردن پدر و مادر

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي...

خداوندا یاد آنان را بعد نمازهایم، از یادم نبر.

۱۳/۲۴

فراموش کردن شیطان و فراموش نشدن توسط او

لَا يَنْسَىٰ إِنَّ نَسِيْنَا

اگر فراموشش کنیم، او (ما را) فراموش نمی کند. ۶/۲۵

فراموشی و اصلاح حال بنده

وَ اٰمَنُنَّ عَلٰیٰ كُلِّ مَا يُصَلِّحُنِيْ فِيْ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيْتُ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، بر من ارزانی دار. ۹/۲۵

مرزدار اسلام و فراموشی دنیاى فریبنده

وَ اَنْسَاهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعُدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْغُرُوْرَ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیاى فریبنده

ص : ۸۸۵

گول زننده را از خاطرشان ببر. ۴/۲۷

فراموشی دادن قلوب مشرکان، از حيله

وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِخْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

مجاهد مسلمان و از خاطر بردن یاد زن و فرزند

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

۱۳/۲۷

بنده و فراموشی گرفتاری ها

اللَّهُمَّ وَعَلَى... تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيْتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. ۱۸/۳۱

علم فراموشی ناپذیر خداوند

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ... وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی

کند، قرار دارد. ۱۸/۳۱

عدم فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثْرِي، وَ لَا نَسِيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشی کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

فراموشی، سبب ستم نمودن بر خود

اللَّهُمَّ وَ مَا... اِكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَيَّ تَعَمَّدِ مِنَّا، اَوْ عَلَيَّ نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ اَنْفُسَنَا... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم، یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان. ۴۷/۴۵

از خاطر نبردن یاد خدا

وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ

و یاد خود را از خاطرم نبر. ۱۱۴/۴۷

در گروه فراموش شدگان بودن

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي اِذَا... كُنْتُ مِنَ الْمُنْسِيْنَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ

مولای من! هنگامی که مانند کسی که فراموش شده، از فراموش شدگان گردم، به من رحم کن.

۵/۵۳

ص : ۸۸۶

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ قَبْضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورٍ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. ۶/۱

فراوانی نعمت های پیوسته الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا... أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

فراوانی ستم دیدگان قدم بردارنده، در جهت ارجمندی دین خدا

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... مَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ

و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند، پاداش عنایت کن.

۸/۴

بخشش از زیادی عطای خداوند

وَ إِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ

و به درستی که بخشندگان از زیادی عطای تو می بخشند. ۱۱/۵

بی نیازی، به زیادی و فزونی قوت خدا

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند. ۱۱/۵

فراوان ساختن نیکی ها برای بندگان، در هر روز

وَ أَجْزَلُ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ

و در آن روز خوبی ها را برای ما بسیار گردان.

۱۴/۶

کم بودن خواسته بسیار بنده، نزد خدا

وَ عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است. ۱۹/۱۳

دلالت قرآن، بر بخشش های فراوان خدا

إِنَّ ذَلِكَ... لَا يُؤَوِّدُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیار است که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین

ص : ۸۸۷

نمی باشد. ۳۴/۱۶

بسیار نبودن آنچه پایانش نیستی است

فَعَبِيرٌ كَثِيرٌ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

گستراندن رحمت خدا، به باران فراوان

وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

و رحمتت را با باران فراوان از ابر بر ما بگستران. ۱/۱۹

آبی با فراوانی دائم

وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ السَّفَرَةَ. بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ عَزْرُهُ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی باشد - آماده ساز. ۲/۱۹

سیراب شدن، با باران فراوان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْثًا مُغِيثًا... غَزِيرًا

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش و پُر آب، سیراب گردان. ۴/۱۹

وسیله فراوان ساختن دارایی بنده

وَ وَفَّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرِّ كِه فِيهِ

و دارایی ام را با برکت، افزون ساز. ۲۳/۲۰

فراوانی رحمت الهی

وَ لَا اُنَالُ مَا عِنْدَكَ اِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونی رحمت تو. ۶/۲۱

عطای خویشان، همراه با منت و نکوهش فراوان آنها

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَوَائِي حَرْمُونِي، وَإِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا قَلِيلًا نَكِدًا، وَمَنُّوا عَلَيَّ طَوِيلًا، وَذَمُّوا كَثِيرًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محروم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند و بر من منت بسیار نهند و نکوهش فراوان کنند.

۳/۲۲

بزرگی و فراوانی عطای الهی

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَعْفَلْتُهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرٍ مَّا عِنْدَكَ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن.

۷/۲۲

بسیار شمردن نیکویی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدِي وَ بَرِّي بِهِمَا أَفْرًا لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسَّانِ... حَتَّى... أَسْتَكْتِرَ بِهِمَا بِي وَ إِنْ قَلَّ

ص : ۸۸۸

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره خود - اگر چه اندک باشد - بسیار شمارم. ۵/۲۴

کم دانستن نیکویی بسیار خود، درباره والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيْ وَ بَرِي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّى... أَشْتَقِلَّ بَرِي بِهِمَا وَ إِنْ كَثُرَ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره ایشان - اگر چه بسیار باشد - اندک بدانم. ۵/۲۴

فراوان گرداندن روزی فرزندان، به دست والدین

وَ أَدْرِ لِي وَ عَلَي يَدِي أَرْزَاقَهُمْ

و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. ۲/۲۵

فراوان گرداندن بخشش های مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ... أَسْئِعْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز. ۱/۲۷

فراوان ساختن تعداد مرزداران اسلام

وَ كَثُرَ عِدَّتَهُمْ

و بر تعدادشان بیفزای. ۲/۲۷

فراوان ساختن دارایی مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِكَ مَحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ... وَ تَمَّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوت بخش و ثروت هایشان را بیفزای. ۷/۲۷

وسيله رهاندن بنده، از وام

وَ أَجْرَنِي مِنْهُ بِوَسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ

و مرا با ثروت فراوان و روزی کافی، از آن (قرض) نجات ده. ۲/۳۰

منکر احسان بسیار خداوند

تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيراً... كَالْمُنْكَرِ فَضَلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ

با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.

۶/۳۱ و ۷

بسیاری معصیت و نافرمانی بنده

وَ كَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و معصیت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

خوراک جنین، از زیادی خوراک مادر

ص : ۸۸۹

جَعَلْتَ لِي قُوَّتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيَّتَهُ لِأَمَّتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

پناه بردن از آتش، به بسیاری رحمت خدا

وَ أَجْرِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

و مرا به بسیاری رحمت از آن (آتش) ایمن ساز. ۳۲/۳۲

حرمت های بسیار ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمُؤَفَّرَةِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت. ۴/۴۴

تعجب از فراوانی بخشش خدا

مَا... أَسْبَغَ عَلَيْنَا مِنْتَكَ

چه سرشار است بر ما بخشش تو! ۱۸/۴۵

فراوانی آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُرْتَقَاءَ اللَّهِ فِيكَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! ۳۰/۴۵

آرزومندی فراوان دل، به ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِاللَّامِسِ عَلَيْكَ! وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدَا إِلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!.

۴۱/۴۵

ادای اندکی از بسیار، در ماه رمضان

وَ أَدِّينَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

بسیاری بازگشت (مغرور به کرم خدا)، در کیفر

مَا أَطْوَلَ تَرُدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ

چه طولانی است پی در پی بازگشتن او، در کیفرت! ۲۰/۴۶

فراوان تر بودن نعمت خدا، از به شمارش در آمدن

وَ نِعْمَتِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَشْرِهَا

و نعمت تو بیشتر از آنست که تمامش به شماره آید. ۲۳/۴۶

بسیاری احسان خدا

وَ إِحْسَانِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَيْهِ

ص : ۸۹۰

و احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد. ۲۳/۴۶

خدا و عدم فزونی ماندی بر او

أَنْتَ الَّذِي... لَا عِدَلَ لَكَ فَيُكَاثِرُكَ

تویی آنکه همانندی برایت نیست، تا در فزونی با تو رقابت کند. ۲۰/۴۷

یاری شدن کوشنده در بسیاری سپاس

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد. ۳۶/۴۷ و ۴۵

فراوانی سپاس، سبب افزایش نعمت

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۳۶/۴۷ و ۴۸

درودی فراوان، بر محمد صلی الله علیه و آله

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا

و بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد. ۵۱/۴۷

فراوان گشتن بهره محمد صلی الله علیه و آله و آلش، از نعمت ها و سودهای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ... وَ تُوفِّرْ عَلَيْهِمُ الْحِطَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی و بهره ی

آنان را از نعمت ها و سودهای فراوان گردانی. ۵۷/۴۷

فراوانی عطای خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... أُجْزِلَتْ فِيهِ عَطِيَّتُكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای. ۶۶/۴۷

فراوانی محبت خداوند

لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از فزونی دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی. ۱۰۲/۴۷

فراوانی نعمت های الهی

وَ جَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ

و مرا به نعمت های گسترده خود فراپوش.

۱۱۲/۴۷

وَ تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ

ص : ۸۹۱

و فراخی نعمت را بر من تمام کن. ۱۲۸/۴۷

فراوانی نصیب بنده، از احسان خدا

و وَفَّرْ عَلَيَّ حُطُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان. ۱۲۹/۴۷

بسیار نمودن سهم بنده، از بخشش ها

و أَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ

و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن. ۱۲۹/۴۷

فراوان گرداندن نصیب بنده، از نیکی قسمت شونده میان مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَيْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوند! از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی را قسمت می نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

شمار بسیار دشمنان

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... وَحَدَّثْتَنِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مِنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر

(سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی. ۵/۴۹

اقرار به فراوانی نعمت ها

هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النُّعْمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است. ۱۵/۴۹

احسان خدا و فراوان ساختن نعمت

إِلَهِي أَحْمَدُكَ... عَلَيَّ مَا... أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر نعمت که بر من فراوان داشتی. ۱/۵۱

سزاواری سپاس، در برابر بسیاری بخشش

إِلَهِي أَحْمَدُكَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَيَّ... جَزِيلَ عَطَائِكَ عِنْدِي

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من. ۱/۵۱

سزاواری سپاس، در برابر فراوانی نعمت

إِلَهِي أَحْمَدُكَ - وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ - عَلَيَّ... سُبُوغِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ

خدای من، تو را سپاس گزارم و تو شایسته سپاسی، بر فراخی نعمت هایت بر من. ۱/۵۱

عدم فراوانی نعمت، و عدم دست یابی به

بهره خود

و لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّي

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

روشن گرداندن چشم بنده، به نعمت وافر

إِلَهِي... كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابَغَهُ أَقْرَبَتْ بِهَا عَيْنِي

خدای من، چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی! ۳/۵۱

فراوان یافتن نعمت های خدا

وَ وَجَدْتُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. ۵/۵۱

بسیاری اندوه ها

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي... كَثْرَةَ هُمُومِي

ای خدای من، از بسیاری اندوه هایم، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

فراوانی نعمت، علت فریفتگی دل ها

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ... قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که دلش به سبب زیادی نعمت ها بر او، فریفته شده. ۸/۵۲

بسیار دانستن گناهان

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَآلَ مَنْ اسْتَكْتَرَ ذُنُوبَهُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته است. ۸/۵۲ و ۹

بازگشت به فراوانی بخشش خداوند

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُثَبِّتَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاری بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

مرتکب گناهان بسیار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَ أَلِّ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... وَ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و گناهانش بسیار است. ۳/۵۴

فرجام عاقبت

ص : ۱۹۳

فرح شادی

فردا

فردا و سؤال شدن از بنده

وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسَأَلُنِي غَدًا عَنْهُ

و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. ۳/۲۰

فردا و اشتیاق به رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ! وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم! و فردا چه سخت به سوی تو مشتاقیم!

۴۱/۴۵

فرزند

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و جدا شدن از زن و فرزند خود

وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ

و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند. ۴/۴

درود خدا بر فرزندان تابعین اصحاب

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر تابعین و فرزندانشان و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست.

۱۳/۴

فرزندان با ایمان و پناهگاه بازدارنده از شر شیطان

وَ اجْعَلْ... أَوْلَادَنَا... مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ حَافِظٍ، وَ كَهْفِ مَانِعٍ

و فرزندان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار

پناه جستن از خدا، برای خود و فرزندان

وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ...

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده. ۶/۲۳

درود خدا بر محمد صلی الله علیه و آله و فرزندانش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمد و خاندان او و نسل او درود فرست. ۱۲/۲۴

دعا برای فرزندان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَيْتَاءِ وُلْدِي... إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِي صِدْقِيهِمْ، وَ قَوْلِي صِدْقِيهِمْ، وَ أَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتُ بِهِ مِنْ

ص : ۸۹۴

أَمْرِهِمْ، وَ أَدْرِرْ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ. وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتَقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ... اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَ أَقِمْ بِهِمْ
أَوْدِي، وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي، وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَ أَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي، وَ اكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبِي، وَ أَعْنِي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَ اجْعَلْهُمْ
لِي مُحِبِّينَ... وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَ اجْعَلْهُمْ
لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منت گذار. خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان و در مدت عمرشان برایم بیفزا و
خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومند نما و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار و آنان را
در جان و اعضا و کارهایشان - که برای من مهم است - تندرستی ده و برای من و به دست من روزی هایشان را بسیار نما. و
آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان و کجی مرا
به وسیله ایشان راست فرما و تعداد مرا به وسیله آنها بیفزا و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما و یاد مرا به وسیله آنها زنده
گردان و در غایب بودنم، ایشان را جانشین من فرما و در برآمدن حاجتم به وسیله آنان یاری ام ده و آنان را دوستدار من قرار
ده. و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. و از نزد خود

افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار
قرار ده. ۱/۲۵-۵

تربیت، تأدیب و احسان به فرزندان

وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. ۵/۲۵

بخشیدن فرزندان نرینه، به بنده

وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش و آن را برای من خیر قرار ده.

۵/۲۵

پناه دادن بنده و فرزندان، از شیطان

وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده، پناه ده. ۶/۲۵

درخواست از خدا برای خود و فرزندان، و شمول آن درباره مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لِوَلَدِي...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و

ص : ٨٩٥

زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش. ۱۲/۲۵

مجاهد و از خاطر بردن یاد زن و فرزند

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموش ساز.

۱۳/۲۷

فرزند نداشتن و فرزند کسی نبودن خدا

إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ

به درستی که تو تنها یکتای بی نیازی که فرزند نیوردی و زاییده نشدی و هیچ کس مانند تو نبوده است. ۵/۳۵

فرستاده

گرد آمدن با پیامبران مرسل، در بهشت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آیم، در سرای ماندگاری که جاودانی است. ۱۰/۱ و ۱۶

برابری نمودن هیچ پیامبر مرسلی، با محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ... إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّاتِكَ حَتَّى... لَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ... نَبِيٌّ مُرْسَلٌ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند. ۲۴ و ۲۳/۲

درود خدا بر فرشتگان رساننده غیب، به رسولانش

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ حَمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند. ۱۰/۳

درود خدا، بر فرشتگان فرستاده شده بر زمینیان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، به سوی اهل

زمین. ۱۷ و ۱۱ و ۱۰/۳

درود فرستادن خدا، بر فرستادگان

اللَّهُمَّ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا...

ص : ۸۹۶

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما درود فرست. ۲۶/۳

و صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

ایمان واقعی پیروان رسولان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند... ۱/۴

علاقه مندی پیروان رسولان، به ایشان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ... الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ... فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۱/۴ و ۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش، دعوت کننده به سوی خدا

...وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاءَ لَكَ إِلَيْكَ

و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند. ۷/۴

محمد صلی الله علیه و آله ، فرستاده خدا

أَنْتَ أَشْهَدُ... أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ

همانا من شهادت می دهم که محمد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است.

۲۱/۶ و ۲۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. ۱/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست. ۱۸/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ...

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد بنده و فرستاده ات درود فرستی. ۳/۴۸

ص : ۸۹۷

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى...

و درود خدا بر سرور ما، محمد، فرستاده خدا که برگزیده است باد. ۹/۵۴

مهتر فرستادگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ...

خداوندا بر محمد - آخر پیامبران و سرور فرستادگان - درود فرست. ۱۵/۱۷

زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ...

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت. ۴/۲۳

به پا کننده جنگ، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ اَعْدُنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِاهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ

و من و فرزندانم را از شر هر جن و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده. ۶/۲۳

رسولان گرامی، در جایگاه های حاضران، در آخرت

اللَّهُمَّ وَ اِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ

دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الشَّاهِدِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان

ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

نفرستادن آفت، بر روزی بندگان

وَ لَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَعَايِشَنَا عَاهَةً

و زبانی بر معیشت ما نفرست. ۲/۳۶

فرستادن ابرها، از روی خشم الهی

اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتُ... أَرْسَلْتَهَا سَخَطَهُ فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم. ۳/۳۶

پیامبران مرسل، بهره مند از پاداش الهی

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی. ۲۲/۴۲

ص : ۸۹۸

نماز و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَهُ... الْمَوْءَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو قرار داد - به جا آورده اند. ۹/۴۴

پیامبران مرسل، و عبادت در رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ... مِنْ مَلَائِكَةِ قَرْبَتِهِ، أَوْ نَبِيِّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

درود فرستادگان خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُولِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که دروهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان تو را فراگیرد. ۵۴/۴۷

عامل برپایی سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله

وَ أَقِمَّ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِكَ

و روش های پیامبرت را به وسیله او (ولی خود) به پا دار. ۶۲/۴۷

تقرّب جستن به خدا و رسولش

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ... وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرّب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا دروهایت را بر او و خاندانش بفرست - قرار ده. ۶۳/۴۷

تصدیق کنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ... التَّصْديقِ بِرَسُولِكَ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت قرار ده. ۱۲/۴۸

تکذیب رسل، و عدم کاهش فرمانروایی خداوند

سُبْحَانَكَ لَا يَنْفُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ... كَذَّبَ رُسُلَكَ

پاک و منزهی! کسی که پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد. ۳/۵۲

تصدیق نمودن فرستادگان خداوند

وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ

و پیامبرانت را تصدیق نمودم. ۶/۵۲

ص : ۸۹۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، تسبیح کننده خدا با نام بزرگش

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

فرشته

سپاسی تنگ کننده جا بر فرشتگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نَزَّاحًا بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرب تنگ نمایم. ۱۰/۱۶ و ۱۰/۱

نزدیک ترین فرشتگان الهی و ستودن خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَذُنِي مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ...

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که نزدیک ترین فرشتگانش، او را ستوده اند. ۲۵/۱

برابری نکردن هیچ فرشته مقربی ، با پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى... لَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشتت بالا بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقربی با او برابری نکند.

۲۴ و ۲۳/۲

درود خدا بر فرشتگان و بیان ویژگی، اسما و مسؤولیت ایشان

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ لَا يَقْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و حاملان عرش که از تسبیح تو سستی نمی کنند، پس بر آنها درود فرست.

۱/۳ و ۶

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

اسرافیل، صاحب صور، پس بر آنها درود فرست. ۲/۳ و ۶

مِكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

میکائیل که نزد تو دارای مقام والا است، پس بر آنها درود فرست. ۳/۳ و ۶

وَ جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و جبرئیل که امین وحی توست، پس بر آنها درود فرست. ۴/۳ و ۶

وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده، پس بر آنها درود فرست. ۵/۳ و ۶

وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى

ص : ۹۰۰

الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَيَّ رِسَالَاتِكَ

و روح، که از عالم امر تو می باشد، پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، در آسمان هایت ساکنند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند. ۶/۳

وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، پس بر ایشان درود فرست. ۷/۳ و ۱۰/۳

الْحُشْعَ الْأَبْصَارِ فَلَا يَزُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست. ۸/۳ و ۱۰/۳

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَيَّ جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَيَّ أَهْلِي مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ. فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و همانهایی که چون دوزخ را می نگرند که بر گنهکاران شعله می کشد، گویند: «منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم»، پس بر ایشان درود فرست. ۹/۳ و ۱۰/۳

... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

... پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان. ۱۰/۳

... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

... پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای. ۱۰/۳ و ۱۱/۳

... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ عَلَيَّ أَرْجَاهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ وَعْدِكَ

... پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایت، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود. ۱۰/۳ و ۱۱/۳ و ۱۲/۳

... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ... خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ

... پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرند.

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود.

۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَمُسَيِّعِي التَّلْجِ وَالْبَرَدِ...

ص : ۹۰۱

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و تگرگ. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۵

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مَتَاقِيلَ الْمِيَاهِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها را به آنان شناسانده ای. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۶

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، به سوی اهل زمین.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۷

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ السَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوار نیکوکار. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۸

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و

آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۹

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنان که (به بهشتیان) می گویند: درود بر شما، به پاس بردباری ای که نمودید، پس چه نیکوست فرجام این سرای. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۰

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الزَّبَانِيَةِ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ. ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ يُنْظَرُوهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و آن پاسبانانی که چون به آنها گفته شود: او را بگیرد و در زنجیرش کشید، سپس به دوزخ افکنید، به سرعت به او حمله برند و مهلتش ندهند. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۱

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ...

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را

نبردیم. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۲

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ، وَمَنْ

ص : ۹۰۲

مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب و هر کدام از آنان که بر خلق مشغولند.

۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۳

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید.

۲۴/۳

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید. ۲۵/۳

فرشتگانی با مرتبه ای پایین تر از دیگران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند. ۶/۳

درود خدا بر روحانیون از فرشتگان الهی

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان. ۱۰/۳

اصناف گوناگون فرشتگان مختص خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای. ۱۰/۳ و ۱۱

بی نیازی فرشتگان از خوردن و آشامیدن

وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای. ۱۱/۳

درود خدا، بر فرشتگان و رسولانش

اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

رساندن درود بندگان، به فرشتگان

اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا...

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی و درود ما را به ایشان رساندی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر

ص : ۹۰۳

(زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

قرار دادن گواه صادقی از فرشتگان، برای بندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگان قرار ده.

۱۶/۶

جای دادن فرشتگان، در آسمان و زمین

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ

و آسمان و زمین و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگان را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

فرشتگان و آب رسانی به بندگان

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۲/۱۹

یاری دادن مرزداران اسلام، به فرشتگان

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ مِنْ عِنْدِكَ مُؤَدِّينَ

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. ۸/۲۷

برانگیخته شدن لشکری از فرشتگان، علیه مشرکان

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگان بفرست.

۱۱/۲۷

فرشتگان مقرب، در جایگاه گواهان (در قیامت)

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمَكْرَمِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان
ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

فرشته مرگ و گرفتن جان ها

وَ تَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد. ۱۳/۴۲

اعمال فرشته مرگ

وَ تَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَائِبِ بِأَسْهُمِ وَحْشِهِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ
كَأَسَا مَسْمُومَةَ الْمَذَاقِ

ص : ۹۰۴

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد. ۱۳/۴۲

بهترین پاداش داده شده به فرشته مقرب را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادن

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی. ۲۲/۴۲

فرود آمدن فرشتگان و روح، در شب قدر

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

فرشتگان، و آوردن طاعات بنده به درگاه خدا

و وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّائِكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با

اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاهت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که به سوی تو انجام می دهیم. ۱۰/۴۴ و ۱۱/۴۴

درخواست از خدا، به حقّ فرشته مقربش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ... مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

درود بر فرشتگان مقرب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّنا وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقربیت درود فرستادی. ۵۶/۴۵

درودی جمع کننده درودهای فرشتگان

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ...

پروردگاز من، بر محمد و خاندانش درود

ص : ۹۰۵

فرست، درودی که درودهای فرشتگان تو را فراگیرد.

۵۴/۴۷

یاری شدن ولی خدا، به وسیله فرشتگان

وَ أَنْصُرُهُ بِمَلَائِكَتِكَ

و با فرشتگانت یاری اش نما. ۶۱/۴۷

فرصت

کمین گرفتن ستمگر و فرصت مناسب شکار

وَ كَمْ مِنْ بَاقٍ... أَضْبَأَ إِلَىٰ إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ أَنْتَظَرًا لِأَنْتَهَازِ الْفُرْصَةَ لِفَرِيْسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست. ۷/۴۹

فرقان

قرآن، فرقان و جداکننده حق و باطل

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَفَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرمت را جدا کردی. ۲ و ۱/۴۲

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرورستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حق از باطل) است. ۳/۴۴

آشکار گشتن حق، با فرقان الهی

مَا... أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ!

چه آشکارکننده حق است کتاب فرق گذار (قرآن) تو! ۲۲/۴۷

فرمان احکام

عدم تردید در فرمان الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَبَبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت. ۱۰/۱

حکمت فرمان های الهی

ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا

سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید. ۲۱/۱

آماده شدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، برای انجام امر الهی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ... كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ

ص : ۹۰۶

خداوندا بر محمد - امین و حیت - درود فرست، همچنان که او برای فرمان تو خود را به تلاش انداخت. ۳/۲ و ۴

فرشتگان و اختیار نمودن کوتاهی در امر خدا

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ... لَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ

خداوندا و حاملان عرش که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند... ۱/۳

اسرافیل، منتظر فرمان خدا

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَحُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست.

۲/۳

توفیق امر به معروف

وَفُقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و امر به معروف، توفیق ده.

۱۸/۶

یاری نطلبیدن از حکم کننده ای، جز خدا

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. ۱۱/۱۴

فرمان خدا، به دعا

أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْدُعَاءِ

من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. ۱۳/۱۶

لَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ

دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده ای. ۹/۲۵

اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداوند، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده‌ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده‌ای، اطاعت کرده‌ام. ۱۱/۳۱

وَدَعَوْتُكَ بِأَمْرِكَ

و به فرمانت، تو را خواندند. ۱۶/۴۵

فرمانبری از فرمان خدا، به دعا و لبتیک به آن

أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ

من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می‌کنم و گوش به فرمانم. ۱۳/۱۶

اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ

ص: ۹۰۷

خداوند، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده ام. ۱۱/۳۱

فرمان دشمنی کردن با شیطان

نَأْمُرُ بِمَنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم. ۱۴/۱۷

حکم کردن بنده، به زیان خود

مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم. ۱۵/۲۰

نبودن فرمانی با فرمان خدا، برای بنده

لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ

با فرمان تو، مرا فرمانی نیست. ۶/۲۱

فرمان خدا، به اطاعت از خود

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی بِالصَّحٰهِ... وَ الْقُوَّةَ عَلٰی مَا اَمَرْتَنِيْ بِهٖ مِنْ طَاعَتِكَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت - که مرا به آن فرمان داده ای - بر من منت گذار.

۳/۲۳

فرمان الهی و رغبت به پاداش

فَاِنَّكَ... اَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا وَ رَغَبْتَنَا فِيْ ثَوَابِ مَا اَمَرْتَنَا

همانا تو ما را امر و نهی نموده ای و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان داده ای. ۶/۲۵

کوتاهی بنده، به انجام فرمان خدا

فَقَصَرَ عَمَّا أُمِرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا

پس با سهل انگاری، از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده. ۶/۳۱

کردار زشت، و فرمان الهی

اسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ... قَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. ۹/۳۱

فرمان دادن خدا و ترک فرمان او

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم. ۱۶/۳۲

تسلیم شدن در برابر فرمان الهی

وَأَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرِيعَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی،

قرار ده. ۲/۳۳

آگاهی از فرمان الهی و تجاوز از آن

ص : ۹۰۸

كَمْ... أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ

چه بسیار امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدی نمودیم. ۲/۳۴

فرمان خدا به شنیدن سخنان محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ

و همان طور که فرمان داده ای ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده. ۵/۳۴

سریچی از امر خدا و عدم شتاب او در کیفر نافرمان

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَالْمُؤَاقِعَ نَهْيِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ

و اما آنکه امر تو را سریچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی. ۱۴/۳۷

نگه داشتن بنده و فرمان خدا

قِنِي مَا يُوجِبُ لَهُ حُكْمَكَ، وَ خَلِّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ

مرا از آنچه حکم تو را واجب می گرداند، نگهدار و از آنچه عدل تو را حکم می کند، خلاص گردان. ۵/۳۹

پیامبر صلی الله علیه و آله ، بیان کننده فرمان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا... صَدَعَ

بِأَمْرِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه فرمانت را با صدای رسا بیان کرد. ۱۷/۴۲

فرمان خدا، به روزه ماه رمضان

فَصُومْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ

پس به فرمان تو روزه را روزه گرفتیم.

۲۱/۴۵

مهلت خدا و بازگشت بنده به فرمانش

إِنَّمَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَيَّ أَمْرِكَ

همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو باز گردند. ۱۷/۴۶

بازگشت گفتار و کردار بندگان، به فرمان خدا

كُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَيَّ حُكْمِكَ، وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَيَّ أَمْرِكَ

همه ایشان به حکم تو می رسند و کردارشان به فرمان تو خواهد رسید. ۱۸/۴۶

برگزیدگان خدا، برای فرمان او

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی.

۵۶/۴۷

ص : ۹۰۹

دوستان ائمه عليهم السلام ، تسليم فرمان ایشان

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمْ... الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که تسليم شدگانِ فرمان ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

خلاف فرمان خدا عمل کردن

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت مخالفت نموده، به نهیت شتافت. ۶۸/۴۷

آمدن به درگاه خدا، از درهای فرمان داده شده

وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از

آنها وارد شوندم، نزد تو آمده ام. ۷۲/۴۷

فرمان خدا و پیشی گرفتن به نیکی ها

وَ سَهَّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمَسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان. ۹۴/۴۷

برگزیدگان خدا و تغییر یافته دیدن حکم الهی

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند که احکامت تغییر یافته است.

۹/۴۸

حکم خدا و درخواست بنده

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ أَرِدُهُ وَ قَدَرُهُ وَ أَقْضِهِ وَ أَمْضِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدر کن و فرمان

ده و اجرا کن. ۲۸/۴۸

حکم خدا و خیر بنده

خِرْلِي فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ

به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده. ۲۸/۴۸

نپسندیدن حکم خدا، و عدم توانایی بر بازگرداندن فرمانش

لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند. ۳/۵۲

ص : ۹۱۰

فرمان خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله ، جهت تسبیح او به اسم عظیم

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

یقین داشتن به نفوذ امر الهی

أَسْأَلُكَ... يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو یقین پیدا کند، سود می دهی. ۳/۵۴

ویژگی های فرمان خدا:

أ. بر اساس عدالت بودن

أَنْنِي أَشْهَدُ أَنَّكَ... عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ

همانا من شهادت می دهم که تو دادگر در حکمی. ۲۱/۶

مَا أَقْنَطُهُ مِنْ سُهُولَةِ الْمَمْرِ - خَرَجَ عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ

چه ناامید است از به آسانی رهایی یافتن! (همه گرفتاری هایش) از روی عدل در حکم

توست، که در آن ستم نمی کنی. ۲۰/۴۶

أَنْتَ الَّذِي... قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ

تویی آنکه قضاوت کردی و قضاوتت از روی عدل بود و حکم دادی و حکمت از روی انصاف بود. ۱۵/۴۷

ب. شمول آن به هر چه و هر که خدا اراده کند

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ

بدرستی که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی.

تَحْكُمُ بِمَا شِئْتَ عَلَىٰ مَنْ شِئْتَ، وَتَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ

به هر چه خواستی، بر هر کس خواستی، حکم می کنی و به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی. ۵/۳۶

ج. اجرا گشتن

مَا ضِ فِي حُكْمِكَ

حکم تو درباره من جاری است. ۶/۲۱

مَا... أَنْفَذَ أَمْرَكَ

چه نافذ است فرمانت! ۴/۵۲

د. نیکو بودن

ص : ۹۱۱

قَضَاوُءُكَ خَيْرَةٌ

فرمانت خیر است. ۴/۴۵

ه. هادی و راهنما بودن

أَمْرُكَ رَشْدٌ

فرمانت هدایتگر است. ۲۸/۴۷

و. لازم و واجب بودن

قَضَاوُءُكَ حَتْمٌ

فرمانت واجب است. ۲۹/۴۷

ز. مغلوب نگشتن

لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ

فرمان تو مغلوب نمی شود. ۹/۴۸

ح. بر اساس ستم بودن

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ

دانسته ام که در فرمان تو ستم نیست.

۱۵/۴۸

فرمانبری

فرمانبری مخلوقات از انسان، به قدرت الهی

فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ

پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما

فرمانبردارند. ۱۸/۱

به اطاعت بندگان در آمدن مخلوقات

فَكُلُّ خَلْقَتِهِ... صَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ

پس به عزت او، همه آفریدگانش به اطاعت از ما درمی آیند. ۱۸/۱

آزمایش طاعت و فرمانبری بندگان

...أَمْرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا

ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید.

۲۱/۱

سپاسی پشتیبان طاعت و فرمانبری بنده

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ وَضَلَّهُ إِلَى طَاعَتِهِ... وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که به سوی طاعت او پیوند خوریم و پشتیبانی بر طاعتش باشد.

۲۷/۱ و ۲۹

اطاعت میکائیل، از خدا

مِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد. ۳/۳

فرمانبری آسمانیان، از جبرئیل

ص : ۹۱۲

جَبْرِيلُ... الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ

جبرئیل فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است. ۴/۳

فرمانبری تابعین اصحاب، از خدا

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر تابعین و بر هر کسی از آنها که فرمان تو را برده، درود فرست. ۱۳/۴

نگرش خدا به عملکرد بندگان، در اوقات طاعت

يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ

می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند.

۷/۶

هدایت کننده به اطاعت خداوند

احْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ

ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و به فرمانبرداریت راهنمایی کند. ۱۷/۶

فرمانبری اشیا، به اراده خدا

فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُوءْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخت فرمانبرداریت. ۳/۷

بزرگ داشتن فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی. ۱/۸ و ۲

فرمانبری از خدا، عامل نجات فرمانبران

يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ

ای که اطاعت او برای فرمانبران رهایی است.

۱/۱۱

اندام بندگان و اطاعت خداوند

وَ اشْغَلْ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ

و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز. ۱/۱۱

ایستادن فرمانبردار خوار، به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي. وَاقِفٌ بِنَابِ عِزِّكَ وَوَقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. ۴/۱۲

فرمانبری از خدا، تنها به وسیله خودداری از معصیت

مُقَرَّرٌ لَكَ يَا بَنِي لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتُ إِحْسَانِكَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْيَانِكَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با

ص: ۹۱۳

خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام. ۵/۱۲

تندرستی و توفیق اطاعت خدا

قَوِّئِنِّي مَعَهَا عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی. ۳/۱۵

سستی بیداری بنده، هنگام فرمانبری خدا

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أضعفُ عند طاعتِكَ تيقظًا... مِنْ أَنْ أُحصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذِكْرَ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

گماشتن بنده، به فرمانبری

وَ اسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ

و به طاعت خود بگمارم. ۳۳/۱۶

شیطان و گمراه کردن بندگان، از اطاعت خدا

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يُطْمَعِ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷ و ۲

عدم فرمانبری از شیطان

لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش نبریم. ۱۴/۱۷

فرمان به دشمنی با شیطان

نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

هر که فرمان ما را پیروی کند، به دشمنی او فرمان دهیم. ۱۴/۱۷

فرمانبری از به راه راست آورنده بنده

وَفَقْنِي لِبَطَاعِهِ مَنْ سَدَّدَنِي

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند، توفیق ده. ۸/۲۰

گماشتن بنده، به فرمانبری از خدا

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. ۲۹/۲۰

فرمانبری خدا، و نائل آمدن به آنچه نزد اوست

لَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ

نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو. ۶/۲۱

دل بنده و فرمانبری از خدا

ص: ۹۱۴

فَرَّغَ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَ اشْغَلَهُ بِدِكْرِكَ، وَ انْعَشَهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَ قَوَّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَ أَمَلَهُ إِلَى طَاعَتِكَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به یادت مشغول دار و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن و به رغبت به سوی خود، توانایی ده و به طاعتت متوجه ساز. ۱۰/۲۱

خو گرفتن با فرمانبران خداوند

هَبْ لِي الْاُنْسَ بِكَ وَ بِاَوْلِيَائِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش. ۱۱/۲۱

توفیق انجام فرمانبری واجب شده

وَ اقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا اَلَزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِكَ

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.

۶/۲۲

سبب عمل به طاعت خدا

وَ اَرْزُقْنِي التَّحْفُظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ... حَتَّى اَكُونَ... عَامِلًا بِطَاعَتِكَ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، روزی ده، تا عامل به طاعتت باشم.

۱۳/۲۲

فرمان خدا، به اطاعت بنده از او

وَ اَمْنُنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ... وَ الْقُوَّةِ عَلَيَّ مَا اَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت - که مرا به آن فرمان داده ای - بر من منت گذار.

۳/۲۳

توانایی داشتن به فرمانبری از خدا

وَ اَمْنُنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ... وَ الْقُوَّةِ عَلَيَّ مَا اَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعت - که مرا به آن فرمان داده ای - بر من منت گذار.

۳/۲۳

چگونگی فرمانبری والدین، در نظر فرزند

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بَرِي بِهِمَا أَفْرَأَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْطَانِ، وَ أَثْلَجَ لِبَدْرِي مِنْ شَرِّهِ الظَّمَانِ...

و اطاعت از پدر و مادر و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر و برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. ۵/۲۴

فرمانبری فرزندان، از خدا

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا اتَّقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ

و آنان (فرزندانم) را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. ۳/۲۵

فرمانبری فرزندان، از پدر و مادر

ص : ۹۱۵

وَاجْعَلْهُمْ لِي... مُطِيعِينَ

و آنان را فرمانبر من قرار ده. ۴/۲۵

اطاعت خدا و توفیق یافتن بنده به خیر و صواب

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُؤَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفق گشته اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱/۳۱

به درگاه خدا آمدن، در حال فرمانبری

اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده

ام. ۱۱/۳۱

نیت بنده و اطاعت خداوند

اللَّهُمَّ وَتَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي

خداوندا و نیت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار. ۱۳/۳۱

اندک شمردن فرمانبری از خدا

قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدْتُ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

فرمانبری نفس، از شیطان

فَأَنَا أَشْكُو... طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ

پس از اطاعت نفسم از او، به تو شکایت می کنم. ۲۷/۳۲

سپری شدن عمر بنده در راه فرمانبری از خدا

وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَ عُمْرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی.

۲۸/۳۲

آتش دوزخ و فرمانبری از او

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اشْتَسَلَمَ إِلَيْهَا

خداوند، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و فرمانبردار او گردد، نیست.

۲۹/۳۲ و ۳۰

فرمانبری از مشیت و خواست خدا

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ

ص : ۹۱۶

کردن نهی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما. ۵/۳۳

قرار گرفتن در زمره فرمانبران پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ

و ما را در برابر ایشان گوش به فرمان و مطیع قرار ده. ۵/۳۴

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ

و از فرمانبران او قرارمان ده. ۲۰/۴۲

اطاعت از خدا، عامل شریف گشتن بنده

فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گرداند. ۴/۳۵

رعد و برق، و فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَغِيَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعت می شتابند.

۱/۳۶

تلاش در جهت فرمانبری خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد. ۲ و ۱/۳۷

عابدترین بندگان، و فرمانبری خداوند

وَ اعْبُدْهُمْ مَقْصُرًا عَنْ طَاعَتِكَ

و عابدترین آنان از اطاعتت، مقصر است.

۳/۳۷

پاداش خدا، به فرمانبری کم

تُثِيبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ

بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی.

۶/۳۷

پاداش الهی و به فرمانبری خدا در آمدن

وَ أَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند. ۷/۳۷

فریب شیطان و اطاعت بندگان از خداوند

فَلَوْ لَأَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

رفتار خدا، با فرمانبردارش

فَسُبْحَانَكَ مَا أُبَيِّنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلِهِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ...

پس منزهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی

ص: ۹۱۷

کرده است. ۱۰/۳۷

پاداش خدا به فرمانبران

تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ

از فرمانبر در آنچه تو برایش فراهم نموده ای، تشکر می کنی. ۱۰/۳۷

لَوْ كَافَاتِ الْمُطِيعِ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقِدَ ثَوَابَكَ، وَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ

اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از دستش می رفت.

۱۲/۳۷

عطا به فرمانبر و گنهکار، با وجود عدم شایستگی آنها

أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود. ۱۱/۳۷

روزی، و توانایی یافتن بر فرمانبری خدا

لَمْ تَسْمُهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. ۱۳/۳۷

فرمانبری نمودن از خدا

...هَذَا يَا إِلَهِي حَالُ مَنْ أَطَاعَكَ

...ای خدای من، این وضعیت کسی است که از تو اطاعت نموده. ۱۴/۳۷

میراندن بندگان، در حال فرمانبری

أَمِتْنَا... طَائِعِينَ غَيْرِ مُشْتَكِرِينَ

ما را فرمانبرداران بی اجبار، بمیران. ۵/۴۰

قرار گرفتن در زمره اطاعت کنندگان خدا

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمَ آيَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

ماه، آفریده ای فرمانبردار

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ

ای آفریده فرمانبردار. ۱/۴۳

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّفُصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ... فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفت. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی. ۲/۴۳

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

أَتَمِّمَ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْإِمْنَةَ

با کامل کردن طاعت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان. ۷/۴۳

ص : ۹۱۸

فرشتگان، و آوردن طاعات بندگان به درگاه خدا

و وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّائِكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاہت نیاورد، مگر کمتر از طاعت های گوناگونی که برای تو انجام می دهیم.

۱۱ و ۱۰/۴۴

کوشایان در اطاعت خدا

أَوْجِبَ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجِبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالِغَةِ فِي طَاعَتِكَ

برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان. ۱۲/۴۴

رمضان و فرمانبری از خدا

زَيْنَ أَوْقَاتِهِ بِطَاعَتِنَا لَكَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

۱۷/۴۴

پذیرفتن بازگشت به طاعت، از توّابین

اجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ... قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ

ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که

بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای. ۵۴/۴۵

فرمانبری همه آفریدگان، برای تسلیم در برابر خدا

انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ

همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند. ۲۶/۴۷

درود فرمانبران خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ... أَهْلِ طَاعَتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرمانبران تو را فراگیرد. ۵۴/۴۷

وجوب فرمانبری از امام عصر خود

وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

و فرمانبری او را واجب گرداندی. ۶۰/۴۷

فرمانبران ولی خدا

اجْعَلْنَا لَهُ... مُطِيعِينَ

ما را برای او فرمانبران قرار ده. ۶۳/۴۷

دوستان ائمه علیهم السلام و فرمانبریشان از ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ أَوْلِيَائِهِمْ... أَلَمْ... جَاهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که کوشش کنندگان

ص : ۹۱۹

در طاعت ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

درخواست از خدا، و گستاخی فرمانبران

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِيًا بِدَالِهِ الْمُطِيعِينَ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال. نه از روی بلندی خواهی به گستاخی و اعتماد فرمانبران. ۷۴/۴۷

پیوستگی اطاعت نمودن از پیامبر صلی الله علیه و آله، به فرمانبری خدا

بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ... تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

به حق کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

۸۶/۴۷

سرپرستی خدا، از اطاعت کنندگان

تَوَلَّيْتُ بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ

مرا سرپرستی کن همانگونه که فرمانبران و نزدیکان و منزلت دارندگان را سرپرستی می کنی.

۸۷/۴۷

دل بنده و اطاعت کنندگان خداوند

خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ

دل مرا به سوی آنچه اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، متوجه ساز. ۹۲/۴۷

فرمانبری بنده، از خدا

فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ

همانا من فرمانبردار تو هستم. ۱۱۶/۴۷

سیراب شدن دل، با طاعت الهی

أَشْرِبُ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ

دلم را هنگام غفلتِ عقل ها، به طاعت خود سیراب کن. ۱۳۰/۴۷

تقسیم عمل به طاعت، در بین مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ... عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هر گاه میان بندگان با ایمانت، عمل به طاعت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

امامان و وجوب فرمانبری از ایشان

اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ... التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ

مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده. ۱۲/۴۸

ص : ۹۲۰

عدم افزایش پادشاهی خدا، با فرمانبری فرمانبران

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَذْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید. ۶/۵۰

عمل کننده ترین بندگان، به طاعت الهی

وَ أَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. ۲/۵۲

فرمانروایی پادشاهی

فروتن و خوار

بنده فروتن و خوارِ خداوند

فَأِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

پس به درستی که من بنده بینوا و زار توام.

۷/۲۱

دَعْوَتُكَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا... إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا و فروتنِ درگاه تو هستم. ۹/۵۱

فروتنی و خواری به درگاه خدا، و طلب قرب او

وَ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتَّبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّدَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو را، در پی آن روانه

ساخته ام. ۷۳ و ۷۲/۴۷

فروتن و خوار شدن، جهت قصاص خود

هَذِهِ يَدِي وَ نَاصِيَّتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن و خوار می شوم. ۴/۵۳

فروتنی

فروتنی فرشتگان، در پیشگاه عظمت الهی

الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيَاءِكَ

در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند.

۸/۳

توفیق فروتنی

أَلْبَسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... خَفَضِ الْجَنَاحِ

زیور پرهیزکاران را در فروتنی، به من بیوشان.

۱۰/۲۰

ص : ۹۲۱

فقر و فروتنی برای درخواست از غیر خدا

لَا تَفْتِنِّي... بِالْخُضُوعِ لِسُوءِ آلِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

همسایگان و فروتنی با آنها

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَلَيْنُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعًا

و خداوندا مرا بر آن دار که فروتنانه، با آنها نرمی و مدارا کنم. ۳/۲۶

با فروتنی دیده به زمین دوختن

فَمَثَلُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا، وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده و دیده اش را با فروتنی به زمین دوخته. ۹/۳۱

برشمردن گناه، با فروتنی

عَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا

با خشوع، - از گناهانش - آنچه تو شماره آن را بهتر می دانی شمرده. ۹/۳۱

آشکار نمودن راز برای خدا، با خشوع

أَبْنَيْكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا

با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده. ۹/۳۱

با تنی فروتن و گردنی افتاده، پیش خدا

آمدن

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده، پیش روی توست. ۱۹/۳۲

فروتنی برای آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَمَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۲۹/۳۲ و ۳۰

به جا آوردن نماز، در نهایت خشوع

أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنَزِلَهُ... الْمَوْءِدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهَ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ... عَلَى... أَتَيْنَ الْخُشُوعَ وَ أَبْلَغِهِ

ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو قرار داد - با روشن ترین و نهایی ترین خشوع به جا آورده اند. ۹/۴۴

شب های ماه رمضان و فروتنی برای خدا

أَعِنَّا... فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ

ما را در شبش بر نماز و زاری به درگاہت و خشوع برای تو، یاری نما. ۱۷/۴۴

ص : ۹۲۲

تواضع در برابر خدا

خَضَعَ لَكَ مِنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ

هر که در علم تو قرار گرفت، برای تو فروتن گشت. ۲۶/۴۷

فروتنی، برای عظمت و بزرگی خدا

خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ

آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. ۲۶/۴۷

فروتنی بنده، در پیشگاه خدا

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا

اینک منم در پیشگاه تو، فروتن، متواضع، ترسان. ۶۹/۴۷

فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ

پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. ۴/۵۰

خلوت با خدا، و فروتن گشتن بنده

وَ صَغِنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ

و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان.

۱۱۸/۴۷

مهربان گرداندن دل بنده، با فروتنان

اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ

دلم را بر فروتنان مهربان گردان. ۱۲۷/۴۷

خاضع ترین افراد، در درگاه خدا

وَ أَخَضَّهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. ۲/۵۲

درخواست عبادت فروتنان

أَسْأَلُكَ... عِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ

پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

فروود

فروود آمدن فرشتگان، با دانه های باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فروود آمدگان به همراه قطره های نازل شده

باران. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

فروود آمدن کیفر

نُعُوذُ بِكَ مِنْ... حُلُولِ الْعِقَابِ

پناه می بریم به تو از فروود آمدن کیفر. ۹/۸

فروود آمدن و خم شدن، برای خدا

قَدْ تَطَّأْتَ لَكَ فَانْحِنِي

با حال فروتنی برای تو خم شده. ۹/۱۲

ص : ۹۲۳

سر فرو آوردن، برای عزّت و بزرگی خدا

...وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلاً

...و با خوارى برای عزّت سرش را به زیر افکنده. ۹/۳۱

فرود آمدن هر چیز، پیش از رسیدن به پایان ملک خدا

وَ اشْتَعَلَى مُلْكَكَ عُلوّاً سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

فرود آوردن بنده، در میان بهشت

أَحْلَلْنِي بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ

مرا در میان بهشتت فرود آور. ۱/۴۱

فرود آمدن در خانه پوسیده (قبر)

بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى

فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

فرود آمدن فرشتگان، در شب قدر

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ... عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان،

بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

فرود آمدن به درگاه غیر خدا

وَ ضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ

و آنان که بر درگاه جز تو فرود آمدند، ضایع شدند. ۱۳/۴۶

فرود آمدن بلا

أَعِزَّنِي... مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

مرا از فرود آمدن بلا پناه ده. ۱۱۹/۴۷

فرود آوردن حاجت، به درگاه الهی

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِاَيِّقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ اِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ

و شبم را با بیدار ساختم برای بندگی ات، و فرود آوردن حاجت هایم به (درگاه) تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

فرود آوردن بی چیزی خود به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي وَ مَسْكَتِي

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم. ۴/۴۸

فرود آمدن در درّه های نابودی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ

در درّه های نابودی فرود آمدم. ۲/۴۹

ص : ۹۲۴

فرود آمدن در عقوبت الهی

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَبَحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ

در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده، در عقوبت هایت فرود آمدم. ۲/۴۹

فرود آمدن ستمگر، در دام خود

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَعَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ... وَقَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي - لَوْ لَا رَحْمَتُكَ - مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کننده بود)، سرنگون نمودی. و اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود بر من فرود آید، آنچه بر خودش فرود آمد. ۸/۴۹

فرورفتن

فرورفتن هیچ اندامی، در نافرمانی خدا

لَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوزًا فِي مَعْصِيَتِكَ

اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

سبب پاکی بنده، از بدی های فرورفته در آنها

...أُمَّ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَّضْتَنِي بِهَا... تَطْهِيرًا لِمَا

انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد.

۴/۱۵

فرورفتن در نادرستی

مَنْ أَبْعَدُ عَوْرًا فِي الْبَاطِلِ... مَنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ...

چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟

۲۳/۱۶

فرورفتن در تمجید خداوند

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي... ذَهَابًا فِي تَمَجِيدِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، فرورفتن در بزرگ دانستنت را قرار ده. ۱۳/۲۰

به زمین فروردن شهرهای مشرکان

وَ اَزِمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ

و شهرهایشان را در زمین فروردن. ۱۲/۲۷

عامل بازدارنده زبان ها، از فرورفتن در باطل

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ

ص : ۹۲۵

غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرِسًا

قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده. ۱۰/۴۲

فروریختن

درخواست آنچه موجب ریختن گناهان والدین است

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى... فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان قرار ده. ۸/۲۴

فرو ریختن سنگین باری گرفتاری ها، از بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبَعَاتٌ... فَعَوِّضْ مِنَهَا أَهْلَهَا، وَ اِخْطُطْ عَنِّي وَ زَرْهَا

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است. پس صاحبانش را عوض ده و سنگین باری اش را از من بیفکن. ۱۸/۳۱

فروریختن گناهان و درخواست آمرزش

اللَّهُمَّ... إِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِّلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

خداوندا اگر درخواست آمرزش سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

عامل فروریختن بار سنگین گناهان

وَ اِخْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز. ۹/۴۲

فرو نهادن نهی شده ماه رمضان

اسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ

ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار. ۴۷/۴۵

فروش

خدا و نفروختن نعمت هایش

يَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعْمَهُ بِالْأَثْمَانِ

ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد.

۳/۱۳

فروغ روشنی

فروفروستادن نزول

ص : ۹۲۶

خدا، و رسیدن به فریاد فریادرس خواه

وَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَهُ مَنِ اسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ مَنِ اسْتَعَاثَ بِكَ

و شبیه ترین چیزها به اراده ات و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت طلبیده و کمک به کسی است که از تو فریادرسی خواسته. ۵/۱۰

فریادرسی خواستن گناهکاران، به سبب رحمت خدا

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند. ۱/۱۶

خدا، فریادرس هر خوارشده تنها

يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ

ای فریادرس هر خوارشده تنها. ۴/۱۶

غم های سخت و فریادرسی از خدا

اللَّهُمَّ... بِكَ اسْتَعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ

خداوندا اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. ۲۰/۲۰

بزرگی گناهان، و فریادرسی از خدا

اسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ

در (گناهان) بزرگی که می دانی به آن گرفتار شده، از تو کمک خواسته. ۹/۳۱

نیاز به فریادرسی احسان خدا

لَمْ أَسْتَعِنْ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ

از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم. ۲۴/۳۲

نزدیکی فریادرسی خدا، به فریادرس خواهان

إِغَاثَتِكَ قَرِيبَهُ مِنَ الْمُسْتَعِيثِينَ

فریادرسی ات به فریاد رس خواهان، نزدیک است. ۱۴/۴۶

خواندن خدا و طلب فریادرسی اش

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَعِيثًا بِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو فریادرسی خواستم. ۱۰/۴۹

فریادرسی خواستن از خدا

بِكَ أَسْتَعِيثُ

تنها از تو فریادرسی می خواهم. ۱۱/۵۲

جز خدا، فریادرسی برای نیاز خود نیافتن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... سُوءَ أَلْ مَنْ لَا يَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُعِيثًا... غَيْرَكَ

ص : ۹۲۷

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که فریادری برای نیازش جز تو نمی یابد. ۳/۵۴

فریب

تابعین و مکر شیطان

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن آنان را از حيله شیطان بازدارد.

۱۳/۴ و ۱۴

مکر نمودن به سود بندگان

كَيْدٌ لَنَا وَ لَا تَكِيدُ عَلَيْنَا

به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر ننما.

۸/۵

مکر کردن با دشمنان اسلام

اَمْكُرْ لَنَا وَ لَا تَمْكُرْ بِنَا

برای (نفع) ما مکر فرما و بر (ضرر) ما مکر نکن. ۸/۵

فریفتگی و بی باکی از کیفر خدا

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَأَلِنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اعْتَرَا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

مکرها و فریب های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنَ الثَّقَةِ بِأَمَانِيَّتِهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - و حيله و مکرهای او و اطمینان به آرزوهای او و وعده ها و فریب ها و دام هایش به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

دور داشتن مکر شیطان، از بنده

وَ اَكْفِنَا خَتْرَهُ

و حيله او را از ما دور کن. ۴/۱۷

فریفتن شیطان

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نَكَايِدُهُ بِهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن.

۷/۱۷

باطل نمودن حيله های شیطان

اللَّهُمَّ... الْطُّفُ لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ

خداوندا راه باطل نمودن نیرنگ های او را به ما لطف فرما. ۸/۱۷

ص : ۹۲۸

بی بهره و باطل گرداندن مکر شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَبْطِلْ كَيْدَهُ

خداوندا و فریبش را باطل فرما. ۱۳/۱۷

عدم پیروی از شیطان، زمان فریفتن بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَ اعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده و از شمار دوستانش برکنار فرما تا هرگاه ما را به خود مایل ساخت، فرمانش

نبریم. ۱۴/۱۷

فریبنده نبودن برق ابر

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تَوَسَّعْ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا... غَيْرَ مُلْتٌ وَ دَقُّهُ، وَ لَا خُلْبٍ بَرْقُهُ

و رحمتت را با باران فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته بارانی و نه

ابری جهنده و بی باران. ۱/۱۹ و ۳

مکر بنده، در برابر حيله گر

هَبْ لِي مَكْرًا عَلَيَّ مَنْ كَايَدَنِي

مرا بر آنکه به من نیرنگ زند، چاره جویی ای ببخش. ۸/۲۰

دور ساختن مکر قصد بد کننده، درباره

بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَ ادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و مکرش را از من بران. ۷/۲۳

بازگرداندن مکر قصد بد دارنده درباره بنده، به گردنش

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ رُدِّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و فریبش را گریبانگیر خودش ساز.

شیطان، دشمنی مکرکننده برای بندگان

جَعَلَتْ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا

برای ما دشمنی قرار دادی که به ما نیرنگ می زند. ۶/۲۵

گمراهی، نتیجه مکر شیطان با بنده

إِلَّا تَصْرِفُ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلُّنَا

اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند.

نگه داشته شدگان از مکر شیطان

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ... فَتُصْبِحْ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمُعْصُومِينَ بِكَ

خداوندا با سلطه خود، تسلط او را از ما دور کن. پس به وسیله تو از نیرنگ او، در زمره بازداشته شدگان (از گناه) در آییم. ۸/۲۵

مکر مرزداران اسلام، به دشمنان

وَ الطُّفُّ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ

و در مکر ایشان (به دشمنانشان) دقت نظر عطا کن. ۲/۲۷

فریب دهنده و گول زننده بودن دنیا

أَنسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمْ الْعَدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْحَدَّاعَهُ الْغُرُورِ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زننده را از خاطرشان ببر. ۴/۲۷

زمان بر تافتن عنان فریب شیطان، از بنده

...إِذَا قَارَفْتَ مَعْصِيَتَكَ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَتَكَ، قَتَلَ عَنِّي عِدَارَ غَدْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس عنان حيله اش را از من برگرداند. ۱۳/۳۲

زاری به درگاه خدا، جهت برگرداندن مکر شیطان

وَ اتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی. ۲۷/۳۲

فریب خوردن از شیطان و نافرمانی خدا

فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَن طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ

پس اگر شیطان آنها را از اطاعتت فریبشان نمی داد، هیچ گناهکاری نافرمانی تو را نمی کرد.

۹/۳۷

از روی فریب خوردن نبودن طمع بستن (به رحمت الهی)

تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. ۱۲/۳۹

مغرور نشدن صدیقین، به (رحمت) خدا

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَعْتَرِبَكَ الصَّادِقُونَ

و اما تو ای خدای من، پس شایسته ای که راستگویان به تو مغرور نشوند. ۱۳/۳۹

بی گزندی از فریب آرزو

سَلَّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ

ما را از فریبش سلامتی ده. ۲/۴۰

نیرنگ های فریبنده آرزو

لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

ص : ۹۳۰

آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد. ۹/۴۲

دور گرداندن بنده، از فریب شیطان

جَبْنَنَا... الْإِنِّخْدَاعِ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

ما را از فریب خوردن از دشمنت؛ شیطان رانده شده، دور گردان. ۱۳/۴۴

مهلت خدا و مغرور شدن متجاوزان

وَ سُنَّتِكَ الْإِيقَاءَ عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ عَزَّتْهُمْ أَنْتَكَ عَنِ الرُّجُوعِ

و روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است. تا اینکه مهلت دادن تو آنان را از بازگشتن فریب داد.

۱۶/۴۶

مغرور شده و فریب خورده، به (کرم) خدا

الشَّقَاءَ الْأَشَقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ

بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته. ۱۹/۴۶

عدم مکر با خدا

سُبْحَانَكَ... لَا تُكَادُ... وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمَاكِرُ

پاک و منزهی! نه نیرنگ می خوری و نه فریب می خوری و نه با تو حيله گری شود. ۲۷/۴۷

لغزش فریفتگان

وَلَا تَزْمُ بِي رَهْمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ... زَلَّهُ الْمَغْرُورِينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از لغزش فریفتگان دستم را بگیر (نجاتم

ده). ۱۰۴/۴۷

خدا و مکر نکردن با بنده

وَلَا تَمْكُرْ بِي فِيمَنْ تَمْكُرُ

و در میان کسانی که با آنها مکر می کنی، با من مکر نکن. ۱۲۴/۴۷

فریب های ستمگر

كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَايِدِهِ

چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد. ۷/۴۹

مکر و نیرنگ حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَ حَرَنِي بِكَيْدِهِ، وَ قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد. ۹/۴۹

فریفتگی شیفتگی

فزع ترس

ص : ۹۳۱

فزونى برکت

فساد تباهى

فسق

بازداشتن بنده، از طلب آنچه نزد فاسقان است

ذُبْنِي عَنِ التَّمَّاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ

مرا از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است، باز دار.

۱۳۱/۴۷

فشرده متراکم

فضل

خدا، صاحب فضل عظیم

إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

۶/۳۰، ۱۵/۲۴، ۱۶/۱۴، ۲۶/۲

طلب فضل خدا، در روز

خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند. ۶/۶

تفضل به بنده، در دو طرف روز

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ... فَضْلًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از تفضل پر

ساز. ۱۴/۶

طالب فضل الهی

لَا تَقْطَعُ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ... حَرَمْتَ مِنِّي اشْتَرَفَدَ فَضْلِكَ

به منع خویش، ما را ناامید مکن. و گرنه آنکه از احسانت بخشش خواسته، محروم نموده ای.

۳/۱۰

شادمانی بخشیدن به بنده، و درخواست فضل خدا

نَشَطَّتْنِي بِهَا لِاتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی. ۳/۱۵

اطمینان بنده، به فضل الهی

اللَّهُمَّ... بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ

خداوندا به احسان تو اعتماد کرده ام.

۱۵/۲۰

فضل خدا و اعتراف بنده، به زیانش

مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَيَّ نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ

پس از آنکه خود را محکوم کردم، چیزی جز فضل تو ندارم. ۱۵/۲۰

نتیجه بازداشتن فضل خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ... مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ... لَمْ أَجِدْ

ص : ۹۳۲

السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرِكَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداري، راهي به سوي هيچ يك از آرزويم، غير تو نيابم.

۵/۲۱

سود رساندن به همسايگان، با فضل وافر

وَفَقُّهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... الْعُودِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ

و آنان را براي به پا داشتن سنتت و فراگيري آداب نيكويت در رسيدگي با ثروت و فضل فراوان به آنان، توفيق ده. ۲/۲۶

افزايش بينايي همسايگان امام عليه السلام، نسبت به فضل او

زِدْهُمْ... مَعْرِفَةَ بِفَضْلِي

بر فضيلت شناسي آنان نسبت به من بيغزا.

۴/۲۶

برگرداندن خواهش خود، از نيازمند به فضل خدا

قَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ لَمْ يَشْتَعْنِ عَن فَضْلِكَ

درخواستم را از آنكه از فضلت بي نياز نبود، باز گرداندم. ۴/۲۸

گستردن فضل الهی، بر بنده

وَ ابْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ

و بخشش خود را بر من بگستر. ۲۴/۳۱

تنگي نکردن فضل خدا، از بنده

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ

پس اين جايگاه پناهنده شده به تو، و محل اعتراف کننده براي توست. پس مبادا فضل تو از من تنگي نمايد. ۱۵/۳۲

نياز به فريادرسى فضل خدا

لَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ

از فریادرسی فضلت بی نیاز نبودم. ۲۴/۳۲

خوراک دادن جنین، به فضل خدا

فَعَدَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربان خوراک دادی. ۲۶/۳۲

رفتار خدا با آفریدگان، از روی فضل

أَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد. ۱/۳۵

خداوند، صاحب فضیلت

إِنَّكَ... ذُو الطَّوْلِ

همانا تو دارای فضیلتی. ۷/۳۶

باز داشته نشدن فضل خدا، از بنده

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ

... زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل

ص : ۹۳۳

خود را از کسی باز نمی دارد. ۱۳/۳۹

پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین فضل الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ

خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد،

برسانی. ۲۱/۴۲

به جا آوردن همه فضیلت های نماز

أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَهُ... الْمَوْءِدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَيَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صِلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا...

ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] در رکوع و سجود آن و همه فضیلت هایش قرار داد - به جا آورده اند. ۹/۴۴

جویا شدن از همسایگان، با فضل و بخشش

وَفُقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. ۱۰/۴۴

فضل خدا، سبب سپاس گذاری از او

وَ شَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ

و با تفضلت، تو را شکر گزاردند. ۱۶/۴۵

ستایش خدا، به واسطه احسان و فضلش

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضلت، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای. ۱۸/۴۵

رابطه بخشندگی خدا و فضلش

أَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ

تو بخشنده هر آنچیزی هستی که از فضلت درخواست گردد. ۲۱/۴۵

محروم شدن از فضل ماه رمضان، با سپری شدنش

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ فَضْلِكَ الَّذِي حُرْمَتُهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم. ۴۲/۴۵

عامل بی بهره شدن از فضل ماه رمضان

وَ حُرْمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماه محروم گشتند. ۴۳/۴۵

دریافت فضل پسندیده، در ماه رمضان

فَأَجْرُنَا... أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن، در آن (ماه) فضل پسندیده را دریابیم. ۴۵/۴۵

نقصان ناپذیری فضل خدا

ص : ۹۳۴

فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ

به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست.

۵۰/۴۵

وَ اسْتَعْمَلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ، وَ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار. ۴۷/۴۵

درخواست شدن، از فضل خداوند

إِنَّكَ... أَعْطَى مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده. ۵۶/۴۵

طلب نکردن فضل الهی و دچار خشکسالی شدن

أَجْدَبَ الْمُتَّجِعُونَ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَ فَضْلَكَ

جویندگان که غیر از فضل تو جويا شدند، دچار خشکسالی گردیدند. ۱۳/۴۶

رساندن فضل خدا، به بنده

ظَاهِرٌ لَدَى فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ

فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

۱۱۲/۴۷

سزاوارتر بودن خدا، به فضل

أَعْلَمُ... أَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ

می دانم که تو به بخشش سزاوارتر هستی.

۱۱۶/۴۷

افزودن فضل خدا، بر بنده

زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعِهَ مَا عِنْدَكَ

برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزای.

۲۸/۴۸

طلب فضل خدا و اندک ندادنش به بنده

وَ اسْتُمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْدَيْتَ

و فضل تو خواسته شد، پس کم نگذاشتی.

۱۴/۴۹

آنچه فضل خدا موجب می شود:

أ. بی نیازی (از غیر خدا) و توانگری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند. ۲۰/۱

فَبِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ فَأَغْنِنِي

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان. ۴/۲۲

ب. دست یافتن به توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

ص : ۹۳۵

سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. ۲۲/۱

ج. نترسیدن (از دوری گزیدن دیگران)

لَا نَسْتَوْحِشُ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ

با احسانت از کسی نهراسیم. ۷/۵

د. گشودن در آسایش، به روی بنده

اَفْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ

ای پروردگار من، به فضل خود در آسایش را به رویم بگشای. ۸/۷

ه. گذشت خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فِيفَضْلِكَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست. ۱/۱۰

و. آرام شدن بنده

فَضْلُكَ آتَسْنِي

فضل تو مرا آرام نمود. ۲۵/۱۳

ز. نوشتن کردارهای پاکیزه، برای بنده

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَأَقْلَبُ فِكْرَ فِيهِ... بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ

و در بین آن بیماری نویسنده اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که

دلی در آن نیندیشیده. بلکه فضل توست که بر من است. ۵/۱۵

ح. فراخ گشتن روزی حلال، بر بنده

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَوْسِعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به جود و کرم تو از فضل گسترده ات روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

ط. رسیدن به آنچه خدا برای بنده، (در آخرت) روان ساخته

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَاجِرٌ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزُنًا بَوْرُنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَّضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا...
إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أُجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶ / ۲۷

ی. شفاعت بنده

لَا شَفِيعَ لِي إِلَّا بِكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلَكَ

ص : ۹۳۶

شفیعی برای من به سوی تو نیست، پس باید فضلت مرا شفاعت کند. ۲۵/۳۱

ک. پوشاندن (گناهان) بنده

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجْرُنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا

ایمن ساز. ۲۱/۳۲

ل. سزاواری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد، جز آنکه در برابر سزاواری تو بر اثر فضلت عاجز است.

۱/۳۷ و ۲

م. راضی شدن خدا، از بنده

مَنْ رَضِيَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ

از هر که راضی شوی، از فضل توست.

۵/۳۷

ن. نیک بختی

وَ عَوْضُنِي... مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ حَتَّى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ

و به جای دعایم بر آنان، رحمت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادت مند شود. ۳/۳۹

س. عطایی چندین برابر پاداش ارزانی شده به برخی، در رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حق رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما

ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما. ۵۰/۴۵

ع. پیوسته نمودن حمد، به افزایش پی در پی

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی در پی پیوند دهی. ۴۸ و ۴۷/۳۶

ف. مهربانی خدا، با بنده

تَعْطِفُ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ

به فضلت بر من مهربان باش. ۴۸/۸

ص : ۹۳۷

فضیلت برتری

فطر

مبارک گرداندن روز عید فطر، بر بندگان

بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا

برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

روز فطر، روز عید و شادی برای مؤمنان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا -

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی و برای اهل دینت محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

فقدان

مفقود نگشتن عزت خداوند

أَيُّدُنَا بَعِزٌّ لَا يُفْقَدُ

ما را با عزتی که از دست نرود، تأیید فرما.

۵/۳۵

سبب فقدان پاداش فرمانبردار

لَوْ كَافَأَتِ الْمُطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يُفْقَدَ ثَوَابَكَ

اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد. ۱۲/۳۷

غم انگیز بودن فقدان ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ... أَفْجَحَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا

درود بر تو همنشینی که چون از دست رفت، فقدانش غم انگیز بود. ۲۶/۴۵

فقر تنگ دستی

پناه بردن به خدا، از خوار شمردن فقرا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... الْأَزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ

خداوندا به تو پناه می برم از تحقیر کردن تهی دستان. ۱/۸ و ۳

فقیرترین فقیران

أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ

من نیازمندترین نیازمندان به توام. ۳/۱۰

نسبت دادن فقر، به آفریدگان

نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ

آنها را به تنگدستی نسبت داده ای. ۱۲/۱۳

آفریدگان، فقرای درگاه خدا

و نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ

و آنها را به تنگدستی نسبت داده ای و ایشان

ص : ۹۳۸

سزاوارند که به تو نیازمند باشند. ۱۲/۱۳

عامل برطرف شدن فقر از بنده

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده. ۱۳/۱۳

شکوه نمودن از فقر به خدا

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُغْنٍ مَنْ شَكََا إِلَيْكَ، فَقَرَهُ تَوَكُّلاً؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟ ۱۵/۱۶

درخواست آزمایش نشدن به فروتنی برای غیر خدا، هنگام فقر

لَا تَقْتِنِي... بِالْخُضُوعِ لِسُوءِ أَلِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

سبب فقیر نشدن بنده

وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ سَعِي

و (چنان کن که) فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد. ۱۴/۲۰

بنده فقیر و بی چیز خدا بودن

فَأِنِّي عَبْدُكَ... الْفَقِيرُ

پس به درستی که من بنده فقیر توام. ۷/۲۱

ناامید نفرمودن بنده فقیر یا غنی، از روا شدن درخواستش

وَ لَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَ إِنِ ابْطَأْتُ عَنِّي، فِي... فَقْرٍ أَوْ غِنَى

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده، در تهی دستی باشم یا ثروت. ۸/۲۱

قدرت نداشتن بنده، بر فقر

لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ

تحمل فقر ندارم. ۲/۲۲

توانگر شدن از فقر، به بی نیازی خدا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُغْنَيْنِ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسیده اند، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

دارایی طلبیدن از غیر خدا و فقیر شدن

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند. ۶/۲۸

محبوب گرداندن همنشینی با فقرا، برای

ص : ۹۳۹

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان. ۴/۳۰

رفتار خدا با بنده؛ رفتار توانگر با فقیر

وَ أَفْعَلُ بِي فِعْلًا... عَنِّي تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده، رفتار نما.

۲۴/۳۱

درخواست از خدا، همانند بنده ای فقیر

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال، نیازمند. ۷۴/۴۷

افزودن فقر بنده، به درگاه خدا

زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَهُ وَ فَقْرًا

بر فقر و نیازم به درگاهت بیفز. ۱۱۸/۴۷

فقر بنده به خدا و غنای خدا از بنده

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي... بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ غِنَاكَ عَنِّي

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من، به عهده گیر.

۴/۴۸

فروود آوردن فقر خود به درگاه خدا، در روز قربان و جمعه

اللَّهُمَّ... بِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي وَ مَسْكَنَتِي

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فروود آوردم. ۴/۴۸

خواندن خدا و فقیر در گاهش بودن

دَعْوَتِكَ يَا رَبِّ... فَقِيرًا، مُضْطَرًّا إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که فقیر و بیچاره در گاه تو هستم. ۹/۵۱

فکر اندیشه

فلاح رستگاری

فلک

تصرف ماه، در فلک تدبیر

أَيُّهَا... الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ

ای که در فلک تدبیر تصرف می کنی. ۱/۴۳

فنا نابودی

فناپذیری گنجینه های رحمت خدا

يَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود.

۳/۵

ص : ۹۴۰

زیانی در (دنیای) فانی شونده

اللَّهُمَّ وَ مَنَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده. ۲/۹

فانی نگشتن خزائن الهی، با درخواست از خدا

يَا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ

ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد. ۷/۱۳

اندک بودن آنچه پایانش فناست

فَعَبِيرٌ كَثِيرٌ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ

زیرا آنچه سرانجامش نابودیست، زیاد نیست.

۳/۱۸

فانی شدن دنیا

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِيهِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيهِ

آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

پوشاندن (گناهان) بنده، در سرای نیستی

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَ تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ... فَأَجْرِنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی نماند، پس از رسوایی های سرای

باقی، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

ثروتی فناشدنی

مَتَّعْنَا بِثَرْوِهِ لَا تَنفَدُ

ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش. ۵/۳۵

تعلق گرفتن پاداش، به عمل کوتاه مدت نیست شدنی

...لِكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازِيَتُهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدت زودگذر، پاداش درازمدت همیشگی دادی. ۱۲/۳۷

فانی نگشتن مهربانی خدا

وَ اسْتَعْمَلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار.

۴۷/۴۵

ص : ۹۴۱

فانی نگشتن معادن احسان خدا

إِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى

به درستی که معادن احسانت فنا نمی شود.

۵۰/۴۵

فانی نگشتن کلمات خداوند

...لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ

...کلمات تو فانی نمی شود. ۵۳/۴۷

درودی فناپذیر، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً... لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که فانی نگردد، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود. ۵۳/۴۷

فناپذیری ذات خداوند

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَى وَ لَا يَتَغَيَّرُ، وَ لَا يَحُولُ وَ لَا يَفْنَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگواریت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.

۱۰/۵۲

فوت [از دست رفتن]

فوت نشدن چیزی نزد خداوند

...لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَ إِنِّ لَطُفٌ

...چیزی - اگر چه خرد باشد - از او (خداوند) رهایی نمی یابد. ۱/۲

از دست نرفتن کار نیک

وَاجْعَلْ هَمَّسَاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ، حَتَّى لَا تَقُوتَنَا حَسَنَهُ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان نرود. ۷/۹

سبب فوت احسان الهی

مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... فَقَدْ... اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فُوتَ الْإِحْسَانِ

هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگان تو رو آورد، بی گمان نیافتن احسان تو را سزاوار گشته. ۱۴/۱۳

باران، بازگرداننده آنچه از دست رفته

تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ

به سبب آن، آنچه را که مرده است، زنده نمایی. و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی.

۳/۱۹

ص : ۹۴۲

نزد خدا بودنِ عوضِ هر چه فوت شده

عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ

عوض هر آنچه از دست رفته، نزد توست.

۲۰/۲۰

علم الهی، مانع از فوت امور

وَ وَفَّقْنِي لِلْفُؤُودِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود. ۳/۲۴

اندوهناک شدن بر ماه رمضان پیش از، از دست رفتنش

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ ... مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ

درود بر تو که پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خورند. ۳۸/۴۵

ترس از فوت شدن وقت

إِنَّمَا يَعَجِلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ

همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد. ۱۵/۴۸

از دست خدا نرفتنِ پرستش کننده غیر او

لَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ

کسی که جز تو را پرستید، از دست تو گریزی ندارد. ۳/۵۲

فوج گروه

فهم

فهم قرآن از روی تصدیق

جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

فهم شگفتی ها و مثل های منع کننده قرآن

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ مُنَسًّا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَيْنَا قُلُوبَنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را، به دل های ما

برسانی. ۱۰/۴۲

ناتوانی فهم ها، از چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِي... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیت تو عاجزند.

۱۸/۴۷

ص : ۹۴۳

قبح زشتی

قبر

افتادگان در گزوه گورها و دمیدن (در صور)

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ... فَيَنْبُثُهُ بِالنَّفْخَةِ صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدن مردگان گزوه گورها را بیدار کند. ۲/۳

رومان، آزمایش کننده (اهل) قبور

...و رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

...و رومان آزمایش کننده (مردگان) قبرها.

۱۸/۳

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ... وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ...

خداوندا و بر من منت گذار به حج و زیارت قبر پیامبرت. ۴/۲۳

قبرها، جای ماندن تا روز رستاخیز

وَ كَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَىٰ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه ماندن باشد.

۱۳/۴۲

قبرها، بهترین منزل ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده. ۱۴/۴۲

عامل روشن شدن تاریکی قبرها

نُورٌ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا

پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز. ۱۵/۴۲

قبض

ابزارهای قبض، در (کالبد) بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ

و سپاس خدای را که ابزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد. ۲۰/۱

قبول پذیرش

قبیله

کارزار کردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با قبیله اش

ص : ۹۴۵

حَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ

در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

قبیله های (گوناگون) فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای. ۱۱ و ۱۰/۳

سبب دوری گزیدن قبیله های اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، از آنها

وَالَّذِينَ هَجَرْتُهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله های ایشان از آنها دوری نمودند. ۶/۴

قتل

کشتن و اسیر نمودن مشرکان

وَأَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا

و آنان را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمین برانند. ۸/۲۷

شهادت مجاهد، پس از کشتن دشمن خدا

فَإِنْ... قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

دشمن و زهرهای کشنده اش

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَدَ لِي ظُبَّهُ مُدَيْتِهِ... وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت. ۴/۴۹

قدر تقدیر

قدرت توانایی

قدم

گام برداشتن به سوی پایان زندگی

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا... يَتَخَطَّ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ

سپس برای او (آفریده اش) در زندگی، سرآمدی خاص معین نمود، که با روزهای زندگی اش، به سوی آن گام بردارد.

۶/۱

ص : ۹۴۶

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از قدمگاهش (محلّ پرورشش)، به غربت

هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْعَرَبِ، وَ مَحَلِّ النَّبِيِّ عَنْ ... مَوْضِعِ رِجْلِهِ

از قدمگاهش، به شهرهای غربت و محل دور هجرت نمود. ۱۶/۲

سبب لرزش پاهای بنده

قَدْ أَرَعَشْتُ خَشِيَّتَهُ رِجْلِيهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته. ۹/۱۲

ایستادن در برابر خدا، تا ورم نمودن پاها

يَا إِلَهِي لَوْ... قُمْتُ لَكَ حَتَّى تَنْشُرَ قَدَمَيَّ... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

جای پای شیطان

وَ أَقْطَعَنَّائِرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن. ۴/۱۷

سبب آرزو نکردن پیوستن گامی به گام دیگر

وَ أَكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ... حَتَّى لَا نُؤَمِّلَ... لُحُوقَ قَدَمِ بَقَدَمٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار، تا بدانجا که در

پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.

۱/۴۰

عامل بازدارنده قدم های بنده، از بردن او به سوی گناه

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نُقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا

قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده. ۱۰/۴۲

لرزیدن پل دوزخ و پابرجایی گام های بنده

تَبَّتْ بِهٖ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـِٔ جَازِ عَلَیْهَا زَلَلٌ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن) پابرجا گردان. ۱۵/۴۲

با گام های خود به سوی حرام نرفتن

وَ أَعْنَا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَىٰ مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

لغزش پای بنده (در گناهان)

ص : ۹۴۷

مَوْلَايَ اَرْحَمَ... زَلَّهُ قَدَمِي

مولای من! بر لغزش گام هایم رحم کن. ۴/۵۳

قدیم دیرینه

قرآن کتاب آسمانی

قرآن، هویداکننده راه های احکام

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا اَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ اَحْكَامِكَ

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی. ۱/۴۲ و ۲/۴۲

ارتباط قرآن، با بنده

اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى اَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَ سَلْمًا نَعْرُجُ فِيهِ اِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَ سَبِيًّا نُجْزِي بِهِ النَّجَاهَ فِي عَرْضِهِ الْقِيَامَةِ، وَ ذَرِيَعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَي نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ

قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، و دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت و وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمت سرای اقامت، قرار ده. ۸/۴۲

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ اِلَى مُنْسَا، وَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسْوَسِ حَارِسًا، وَ لِاقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا اِلَى الْمَعَاصِي حَاطِسًا، وَ لِالْتِمَسَاتِنَا مِنَ الْخَوْصِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَيَا آفَةٍ مُخْرِسًا، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْاَثَامِ زَاجِرًا، وَ لِمَا طَوَّبَ الْغُفْلَةَ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْاِعْتِبَارِ

نَاشِرًا، حَتَّى تُوصَلَ اِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرِ اَمَثَالِهِ

قرآن را مونس ما در تاریکی های شب و نگهبان ما از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، و نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، و بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، و مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، و ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را، به دل های ما برسانی. ۱۰/۴۲

قرآن و انداختن بار سنگین گناهان، از بندگان

وَ اِحْطَطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْاَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز. ۹/۴۲

پاک کنندگی قرآن، به سبب پاکی اش

وَ اِحْطَطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلُ الْأَوْزَارِ... حَتَّى تُطَهَّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی. ۹/۴۲

قرآن و درخواست های بنده از خدا

ص : ۹۴۸

وَ اِخْطَطُ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْمَؤْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ سَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَ أَقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ، وَ تَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ...

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز و زیبایی خوهای نیکوکاران را به ما ببخش و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند. ۹/۴۲

أَدِمُّ بِالْقُرْآنِ صِلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَ اخْجُبْ بِهِ حَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحِّحِهِ صَمَائِرِنَا، وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَاقَ أَوْزَارِنَا، وَ اجْمَعْ بِهِ مُتَشَشَّرَ أُمُورِنَا، وَ أَرُو بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعُرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَاجِرِنَا، وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا

با قرآن، ظاهر نیک ما را آشکار ساز و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار و به وسیله آن چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور و با آن تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سر برمی آوریم، به جامه های امان بپوشان.

۱۱/۴۲

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَيْدَمِ الْأَمْلَاقِ، وَ سُقِ إِلَيْنَا بِهِ رَعْمَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ مِيدَانِي الْأَخْلَاقِ، وَ اغْصِنْنَا بِهِ مِنْ هَوَاهُ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده و با آن ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. و با آن ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. ۱۲/۴۲

هُوٌّ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَي أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَيْنِ...

به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله کردن را بر ما آسان گردان.

۱۳/۴۲

ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعُرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَ ثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَمِّ - جَازَ عَلَيْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا، وَ نَوَّرْ بِهِ قَبْلَ التَّبْعِ سُدْفَ قُبُورِنَا، وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ

به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن و هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن پابرجا گردان و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن روشن ساز و ما را در روز

رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن نجات ده.

۱۵/۴۲

رمضان، ماه نزول قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانَ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرودستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حق از باطل) است. ۳/۴۴

قرآن و افزایش حسنات

وَ مَا أَنْزَلْنَا مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ

و ماندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فرودستادی. ۱۳/۴۵

فرستادن قرآن و نور، در ماه برگزیده سال

وَ آثَرَتْهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْنَا فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ النُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

قرارگاه

هجوم آوردن پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنان، در میان قرارگاهشان

هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحِهِ قَرَارِهِمْ

در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

۲۱/۲

قرب نزدیکی

قرض وام

قسط عدل

قسم سوگند

قسمت تقسیم

قصاص

تاوان گرفتن از والدین

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنْهُ لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلِ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص بگیرم. ۱۰/۲۴

تاوان نگرفتن از بنده

لَمْ تَسْمُهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، تقاص نخواستی. ۱۳/۳۷

لَا تُقَاصِنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ

ص : ۹۵۰

مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن.

۲/۴۱

قصاص (کردار) بنده، و فروتنی او

هَذِهِ يَدِي وَ نَاصِيَتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي

این دست من و موی جلوی سرم است. برای قصاص خویش، فروتن می شوم. ۴/۵۳

قصد

فرشتگان و عدم قصد نگریستن به خدا

فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ

(آنان) قصد نگریستن سوی تو را ندارند.

۸/۳

تابعین و قصد طریقه صحابه

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ. الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَتَهُمْ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان. آنان که راه ایشان را قصد نمودند. ۹/۴۱ و ۱۰

قصد خیانت نمودن به کسی

نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ

پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم. ۵/۸

تمایل به تصمیمی خوشنودکننده خدا

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهِمِّنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُشْخِطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد، پس ما را به آن

کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان. ۳/۹

سبب گراییدن بنده، به ناامیدی

مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نَجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِزْمَانِ

هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

با رغبت، خدا را قصد نمودن

فَقَصَدْتُكَ، يَا إِلَهِي بِالرَّغْبَةِ

پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کردم.

۱۸/۱۳

بازداشتن شیطان، از تصمیمش

اللَّهُمَّ... بَبَطُّهُ إِذَا عَزَمَ

خداوندا هر تصمیمی (شیطان) گرفت، از اقدامش بازدار. ۱۲/۱۷

عفو الهی را آهنگ نمودن

ص : ۹۵۱

اللَّهُمَّ... إِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام.

۱۵/۲۰

قصیدکننده، درباره بنده

مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز. ۷/۲۳

قصد فحشا، و عامل دلیر شدن بر انجام آن

إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا

اگر قصد کار زشتی کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداند. ۷/۲۵

قصد کار شایسته و بازدارندگی شیطان از آن

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ بَطَّنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد. ۷/۲۵

مرزداران اسلام و قصد پشت کردن به دشمن

اجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ... حَتَّى لَا يَهْمَ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ

بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند.

۴/۲۷

قصد جنگ و جهاد نمودن

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرٌ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را

بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

با ترس، خدا را قصد نمودن

قَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

از سرِ اخلاص با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

اولین قصد معصیت خدا و سزاواری همه کيفرها

وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

و حال آنکه او در آغاز که همت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

توبه قرار دادن قصد ترک بدی ها

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید،

ص : ۹۵۲

توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

قصده کننده طریقه قرآن و گمراه نگشتنش

جَعَلْتُهُ... عَلِمَ نَجَاهٍ لَّا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود. ۳/۴۲

مهلت الهی و قصد ستم نمودن بنده، به خود

أَمَّهَلْتُ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ

کسی را که به خود قصد ستم نموده، مهلت داده ای. ۹/۴۵

قصد نکردن بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَهُ مَنْ لَّا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد. ۵۲/۴۵

قصد آمدن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا أَوْءُؤْمُكَ بِالْوَفَادَةِ

پس اینک منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم. ۲۵/۴۶

عزم بودن اراده خدا

إِرَادَتُكَ عَزْمٌ

اراده ات حتمی است. ۲۹/۴۷

خدایی بودن قصد بنده

وَ اجْعَلْ... هَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ

و قصدم را یکسره برای آنچه برای توست، قرار ده. ۱۳۰/۴۷

برای نیاز خود، خدا را قصد نمودن

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

انتقام گرفتن از قصدِ جنگِ دارنده

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى... عَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عاجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

قصد ستمگر؛ فساد و تباهی

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... دَخَلَ سَرِيرَتِهِ، وَقُبِحَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ، أَرْكَسْتُهُ لَأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ

پس همین که - ای خدای من - تباهی باطن او و زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کننده بود)، سرنگون نمودی.

۸/۴۹

ص : ۹۵۳

حسود، و قصد بنده را نمودن

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که با نیرنگش آهنگ من کرد. ۹/۴۹

قصور کوتاهی

قضا تقدیر و نیز فرمان

قطره

فرشتگان و قطره های باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرود آمدگان به همراه قطره های نازل شده

باران. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

قطع بریدن

قطعی واجب

پشیمانی قطعی دل ها

وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

قطعی گشتن اراده خداوند

أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتَّى مَا مَا أَرَدْتَ

تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد.

۱۵/۴۷

قطعیت فرمان الهی

قَضَاوُءُكَ حَتْمٌ

فرمانت قطعی و واجب است. ۲۹/۴۷

درنگذشتن چیزی، از تدبیر قطعی خدا

لَا يُجَاوِزُ الْمَـ حَتْمٌ مِّنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت. ۹/۴۸

قفل

قفل زدن بر دل قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُقْفَلَ دُونَ إِخْطَارِي قَلْبَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا دلش را هنگام یاد من، قفل

زنی. ۷/۲۳

قلاده گردن

ص : ۹۵۴

قلب دل

قلعه

قلعه ای نگهدارنده از شرّ شیطان

اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهْلِيْنَا وَ ذَوِي أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي... حِصْنٍ حَافِظٍ

پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان باایمان را، از (شرّ) او در دژی

نگهدارنده قرار ده. ۱۰/۱۷

مشرکان، و قلعه های زمین

وَ امْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ

و قلعه های آن (زمین) را از آنها بازدار.

۱۲/۲۷

نبودن قلعه پنهان کننده بنده، از خدا

وَ لَا حِصْنٌ يَحْتَجِبُنِي عَنْكَ

و نه جای استواری (قلعه ای) است که مرا از تو بازدارد. ۱۴/۳۲

قلیل اندک

قناعت

پناه بردن به خدا، از کمی قناعت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از کاستی قناعت.

۱/۸

سبب قناعت بنده، به مقدرات

وَ صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ أَعِيدَدْتَ لِي خَصِيصِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ

و نمونه پاداشی را که برایم ذخیره نمودی و مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدر نمودی قرار ده. ۱۵/۱۴

قانع نمودن بنده، به مقدرات

وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تُقْنِعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي

و از تو درخواست می کنم که مرا به آنچه برایم مقدر فرموده ای، قانع سازی. ۲۸/۳۲

قوت خوردنی

قوت توانایی

قوم مردم

قهر غلبه

قیافه چهره

ص : ۹۵۵

قیام ایستادن

قیام پیامبر صلی الله علیه و آله ، به جنگ با دشمنان

فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ

پس با امید به پیروزی به یاری تو، به سوی آنان تاخت. ۱۹/۲

رمضان، ماه قیام و برخاستن

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْقِيَامِ

سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان، ماه به پا خواستن را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. ۳/۴۴

ترغیب به قیام (برای نماز شب)، در ماه رمضان

و رَغَبْتَ فِيهِ مِنَ الْقِيَامِ

و در آن به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی.

۲۰/۴۵

قیام (در شب های رمضان)، به یاری خدا

و قُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ

و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. ۲۱/۴۵

در آمدن به رحمت الهی، با قیام (شبانه در ماه رمضان)

مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ

رَحْمَتِكَ

در حالی که در معرض روزه داشتن و به پا خاستن (شبانه) بودیم، از رحمت - بدان خاطر - به ما عرضه داشتی. ۲۱/۴۵

عهده دار شدن روزه و قیام، در ماه رمضان

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را - با (همه) کوتاهی (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. ۴۴/۴۵

قیامت

سپاس خداوند، آسان کننده راه رستاخیز

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد. ۱۰/۱ و ۱۲/۱

سپاسی جاوید از خدا، تا روز قیامت

...لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا... وَ مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما دارد. و به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید تا روز

قیامت. ۲۷/۱

درودی از امروز تا روز قیامت، بر تابعین

ص : ۹۵۶

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست. ۱۳/۴

تأخیر انتقام از ستمگر، تا روز رستاخیز

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي... إِلَى يَوْمِ الْفَضِيلِ وَ مَجْمَعِ الْخِصْمِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِي مِنْكَ بِبَيْتِهِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقم تا روز رستاخیز و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به بیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

رستگاری در قیامت

ارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ

رستگاری قیامت را روزی ام فرما. ۱۸/۲۰

امنیت و آسایش روز معاد

هَبْ لِي أَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ

مرا آسایش روز بازگشت ببخش. ۲۰/۲۰

شفیع بندگان، در روز قیامت

وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی

که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند. ۳۰/۳۱

سبب رهایی در عرصه قیامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرْصَةِ الْقِيَامَةِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت، قرار ده. ۸/۴۲

قرآن جلودار بندگان به سمت بهشت، در قیامت

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقِّ إِلَيْنَا بِهِ رَعْدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ... حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ قَائِدًا

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن و به وسیله آن، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد. ۱۲/۴۲

رسوا نساختن بندگان، در برابر حاضران قیامت

لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضران قیامت، رسوا نکن.

۱۴/۴۲

ص : ۹۵۷

نجات از ترس و اندوه روز رستاخیز

نَجَاتًا بِهٖ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ

ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده. ۱۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبر به خدا، در روز قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار ده.

۱۸/۴۲

عبادت خداوند، تا روز قیامت

اَكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس. ۵۱/۴۵

قیامت و گذشت خداوند

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلَ دِينِنَا جَمِيعًا مَن سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَن غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان

ما، هر که از ایشان در گذشته و مرده و هر که زنده مانده، تا روز رستاخیز در گذر. ۵۵/۴۵

درخواست بنده از خدا، در روز قیامت

اجْعَلْ فِي ذَلِكِ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَ فِي أَحِبَّائِكَ مَصْدَرِي، وَ فِي جَوَارِكِ مَسْكِنِي

جایگاهم را در آن روز با دوستانم، و بازگشتم را در میان یارانم، و خانه ام را در جوار خود قرار ده. ۷/۵۳

ویژگی های روز قیامت:

۱. یاری نشدن کسی توسط دیگری

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ

روزی که هیچ دوست، به کار دوست نیاید و یاری نمی شوند. ۱۲/۱

ب. رسیدن به سزای اعمال و ستم نشدن به کسی

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند. ۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران

ص : ۹۵۸

قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند.

۱۱/۲۴

ج. آمدن گواه و راننده ای، با هر کس

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

...پس بر آنها درود فرست، روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید. ۲۴/۳

د. آشکار نمودن اخبار بندگان

يَوْمَ تَبْلُو أخبارَ عِبَادِكَ

روزی که اخبار بندگان را آشکار می کنی.

۴/۱۱

ه. نیاز به خدا

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند.

۳۰/۳۱

و. ترس بزرگ و اندوه

وَ اكْسَنَا بِهِ حُلَّ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي

نُشُورِنَا

و با آن ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان پیوشان.

۱۱/۴۲

نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ

ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده. ۱۵/۴۲

ز. حسرت و پشیمانی

وَبَيِّضُ وُجُوهَنَا... فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، رخسارهای ما را سفید گردان. ۱۶/۴۲

ح. سیاه شدن روی ستمگران

وَبَيِّضُ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان.

۱۶/۴۲

ط. خوار نگشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهَ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

ص : ۹۵۹

روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. ۱۱/۴۵

ی. برانگیخته شدن، برای دیدار خدا

لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلِقَائِكَ

روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نساز. ۱۱۴/۴۷

ک. آشکار شدن پنهان ها

لَا تُهْلِكُنِي يَوْمَ تُبْلِي السَّرَائِرُ

در روزی که پنهان ها آشکار می شود، هلاکم نکن. ۱۲۹/۴۷

قیمت بها

ص : ۹۶۰

فرشتگان و گماشتگی به کار

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ... بِأَيِّ أَمْرٍ وَكَلَّتُهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و مأموریتی را که به او سپرده ای، نمی دانیم. ۲۲ و ۱۱ و ۳/۱۰

سزاوارترین کارها به ذات خدا

أُولَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِنْ اسْتِرْحَمَكَ، وَ غَوْثٍ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ

سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی طلبیده. ۵/۱۰

مقدّر نمودن فراغت از کارها، برای بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاعًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاعًا سَلَامَةً، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعُهُ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. ۲/۱۱

گذشتن زمان کار و روآوری به خدا با توبه

...حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

نیکی تقدیر بنده، در همه امور

وَ تَوَلَّيْنِي بِنُجْحِ طَلَبَتِي... وَ نَيْلِ سُؤْلِ قَبْلِ زَوَالِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرِ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

و به برآورده گشتن خواسته ام و یافتن درخواستم، قبل از رفتنم از این مکان، با آسان کردن سختی و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما. ۲۳/۱۳

کاری درخور ستمگر و دشمن بنده

وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ

و او را به آنچه درخورش است مشغول دار.

۶/۱۴

ص : ۹۶۱

بنده و انجام مانند کارهای ستمگر

وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ اَفْعَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار.

۷/۱۴

شمارش نمودن کارهای پنهانی خود

سُبْحَانَكَ مَا اَعْجَبَ مَا اَشْهَدُ بِهِ عَلٰى نَفْسِي، وَ اَعَدُّهُ مِنْ مَكْتُومِ اَمْرِي

پاک و منزهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

اصلاح کار گنهکاران

اِنَّمَا اُوْبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَاْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ اَمْرِ الْمُدْنِيِّينَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست -

۲۸/۱۶.

درست ترین کارها

وَفَّقْنِي اِذَا اشْتَكَلَتْ عَلَيَّ الْاُمُورُ لِاَهْدَاها

آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

نظر داشتن به بنده، در همه کارهایش

اَنْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ اُمُورِي

در تمام کارهایم به (سود) من نظر فرما.

۳/۲۲

صلاح کار بنده و علم الهی

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. ۱۰/۲۲

پیشرفت نمودن بنده، در کارها

وَ اٰمَنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ... وَ النَّفَاذِ فِيْ اُمُوْرِيْ

و با تندرستی و پیشرفت در کارهایم بر من منت گذار. ۳/۲۳

به عهده گرفتن کار فرزند، توسط والدین

فَاِنِّيْ... لَا اَكْرَهُ مَا تَوَلَّيْتَهُ مِنْ اَمْرِيْ يَا رَبِّ

زیرا از آنچه درباره من به عهده گرفتند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من. ۹/۲۴

بسیاری کار والدین، برای پرورش فرزند

اَيْنَ اِذَا يَا اِلٰهِيْ طُوْلُ شُغْلِيْهِمَا بِتَرْبِيَّتِيْ!؟

ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار آنها، در پرورش دادن من؟ ۱۰/۲۴

کوشش والدین، در کار فرزندان

عَافِيْهِمْ... فِيْ كُلِّ مَا عُنِيْتُ بِهِ مِنْ اَمْرِهِمْ

آنان را در کارهایشان - که به آن می کوشم - تندرستی ده. ۲/۲۵

ص : ۹۶۲

مقرر فرمودن کار مزداران اسلام

دَبِّرْ أَمْرَهُمْ

امرشان را تدبیر فرما. ۲/۲۷

کار خدا، در روز بدر

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ يَبِئْسَ مِنْ بَأْسِكَ كَفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

عطا فرمودن عوض کار مسلمان، در دنیا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنَا بَوْزَنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ، وَ عَوَّضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا
يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت

کند. ۱۶/۲۷

نگران شدن از کار اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَنَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَفَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكَتُبَ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

مغلوب بودن هر کس جز خدا، بر کار خود

مَنْ سِوَاكَ... مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ

غیر تو، در کار خود مغلوب می باشد. ۱۱/۲۸

به طول انجامیدن کار بنده، در چاره وام

وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ... يَطُولُ بِمَمَارَسَتِهِ شُغْلِي

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد. ۱/۳۰

پناه بردن به خدا، از کار و بی خوابی قرض

أَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ... شُغْلِ الدَّيْنِ وَ سَهْرِهِ

به تو پناه می برم - ای پروردگارم - از کار قرض و بی خوابی اش. ۲/۳۰

عدم فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مَنِي بِسُوءِ أَثْرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فَعَلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشی کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

پنهان بودن کارهای کوچک، از خدا

ص : ۹۶۳

لَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ

کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند.

۱۱/۳۲

کارهای نهانی و علم الهی

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است.

۱۱/۳۲

کار بنده و قدرت الهی

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ... حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گرداندی - کاری است که آنان بدون (قدرت) تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای. ۶/۳۷

خدا، مالک کار بندگان

مَلَكْتَ - يَا إِلَهِي - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند. ۷/۳۷

آرزو، و بازداشته نشدن بنده از کار (نیک)

تَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ... لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ

ما را در پی کسانی گردانی که آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد تا آنها را با نیرنگ های فریبنده اش بازدارد. ۹/۴۲

عامل گرد آوردن کارهای پراکنده بندگان

وَ اجْمَعْ بِهِ مُتَشَتَّرَ أُمُورِنَا

و با آن (قرآن)، کارهای پراکنده ما را گرد آور.

تدبیر خداوند، در مورد کار ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! ۳/۴۳

هلال ماه نو و کاری نو

جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

فرود آمدن فرشتگان در شب قدر، برای (انجام) هر کار

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

ص : ۹۶۴

ماه رمضان، از جمله کارهای برگزیده، از جانب خداوند

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوُظَائِفِ، وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ...

خداوند او تو از کارهای برگزیده و واجبات مخصوصه، ماه رمضان را قرار دادی. ۲۰/۴۵

عدم یاری خدا در کارش، توسط وزیری

أَنْتَ الَّذِي... لَمْ يُوَازِرَكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ

تویی آنکه در کارت، وزیری تو را کمک نکرده است. ۱۴/۴۷

بزرگی کار خدا

سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلَّ شَأْنُكَ

پاک و منزهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ

پاک و منزهی! چه بزرگست مرتبه تو! ۴/۵۲

سامان یافتن کار دوستداران ائمه علیهم السلام

اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ

کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده.

۶۵/۴۷

انتخاب کسی توسط خدا، برای کار خود

بِحَقِّ... مَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ... تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا

بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُنْصَلًّا

به حق کسی که او را برای کار خود انتخاب نموده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را

که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده. ۸۶/۴۷

کار دنیا و آخرت، و تنها به خدا امید داشتن

فَإِنِّي... لَا أَرْجُو لِمُرِّ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیا به احدی جز تو امید ندارم. ۴/۴۸

پرسش نشدن از خدا، درباره کار بنده

إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟ ۱۵/۴۸

بی نیازی بنده (از دیگری)، در همه کارها

وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی. ۲/۵۱

امید داشتن در همه کارها، به خداوند

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقْتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا

ص : ۹۶۵

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. ۸/۵۴

کاستی

نبود افزایشده ای، برای هر که خدا از او کاسته

لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ

از کسانی که (خدا) کاسته، افزایشده ای نمی افزاید. ۵/۱

نبود کاهشده ای، برای هر که خدا به او فراوانی داده

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ

از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهشده ای نمی کاهشده. ۵/۱

کاسته نشدن از بنده در صورت عطاى الهی

اللَّهُمَّ... مَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَعَ الْمَانِعِينَ

خداوندا هر که را تو عطا فرمودی، جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست. ۱۲/۵

کامل ساختن خوی پسندیده ناقص بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أَكْثَرُومَهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

کاستن از نیکی ها

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَعْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نماند که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی. ۷/۲۲

کاستن شمار دشمنان مرزداران اسلام

وَ انْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ

و از تعدادشان بکاه. ۵/۲۷

جلوگیری از کاستن مسلمانان

خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَن تَنْقِصِهِمْ

با کاستن عدد آنان (مشرکان)، از کاستن (مسلمانان) جلوگیری باش. ۱۰/۲۷

کاسته نشدن از خدا، با عطا نمودن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - مَا لَا يُنْقِصُكَ بَدْلُهُ

خداوند، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد. ۶/۳۹

يَا مَنْ... لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ

ای کسی که هیچ بخششی، (گنج های) او را

ص : ۹۶۶

به خدمت گرفتن ماه با فزونی و کاستی اش

وَ اَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با فزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

کاستی نیافتن گنجینه های خدا

إِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد. ۵۰/۴۵

کاستی ناپذیری فضل الهی

فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ

به درستی که فضل تو کاستی پذیر نیست.

۵۰/۴۵

وَ اسْتَعْمَلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ، وَ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود و به فضلت که کم نمی گردد، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره

کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار. ۴۷/۴۵

کاسته نشدن از ملک الهی ، با نافرمانی گنهکاران

لَكِنَّ سُلْطَانَكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ...

تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد. ۶/۵۰

کاسته نشدن از ملک خدا، با شرک آوردن به او

سُبْحَانَكَ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانُكَ مِنْ أَشْرَكَ بِكَ، وَ كَذَّبَ رُسُلَكَ

پاک و منزهی! کسی که به تو شرک آورد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد. ۳/۵۲

کالا

کالای نابودشدنی دنیا

مَا زُوِيَتْ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِيهِ فَاذْخَرَهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيهِ

آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

کالای دنیا، وسیله رسیدن به جوار الهی

وَ اجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً اِلَى جِوَارِكَ، وَ وُضِّلَهُ اِلَى قُرْبِكَ

ص : ۹۶۷

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود و وسیله پیوستن به جایگاه بزرگت قرار ده. ۶/۳۰

کام

رهایی از کام گرفتاری

خَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوِي

از کام های بلا رهایی ام بخش. ۹۸/۴۷

کامل

کامل گشتن وعده خداوند

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ وَعْدِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هاینده، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود. ۱۲ و ۱۱ و ۱۰/۳

سبب کامل شدن کینه ستمگر

أَعْدِنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً، تُكُونُ... مِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودن

آماده ای که کینه ام را بر او کامل نماید. ۸/۱۴

وسيله کامل نمودن روزی های پاکیزه

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

خداوندا ما را با بارانی که روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی، سیراب نما. ۵/۱۹

کامل ترین ایمان

اللَّهُمَّ... بَلِّغْ بِيَّيْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ

خداوندا ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان.

وسیله کامل گرداندن نیت بنده

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي

خداوندا به لطف خود نیت مرا کامل گردان.

کامل گرداندن خوی پسندیده ناتمام بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أَكْزُومَهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

وسیله کامل گرداندن اوصاف (اخلاقی) بنده

أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی

کامل گردان. ۱۰/۲۰

عوامل کامل گرداندن خیر دنیا و آخرت، برای بنده

نَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ... أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. و بدین وسیله، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل نما.

۲۹/۲۰

کامل گرداندن عطایا

تَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي

آنچه به من عطا کردی، تمام گردان. ۷/۲۱

کامل ترین بهره های همسایگان

وَ اجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُطُوطِ فِيمَا عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده. ۴/۲۶

جنگ برای کامل تر شدن نصیب الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ... لِيَكُونَ... حَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقَّهِ الْيُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، تا بهره تو کامل تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن. ۱۳/۲۷

کامل ترین درودها

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّمَا... لَا يَنْتَهِي أَمِيدُهَا... كَأَنَّكُمْ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست. درودی که مدتش پایان نپذیرد. مانند کامل ترین درودهایت که بر هر یک از اولیای فرستاده شده. ۱۸/۲۷

کمال توانایی، بلندپایگی و برتری خدا

لَكَ يَا إِلَهِي... فَضِيلَهُ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، وَدَرَجَهُ الْعُلُوِّ وَالرَّفْعَةِ

خداوندا فضیلت توان و نیرو و درجه والایی و بلندی، از آنِ توست. ۱۰/۲۸

رساندن بنده، به شکلی کامل

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّىٰ انْتَهَيْتَ بِي إِلَىٰ تَمَامِ الصُّورَةِ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی. ۲۳/۳۲

کامل تر قرار دادن شکرگزاری بنده، برای امور بازداشته شده از او

وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَىٰ مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَىٰ مَا حَوَّلْتَنِي

ص : ۹۶۹

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی، کامل تر از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

سبب آرزو نکردن تمام نمودن ساعتی پس از ساعت دیگر

وَ اَكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصْرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُوءِمْ لَ اسْتِثْتِ مَامَ سَاعِهِ بَعْدَ سَاعِهِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بدانجا که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی، آرزو نکنیم. ۱/۴۰

عامل کامل نمودن کرامت بنده

أَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ

به آمرزشت، کرامت مرا کامل گردان. ۴/۴۱

الهام کامل دانش شگفتی های قرآن، به محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا

خداوندا همانا تو علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی. ۵/۴۲

کامل ساختن نور محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ أْتِمُّ نُورَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نورش را کامل ساز. ۱۹/۴۲

کامل ساختن نعمت، با کامل شدن طاعت

أَتِمِّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْإِمْنَةَ

با کامل کردن طاعتت در آن (ماه)، نعمت را بر ما تمام گردان. ۷/۴۳

نماز خواندن، با کامل ترین طهارت

وَ أَنْزِلْنَا فِيهَا مَنَزِلَةً... الْمَوْءِدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا... عَلَى أَتَمِّ الطَّهْوَرِ وَ أَسْبِغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود با پاکی تمام و فراگیر، به جا آورده اند. ۹/۴۴

کامل گرداندن نور مؤمنان، در قیامت

رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا

پروردگارا، نورمان را برای ما کامل گردان و ما را بیامرزد. ۱۱/۴۵

تمام شدن وقت ماه رمضان

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَ وِفَاءِ عَدَدِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدتش و پایان یافتن عدد (روزهای)ش، از ما جدا شد. ۲۲/۴۵

کامل تر شدن کرم، احسان و نعمت الهی

لَمْ تَكُنْ أَنْاتُكَ عَجْزًا... بَلْ لِيَتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَ

ص : ۹۷۰

كَرْمُكَ أَكْمَلُ، وَإِحْسَانُكَ أَوْفَى، وَنِعْمَتُكَ أَتَمُّ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجت تو رساتر، و کرم تو کامل تر، و احسان تو فراوان تر، و نعمت تو تمام تر باشد. ۲۲/۴۶

سپاسی با مزدی کامل

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۲

زیاده روی در کامل به جا آوردن سپاس

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُوءَىدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيْتِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که زیاده روی نمود در کامل به جا آوردن آن، تأیید شود. ۳۶/۴۷ و ۴۵

کامل ترین نیکی ها، برای پیامبر صلی الله علیه و آله

بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ

کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز.

۵۰/۴۷

کامل شدن بخشش های خدا بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَتَوَافِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی. ۵۷/۴۷

تمام نمودن فراوانی نعمت ها، بر بنده

تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ

فراخی نعمت را بر من تمام کن. ۱۲۸/۴۷

کامل نمودن انعام الهی، برای بنده

أَتِمِّمْ لِي إِتْعَامَكَ

نعمت دادنت را برایم کامل کن. ۱۳۲/۴۷

کامل گشتن احسان الهی، علی رغم بدی بنده

لَمْ تَمْنَعْكَ إِسَاءَتِي عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ

بدکرداری من، تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. ۱۳/۴۹

سپاسی کامل، از خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزار می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. ۶/۵۱

ص : ۹۷۱

کامیابی خوش بختی

کاوش جستجو

کاهلی

کاهلی در بندگی خدا

لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ

مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن.

۱۱/۲۰

کبر تکبر

کبریایی بزرگی

کتاب آسمانی قرآن

فرموده خدا در کتابش، درباره ناسپاسان

...فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه

ترند.» ۹/۱

آمدن سوگند به دنبال وعده الهی ، در کتاب خدا

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَ اتَّبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ قَاطِعًا لَاهِتِ مَا مَنَّا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام

ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده. ۳/۲۹

فرمایش خدا، در کتاب محکمش

قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ

ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگان را می پذیری. ۱۵/۳۱

فرموده خدا در کتابش، درباره ثبات اندام

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتٌ فِي كِتَابِكَ: (نُطِفَهُ ثُمَّ عَلَقَهُ ثُمَّ مَضَعَهُ ثُمَّ عَظَّمَا ثُمَّ كَسَوَتِ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ) كَمَا سِئْتُ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خون بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی. ۲۳/۳۲.

ختم کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان

ص : ۹۷۲

ویژگی های کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَيِّمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی. ۱/۴۲

جَعَلْتَهُ... كِتَابًا فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَ وَحِيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی و وحیی که بر پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی. ۲ و ۱/۴۲

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ، وَ مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ، وَ نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانَهُ، وَ عَلَّمَ نَجَاهٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصِيدَ سُبُّتِهِ، وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم و شفا برای

کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، و ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، و نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود و نشانه نجاتی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد. ۳/۴۲

شرح دادن کتاب خدا، برای بندگان

جَعَلْتَهُ... كِتَابًا فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی. ۲ و ۱/۴۲

کمک به بندگان، در خواندن کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می

کنند. ۴/۴۲

سختی زبان ها و نیکویی عبارت کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِي أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَزْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت

ص : ۹۷۳

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَيَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمَا حُكِمَ آيَاتِهِ، وَيَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَّحَاتِ بَيْنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند و با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند و خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند. ۴/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. ۶/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقَلِهِ، وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَيَقْتَدِي بِتَبْلُجِ إِسْفَارِهِ، وَيَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَ لَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند و از متشابهات به پناهگاه محکمش پناه می برند و در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند و با نور صبحگاهش راه می یابند و به درخشش روشنایی آن اقتدا می کنند و از نور چراغ آن، روشنی می افروزند و در غیر آن هدایت را نمی جویند. ۷/۴۲

نزول کتاب خدا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی و علم آن را تفسیرشده، به ما ارث دادی و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی و ما را بر (دریافت) آن قوت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمل آن را نداشت، رفعت بخشی.

نتیجه اعتراف به از جانب خدا بودن کتاب او

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ، وَ لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکی جلودار تصدیق ما نشود و انحرافی ما را

از راه راستش جدا نسازد. ۶/۴۲

حاملان قرآن

ص : ۹۷۴

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن قرار دادی، پس بر محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. ۶/۴۲

برتری کتاب خدا

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمد که با آن سخن راند، درود فرست. ۶/۴۲

کتاب خدا و به پا داشتن محمد صلی الله علیه و آله، برای راهنمایی

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده. ۸/۴۲

به پا داشتن کتاب خدا، به وسیله ولی او

أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ

کتاب خود را به وسیله او به پا دار. ۶۲/۴۷

ستمگران، و نابود کردن کتاب خدا

لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيرًا

مرا پشتیبان ستمگران و یاور آنان در محو کتاب خود، قرار نده. ۱۳۲/۴۷

دورافتاده دیدن کتاب خدا

...حَتَّىٰ عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلْفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرُونَ... كِتَابَكَ مَبْثُودًا

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده، می بینند کتاب تو دور افتاده است. ۹/۴۸

بندگان را به کتاب الهی، مژده دادن

اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيهَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...
اللَّهُ...

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید.» ۲/۵۰

یافتن فرموده خدا، در کتاب او

اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيهَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ... أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ

ص : ۹۷۵

اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

خداوند، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

پذیرفتن کتاب خدا

قَبِلْتُ كِتَابَكَ

کتابت را پذیرفتم. ۶/۵۲

کتاب اعمال

کتاب مرقوم و گواهی مقربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَزِيدُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها (بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقربان الهی گواه آیند».

۱۳ و ۱۰/۱

نویسندگان و ضبط اموری در کتاب اعمال

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يَزِيدُ عَلَيَّ مَا أَحْصَيْتُهُ فِي كِتَابِكَ الْكَتَبَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد. ۳۶/۴۷ و ۴۰

کتاب اعمال و رسوایی بنده

فِيَا سَوَاتِنَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابَكَ

پس وای بر رسوایی من، از آنچه کتاب تو برایم برشمرده است. ۲/۵۰

کتابت نوشتن

کج روی الحاد

کجی

عدم انحراف از راه حقّ

مَتَّعِنِي بِهُدَىٰ صَالِحٍ لَّا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَهُ حَقٌّ لَّا أَزِيغُ عَنْهَا

مرا به هدایتی شایسته که با هیچ چیز عوض نکنم و به راه حقّی که از آن به بیراهه نروم، بهرمنند ساز. ۵/۲۰

فرزندان و راست گرداندن کجی والدین

أَقِمِّ بِهِمْ أَوْدِي

کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما. ۴/۲۵

سبب عدم انحراف از راه راست قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّىٰ... لَّا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از

ص : ۹۷۶

راه راستش جدا نسازد. ۶/۴۲

به راه کج رفتن و منحرف شدن

وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا، وَإِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا

و اگر در آن کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان و اگر در آن منحرف شده ایم، ما را استوار بدار. ۱۶/۴۴

عامل نابودی کج طلبان راه راست

امتحق به بغاه قصدق عوجا

به وسیله او (ولی خود)، آنان که می خواهند راه راست تو را کج کنند، نابود گردان. ۶۲/۴۷

عامل بیرون راندن منحرفان، از راه خدا

أزّل به الناكين عن صراطك

به وسیله او (ولی خود)، منحرفان را از راهت بیرون کن. ۶۲/۴۷

منحرف شوندگان از راه های خداوند

و لا تُبترني فيمن تُبتر من المنحرفين عن سبيلك

و مرا در شمار شکستگانی که از راه های تو منحرف شده اند، در هم نشکن. ۹۷/۴۷

کرامت

گرد آمدن با پیامبران، در محل کرامت همیشگی خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَ مَحَلٌّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل

کرامتی که همیشگی است. ۱۰/۱ و ۱۶/۱

افزایش کرامت فرشتگان

صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ

بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان بیفزاید. ۲۵/۳

کرامت داشتن والدین، نزد خداوند

وَ اَخْصِصِ اللّٰهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامتِ نزد خود و درود از جانب خود، اختصاص ده. ۲/۲۴

رساندن والدین همراه با تکریم، به جایگاه سلامت (در بهشت)

بَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ

ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان. ۱۴/۲۴

سبب گرد آمدن والدین و فرزندان، در سرای کرامت

ص : ۹۷۷

اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم.

۱۵/۲۴

مرزداران اسلام و منازل کرامت

لَوْحٍ مِنْهَا لَأَبْصَارِهِمْ مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا مِنْ... مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ

آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از سراهای کرامت، در مقابل دیدگان نشان نمایان ساز.

۴/۲۷

مسلمان و رسیدن به کرامت الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيْمَانًا مُسْلِمًا خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بوزنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَضُهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا... أَعَدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن که سود آنچه پیش

فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد.

۱۶/۲۷

گسترده بسترهای کرامت، برای بنده

أَفْرِشِنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ

بسترهای کرامت را برای من بگستر. ۱/۴۱

وسیله کامل گشتن کرامت بنده

أَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ

به آمرزش، کرامت مرا کامل گردان. ۴/۴۱

وسیله رسیدن به منازل کرامت

اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ

قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت قرار ده. ۸/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بهترین کرامت الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد،

برسانی. ۲۱/۴۲

کرامت وعده داده شده خدا، به دوستانش

أَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

ص : ۹۷۸

ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستان و عده داده ای، سزاوار نما. ۱۲/۴۴

رسیدن به کرامت الهی

بَصُرْتَنَا... الْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ

ما را به (راه) رسیدن به کرامت، بینا نمودی.

۱۹/۴۵

فراوان ساختن کرامت الهی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی. ۵۷/۴۷

بازگرداندن بنده، به فراوانی کرامت الهی

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُثَبِّتَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاری بخشش خود بازگردانی.

۱۰/۵۲

کردار رفتار

جزا دادن خدا، به کردارهای نیک و بد

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

۶/۱، ۷/۶

استوار گرداندن اندام کردارها، در بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَثَبَّتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت. ۲۰/۱

محبوبیت عمل برای آخرت، نزد پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

تُحِبُّ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ

عمل برای آخرت را در نظرشان محبوب کنی.

۱۶/۴

رسوا نکردن بندگان، به بدی کردارشان

لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

ما را نزد آنها به سبب زشتی رفتارمان رسوا نگردان. ۱۵/۶

توفیق انجام عمل خیر

وَفُقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان،

ص : ۹۷۹

ما را برای انجام نیکی توفیق ده. ۱۸/۶

خودپسندی در عمل

نَعُوذُ بِكَ... أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا

پناه می بریم به تو از اینکه در کارهایمان خودپسند باشیم. ۵/۸

نوشتن کردارهای پاکیزه ای برای بیمار، در حال بیماری

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ...

و در بین آن بیماری نویسنده اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده. ۵/۱۵

بدی کردار و شرمندگی بنده

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. ۲۰/۱۶

زیر بار کردار شیطان نرفتن

اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز. ۸/۱۷

بهترین کردارها

وَ اِنَّهُ... بِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

و عملم را به بهترین اعمال منتهی ساز.

۱/۲۰

کردار بنده و عفو الهی

اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ... وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ

خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی که

سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد. ۱۵/۲۰

انجام پاکیزه ترین عمل، هنگام تشابه اعمال

وَفَقِنِي... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

علم با عمل

وَ ارْزُقْنِي... عِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِ

و مرا علم با عمل، روزی فرما. ۲۷/۲۰

نیکو گرداندن کردار بنده

حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أحوَالِي عَمَلِي

عملم را در همه احوالم، نیکو گردان.

۲۸/۲۰

عملی خوشنودکننده خداوند

وَ اٰمِنُنْ عَلَيَّ... بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

ص : ۹۸۰

و عمل - برای خودت - به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار.

۱۳/۲۱

رغبت و مواظبت در عمل برای خدا

ارزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي

برای آخرت‌م رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. ۸/۲۲

عمل کردن به بندگی خدا

وَ ارزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى اَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش‌ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته، عامل به طاعتت باشم. ۱۳/۲۲

شیطان و بازدارندگی بنده، از عمل شایسته

اِنَّ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد. ۷/۲۵

اعمالی شوینده چرکی خطایا

وَفَقِّنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي

مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من

بشویی، توفیق ده. ۱۳/۳۱

دانایی خدا به کردار بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاعْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، بیامرز. ۱۷/۳۱

نادان نبودن بنده، به بدی کردارش

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثْرِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. ۲۶/۳۱

ضعفِ کردار بنده

أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا

من بنده ای هستم که عملش ضعیف است.

۹/۳۲

کردار بنده و سزاواری خشم خدا

...إِذَا... اسْتَوْجِبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَتَكَ، فَتَلَ عَنِّي عِدَارَ غَدْرِهِ

...همین که با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم، پس (دشمن تو) عنان حيله اش را از من برگرداند. ۱۳/۳۲

احسان الهی و کردار فرمانبر و گنهکار

تَفَضَّلَتْ عَلَيَّ كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْضُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی

ص : ۹۸۱

تفضل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

۱۱/۳۷

سبب رسیدن به توفیق در عمل

زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم. ۱۶/۳۷

کردار درست و کوتاه گرداندن آرزو

وَ اكْفِنَا طَوْلَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن. ۱/۴۰

اعمال شایسته و کند شمردن بازگشت به خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطِي مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کند شماریم. ۳/۴۰

خدا، اصلاح کننده کردار تبهکاران

يَا... مُشْتَصِلِحِ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ

ای خواهان اصلاح عمل تبهکاران. ۵/۴۰

کردار بنده و ترازوی عدل

لَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْإِنصَافِ عَمَلِي

عملم را در ترازوی انصاف نگذار. ۲/۴۱

کردار بندگان، در گردن آنها

وَ صَارَتْ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِي الْأَعْنَاقِ

و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد.

ویژگی های کردارهای پاکیزه ماه رمضان

وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّائِكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی و از آلوده شدن به عیب های تازه در این (ماه) ما را نگهداری کنی. ۱۰/۴۴ و ۱۱/۴۴

فراوان گشتن اعمال، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ... نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که اعمال در آن گسترده گشت. ۲۵/۴۵

عمل شایسته و به دست آوردن حق خدا

أَجْرٍ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حق تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان. ۴۶/۴۵

ص : ۹۸۲

جزا دادن خدا به عمل اندک

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرًا مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد. ۶/۴۶

کردار شایسته پیش فرستاده شده

إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده

۷۲/۴۷.م

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِّنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام. ۶/۴۸

یاری کردن بنده، به کردار نیکو

وَ أَعْنَى عَلَيَّ... مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ

و بر (داشتن) کردار نیکو یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

تقسیم نمودن عمل به طاعت، در بین اهل ایمان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ... عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ... أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه

میان بندگان با ایمانت، عمل به طاعت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

کردار بنده و آمرزش الهی

إِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِّنِّي بِعَمَلِي

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است. ۴/۴۸

عملکرد عبادی امام سجّاد علیه السلام

...ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ، وَ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

...سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد و بر محمد و خاندانش هزار بار درود فرست که امام - که درود بر او باد - اینچنین انجام می داد.

۲۸/۴۸

عمل کننده ترین بندگان، به فرمان خدا

وَ أَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ

و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. ۲/۵۲

هلاک گشتن بنده، با کردارش

عَمَلِي أَهْلَكَنِي

عملم مرا به هلاکت افکنده. ۷/۵۲

اندک شمردن کردار خود

ص : ۹۸۳

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أَمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

بنده در گزوی کردار خویش

فَأَنَا... الْمُؤْتَهَنُ بِعَمَلِي

...از این رو من گروگان عمل خویشم.

۱/۵۳

محبوبیت عاملی به سبب عملش، نزد خدا

أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری.

۳/۵۴

عملی منجر به رها نکردن دین خدا

اسْتَعْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم. ۶/۵۴

کرسی

سپاسی برابری کننده با کرسی بلند پایه

الهی

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ

سپاس برای توست. سپاسی که با کرسی بلند پایه ات برابری نماید. ۴۱ و ۳۶/۴۷

کرم بخشش

بخشنده بودن خدا

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

به درستی که تو بسیار بخشنده و بزرگواری.

۲۶/۳

إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

همانا تو دارای رحمت وسیع و بخشش بسیار هستی. ۲۴/۱۳

إِنَّكَ... الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ

همانا تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام نمی شود. ۷/۱۵

فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

زیرا تو توانگر بخشنده ای. ۲۸/۴۸، ۷/۲۲

أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ

تویی بسیار بخشنده بزرگوار. ۶/۳۰

إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ

همانا تو بسیار نعمت دهنده کریم هستی.

۱۶/۳۷

تَتْرُكُ مُعَاجِلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا... يَشْفَى بِنِعْمَتِكَ

ص : ۹۸۴

شَتِيهِمْ إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمٌ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر پس از حجت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!

۹/۴۵

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرَّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت. ۴/۴۷

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بزرگوار. ۸/۴۷

يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ

ای بزرگوار، ای بزرگوار. ۸/۴۸

تنگ نگشتن کرم خدا، از درخواست بنده

عَلِمْتُ... أَنْ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُوءِ الْإِحْدِ

دانستم که بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد. ۱۹/۱۳

کرم خدا، شفیع در خطاها

شَفُّعٌ فِي خَطَايَا كَرَمَكَ

کرمت را شفیع خطاهایم گردان. ۲۴/۳۱

کریم ترین کس

إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ

همانا تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود. ۲۰/۳۲

إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

به درستی که تو کریم تر کسی هستی که از او درخواست شده. ۵۶/۴۵

عدم وجود (بخشنده ای)، کریم تر از خدا

فَمَنْ أَكْرَمُ يَا إِلَهِي مِنْكَ

پس ای خدای من، کریم تر از تو کیست؟

۱۶/۳۷

اتمام حجت الهی و کرمی از عفو خدا

تَتْرُكَ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ... إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا هلاک شونده ایشان، به خاطر تو هلاک نشود. مگر پس از حجت های پیاپی آوردن بر او. که (این همه) کرامت، از گذشت توست، ای کریم!

۹/۴۵

بازگشت آرزوها و پایان کرم خدا

انْصَرَفَتِ الْأَمَالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است. ۱۲/۴۶

ص : ۹۸۵

کامل تر شدن کرم الهی

لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزًا، وَلَا إِمَهَالُكَ وَهْنًا، وَلَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَلَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاهًا، بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَكَرْمُكَ أَكْمَلَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری ات نه از روی غفلت، و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است. بلکه برای آنست که حجت تو رساتر، و کرم تو کامل تر باشد. ۲۲/۴۶

خدا، در منتهای کرم

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرَّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بسیار با کرم در نهایت کرامت. ۴/۴۷

خداوند کریم و بخشنده

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. کریم بسیار بخشنده. ۸/۴۷

کرم الهی و فراوانی (نعمت)

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرم، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۳۶/۴۷ و ۴۸

اعتماد نمودن به کرم خدا

عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَعَلَى جُودِكَ وَكَرْمِكَ أَتَكِلُ

فقط بر تو توکل می کنم و تنها بر بخشش و کرامت تو دل می بندم. ۱۱/۵۲

آنچه کرم خدا موجب آن می گردد:

أ. با احسان رفتار نمودن با بنده

وَ اِحْمِلْنِي بِكَرْمِكَ عَلَى التَّفْضِيلِ

و به فضل خویش با من به احسان رفتار نما. ۲۰/۱۳

ب. خوش رفتاری، با بنده

تَأْتِيَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي

با بخشش با من مدارا نمودی و در کفرم شتاب نکردی. ۳۲/۱۶

ج. اصلاح نمودن بنده

أَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ

به کرم خویش، مرا اصلاح فرما. ۲۱/۲۰

د. پاداش جاودانه به عمل کوتاه مدت بنده

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدت زودگذر، پاداش درازمدت همیشه‌گی دادی. ۱۲/۳۷

ص : ۹۸۶

هـ. فرستادن درود خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸.

کری

کر ساختن گوش قصد بد دارنده، درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُصَمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعُهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳ و ۸

کریه ناپسند

کز دُم عقرب

کسادی

تجارتی کساد ناپذیر

مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ، يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ

آنها که محبت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند.

۵/۴

کسب

جزا دادن هر نفسی، به کسب شده هایش

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نینند. ۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند. ۱۱/۲۴

بدی های کسب شده و سوددهی اعتراف

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ ۶/۱۲

کسب روزی، با زحمت بسیار

وَ اكْفِنِي مَوْلَانَهُ الْاِكْتِسَابِ

ص : ۹۸۷

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. ۲۴/۲۰

سبب زیر بار بدی عواقب کسب نرفتن

ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ، فَلَا... اُحْتَمِلَ اِضْرَ تَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ

مرا بی حساب روزی ده، تا زیر بار پیامدهای بد کسب نروم. ۲۴/۲۰

اكتساب بدی های بسیار

كَمْ... سَيِّئَةٍ اِكْتَسَبْنَاهَا... كُنْتَ الْمَطَّلِعَ عَلَيْهَا دُونَ النَّاطِرِينَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم، (و) تو بر آن مطلع بودی نه (دیگر) بینندگان. ۲/۳۴

عدم خرده گیری خدا، بر آنچه بنده کسب نموده

وَلَا تُنَاقِشْنِي بِمَا اِكْتَسَبْتُ

و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر.

۲/۴۱

كسوف

خدمت گزاری ماه، به فروزندگی و کسوف

اَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ... وَ الْاِنَارَةِ وَ الْكُسُوفِ

تو را با فزونی و کاستی، و نورفشانی و

گرفتگی، به خدمت گرفت. ۲/۴۳

کشت

رویاندن کشت، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی، سیراب نما. ۵/۱۹

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری خواستن علیه کفار

هَاجِرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ... إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِئْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ

به شهرهای غربت هجرت نمود. بر این خواسته که دین تو را عزت دهد و بر (ضد) کافران به تو یاری طلبد. ۱۶/۲

کافر و منت نهادن بر بنده

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْهُ

برای بدکار و کافر، بر من منت قرار نده.

۱۲/۲۱

کافر و نعمتی برای او نزد بنده

ص : ۹۸۸

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا

برای بدکار و کافر، بر من مَنّت و برای او نزد من نعمت، قرار نده. ۱۲/۲۱

حاجت بنده را به کافر وانگذاشتن

لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً... وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ

برای بدکار و کافر، بر من مَنّت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده. ۱۲/۲۱

شیطان و سخن کفر

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَكَ... تَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرِهِ

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، با گفتار کفرش با من روبرو شد. ۱۳/۳۲

درّه های کفر

اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النُّفَاقِ

با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. ۱۲/۴۲

مقدّر نمودن مرگ، برای موّحد و کافر

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَدَّكَ وَ مَنْ كَفَرَ بِكَ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای. ۵/۵۲

کفر ورزیدن به هر معبودی، جز خدا

كَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ

به هر معبودی جز تو کفر ورزیدم. ۶/۵۲

کفو همانند

کلام سخن

کلمه

بلند گردیدن کلمه حقّ

هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحِهِ قَرَارِهِمْ حَتَّى... عَلَتْ كَلِمَتُكَ

در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد. تا اینکه سخن تو، بلند گردید. ۲۲ و ۲۱/۲

آشکار ساختن کلمه حق

فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ

در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند. ۴/۴

نبودن تغییردهنده ای، برای کلمات خدا

سُبْحَانَكَ... لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ

پاک و منزّهی! برای کلمات تغییردهنده ای نیست. ۳۰/۴۷

فانی نشدن کلمات الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَّى... لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ

ص : ۹۸۹

کَلِمَاتُكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که فانی نشود، همچنانکه کلمات تو فانی نمی شود. ۵۳/۴۷

کلید

محمد صلی الله علیه و آله ، کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... مِفْتَاحِ الْبَرَكَهِ

خداوندا بر محمد - کلید برکت - درود فرست. ۳/۲

مرگ، کلیدی از کلیدهای رحمت الهی

اجْعَلْهُ... مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ

آن را کلیدی از کلیدهای رحمت قرار ده.

۴/۴۰

هلال ماه، کلید ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

کم اندک

کمان

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّى مَلِكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَائِي بِأَسْهُمِ وَحْشِهِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان مرگ ها نشانه گیرد.

کمک یاری

کمین

تنهایی بنده، در برابر دشمنِ کمین گیر

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... وَخَدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مَنْ نَاوَانِي، وَ أَرْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

در کمین نشستن ستمگر، همانند درندگان

كَمْ مِنْ بَاغٍ... أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَةِ لِفَرِيستِهِ

چه بسیار ستمگری که همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در

ص : ۹۹۰

کندن

کنده شدن استخوان های پشت

يَا اِلٰهِي لَوْ... رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاِحْدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کنده شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

کندن بندهای قلوب دشمنان

وَ اِخْلَعُ وَ تَائِقُ اَفْنِدْتِهِمْ

و رگ های دلشان را بکن. ۵/۲۷

آشامیدنی دوزخ و کنده شدن دل ساکنان آن

وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ اَمْعَاءَ وَ اَفْنِدَةَ سُكَّانِهَا، وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

زمان کندن گرفتاری ها، از بندگان

وَ اَمَحِقْ ذُنُوبَنَا مَعَ اَمَحَاقِ هَلَالِهِ، وَ اسْلَخِ عَنَّا تَبِعَاتِنَا

مَعَ اَنْسِلَاخِ اَيَّامِهِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن و با گذشتن روزهایش، سختی هایمان را از ما بکن.

۱۵/۴۴

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِاَنْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. ۴۹/۴۵

کندن دوستی دنیا، از دل بنده

انزع من قلبي حب دُنْيَا دَيْتِي، تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ

دوستی دنیای پست را که از آنچه نزد توست، بازمی دارد از دلم بر کن. ۱۰۹/۴۷

برکندن کینه اهل ایمان، از سینه بنده

انزع الغل من صدري للمؤمنين

کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

کندی

فرمان دادن به بنده و کندی او در به جا آوردن آن

...يَخْجُبْنِي... أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ...

...بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم. ۲/۱۲

ص : ۹۹۱

عَلَّتْ كُنْدَى زَبَانِ رَا ز وَ نِيَاز بِنْدَه، بَا خدَا

كُلُّ ذَلِكْ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي، وَ لَذَاكَ... كَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاتِكَ

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. و از همین جهت است که زبانم از مناجات با تو بند آمده. ۲۰/۱۶

ذکر خدا تا کند شدن زبان

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَشْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي... وَ ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ
وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، و در این مدت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

به کندی روا شدن درخواست بنده

وَ لَا تَجْعَلْنِي... آيِسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَ إِنِ ابْطَأْتُ عَنِّي

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده. ۸/۲۱

عدم کندی والدین، در نیکی به فرزند

فَإِنِّي... لَا أَسْتَبِطُهُمَا فِي بَرِّي

زیرا آنان را در نیکی به خودم، سهل انگار نمی شمارم. ۹/۲۴

عدم کندی احسان خدا، درباره بنده

لَا يُبْطِئُ بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ

خوبی احسانت درباره ام عقب نمی افتد.

۲۶/۳۲

کندی خداوند، در عقاب بندگان

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ ابْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کندی نموده ای، ترک کردن حق خودت

بوده است. ۱۵/۳۷

کُندی در بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. ۳/۴۰

خواندن بنده و کُندی او (در فرمانبری)

أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ تَدْعُونِي

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کُند هستم.

۱۱/۵۱

کنکاش جستجو

کُنه ذات

ص : ۹۹۲

خوراک جنین، از زیادی خوراک کنیز خدا (مادر)

جَعَلَتْ لِي قُوَّتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيَّتَهُ لِأَمَّتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

جای دادن جنین، در ته رحم کنیز خدا (مادر)

جَعَلَتْ لِي قُوَّتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيَّتَهُ لِأَمَّتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا

از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی. ۲۴/۳۲

طبقاتِ غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزانت را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

کوبیدن

کوبیدن سرِ قصدبددارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَقْمَعَ رَأْسُهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا سرش را بکوبی. ۷/۲۳ و ۸/۲۳

وسیله کوبیدن شهرهای مشرکان

وَ اَفْرَعَهَا بِالْمِمْ-حُولِ

و آن (شهرها) را با قحطی و خشکسالی بکوب. ۱۲/۲۷

کوتاهی

فرشتگان و عدم کوتاهی در فرمان الهی

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ... لَا يُؤْعِثُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ

خداوندا و حاملان عرشت که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند... ۱/۳

کوتاهی در سپاس گزاری از نعمت

...يَحْجُبُنِي... نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ. فَفَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا...

بازمی دارد مرا (از درخواست از تو)، نعمتی

ص : ۹۹۳

که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم. ۲/۱۲

کوتاهی نمودن و آمرزش خواستن

أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ

برای آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم. ۱۴/۱۲

حاجت بنده و کوتاهی طاقتش

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم. ۱۵/۱۳

کوتاهی در سپاس گزاری خدا

وَ أَرْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما. ۱۱/۲۲

بخشیدن کوتاهی والدین، در مورد فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتَهُ لِهَمَّا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدی نموده اند یا نسبت به من از واجبی کوتاهی کرده اند، پس آن را به ایشان

بخشیدم. ۹/۲۴

کوتاهی نمودن عفو خدا، از بنده

فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَ لَا يَقْصِرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ

پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید و بخشایشت از من کوتاهی کند. ۱۵/۳۲

کوتاه بودن عمل گنهکار و فرمانبر

تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی تفضل نموده ای که عملش کوتاه تر (کمتر) از آن است. ۱۱/۳۷

پاداش درازمدت به عمل کوتاه مدت

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازِيْتُهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدت زودگذر، پاداش درازمدت همیشگی دادی. ۱۲/۳۷

عامل کوتاه گرداندن آرزو، از بندگان

وَ اَكْفِنَا طُولَ الْاَمَلِ، وَ قَصَّرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن. ۱/۴۰

کوتاهی در بزرگداشت خدا

جَبْنَنَا... التَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ

ما را از کوتاهی در بزرگ داشتن دور گردان.

۱۳/۴۴

ص : ۹۹۴

شب های ماه رمضان، و کوتاهی در نماز و تضرع به درگاه خدا

وَ أَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ... حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِعَفْلِهِ، وَ لَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شبش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

۱۷/۴۴

کوتاهی بنده و عهده داری روزه

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را - با (همه) کوتاهی (کردن هایمان) - توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. ۴۴/۴۵

کوتاهی نمودن (در عبادت)، در رمضان

فَأُجْرْنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. ۴۵/۴۵

تقصیر از (ادای) حق الهی

أَوْجِبَ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان. ۴۶/۴۵

کوتاهی هر ستاینده، از سپاس گزاری خدا

لَكَ الْحَمْدُ... شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ

سپاس برای توست. ستایشی که ستایش هر ستاینده ای از آن بازماند. ۳۶/۴۷

کوتاهی در حق الهی

وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ

و مرا به کوتاهی نمودنم در حقت، کیفر نکن.

فراوانی نعمت و کوتاهی بنده

هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النُّعْمِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و آنها را با کوتاهی مقابله نموده است. ۱۵/۴۹

عذاب خدا و کوتاهی بنده

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمَفْرُطُ... الْمُقْصِرُ...

اگر کیفر کنی، این من هستم که سهل انگار و مقصرم. ۱۴/۵۱

سبب کوتاهی بنده:

أ. تجاوز از حد، نسبت به فرمان الهی

فَقَصَرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده. ۶/۳۱

ص : ۹۹۵

ب. آراستگی نادرستی و خطا

سَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

اندیشه بد خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم. ۱۶/۳۲

کوچ

کوچ بنده، به سوی رحمت خدا

اجْعَلْ... إِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي

کوچ مرا به سوی رحمت قرار ده. ۱۱/۲۱

کوچ مجاهد، در راه خدا و برای خدا

وَ اجْعَلْ... طَعْنَهُ وَ اِقَامَتَهُ، فِيكَ وَ لَكَ

و مسافرت و اقامتش را، در راه خود و برای خود قرار ده. ۱۴/۲۷

کوچ کردن بندگان، به سوی آخرت

دَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَحِيلٌ وَ انْطَلَقٌ

کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود. ۱۳/۴۲

کوچک

نرھیدن هیچ خردی، از خدا

وَ لَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَ اِنْ لَطَفَ

و چیزی - اگر چه خرد باشد - از او (خداوند)

رهایی نمی یابد. ۱/۲

کوچکی منزلت ها، در برابر منزلت خدا

يَا مَنْ تَصَغَّرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ

و ای کسی که در نزد قدر و منزلت او، قدر و منزلت ها کوچک می شود. ۵/۵

بدی جدایی بنده از روز، با به جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ

اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِاِثْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، اَوْ اِقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ

از بدی جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن. ۱۳/۶

کوچک شمردن معصیت و نافرمانی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... اسْتِضْغَارِ الْمُعْصِيَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی. ۱/۸ و ۲/۸

کوچک شمردن گناه خرد

نَعُوذُ بِكَ مِنْ... اِحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ

پناه می بریم به تو از ناچیز شمردن گناه کوچک. ۶/۸

کوچکی خواهش بنده، در برابر وسعت رحمت خداوند

ص : ۹۹۶

عَلِمْتُ... أَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِيكَ حَقِيرٌ فِي وَسْعِكَ

دانستم که هر چه از تو خواهش های بزرگ نمایم در برابر وسعتِ رحمتِ تو کوچک است.

۱۹/۱۳

کوچک و حقیر بودن بنده

فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ

پس به درستی که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بدحال و خوار و ناچیز توام. ۷/۲۱

پناه بردن به خدا از شرّ هر کوچک و بزرگ

أَعِدْنِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ

مرا از شرّ هر کوچک و بزرگی پناه ده.

۶/۲۳

پرورش دادن فرزندان کوچک والدین، برای ایشان

إِلَهِي... رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ

خداوندا خردسالشان را برای من پرورش ده.

۲/۲۵

کوچک ساختن مقام دشمن در دل مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلَّلَهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغَّرَ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو

شد، آنها را در چشمش اندک نما و مقامشان را در دلش کوچک گردان. ۱۵/۲۷

توبه از گناهان بزرگ و کوچک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاہت توبه می‌کنم. ۱۴/۳۱

گناهان خرد هلاک‌کننده

فَأَوْقَعَنِي وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُؤَبَّقَةٍ

پس (دشمن تو) در حالی که از گناهان کوچک هلاکت بار به سویت می‌گریختم، مرا بر زمین زد.

۱۳/۳۲

کوچک‌ترین احسان و نعمت خدا

...لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمَلَهُ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَى مِنْ أَيْدِيكَ وَ مَنَّكَ

...اگر با او چنین رفتار می‌نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، در برابر کوچک‌ترین احسان‌های تو و نعمت‌هایت از دست رفته بود. ۱۳/۳۷

خرد بودن هر بزرگی، در برابر خدا

كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ

هر بزرگی نزد تو کوچک است. ۱۳/۴۶

ص : ۹۹۷

کوچک و خوار گشتن منزلت بنده

وَلَا تَسْمِنِي حَسِيْسَةً يَضْعُرُ لَهَا قَدْرِي

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز. ۱۲۱/۴۷

توبه نصوح و باقی نماندن گناهان کوچک و بزرگ

تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَهُ نَصُوْحًا لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوْبًا صَغِيْرَةً وَلَا كَبِيْرَةً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری. ۱۲۶/۴۷

پروردن بنده، در کوچکی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... رَبِّيْتِي صَغِيْرًا

خداوندا، تو مرا در کوچکی پرورش دادی.

۱/۵۰

کودکی

والدین و محافظت از فرزند در کودکی

وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِبْغِي

و آنچه در کودکی ام از من نگهداری کردند، برای ایشان نگهدار. ۷/۲۴

کوری

کور گرداندن دیده دل ها

أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوْبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ

چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان. ۶/۹

از روی نایبایی نبودن پذیرش دعوت شیطان

وَمَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى الشُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَى مِنِّي فِي مَعْرِفَةِ بِهِ...؟

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم با آنکه در شناخت او کور نیستم؟ ۲۳/۱۶

کوری از راه خدا

وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَىٰ عَنْ سَبِيلِكَ

و مرا به سستی در عبادت و به کوری از راهت، گرفتار نساز. ۱۱/۲۰

جَبَّنَا... الْعَمَىٰ عَنْ سَبِيلِكَ

ما را از کوری از راهت دور گردان. ۱۳/۴۴

کور ساختن چشم قصد بد دارنده درباره بنده

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّىٰ تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ

ص : ۹۹۸

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور سازی. ۷/۲۳

نتیجه باز شدن ابرهای کوری

...حَتَّىٰ إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَىٰ، وَ تَفَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَىٰ... فَرَأَىٰ كَبِيرَ عَضِيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

...آریا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست. ۷/۳۱

خدا، کور گرداننده چشم مصائب

كَمْ مِنْ... أَعْيُنٍ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا

چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی. ۱۱/۴۹

کوشش اهتمام

فرشتگان نگهبان عرش، و کوشش در امر الهی

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ... لَا يُؤْعِزُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ

خداوندا و حاملان عرش که در فرمان تو کوتاهی را بر کوشش اختیار نمی کنند... ۱/۳

کوشش فرشتگان و عدم خستگی

وَ الَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ...

و همانها که از کوشش دائمی دلنگ نمی شوند، پس بر ایشان درود فرست. ۷/۳ و ۱۰

کوشش در دعا و خواندن خدا

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي، رَاجِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُتِلَغَ فِي الدُّعَاءِ؟

ای خدای من آیا تو بر کسی که تو را بخواند رحم کننده ای تا من هر چه بیشتر در دعا بکوشم؟

۱۵/۱۶

کوشش در دوستی خدا، و خوار ساختن شیطان

اللَّهُمَّ... اكْبِتْهُ بِذُؤْبِنَا فِي مَحَبَّتِكَ

خداوندا با کوشش مستمر ما - در دوستی ات - او را خوار نما. ۳/۱۷

کوشش در کاری بازدارنده (از عبادت خدا)

وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاِهْتِ مَامٌ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن. ۳/۲۰

کوشش والدین در کار فرزندان

عَافِهِمْ... فِي كُلِّ مَا عُنَيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

ص : ۹۹۹

آنان را در کارهایشان - که به آن می گوئیم - تندرستی ده. ۲/۲۵

قطع اهتمام بنده، به روزی ضمانت شده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَ اُنْبِئْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ قَاطِعًا لَاهِتْ - مَا مِنَّا بِالرُّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْت بِهِ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای و در پی آن سوگند خود را در کتابت آورده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده. ۳/۲۹

تلاش جهت توبه محوکننده (ی بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ، وَ اخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَ اعْظَا لَنَا... وَ سَعِيًّا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاحِيَةِ، وَ الطَّرِيقِ الْمَحْمُودَةِ

پس آن عیب ها که پوشانندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده و (حرکت در) راه ستوده، قرار ده.

۳/۳۴

نزدیک شدن زمان تلاش برای توبه

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ... وَ اعْظَا لَنَا... وَ سَعِيًّا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاحِيَةِ... وَ قَرَّبِ الْوَقْتِ فِيهِ

پس آن عیب ها که پوشانندی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده و

زمان آن را نزدیک گردان. ۴ و ۳/۳۴

کوشش بنده، و نرسیدن به طاعت الهی

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ

خداوندا همانا کسی در طاعت تو هر چند تلاش کند، به جایی نمی رسد. ۲ و ۱/۳۷

سبب از دست رفتن کوشش بنده

لَمْ تَسْمُهُ الْقَصِيصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ... لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَهَذَبَ بِجَمِيعِ مَا كَادَحَ لَهُ وَ جُمَلَهُ مَا سَعَى فِيهِ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای

آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود. ۱۳/۳۷

ماه، آفریده ای کوشا

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ

ای آفریده فرمانبردار، و کوشای شتابنده.

۱/۴۳

کوشش در بسیاری سپاس گزاری از خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که هر که در بسیاری آن کوشید، یاری گردد. ۳۶/۴۷ و ۴۵

ص : ۱۰۰۰

کوشش جهت خوشنودی ولی خدا

اجْعَلْنَا... فِي رِضَاةِ سَاعِيْنَ

ما را کوشا در خوشنودی او قرار ده.

۶۳/۴۷

کوشش دوستان ائمه علیهم السلام، در اطاعت از ایشان

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُمْـَجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که کوشش کنندگان در طاعت ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

کوشیدن در جهت خوشنودی خدا

تَوَخَّذْنِي بِمَا تَتَوَخَّذُ بِهِ مَنْ... أَتَعَبَ نَفْسُهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

۸۸/۴۷

کوشش جهت نزدیکی به خدا

أَذِقْنِي طَعْمَ... الْجَاهِدِ فِي مَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ

طعم کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بیچشان.

۱۲۵/۴۷

احسان خدا و کوشش بنده، در نافرمانی او

كُلُّ ذَلِكَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلاً مِنْكَ، وَ فِي جَمِيعِهِ انْهَمًا كَمَا مَنِي عَلَى مَعْاصِيكَ

همه آنها نعمت و احسان از جانب توست، و در همه آنها، من سرگرم نافرمانی تو بودم.

۱۳/۴۹

گماشته شدن فرشتگان، بر کوه ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا

فرونیاشد. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

کوه ها و ناتوانی فهم شگفتی های قرآن

وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصَلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَزَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَاتِهَا عَنِ اخْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با

محکمیشان از تحمل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی. ۴۲/۱۰

کهن دیرینه

ص : ۱۰۰۱

کید فریب

کیش دین

کیفر

جزا دادن به بد کرداران و نیکوکاران

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

تا کسانی را که بد کرده اند، به سبب آنچه که به جا آورده اند، سزا دهد و آنان را که به سبب نیکویی، نیکویی نمودند را، جزا دهد. ۶/۱

بِكُلِّ ذَلِكُمْ... يَبْلُغُوا أَحْيَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ... لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید، و می نگرد آنها در اوقات طاعتش چگونه اند. تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند. ۷/۶

جزا داده شدن در قیامت

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود و آنان هرگز ستم نبینند. ۱۲/۱

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار

نده، در آن روز که هر نفسی به آنچه کرده، جزا داده شود و هرگز ایشان ستم نشوند. ۱۱/۲۴

سپاسی پناه دهنده از کیفر الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... خَفِيرًا مِنْ نَقِمَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پناه دهنده ای از عذابش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

آزاد نمودن گردن ها، از کیفر الهی

أَعْتَقَ رِقَابَنَا مِنْ نِقْمَتِكَ

گردن های ما را از عذابت آزاد کن. ۲/۵

پناه بردن به خدا، از رسیدن کیفر الهی

نُعُوذُ بِكَ مِنْ... حُلُولِ الْعِقَابِ

پناه می بریم به تو از فرود آمدن کیفر. ۹/۸

سبب به جا نماندن کار بد مستوجب کیفر

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى... لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما

نماند. ۷/۹

نتیجه نترسیدن از کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اعْتَرَا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند

ص: ۱۰۰۲

فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

نیازمودن ستمگر، به آسودگی از کیفر

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنُهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَ عَلَي ظُلْمِي

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند.

۱۲/۱۴

نمونه ای از کیفر دشمن

صَوْرٌ فِي قَلْبِي مِثَالِ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ

نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار. ۱۵/۱۴

برتری عفو خدا، نسبت به کیفرش

أَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

عدم افراط خداوند، در کیفر گناهکاران

أَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابِ مَنْ عَصَاهُ

تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کنی. ۱۲/۱۶

خوشایندی گذشت از بنده نسبت به کیفر نمودنش، نزد خدا

...وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي

...و از آن روست که بخشایش من نزد تو محبوب تر از کیفر من است. ۲۶/۱۶

جزای بنده در نخستین معصیت

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَسْأَلُكَ مَغْفِرَتَكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِأَسْأَلِكَ... إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ
النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در
نخستین گناهی که کردم، آتش بود. ۳۱/۱۶

ترساندن بندگان، از کیفر

فَائِكَ... رَهَبْنَا عِقَابَهُ

همانا تو از کیفر نافرمانی خود بیمان داده ای.

۶/۲۵

شیطان، و ایمن ساختن بندگان، از کیفر الهی

يُؤْءُ مِنَّا عِقَابَكَ، وَ يُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ

ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند. ۶/۲۵

ص: ۱۰۰۳

کیفر شدن بنده و عدم انکار عدل الهی

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنَّ عَاقِبَتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند. ۱۰/۳۱

توبه و سالم ماندن از کیفر الهی

اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَيَّ حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند. ۲۲/۳۱

جزا ندادن بنده، به کیفر الهی

لَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ

مرا به جزایم که عقوبت توست، مجازات نکن.

۲۴/۳۱

مهلت دادن به شیطان، تا روز جزا

وَ اسْتَمَهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمَهَلْتَهُ

و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی. ۱۲/۳۲

آتش دوزخ و کیفری دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می شود. ۲۹/۳۲ و ۳۰

رعد و برق، و رساندن عذاب زیانبار

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار به طاعتت می شتابند.

برانگیختن ابرها، برای کیفر

اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً... فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم. ۳/۳۶

کیفر نمودن بنده و ستمکار نبودن خدا

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. ۸/۳۷

سزاوار همه کیفرهای الهی شدن

وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِبَعْضِيَانِكَ كُلِّ مَا أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

و حال آنکه او در آغاز که همت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه

آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

تأخیر در کیفر بنده، و چشم پوشی خدا از حَقِّش

فَجَمِيعُ مَا... أَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقْمَةِ وَالْعِقَابِ تَرْكُكَ مِنْ حَقِّكَ

پس هر کیفر و عقابی که در انجام آن کندی نموده ای، ترک کردن حقِّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

به حقِّ جزا دادن بنده و هلاکت او

فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِي بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي

زیرا اگر تو مرا به حقِّ مکافات دهی، هلاکم.

۵/۳۹

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر

إِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفْعَلُهُ بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِكَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی

کند. ۱۱/۳۹

منزه ندانستن خود، از سزاواری عقاب

إِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفْعَلُهُ بِمَنْ... لَا يُبْرِي نَفْسَهُ مِنْ اسْتِجَابِ نَقْمَتِكَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرا

نمی داند. ۱۱/۳۹

اقدام به کارهای بازدارنده کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَقِي مِنْ عِقَابِكَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم. ۷ و ۶/۴۴

عدل بودن کیفر الهی

عُقُوبَتُكَ عَدْلٌ

و کیفیت از روی عدل است. ۴/۴۵

کیفر بنده، به مانند کار بدش

مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا

هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود. ۱۲/۴۵

روزی بنده نمودن ترس از کیفر بیم داده شده

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

عدم تبدیل نعمت، به نعمت و کیفر

ص : ۱۰۰۵

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النُّعْمَةَ، لَا يُبَادِرُ بِالنَّقْمَةِ

ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند. ۱۰/۴۶

آمزش خواهان و کیفر الهی

لَا يَشْقَى بِنِقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

آمزش خواهان به کیفر تیره بخت نمی شوند.

۱۵/۴۶

بازگشتن به کیفر الهی

مَا أَطْوَلَ تَرُدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ

چه طولانی است پی در پی بازگشتنش، در کیفر! ۲۰/۴۶

سخت بودن کیفر الهی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمَحَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندی مرتبه، سخت کیفر می کند. ۵/۴۷

درخواست بنده، جهت کیفر نشدن

لَا تُؤْأَخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، وَ مُجَاوَزِهِ أَحْكَامِكَ

مرا به کوتاهی نمودنم در حقت و تعدی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

۸۹/۴۷

کیفر مهلت دادن

أَجْزَنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

از کیفر مهلت دادن پناهم ده. ۹۸/۴۷

عفو و عقاب الهی

أَعْلَمُ... أَنْكَ بِأَنْ تَغْفُوَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ

می دانم به درستی که تو به بخشایش شایسته تری تا اینکه کیفر کنی. ۱۱۶/۴۷

خدا؛ عقاب کننده بر گناه

تَغْمَدُنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ... الْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَا تُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی پوشان، آنگونه که می پوشاند کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می

داد). ۱۱۹/۴۷

درخواست کیفر نشدن، در روز آشکار شدن پنهانی ها

لَا تُهْلِكُنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

در روزی که پنهان ها آشکار می شود، کیفرم نکن. ۱۲۹/۴۷

کیفر الهی و رحمت او

لَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ

از کیفرت، جز رحمت پناه نمی دهد. ۱۳/۴۸

دره های هلاکت و کیفرهای الهی

ص: ۱۰۰۶

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَبِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ

به درّه های نابودی وارد شدم. در آنها، خود را در معرض سخت گیری هایت قرار داده ، با عقوبت هایت روبرو شدم. ۲/۴۹

سبب ایمن شدن از کیفر خداوند

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا اتَّخَذَهُ سُلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَآمَنْ بِه مِنْ عِقَابِكَ

پس ای خدای من، از رحمتت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم و به وسیله آن از کیفرت ایمن گردم. ۱۷/۴۹

خداوند جزادهنده

كَفَى بِكَ جَازِيًا

همین بس که تو جزادهنده ای. ۳/۵۰

کیفیت

عدم فهم کیفیت و چگونگی خدا

أَنْتَ الَّذِي... عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ

تویی آنکه فهم ها از کیفیتت عاجزند. ۱۸/۴۷

کینه

کامل نمودن کینه بنده، با یاری او در برابر

ستمگر

أَعْدِنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً، تَكُونُ... مِنْ حَقِّي عَلَيْهِ وَفَاءً

مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودن آماده ای که کینه ام را بر او کامل نماید. ۸/۱۴

کینه ورزی نسبت به دشمنان خدا

وَاجْعَلْهُمْ... لِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ

و آنان (فرزندانم) را ستیزه جو و کینه توز همه دشمنانت قرار ده. ۳/۲۵

عامل بیرون شدن کینه، از دل های بندگان

أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ

کینه دل هایمان را، با روزی ات بگشا. ۴/۳۶

عدم کینه ورزی نسبت به مؤمنان

انزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ

کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

فرونشستن کینه دشمن

فَرَدَدْتَهُ... لَمْ يَشْكُنْ غَلِيلُهُ

پس در حالی که کینه اش قرار نگرفته بود، او را باز گرداندی. ۶/۴۹

کیل پیمانہ

ص: ۱۰۰۷

گام قدم

گذشت آمرزش و نیز عفو

رهایی یافتن (از گناه)، با گذشت الهی

أَجْرِنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ

به گذشت خود، ما را از عذابت ایمن ساز.

۲/۱۰

گذشت نیکوی خداوند، بر آفریدگان

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است. ۱۰/۱۲

مشهور بودن خدا، به گذشت

فَإِنَّكَ... مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ

همانا تو به گذشت مشهوری. ۱۵/۱۲

بازگشت بنده، به سوی گذشت الهی

وَ اجْعَلْ... مُتَّحَوِّلِي عَنْ صِرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ

و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود قرار ده. ۶/۱۵

رو به خاک مالیدن برای خدا، و گذشت او

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُتَّجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟

ای خدای من آیا تو از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

بنده، آرزومند گذشت الهی

اللَّهُمَّ... إِيَّيْكَ تَجَاوَزُكَ أَشْتَقُّ

خداوندا به گذشت تو اشتیاق ورزیده ام.

۱۵/۲۰

در گذشتن از همسایگان ستمکار

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنِ الظَّالِمِينَ

و خداوندا مرا بر آن دار که از ستمگرشان با چشم پوشی گذشت کنم. ۳/۲۶

گذشت خداوند از لغزش ها، به نیکویی گذشتش

أَقْلِبْنِي عَثْرَاتِي بِحُسْنِ إِقَالَتِكَ

به نیکویی گذشتت، از لغزش هایم در گذر.

۳۲/۳۲

افتادن گناه های خطاکاران، و گذشت الهی

ص : ۱۰۰۹

اجْعَلْنِي أَسْوَهَ مَنْ قَدْ أَنْهَضَتْهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ

مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گاه های خطاکاران بلند کردی. ۱۰/۳۹

شب های رمضان و گذشت الهی

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لِيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ... يَهْبِهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که گذشتت ایشان را می بخشد، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

روان گشتن قدرت خدا، بر گذشت

أَنْتَ... أَجْرِيَتْ قُدْرَتُكَ عَلَيَّ التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری ساخته ای. ۸/۴۵

گذشت خدا از والدین و هم کیشان مسلمان

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعًا

خداوندا از پدران و مادران و همه هم کیشان ما، در گذر. ۵۵/۴۵

خدا، در گذرنده از بدی بنده

وَ يَا مَنْ... يَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْفِيَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند. ۱۱/۴۶

نافرمانی از خدا، با اعتماد به گذشت او

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ... رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا بِتَجَاوُزِكَ

پس با امیدواری به بخشایشت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. ۶۸/۴۷

پناه بردن به گذشت الهی

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ

اینک منم در پیشگاه تو، پناهنده به بخشایش.

۶۹/۴۷

در گذشتن خدا، از لغزش کاران

يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ

ای آنکه با احسان خود لغزشکاران را می بخشایی. ۷۵/۴۷

درخواست در گذشتن از لغزش ها

وَ أَفْلِنِي عَثْرَتِي

و از لغزشم در گذر. ۱۶/۴۸

أَسْتَقِيلُكَ عَثْرَاتِي

از تو می خواهم که از لغزش هایم در گذری.

۸/۵۱

آمرزش خواستن بنده و در گذشتن خدا

فَاسْتَغْفِرْتُ فَأَقَلَّتْ

پس آمرزش خواستم و تو در گذشتی. ۱/۴۹

در گذشتن خداوند، از (گناهان) بنده

ص : ۱۰۱۰

تَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

از من در گذر، ای دارای بزرگی و کرم.

۷/۵۰

خدا، در گذرنده از لغزش بنده

أَنْتَ الَّذِي... أَقَلَّتْ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِي

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم در گذشتی. ۴/۵۱

يَا مُقِيلِي عَثْرَتِي

ای در گذرنده از لغزشم. ۷/۵۱

گذشتگان

متفاوت بودن روش خدا در توبه، برای گذشتگان

فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم

برداشته. ۲۳/۱

نعمت های خدا بر همه بندگان گذشته و باقی مانده اش

لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر

همه بندگانش - گذشتگان و باقی ماندگان - دارد.

۲۷/۱

بی بهره بودن امت های گذشته از وجود محمد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد، نه بر امت های گذشته و مردمان پیشین. ۱/۲

در آوردن بنده در میان سرای پیشینیان

وَافِ بِی عَرْصَةَ الْأَوَّلِينَ

مرا به جایگاه (رستاخیز) پیشینیان برسان.

۱۲۷/۴۷

دشمنان جانشینان خدا، در بین گذشتگان و آیندگان

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن. ۱۰/۴۸

گذشتن صرف نظر کردن

گذشته

نعمت های خدا بر همه بندگان گذشته و

ص : ۱۰۱۱

لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ

سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش - گذشتگان و باقی ماندگان - دارد.

۲۷/۱

بی بهره بودن امت های گذشته از وجود محمد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد، نه بر امت های گذشته و مردمان

پیشین. ۱/۲

توبه و زمان گذشتن وقت عمل

...حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ... تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

تا اینکه می بیند زمان عمل گذشته. با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند.

۸/۱۲

پاکی از چرکی (کردارهای) پیشین

طَهَّرُونِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسَلَفْتُ

مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما.

۶/۱۵

گناهان، گذراننده و به سر رساننده عمر بنده

أَنَا الَّذِي أَفْنَيْتِ الدُّنُوبَ عُمُرَهُ

منم آنکه گناهان عمرش را به فنا دادم.

۱۴/۱۶

سپری شدن خوشی های گناهان

اسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ... قَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ: مِنْ ذُّنُوبٍ أَدْبَرَتْ لِدَاتِهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ

از (کار) زشتی که در حکم تو رسواگر است، از تو کمک خواسته. از گناهانی که لذت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد. ۹/۳۱

توبه از لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ... سَوَالِفِ زَلَاتِي وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاہت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

توبه ای نابودکننده آنچه (گناهان) گذشته

فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ... تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته است، گردان.

۲۰/۳۱

ص: ۱۰۱۲

فراموشی کار ناپسند گذشته

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِّنِّي بِسُوءِ أَثْرِي، وَ لَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم و از فراموشیِ کردار نکوهیده گذشته ام نیست.

۲۶/۳۱

پایندگی عزت خدا، با گذشتن زمان ها

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ خَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارا و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳/۳۲

سپری شدن رمضان، در حال پاک شدن بندگان از خطا

وَ امْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امْحَاقِ هِمَالِهِ... حَتَّى يَنْقِضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

و با محو شدن هلال ماه، گناهان ما را محو کن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته

ای. ۱۵/۴۴

سپری شدن رمضان، و کندن گرفتاری ها از بنده

اسْلَخْ عَنَّا تَبَعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاخِ أَيَّامِهِ

با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما

بکن. ۱۵/۴۴

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. ۴۹/۴۵

افزونی ترس و سپری شدن رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفٍ... أَوْ حَشٍّ مُتَقَضِيًّا فَمَضُّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند. ۲۷/۴۵

برکات و نیکی های گذشته ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ... وَ عَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سَلْبِنَاهُ

دروود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم. ۴۲/۴۵

توبه از کارهای بد گذشته

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... مِنْ كُلِّ... سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ

خداوندا ما از هر بدی ای که در گذشته انجام داده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

دروودی فراگیرنده هر درود گذشته و تازه

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالَفِهِ وَ مُسْتَأْنَفِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

طلب آمرزش از گناهان گذشته

ص: ۱۰۱۳

وَ اسْتَغْفِرْكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي

و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم. ۲۶/۴۸

نیکی آنچه نوشته شده و گذشته

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم. ۵/۵۴

گرامی

گرامی ترین آفریدگان و ستایش خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ... أَكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ

سپاس خدای را، به هر سپاسی که گرامی ترین آفریدگانش، او را ستوده اند. ۲۵/۱

سفیران و نگهبانان گرامی خداوند

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ، وَ الْحَفَظَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و سفیران بزرگوار نیکوکار و حافظان

گرامی نویسنده (اعمال). ۱۸ و ۱۱ و ۳/۱۰

گرامی داشتن بندگان، نزد خدا

كَرَّمْنَا عَلَيْكَ

ما را نزد خود گرامی دار. ۵/۵

نویسندگان گرامی اعمال

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوْتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز. ۱۵/۶

گرامی ترین خلق خدا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

پس بر محمد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست. ۲۴/۶

گرامی ترین پاداش

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبرانت از جانب امتش دادی، به او پاداش ده. ۲۳/۶

بردباری خدا و گرامی نبودن بنده

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. ۲۶/۱۶

ص: ۱۰۱۴

فرشتگان گرامی و آب رسانی سودمند

أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ. بِسْقِي مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۲/۱۹

گرامی داشتن بنده، به تندرستی

أَكْرَمَنِي بِعَافِيَتِكَ

به عافیت گرامی ام دار. ۱/۲۳

گرامی داشتن فرزند و دریافت پاداش از خدا

اللَّهُمَّ... أَتُبَّهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي

خداوندا آنها را بر گرامی داشتنم، پاداش ده.

۷/۲۴

پیامبران گرامی، در جایگاه گواهان

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْرِنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرَّسُلِ الْمُكْرَمِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان

ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

سرانجامی گرامی

اخْتِمَ لَنَا بِالَّتِي هِيَ... أَكْرَمُ مَصِيرًا

کار ما را به آنچه سرانجامش گرامی تر است، ختم کن. ۶/۳۳

منع خوردنی ها و آشامیدنی ها، به جهت گرامی داشت ماه رمضان

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا، وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و

آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود.

رمضان، گرامی ترین وقت مصاحب بنده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ

درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که همراه بودی. ۲۴/۴۵

گرامی داشتن بازگشت بنده، به سوی خدا

وَ أَكْرَمٍ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلِبِي

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار. ۲۵/۴۶

درود بر پیامبر گرامی

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندان محمد که

ص: ۱۰۱۵

برگزیده، اختیار شده، گرامی و مقرب داشته شده اند، برترین درودهایت را بفرست. ۵۰/۴۷

گرامی بودن روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شریف و گرامی و بزرگ داشته ای. ۶۶/۴۷

پیوسته بودن نعمت های گرامی، نزد بنده

ظَاهِرُ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ

گرامی های آن را نزد من پیوسته گردان.

۱۲۸/۴۷

خوار نگردیدن بنده، در صورت گرامی داشتنش توسط خدا

إِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِينُنِي

اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟ ۱۵/۴۸

گرداب

گرداب های فتنه و بلا

نَجِّنِي مِنْ عَمْرَاتِ الْفِتْنَةِ

از گرداب های فتنه نجاتم ده. ۹۸/۴۷

بنده و گرداب نادانی اش

وَلَا تَذَرْنِي... فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ

و مرا در گرداب غفلتم، تا مدت زمانی بی خبر رها نکن. ۱۲۴/۴۷

گردش

گردش در زمین و سود دنیا و آخرت

يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكَ الْأَجْلِ فِي آخِرَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا و یافتن سود آینده در آخرت.

۶/۶

گردش روزگار و پایدگی عزت خدا

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ حَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَ الْأَيَّامِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها و سال های گذشته و گذشتن زمان ها و روزها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳/۳۲

به گردش در آوردن آسیاب عذاب

أَدِرْ رَحَى نَقِمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ

آسیاب کيفرت را برای ملحدان به گردش در آور. ۳/۳۶

بسیار گشتن سپاس، با گردش زمان ها

ص: ۱۰۱۶

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَيَّ كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود. ۳۹ و ۴۷/۳۶

درودی فزونی یابنده، با گردش روزگار

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ صَلَٰهًا... تَزِيدُهَا عَلَيَّ كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يُعْدُّهَا غَيْرُكَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند. ۴۷/۵۵

گردن

آزاد نمودن گردن های بندگان، از عذاب الهی

أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَعْمَتِكَ

گردن های ما را از عذابت آزاد کن. ۲/۵

نینداختن طوق زشتی گناه، بر گردن بنده

كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَّتْ بِهَا فَلَمْ... تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ شَنَارِهَا

چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی.

۲۱/۱۶

وسیله رهایی گردن خطاکاران

إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَأَنَّكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد. ۲۸/۱۶

باریک گشتن گردن بنده، با گناهان

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده. ۲۹/۱۶

عامل آزاد کردن گردن بنده، از گناه

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن را آزاد کن. ۲۹/۱۶

طوق خواری به گردن قصد بد دارنده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُدَلَّ رَقَبَتُهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا

ص: ۱۰۱۷

گردنش را به خواری فروآوری. ۷/۲۳ و ۸.

نزد خدا آمدن، با گردنی افتاده

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ

پس با وجودی فروتن و گردنی فروافتاده، پیش روی توست. ۱۹/۳۲

زمان گردن بند شدن اعمال، در گردن ها

وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِي الْأَعْنَاقِ

و اعمال، گردن بندهای در گردن ها گردد.

۱۳/۴۲

طوق گردن بنده

طَوَّقِنِي طَوْقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا يُحِيطُ الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبِرَّكَاتِ

طوق دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده و برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز.

۱۰۶/۴۷

حسود و به گردن بنده بستن خصوصیات

وَ كَم مِّن حَاسِدٍ قَدْ... قَلَدْنِي خِلَالًا لَّم تَزَلْ فِيهِ

و چه بسیار حسودی که ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به گردنم انداخت. ۹/۴۹

پادشاهان و یوغ ذلت به گردن نهادن

يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر

گردن هایشان نهاده اند. ۷/۵۱

گردن بند گردن

گردن نهادن تسلیم

گردهمایی اجتماع

گرسنگی

مشرکان و گرسنگی همیشگی

أَصْبَهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ...

آنان را دچار گرسنگی دائم گردان. ۱۲/۲۷

گرفتاری

آوردگان گرفتاری ناگوار، برای زمینیان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ
الْبَلَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، که بلاى

ناخوشایند به سوى اهل زمین می فرستی. ۱۷ و ۱۱ و ۳/۱۰

به غم و اندوه گرفتار بودن بنده

وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ

ص: ۱۰۱۸

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام توانایی. ۱۰/۷

و عده الهی، رفع گرفتاری گرفتاران

سُبْحَانَكَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكُشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای. ۴/۱۰

رهایی یافتن از بلا و گرفتاری

وَ اجْعَلْ... خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

سپاس گزاری از خدا، جهت دور شدن بلا

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... بِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ

خداوندا بر بلایی که از من برگرداندی، تو را سپاس. ۱/۱۸

گرفتاری بودن تندرستی و درخواست از خدا درباره آن

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ، وَ أَخَّرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر

برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای،

پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز. ۲/۱۸

عدم گرفتاری به خودبزرگ بینی

أَعَزَّنِي وَ لَا تَبْتَلِينِي بِالْكِبَرِ

مرا گرامی دار و به خودبزرگ بینی گرفتارم نساز. ۳/۲۰

گرفتار نساختن بنده، به سستی در عبادت

لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ

مرا به سستی در عبادتت گرفتار نکن. ۱۱/۲۰

تندرستی بنده، پیش از گرفتاری او

فَأَمْنٌ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيهِ

پس پیش از گرفتاری، با تندرستی بر من منت گذار. ۲۰/۲۰

گرفتار نشدن بنده، به ستایش یا نکوهش دیگران

و لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ... فَأَفْتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ أُبْتَلَى بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخوایم. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم

ص: ۱۰۱۹

و به نکوهش آنکه از من بازداشته، دچار گردم.

۲۶/۲۰

امید به اجابت دعا، در حالت گرفتاری

لَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي وَ اِنْ اَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي... عَافِيهِ اَوْ بَلَاءٍ

مرا ناامید از اجابت - گرچه دیر شود - قرار نده، در تندرستی باشم یا گرفتاری. ۸/۲۱

شکیبایی در مقابل گرفتاری

اللَّهُمَّ... لَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ

خداوندا بر بلا شکیبایی ندارم. ۲/۲۲

رحمت الهی و بهبودی یافتن از بلا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُعَافَيْنِ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به رحمت تو از بلا رهیده اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

دلجویی از همسایگان گرفتار

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَرْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً

و خداوندا مرا بر آن دار که با مهربانی بر بلادیدگان آنها، دلسوزی نمایم. ۳/۲۶

گرفتار نساختن بندگان، به ناتوانی معرفت آنچه خدا اختیار نموده

لَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَعْمَطَ قَدْرَكَ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نسا، تا قدر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

گرفتار غفلت نشدن

لَا تَسْمُنَا الْغَفْلَةَ عَنْكَ، اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُونَ

ما را گرفتار غفلت از خودت نکن. زیرا ما به سوی تو راغب هستیم. ۴/۳۴

رعد و برق، و گرفتاری و بلا

لَا تُلْبِسُنَا بِهِمَا لِيَأْسَ الْبَلَاءُ

به سبب آن دو، جامه بلا بر ما نپوشان.

۱/۳۶

نگه داشتن بندگان، از بلا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَّيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ

پس سپاس تو راست، بر بلاهایی که ما را از آن نگهداشتی. ۶/۳۶

بنده، در گزروی گرفتاری خویش

أَنَا الْمُؤْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ

منم در گزروی گرفتاری خویش. ۸۳/۴۷

رهاندن بنده، از گرداب بلا و گرفتاری

نَجَّيْتَنِي مِنْ عَمْرَاتِ الْفِتْنَةِ

از گرداب های فتنه نجاتم ده. ۹۸/۴۷

رهایی از کام گرفتاری

ص : ۱۰۲۰

خَلَّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى

از کام های بلا رهایی ام بخش. ۹۸/۴۷

گرفتاری غلامان و کنیزان

وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَيْدِكَ وَ اِمَائِكَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزان را به آن گرفتار نموده ای، عافیت بخش.

۱۰۵/۴۷

پناه بردن به خدا، از گرفتاری

أَعِدْنِي... مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

مرا از فرود آمدن بلا پناه ده. ۱۱۹/۴۷

گرفتار نکردن بنده، به پستی و عیب

وَ لَا تَسْمِنِي خَسِيْسَةً يَضْعُرُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَقِيْصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خرد گردد، دچارم مساز و عیبی را که به خاطر آن، منزلتم دانسته نشود، بر من ثابت نگردان.

۱۲۱/۴۷

بنده را هدف گرفتاری قرار ندادن

لَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا

مرا هدف بلا نگردان. ۱۶/۴۸

بلا پی در پی

لَا تَبْتَلِيْنِي بِبَلَاءٍ عَلَيَّ اَثَرِ بَلَاءٍ

مرا گرفتار بلاهای پی در پی نساز. ۱۶/۴۸

کمین گرفتن دشمن، و گرفتار نمودن بنده

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... وَخَدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مَنْ نَاوَانِي، وَ أُرْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

بر گرداندن رنج گرفتاری، از بنده

صَرَفْتُ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ

سختی گرفتاری را از من دور کردی. ۲/۵۱

إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتُ عَنِّي

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من بر گرداندی! ۳/۵۱

بنده، اسیر گرفتاری خویش

فَأَنَا الْأَسِيرُ بِبَلَّتِي

...از این رو من اسیر بلای خود هستم.

۱/۵۳

از میان بردن گرفتاری بنده

أَذْهَبُ بِبَلَّتِي

گرفتاری مرا از میان ببر. ۲/۵۴

ص : ۱۰۲۱

گرفتن

ستاندن عمر بنده و میراندن او

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ قَبْضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورٍ عِقَابِهِ

زمانی که حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد. ۶/۱

خوشنودی بنده، به آنچه از او گرفته شده

اللَّهُمَّ... رَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَ مِنِّي

خداوندا مرا به آنچه برای من و از من گرفتی، خوشنود گردان. ۱۳/۱۴

خیر بنده، در دیر گرفتن حق خود

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَ تَزَكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيِّدْنِي مِنْكَ بِبَيْتِهِ صَادِقِهِ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستخیر می باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به بیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

گرفتن زلف جنبندهگان

أَعْدَنِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا

مرا از شر هر جنبنده ای که موی جلوی سر او

را گیرنده ای، پناه ده. ۶/۲۳

والدین و نگرفتن حقشان از فرزند

هِيَهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا

هیاهات! آنها تمامی حقشان را از من نمی گیرند.

همسایگان و اخذ اخلاق نیک الهی

وَفَقَّهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ...

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در ارفاق به ناتوانشان، توفیق ده.

۲/۲۶

گرفتن مالی با ویژگی های خاص، از بنده

وَ أَرَوْ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحَدِّثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيبًا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا

و مالی که برایم خودپسندی پیش آورد یا به ستمگری برساند یا در پی آن دچار سرکشی شوم را، از من دور ساز. ۳/۳۰

اندوختن کالای دنیایی گرفته شده از بنده در خزائن الهی

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِيهِ فَأَذْخَرَهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيهِ

آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره

ص : ۱۰۲۲

خدا و نگرفتن حقش

...لَأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي... لَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که حق خود را از کسی طلب نمی کنی. ۱۳/۳۹

فرشته مرگ و گرفتن جان ها

وَتَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد. ۱۳/۴۲

گرفتن دست بنده

وَلَا تَزِمُ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم

ده). ۱۰۴/۴۷

نگرفتن معبودی، با خدا

لَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ إِلَهًا، وَقَدْ فَرَزْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي

با تو، خدایی نگرفته ام و با جانم به سوی تو گریخته ام. ۳/۴۹

بازستاندن آنچه دشمنان به ستم گرفته اند

أَنْتَ الَّذِي... أَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بُظْلَامَتِي

تویی که داد مرا از دشمنانم گرفتی. ۴/۵۱

گرفته خوی

مردمی گرفته خوی و ابرو درهم کشیده

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَىٰ خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي

اگر مرا به آفریدگان و گذاری، با من ترش رویی کنند. ۳/۲۲

گرفته خوی نیافتن خدا

إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ... مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ

خدای من، هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم. ۵/۵۱

گرما

آتش دوزخ و گرم ترین عذاب دردناک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می

شود. ۲۹/۳۲ و ۳۰

تشنگی بندگان، از شدت گرما (در قیامت)

ص: ۱۰۲۳

وَ أَرُوْا بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَاجِرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگی شدید ما را در جاهای گرم در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما. ۱۱/۴۲

توانایی نداشتن بر (تحمل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمِخْرُومِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،
الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد. ۵/۵۰

توانایی نداشتن بر (تحمل) گرمی آتش دوزخ

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمِخْرُومِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،
الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آتش را

توانایی دارد؟ ۵/۵۰

گروگان

افتادگان در گرو گورها و دمیدن اسرافیل در صور

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ... فَيَنْبُثُهُ بِالنَّفْخِ صَرَعى رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدن مردگان گرو گورها را بیدار کند. ۲/۳

سبب در گرو بودن بنده، نزد خدا

لَمْ تَسْئَلْهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ... لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَنَدَّهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جُمَلِهِ مَا
سَعَى فِيهِ... وَ لَبَقِيَ رَهِينًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعَمِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، تقاضا نخواستی. اگر با او چنین رفتار می نمودی، همه آنچه برای آن تلاش نموده و همه آنچه در آن کوشیده، از دست رفته بود. و در حضور تو برای باقی نعمت هایت در گرو می ماند.

بنده در گروهی بلا و گرفتاری خویش

أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْتِهِ

ص: ۱۰۲۴

منم در گروهی گرفتاری خویش. ۸۳/۴۷

بنده در گروهی کردار خویش

فَأَنَا... الْمُزْتَهَنُ بِعَمَلِي

از این رو من گروهگان عمل خویشم. ۱/۵۳

گروه

در جماعت کشته شدگان به شمشیرهای دشمنان خدا در آمدن

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... نَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در ردیف کشته شدگان به شمشیرهای دشمنانش در آییم.

۲۷/۱۳۰

جماعت دشمنان شیطان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

پیوند دادن بین گروه مرزداران اسلام

أَلْفٌ جَمْعُهُمْ

جمعشان را الف ده. ۲/۲۷

جنگیدن برای تواناتر ساختن حزب خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ... لِيَكُونَ

دِينُكَ الْأَعْلَى وَ حِزْبُكَ الْأَقْوَى... فَلَقَّهِ الْيُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، تا دین تو برتر و حزب تو قوی تر گردد، پس او را با آسانی روبرو

قصد جهاد و در جماعت شهدا و صالحان قرار گرفتن

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى عَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٍ فَكَتَبَ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ... وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و او را در صف شهیدان و صالحان

قرار ده. ۱۷/۲۷

در زمره نومیدترین گروه نبودن

لَا أَكُنْ... أَقْنَطَ وَفُودَكَ الْآمِلِينَ

مبادا من از نامیدترین گروه های آرزومندت باشم. ۱۵/۳۲

در جماعت اصحاب یمین بودن

وَ انْظَمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و مرا در جماعت یاران دست راست در آور.

در گروه رستگاران قرار گرفتن

وَ اجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ

و مرا در گروه رستگاران قرار ده. ۴/۴۱

گرد آوردن بندگان، در گروه پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ

و ما را در گروه او محشور کن. ۲۰/۴۲

صمیمی نشدن با گروهی که برای خدا با آنها دشمنی شده

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُسَّالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُوِدِي فِيكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها

دشمنی شده. که او دشمنی است که با او دوستی نمی کنیم و حزبی است که با او صمیمی نمی شویم. ۱۰/۴۴

جماعت سزاوار بالاترین مرتبه

اجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ

ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحق بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده. ۱۲/۴۴

در آوردن بنده، در حزب و گروه خدا

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... أَذْخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که در حزب خود واردش کردی. ۶۷/۴۷

دشمن، در گروهی بسیار

وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحْدَهُ

و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی. ۶/۴۹

گره

خدا و باز کردن گره های ناگواری ها

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهٖ عُقَدُ الْمَكَارِهٖ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود. ۱/۷

گره های شیطان

اللَّهُمَّ اَحْلِلْ مَا عَقَدَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن.

۱۲/۱۷

گریز

نبودن گریزگاهی برای بنده، از خدا

حَتَّىٰ اِذَا... اَيْتَنَ اَنَّهُ... لَا مَهْرَبَ لَهٗ عَنكَ

تا اینکه باور کرده که گریزگاهی از تو برایش نیست. ۸/۱۲

ص : ۱۰۲۶

فراری دادن شیطان، از بندگان

وَلَنَا ظَهْرُهُ

او را از ما فراری ده. ۴/۱۷

پناه دادن خدا، به گریختن بنده به سویش

أَجْرَ هَرَبِي

گریزم را پناه ده. ۴/۲۱

گریز بنده، به سوی خدا

إِلَيْكَ الْمَفْرُؤُ وَالْمَهْرَبُ

مفر و گریز به سوی توست. ۴/۲۱

اجعل فراری إليك

گریزم را به سوی خود قرار ده. ۱۱/۲۱

فإليك أفرؤ

پس فقط به سوی تو می گریزم. ۱۱/۵۲

گریز از قدرت الهی

لَا أَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ

نمی توانم از قدرت تو بگریزم. ۶/۲۱

سبب نگریختن مرزداران اسلام از هموارد خود

أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعُدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْحَدَّاعِ الْعُرُورِ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ... حَتَّى لَا يَهَمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ عَنْ قِوْنِهِ بِفِرَارٍ

هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبده گول زنده را از خاطرشان بیر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند و با نفس خود، حدیث فرار از همانند خود را بازگو ننماید.

پشت کردن و فرار شیطان از بنده

...وَأَدْبَرَ مُؤَلِّيًا عَنِّي

...و پشت کنان از من فرار کرد. ۱۳/۳۲

با جان، به سوی خدا گریختن

قَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي

با جانم به سوی تو گریخته ام. ۳/۴۹

گریزگاه بدکار

إِلَيْكَ مَفَرٌ الْمُسِيءِ

گریزگاه بدکار به سوی توست. ۳/۴۹

فرار دشمن بنده

وَأَدْبَرَ مُؤَلِّيًا قَدْ أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلف کردند.

۶/۴۹

سزاوارتر بودن بنده به گریختن از خدا، در صورت امکان گریز

ص: ۱۰۲۷

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. ۳/۵۰

خدا، یابنده بنده گریخته

اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنَّ أَنَا هَرَبْتُ، وَ مُدْرِكِي إِنَّ أَنَا فَرَرْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم. و دستگیرکننده منی، اگر فرار کنم. ۴/۵۰

نبودن گریزگاهی، برای گریختن بنده

أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْفُو عَنِّي، وَ تَعْفِرَ لِي فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَدِر... وَ لَا مَفَرَّ لِي فَأَفِرُّ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و مرا گریزگاهی نیست تا

بگریزم. ۷/۵۱

گریختن از گناهان

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبَّ عَلَيَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر. ۸/۵۱

عدم (توان) گریز بنده، از خدا

كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به

وسیله روزی ات زندگی برایش نیست؟ ۱/۵۲

گریستن

سبب سخت گریستن خطاکاران

يَا مَنْ لِيخْفِيته يَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ

ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند. ۳/۱۶

عَلَّتْ شَتَابَ نَمُودِن دَر گَرِیَسْتِن

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَأُسْرِعْ فِي الْبُكَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

گریستن بنده، تا افتادن پلک چشمانش

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

گزیدن

دشمن و سرانگشت خود به دندان گزیدن

ص : ۱۰۲۸

قَدْ عَضَّ عَلَيَّ شَوَاهُ وَ أَذْبَرَ مُؤَلِّيَا

سرانگشتان خود را گزید و پشت کرده، فرار نمود. ۶/۴۹

گسترش

گستراندن رحمت الهی، برای بندگان

وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

و رحمت را با باران فراوان از ابر بر ما بگستران. ۱/۱۹

توفیق گستردن عدل

وَ اَلْبَسْنِي زِيْنَةَ الْمُتَّقِيْنَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ

و زیور پرهیزکاران را در گستردن عدل، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

گستراندن عافیت الهی، برای بنده

اَفْرِشْنِي عَافِيَتِكَ

عافیت را برایم بگستران. ۱/۲۳

گستراندن احسان الهی، بر بنده

وَ اَبْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ

و بخشش خود را بر من بگستر. ۲۴/۳۱

گستراندن کرامت الهی، برای بنده

وَ اَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ

و بسترهای کرامت را برای من بگستر.

۱/۴۱

گسترده گی روزی خدا، بر معصیت کار

رِزْقِكَ مَبْسُوطٌ لِّمَنْ عَصَاكَ

روزی تو برای کسی که تو را نافرمانی کرده، گسترده است. ۱۶/۴۶

گسترده‌گی رحمت خدا، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که رحمت را در آن گسترده ای. ۶۶/۴۷

گستری

از هم گسیختن صفات، نزد خدا

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَكَ التُّعُوتُ

و صفت ها نزد تو، از هم گسسته. ۷/۳۲

از هم گسیختن اوصاف، پیش از وصف خدا

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْمِكَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند. ۱۲/۴۶

گشایش

گشایش درهای علم به ربوبیت خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

ص : ۱۰۲۹

و سپاس خدای را که درهائی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود. ۱۰/۱

به هم پیوستن ابزار بسط و گشاد، در (بدن) بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست. ۲۰/۱

فرشتگان، آورندگان گشایش خوشایند

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ
الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرَّخَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرستادگان از فرشتگان، که بلائی
ناخوشایند و آسایش خوشایند به سوی اهل زمین می فرستی.

۱۷ و ۱۱ و ۳/۱۰

گشودن راه گفتاری نیکو، درباره فرشتگان

اللَّهُمَّ... فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

خدا و گشایش گره ناگواری ها

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ

ای کسی که گره های سختی ها به واسطه او باز می شود. ۱/۷

رفتن به سوی آسایش فرج و گشایش

وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود. ۱/۷

نبود گشاینده ای، برای آنچه خدا بسته

وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ

و برای آنچه بستی، گشاینده ای نیست.

۷/۷

نمود بستنده ای، برای آنچه خدا گشوده

وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحَتْ

و برای آنچه گشودی، بستنده ای نیست.

۷/۷

باز کردن در گشایش، برای بنده

وَ افْتَحْ لِي يَا رَبُّ بَابَ الْفَرْجِ بِطَوْلِكَ

و ای پروردگار من، به فضل خود در آسایش را به رویم بگشای. ۸/۷

گشایشی بی رنج

وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِيئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایش گوارا به

ص : ۱۰۳۰

گشایش در توبه

سُبْحَانَكَ، لَا أَيْسُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ

پاک و منزهی تو، از تو که در توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم. ۷/۱۲

وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ...

و درهای توبه ات را بر من بگشای. ۱۳۲/۴۷

سلامتی از سختی، با گشایش الهی

وَ اجْعَلْ... سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرَجِكَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده. ۶/۱۵

گشودن آنچه شیطان ببندد

اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَّدَ، وَ افْتَقْ مَا رَتَقَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن. و آنچه بست، بگشا. ۱۲/۱۷

گشایش دست بنده

وَ بَسِّعْكَ، فَأَبْسُطْ يَدِي

و به توانگری ات گشاده دستم گردان. ۴/۲۲

آرزو کردن گشایشی بهتر

وَ ارزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي

أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه

بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم. ۱۲/۲۲

گشایش دل بنده، برای مقاصد دینی

وَ اَشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي

و دلم را برای راه های مستقیم دینت بگشا.

۵/۲۳

بازداشتن دشمنان، از دست گشایی اشان بر مرزداران اسلام

وَ اقْبِضْ اَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسِطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار. ۵/۲۷

گشودن دیده هدایتِ جاهل به قدرت خدا و منکر فضلش

فَقَصَّرَ عَمَّا اَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا، وَ تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا. كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، اَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلِ اِحْسَانِكَ اِلَيْهِ حَتَّىٰ اِذَا
انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَىٰ، وَ تَفَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَىٰ... فَرَأَىٰ كَبِيرَ عَضْيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش، یا انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش. اما همین

ص : ۱۰۳۱

که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست.

۶/۳۱ و ۷

باز بودن دهان کژدم های دوزخ

وَ أَعْوَدُ بِكَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا

و از عقرب های آن که دهانشان گشوده است، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

قرآن، گشاینده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَّبَ الْغَفْلَةَ عَنَّا مِنْ تَصْفُحِ الْأَعْتَابِ نَاشِرًا

و قرآن را گشاینده پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. ۱۰/۴۲

روان گرداندن گشایش زندگانی، به سوی بندگان

وَ سُقِّ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ

و به وسیله آن (قرآن)، آسایش زندگی و توسعه روزی های فراوان را به سوی ما سوق بده.

۱۲/۴۲

گشایش دری به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ

تویی آنکه برای بندگان، دری به سوی بخشایشت گشوده ای. ۱۰/۴۵

گشایش در و به پا داشتن راهنما

فَمَا عُدْرٌ مَنْ أَعْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامِهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟! ۱۱/۴۵

نگشودن زبان طعنه زندگان، بر بندگان

وَلَا تَبْسُطُ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ

و زبان طعنه زندگان را در آن (ماه) بر ما نگشا.

۴۷/۴۵

گشایش در رحمت الهی، برای خواستاران

بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ

در تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

گشایشی در پایان (امور) بنده مغرور به کرم الهی

مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرْجِ

چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود! ۲۰/۴۶

گشایش دست خدا، به نیکی ها

سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ

پاک و منزهی! دستت را به نیکی ها گشوده ای.

۲۵/۴۷

ص: ۱۰۳۲

گشایشی آسان، برای ولیّ خدا

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا

و برای او پیروزی به آسانی بگشای. ۶۱/۴۷

دست گشایی ولیّ خدا، بر دشمنان

وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى اَعْدَائِكَ

و دستش را بر دشمنانت بگستر. ۶۳/۴۷

گشایش در روزی

وَ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ... رِزْقِكَ الْوَاسِعِ

و درهای روزی فراخت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

گشایش در رحمت و مهربانی خدا

وَ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ... رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ...

و درهای رحمت و رأفت را بر من بگشای.

۱۳۲/۴۷

گشایش، با آمرزش الهی

تَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ

به آمرزشت به من گشایش ده. ۸/۴۸

شتاب خدا، به گشایش

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ... وَ التَّائِيْدَ لَهُمْ

و در فرج و تأیید آنان، شتاب فرما. ۱۱/۴۸

بخشیدن گشایش به بندگان، از جانب خدا

وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا

تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را - ای خدای من - از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده. ۱۳/۴۸

گفتار سخن

گلو

برگرداندن مکر قصدبدکننده درباره بنده، در گلو گاهش

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي... وَرُدَّ كَيْدَهُ فِي نَخْرِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و فرییش را به گلو گاهش بازفرست.

۷/۲۳

حسود و گلوگیری خشمش

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... شَجِيَ مِنِّي بِغَيْظِهِ

و چه بسیار حسودی که سختی خشمش از من، گلویش را گرفت. ۹/۴۹

گلوگاه

رسیدن جان ها، به گلوگاه

هُوْنَ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ

ص: ۱۰۳۳

الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِي

به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی در پی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد. ۱۳/۴۲

گلوگیر

اندوه حسود، گلوگیر او

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِى بُغْضَتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد. ۹/۴۹

گله شکایت

گماشتن

گماشتگی فرشتگان، بر کوه ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا فرو نپاشد. ۱۵ و ۱۱ و ۱۰/۳

جهل بنده به کاری که فرشته به آن گماشته شده

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَ بِأَىِّ أَمْرٍ وَكَلَّمْتَهُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و هر (فرشته ای) که نامش را نبردیم و جایگاهش را در پیشگاه تو و مأموریتی که او را (به آن) بر گماشته ای، نمی دانیم. ۲۲ و ۱۱ و ۱۰/۳

گماشته شدن برای دوستی خدا

وَ اخْفَظْنَا... حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ... مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ

و ما را نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد و در جهت دوستی تو به کار برد. ۱۷/۶

و اداشتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به رساندن پیام الهی

حَمَلْتُهُ رِسَالَتَكَ فَأَدَّأَهَا

رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام داد. ۲۲/۶

به کار بستن سنت الهی

وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِـمَامِ عَنْ... اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ

و مرا به سبب غم و اندوه از انجام سنت خود بازمدار. ۹/۷

گماشته شدن به امری، جهت اصلاح نفس

اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلِكُ بِهِ مِنِّي

ص : ۱۰۳۴

خداوندا مرا - درباره (اصلاح) نفسم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری.

۱/۲۲

به کار بستن آموخته ها

وَوَفَّقْنِي لِلنُّفُودِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا به کار بستن آنچه به من آموختی، از دستم نرود. ۳/۲۴

و داشتن جنگجو یا مرزدار، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ شَحَدَهُ عَلَى جِهَادٍ... فَأَجْرُ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْزَنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. ۱۶/۲۷

و ادار نمودن فرمانبر بر امری، و پاداش او

وَ لَوْ كَافَاتِ الْمُطِيعِ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقَدَ ثَوَابَكَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد. ۱۲/۳۷

گماشتن اسبابی، برای سیدن به آمرزش الهی

لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَيَّ مَغْفِرَتَكَ

از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آمرزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

گماشتن رحمت خدا، به برداشتن بار گران بنده

وَ وَكَلْ رَحْمَتَكَ بِاِحْتِمَالِ إِضْرِي

و رحمتت را به تحمل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

و اداشتن اطاعت کنندگان، به اموری

وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَىٰ مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ

و دلم را به سوی آنچه اطاعت کنندگان را به آن گماشته ای، متوجه ساز. ۹۲/۴۷

ستمگر و گماشتن مراقبت خود، بر بنده

كَمْ مِنْ بَٰغٍ... وَكَلَّ بِي تَفَقَّدَ رِعَايَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت. ۷/۴۹

بندگان خواستار گماشته شدن به:

أ. آنچه سالم تر است

ص: ۱۰۳۵

وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمٌ

و مرا به آنچه سالم تر است، بگمار.

۱۳/۱۴

ب. آنچه خدا از آن بازپرسی می نماید

وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدًّا عَنْهُ

و مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. ۳/۲۰

ج. کار پسندیده تر نزد خدا

وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى

و مرا به پسندیده ترین رفتار وادار.

۱۶/۲۰

د. نیکی در کارها

وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ

و مرا به نیکی در کارهایی که به آن قیام می نمایم، بگمار. ۲۲/۲۰

ه. اطاعت از خدا

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ

و مرا در روزهای مهلتِ عمرم، به طاعت خود بگمار. ۲۹/۲۰

و. آنچه خدا الهام کند

ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ

...آنگاه مرا به آنچه به من الهام می کنی،

وادار. ۳/۲۴

ز. آنچه سبب کفاره گناهان شود

وَ اسْتَغْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَ كَفَّارَةً لِّمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ

و به مهربانی ات که نابود نمی شود، ما را در این (ماه) به کاری که سبب فروریختن و کفاره کارهایی می شود که بر ما نمی پسندی، بگمار. ۴۷/۴۵

ح. آنچه خدا دوستانش را به آن بگمارد

وَ اسْتَغْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ

و مرا به آنچه دوستانت را به آن می گماری، وادار کن. ۱۳۰/۴۷

ط. رها نکردن چیزی از دین خدا

اسْتَغْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم. ۶/۵۴

آنچه بندگان خواستار گماشتگی اندامشان به آنند:

أ. آنچه خدا از بنده می پذیرد

وَ اسْتَغْمِلْ بَدَنِي فِيَمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي

ص: ۱۰۳۶

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر. ۹/۲۱

ب. انجام خوشنودسازنده خدا، در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتَعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ...

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. ۶/۴۴

گمان

تفضل خدا و گمان نیک بردن به او

يَخْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلِكَ عَلَيَّ مَنْ... وَقَدْ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ

و اداری می کند مرا به درخواست از تو، تفضل تو به آنکه با گمان نیک به سوی تو آید. ۳/۱۲

حاجت خواستن از جای بی گمان

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواید، مسلماً نیازمندی اش را از جایگاهی بی گمان طلب کرده. ۱۳/۱۳

گمان بد نبردن به والدین

فَإِنِّي لَا أَتَّهْمُهُمَا عَلَى نَفْسِي

زیرا من درباره خود، به آنان گمان بد نمی برم.

۹/۲۴

خوش گمانی نسبت به همسایگان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... اسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که درباره همه آنان، به خوش گمانی رفتار کنم. ۳/۲۶

بدگمانی در روزی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی، آزمودی. ۱/۲۹

دردست گیرنده مهار بنده، در بدگمانی

قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عَيْنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ...

شیطان افسار مرا در بدگمانی به دست گرفت.

۲۷/۳۲

گمان پست بودن فقیر

وَ اعْصَمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِدِي عَدَمِ خَسَاسَةٍ

و مرا از اینکه به فقیری گمان پستی برم، حفظ فرما. ۴/۳۵

گمان برتر بودن ثروتمند

ص: ۱۰۳۷

وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ تَزْوِهِ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. ۴/۳۵

گمان نیک به خدا و طلب قرب او

وَ إِنِّي وَ إِن لَمْ أَقْدُمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ... وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس باز گشت به سوی تو و خوش گمانی به تو را، در پی آن روانه ساخته ام. ۷۳ و ۷۲/۴۷

به حقیقت پیوستن گمان های نیک

وَ كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

گمراهی

(ناسپاسان)، گمراه تر از چهارپایان

...وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.» ۹/۱

راهنمایی خدا و گمراهی گمراه کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ

خداوندا هر که را تو راهنمایی نمودی، گمراهی گمراه کنندگان او را گمراه نکرد. ۱۲/۵

توفیق راهنمایی گمراه

وَفَقَّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ

در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و راهنمایی گمراهان، توفیق ده. ۱۸/۶

طمع شیطان، در گمراه نمودن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت طمع کند، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷ و ۲

رستگاری در برابر گمراهی

ص : ۱۰۳۸

وَ أَمْتَعْنَا مِنَ الْهُدَىٰ بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

و ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان. ۵/۱۷

توشه تقوا و گمراهی شیطان

وَ زُوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَىٰ ضِدًّا غَوَايَتِهِ

و بر ضد گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده. ۵/۱۷

سبب گمراه نشدن بنده

وَ لَا أَضِلُّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّنْتُكَ هِدَايَتِي

و (چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایتم کنی. ۱۴/۲۰

احسانِ راهنمایی به بنده، قبل از گمراهی

فَأَمُنْ عَلَيَّ... قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ

پس پیش از گمراهی، با راهنمایی بر من منت گذار. ۲۰/۲۰

گمراه نساختن بنده، به توانگری

وَ لَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ

و به توانگری گمراهم مکن. ۲۲/۲۰

گمراهی، نتیجه مکر نمودن شیطان با بنده

وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا

و اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند. ۷/۲۵

مرزداران اسلام و دارایی گمراه کننده

وَ أَمْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن. ۴/۲۷

گمراه نمودن دشمنان مرزداران اسلام

وَ ضَلَّلَهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ

و از هدفشان گمراهشان نما. ۵/۲۷

گمراهی خرد، علّت درخواست نیازمند از نیازمند

وَ رَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُمْسِكِ إِلَى الْمُمْسِكِ... ضَلَّ مِنْ عَقْلِهِ

و دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از گمراهی خرد است. ۵/۲۸

گمراهی اوصاف، درباره خدا

ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ

اوصاف در تو گمراه گشته. ۷/۳۲

مهلت خواهی شیطان برای گمراه نمودن بنده

وَ قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِعَوَائِي فَأَنْظَرْتَهُ

و دشمن تو که برای بیراهه بردن من از تو فرصت خواست، پس فرصتش دادی، بر من چیره

ص : ۱۰۳۹

شده است. ۱۲/۳۲

شیطان و گمراه کردن بنده

وَ اسْتَمَّهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمَّهَلْتُهُ

و برای گمراه کردنم از تو - تا روز جزا - مهلت طلبید، پس مهلتش دادی. ۱۲/۳۲

گم نکردن مهربانی خدا

لَا أَعْدَمُ بَرَكَك

نیکی ات از دستم نمی رود. ۲۶/۳۲

گمراه نگشتن از راه خدا

وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نمی شد. ۹/۳۷

مردن در حال گمراه نبودن

أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ

ما را ره یافتگانِ ناگمراه، بمیران. ۵/۴۰

عامل راه یابی در تاریکی های گمراهی

وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ

و آن (قرآن) را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی

ره یابیم. ۳/۴۲

قصد کردن روش قرآن و گمراه نشدن

وَ جَعَلْتَهُ... عَلِمَ نَجَاهٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ

و آن را نشانه نجاتی قرار دادی که هر کس قصد راه و روش آن کند، گمراه نمی شود. ۳/۴۲

در توبه و گمراه نشدن بنده از آن

وَجَعَلْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِنَّا يَضِلُّوا عَنْهُ

و بر آن در از وحی خود، راهنمایی قرار داده ای تا از آن گمراه نشوند. ۱۰/۴۵

دشمن گمراه کننده

وَحُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي

و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، جدایی انداز. ۹۹/۴۷

دستگیری بنده، از وحشت گمراهان

وَلَا تَزِمِ بِي رَهْمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ... وَهَلِهِ الْمُتَعَسِّفِينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از وحشت گمراهان، دستم را بگیر (نجاتم

ده). ۱۰۴/۴۷

بنده را سبب گمراهی قرار ندادن

وَلَا تَجْعَلْنِي... فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ

ص : ۱۰۴۰

و مرا موجب گمراهی بینندگان، قرار نده.

۱۲۴/۴۷

خواهش نفس و گمراهی بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَ آلَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَفَتَنَهُ الْهَوَى

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته، و خواهش نفس او را گمراه نموده است.

۸/۵۲ و ۹

آزمایش های گمراه کننده

نَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ

مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده.

۸/۵۴

گم شدن فقدان

گناه خطا و نیز نافرمانی

بدی مفارقت از روز، با ارتکاب گناه

وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ

و از بدی جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن. ۱۳/۶

توبه پذیرفته شده و سرزنش نشدن بعد از آن، به خاطر گناه

وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا. تَوْبَهُ مَقْبُولَهُ لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ

و پایان آنچه نویسنندگان کارهایمان برای ما می شمارند، توبه پذیرفته شده قرار ده که ما را پس از آن بر گناه انجام شده

توبیخ نکنی. ۳/۱۱

گذشت از گناه بزرگ

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٌ بِأَنَّ... التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضَعِبُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند در گذشتن از معصیت بسیار، بر تو دشوار نیست. ۱۲/۱۲ و ۱۳

چشم پوشی خدا، از جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٌ بِأَنَّ... احْتِمَالَ الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۲/۱۲ و ۱۳

جلوه دادن لغزش گنهکاران، توسط نفس

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ... سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ... وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ

ص : ۱۰۴۱

الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَهُ مِنْ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران و افتادنی از افتادن های گناهکاران است. ۱۵/۱۳

فریادرسی جستن گنهکاران

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند. ۱/۱۶

به سر رسیدن عمر، با گناه

وَ أَنَا الَّذِي أَفْتَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ

و منم آنکه گناهان عمرش را به فنا داده.

۱۴/۱۶

اصلاح کار گنهکاران

وَ إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَّحَ أَمْرُ الْمُذْنِبِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست

۲۸/۱۶ -

باریک گشتن گردن بنده، از گناهان

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَّتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را

باریک نموده. ۲۹/۱۶

منت قرار ندادن بر بنده، از جانب گنهکار

وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْهُ

و برای بدکار و کافر، بر من منت قرار نده.

شیطان و دلیر نمودن بنده، بر (انجام) گناه

إِنَّ هَمَمَنَا بِفَاحِشِهِ شَجَعَنَا عَلَيْهَا

اگر گناه بزرگی را قصد کنیم، (شیطان) ما را بر آن دلیر گرداند. ۷/۲۵

نگه داشته شدگان از گناه

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالرَّزْلِ وَالْخَطَا بِتَقْوَاكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱

فاصله ای میان بنده و گناه

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَحَالِّ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده.

۱۰/۲۵ و ۱۱

بازیچه شدن در دست های گناهان

هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ

ص: ۱۰۴۲

این مقام کسی است که بازیچه دست های گناهان گردیده. ۶/۳۱

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، نزد خدا

...لَأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

...زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست. ۱۰/۳۱

افتادن نگاه های گناهان

وَازْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي

و مرا از افتادن نگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام. ۱۲/۳۱

توبه نمودن از گناهان کوچک و بزرگ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَائِرِ ذُنُوبِي وَصَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاہت توبه می کنم. ۱۴/۳۱

توبه شکستن و بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ... عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَخَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاہت توبه نمود ولی در علم پنهانت، بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم. ۲۰/۳۱

استغفار و فروریختن گناهان

وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

و اگر درخواست آمرزش سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

پذیرش توبه گنهکاران

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَيَّ الْمُذْنِبِينَ

همانا تو توبه گنهکاران را می پذیری.

۲۹/۳۱

دوری نکردن از گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ كُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از هر گناهی که برایم پیش آمد، پس از آن دوری نکردم.

۱/۳۸

حرص ورزیدن به گناه

وَازُو حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَأْثَمٍ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن. ۱/۳۹

گناهان سنگین بارکننده

وَاسْتَحْمِلْكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ

ص: ۱۰۴۳

و از تو می خواهیم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد. ۸/۳۹

رهایی از منجلابِ گنهکاران

وَ اجْعَلْنِي اُسْوَةً مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمَمِّ - جَرْمِينِ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی. ۱۰/۳۹

نامید نگشتن گنهکاران، از خدا

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلُ أَنْ... لَا يَبْتَاسُ مِنْكَ الْمَمُّ - جَرْمُونِ

و اما تو ای خدای من، پس شایسته ای که گنهکاران از تو مأیوس نگردند. ۱۳/۳۹

عامل شستن وابستگی به گناه

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرْنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان و وابستگی های گناهانمان را بشوی. ۱۱/۴۲

رسوا نشدن با گناهان تباه سازنده

وَ لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضران قیامت، رسوا نکن. ۱۴/۴۲

چرکین نشدن رمضان، به وسیله گناهان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِمَالًا... طَهَارَهُ لَا تُدْنِسُهَا الْآثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

حفظ بندگان از گناه، در هر ماه نو

وَ اعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْتِ، وَ احْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرِهِ مَعْصِيَتِكَ

و ما را در آن (ماه) از گناه حفظ کن و ما را در آن از انجام دادن نافرمانی ات نگهدار. ۶/۴۳

کردارهای پاکیزه و پاک شدن از گناه

و وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن (ماه) با اعمال شایسته به سوی تو تقرب می جوئیم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی.

۱۱ و ۱۰/۴۴

رمضان، محوکننده گناهان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ

درود بر تو. چه محوکننده بودی، گناهان را!!

۳۱/۴۵

طولانی بودن ماه رمضان، بر گنهکاران

ص : ۱۰۴۴

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُنَجْرِمِينَ

درود بر تو. چه طولانی بودی، بر گناهکاران!

۳۲/۴۵

ارتکاب گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَاقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما درگذر. ۴۷/۴۵

عید فطر، نابود کننده ترین روزها برای گناه

وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا... أَمْحَاهُ لِذَنْبٍ

و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که محو کننده ترین آن، برای گناه باشد. ۴۸/۴۵

عید فطر و آمرزش گناه

وَ اغْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

و گناهان پنهان و آشکار ما را ببامرز.

۴۸/۴۵

پرهیز از گناه، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ

مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حقّ پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

توبه بندگان از هر گناهی، در روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ... تَوْبَهُ مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَيَّ رُجُوعٍ إِلَيَّ ذَنْبٍ

خداوندا ما در روزِ فطرمان، از هر گناهی که آن را مرتکب شده ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که بازگشتن به گناه را در دل ندارد.

۵۲/۴۵

زیر بار گناهان بزرگ رفتن

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ

اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهایی که زیر بار آن رفته ام. ۶۹/۴۷

عطای ستر و پوشش، به گناهکار

فَعُدُّ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ - عَلَيَّ مَنِ افْتَرَفَ - مِنْ تَعَمُّدِكَ

پس بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن. ۷۰/۴۷

بنده، گنهکار درباره خود

أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِي

ص: ۱۰۴۵

منم گنهکار بر خود. ۸۲/۴۷

رسوایی های گناهان

أَشْعِرُ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ... فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ

دلم را به خودداری از نافرمانی های رسواکننده بیوشان. ۱۰۷/۴۷

گرفتار شدن به گناهان بزرگ

وَهَبْ لِي عِصْمَةً... تَفَكِّنِي مِنْ أَسْرِ الْعَظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد. ۱۱۱/۴۷

شکیبایی کیفرکننده گناه

تَغْمَدُنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ... الْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَا تُهُ

مراد در آنچه بر آن از من آگاهی بیوشان، آنگونه که می پوشاند کیفرکننده بر گناه، (که) اگر شکیبایی اش نبود (کیفر می

داد). ۱۱۹/۴۷

عامل باقی نماندن گناهان بنده

و تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری. ۱۲۶/۴۷

نسنجیدن بنده، با گناهان بزرگ

وَ لَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسْنَج. ۱۲۹/۴۷

رحمت خدا و گناهان بنده

إِنِّي... لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي

همانا آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر است. ۴/۴۸

ایستادگی خطاکار، بر گناه

ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

سپس اصرار بسیار آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازداشت. ۷/۴۸

اقرار بنده به گناه

أَتَيْتَكَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. ۷/۴۸

اللَّهُمَّ إِنِّي أُصْبِحُ وَأُمْسِي... مُعْتَرِفًا بِذُنُوبِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناهم اعتراف دارم.

۷/۵۲

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذُنُوبِي

زیرا من به گناه خود، اقرار داشته ام. ۴/۵۳

گناهان گذشته

وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي

ص : ۱۰۴۶

و برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم. ۲۶/۴۸

خدا، آمرزنده همه گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

عدم کاهش پادشاهی خداوند، با نافرمانی گنهکاران

لَكِنْ... مَلِكِكَ أَذْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد. ۶/۵۰

بی گناهی و عذرآوری

أَسْأَلُكَ أَنْ... تَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ لِي بَرِيئًا فَأَعْتَدِرَ

از تو می خواهم که بیامرزی ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم. ۷/۵۱

گناهان تباه سازنده بنده

وَ أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم. ۸/۵۱

هلاک نمودن بنده، با گناهانش

وَلَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي

و به گناهم مرا هلاک نمودی. ۱۱/۵۱

علم خدا به گناهان بنده

وَ اغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي

و گناهیانی را که از من می دانی، بیامرز.

عذاب نمودن بنده و اقرار او بر گنهکاری

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا الظَّالِمُ... الأَثِمُ...

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار و گنهکارم. ۱۴/۵۱

بسیار دانستن گناه

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَآلَ مَنْ اسْتَكْتَرُ ذُنُوبَهُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته است. ۸/۵۲ و ۹/۵۲

خاموش گشتن بنده، با گناهانش

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

جایگاه خواران گناهکار

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّةِ الْمُذْنِبِينَ

خود را در جایگاه خواران گناهکار واداشته ام.

۲/۵۳

ص: ۱۰۴۷

درخواست مرتکب گناهان، از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَ آلٍ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ... وَ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و گناهانش بسیار است. ۳/۵۴

گنجایش

گنجیدن همه آفریدگان، در قدرت خدا

وَ أَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ

و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند. ۱۰/۱۶

انجام واجبات و عدم گنجایش دارایی

وَ اقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ... وَ إِنِّي... لَمْ يَسْعُهُ مَالِي وَ لَا ذَاتُ يَدِي

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه ثروت و دارایی ام گنجایش آن را نداشته باشد. ۶/۲۲

گنجینه

خزانه داران باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ

قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ... خُرَّانِ الْمَطَرِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باراند. ۱۳ و ۱۱ و ۳/۱۰

زاممداران خزانه های بادها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الْقَوْمِ عَلَى خَرَائِنِ الرِّيَّاحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و زاممداران بر گنجینه بادها. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

نابود نشدن گنجینه های رحمت الهی

وَ يَا مَنْ لَا تَفْنَى خَرَائِنُ رَحْمَتِهِ

و ای کسی که گنج های رحمت او نابود نمی شود. ۳/۵

عدم نابودی گنجینه های الهی، با خواهش بندگان

وَايَا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ

و ای آنکه درخواست ها، گنجینه های او را فانی نمی سازد. ۷/۱۳

همیشگی بودن گنجینه های الهی

مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِيهِ فَاذْخَرُهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيهِ

ص : ۱۰۴۸

آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

کالای دنیا و گنجینه های خداوند

وَمَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ...

و آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

گنجینه داران قرآن

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَعَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست. ۶/۴۲

کم نشدن گنجینه های الهی

إِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد. ۵۰/۴۵

خزانه داران علم خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را گنجینه داران علمت قرار

دادی. ۵۶/۴۷

گنگی

لال گرداندن زبان قصد بد دارنده درباره بنده

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا زبانش را درباره من لال

کنی. ۷/۲۳

عامل گنگ کننده زبان ها، از فرو رفتن در باطل

وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.

۱۰/۴۲

گوارایی

رحمت و گشایشی گوارا و بی رنج

و هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَيِّئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایش گوارا به من بیخس. ۸/۷

تندرستی و گوارایی روزی های پاکیزه

ص : ۱۰۴۹

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَوْ قَتَّ الصَّحَّةَ الَّتِي هَنَّا تَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ... أَمْ وَقَتُّ الْعِلَّةِ الَّتِي مَخَّصْتَنِي بِهَا

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟ ۴-۲/۱۵

ابری متراکم و گوارا

وَ انشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تَوَسَّعْ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا هَنِيئًا

و رحمتت را با باران فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، گوارا. ۳ و ۱/۱۹

گوارایی فرمانبری از والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدِي وَ بَرِي بِهِمَا... أَتَلَجِ لَصَدْرِي مِنْ شَرِّبِهِ الظُّمآنِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. ۲۴/۵

گوارایی بخشش الهی

إِنَّ عَطَاءَكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهَنَّا

به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

۵۰/۴۵

گواهی

جایگاه گواهان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُشْرَفُ بِهِ مَنَازِلُنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

و سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۰/۱ و ۱۲

گواهی دادن مقربان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

و سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها(ی بهشتی) بالا رود، «در کتاب نوشته شده ای که مقربان الهی گواه آیند».

۱۳ و ۱۰/۱

گواه قرار دادن (ائمه علیهم السلام)، بر منکران

وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ مَنْ جَحَدَ

و ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گردانند. ۲/۲

قیامت، روز آمدن هر کس با گواهِش

ص : ۱۰۵۰

...يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ

...روزی که هر شخص با راننده ای و گواهی (از فرشتگان) بیاید. ۲۴/۳

هر روز نو، گواه آماده ای بر بندگان

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ

و این روزی نو و تازه و گواهی حاضر بر ماست. ۱۲/۶

گواه راستینی از فرشتگان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... شَاهِدًا صَادِقًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، گواه صادقی از فرشتگان قرار ده.

۱۶/۶

گواه گرفتن خداوند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است. ۲۱/۶

گواه گرفتن آسمان و زمین و ساکنان آنها

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا...

و آسمان و زمین و آنچه در آن دو جای دادی را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

گواهی بنده

أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست و محمد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین

آفریدگان است. ۲۲ و ۲۱/۶

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود. ۱/۳۵

گواهان قیامت

وَلَا تَكْشِفُ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار زن. ۴/۱۱

بی نیازی خدا، به گواهی شاهدان

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ

و ای کسی که در سرگذشت های ایشان از گواهی شهادت دهندگان بی نیاز است. ۲/۱۴

شگفت بنده از گواهی خود

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَي نَفْسِي

پاک و منزهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. ۲۵/۱۶

گواهی دهنده به پروردگاری خداوند

ص : ۱۰۵۱

اللَّهُمَّ وَاعْمَمِ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

گواهی باطل و تبدیل آن به حمد الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا گواهی نادرست، سپاس برای خودت را قرار

ده. ۱۳/۲۰

گواهی بنده، درباره خود

...أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي

...بر خود، به این مطلب گواهی می دهم.

۷/۲۱

گواه نگرفتن روزی، به روزه گرفتن

و لَأَسْتَشْهَدُ عَلَى صِيَامِي نَهَارًا

و روزی را بر روزه داری ام شاهد نمی گیرم.

۱۷/۳۲

گواه بودن آفریدگان، بر تفضل الهی

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ... شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَّفَضِّلٌ عَلَيَّ مِنْ عَافِيَتِ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای. ۸/۳۷

گواه بودن قرآن، بر هر کتاب نازل شده

وَجَعَلْتَهُ مُهَيِّمًا عَلَيَّ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ

و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای، گواه قرار دادی. ۱/۴۲

گواهان و نور قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَّا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی قرار دادی که برهانش از (دید) شاهدان، خاموش نمی شود. ۳/۴۲

گواه بودن قرآن، بر حلال و حرام

وَ اَعْصَمْنَا بِهِ مِنْ هُوِّ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال

دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد. ۱۲/۴۲

سبب گواهی ندادن روز و شب ماه رمضان علیه بنده

وَ اَعْنَا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ التَّضَرُّعِ اِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ، وَ الذَّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَّا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا
بِغَفْلَةٍ، وَ لَّا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ

و ما را در روزش به روزه داری آن و در شبش بر نماز و زاری به درگاہت و خشوع برای تو و

ص : ۱۰۵۲

خواری در پیشگاهت، یاری نما. تا روزش بر ما به غفلت و شیش به کوتاهی نمودن گواهی ندهد.

۱۷/۴۴

گواهی بنده، به تَضییع و تباه ساختن

هَذَا مَقَامٍ مِّنْ اعْتِرَافٍ بِسُبُوغِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده است. ۱۵/۴۹

گودال

نگه داشتن بندگان، از گودال کفر

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ...

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر نگهدار. ۱۲/۴۲

سبب نگونسار کردن ستمگر، در گودال

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ دَعَلَّ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ

پس همین که - ای خدای مبارک و والای من - تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کنده بود)، سرنگون نمودی. و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی.

۸/۴۹

گور قبر

گوش

رسیدن برهان رسالت، به گوش یاران محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ... اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنان که هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند... ۳/۴

کر ساختن گوش قصدبدکننده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُصِمَّ عَن ذِكْرِي سَمْعُهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گوشش را از (شنیدن) یاد من، کر سازی.

۷/۲۳و۸

مانعی در برابر گوش ناظران

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا... رَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما مانعی در برابر گوش هایشان قرار داد. ۲/۳۴

گوش ندادن به سخن بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَن مَعَاصِيكَ، وَ

ص: ۱۰۵۳

اسْتَعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُضْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم. ۶/۴۴

سخن خدا و فراگیری گوش ها

وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ... عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانیدی، گوش هایشان آن را فرامی گرفت.

۱۴/۴۵

گوشت

گرداندن (جنین از حالت) خون بسته شده، به پاره ای گوشت

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتْ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمًا

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خون بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی. ۲۳/۳۲

به گوشت پوشاندن استخوان جنین

تُصَيِّرُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ... كَمَا نَعَتْ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتُ الْعِظَامَ لَحْمًا

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خون بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشانیدی. ۲۳/۳۲

گوناگون

انواع آشامیدنی ها، در جوی های بهشتی

وَ لَوْحٌ مِنْهَا لِلْبَصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرَدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان
نمایان ساز. ۴/۲۷

میوه های گوناگون درختان بهشتی

و لَوْحٍ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أُعِدَّتْ فِيهَا مِنْ... الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان
نمایان ساز. ۴/۲۷

ص : ۱۰۵۴

گونه‌گونی حالات هر کس، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاكَ... مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ

و غیر تو، در حالاتش گونه‌گون می باشد.

۱۱/۲۸

گونه

غرق شدن گونه‌ها در اشک‌ها

وَ غَرَّقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و دو گونه اش غرق اشک شده، تو را صدا می زند: ای مهربان‌ترین مهربانان. ۹/۱۲

گیاه

روان بودن ابرها، برای رویاندن گیاه

وَ أَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بَغِيثِكَ الْمَغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ، الْمُوْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

و رحمتت را با باران فراوان از ابری که برای رویاندن گیاه چشم‌انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران. ۱/۱۹

گیجی سرگردانی

ص : ۱۰۵۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

